



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حضرت ابوطالب عليه السلام

قهرمان

ایمان و فداکاری

به قلم

جمعی از فضلا و محققین

حوزة علمیة اصفهان

به اهتمام سروده های شعرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت ابوطالب علیه السلام ، قهرمان ایمان و فداکاری

نویسنده:

جمعی از محققان و پژوهشگران حوزه علمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	حضرت ابوطالب علیه السلام ، قهرمان ایمان و فداکاری
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۶	« اهداء »
۱۸	زیارت حضرت ابوطالب (علیه السلام)
۱۹	فهرست مطالب
۶۲	پیشگفتار
۶۵	بخش اول: زندگی حضرت ابوطالب (علیه السلام)
۶۵	۱- ولادت ، نام ، کنیه ، لقب
۶۷	۲- پدر و مادر
۶۸	۳- برادران و خواهران
۶۸	۴- دوران رشد و تربیت
۶۹	۵- ایمان و باورهای اعتقادی
۷۱	۶- سیادت و بزرگی مکه
۷۱	۷- سخاوت و مقام سقایت مکه
۷۲	۸- احیاگر ارزشها و شعائر الهی
۷۳	۹- همسر گرانقدر حضرت ابوطالب (علیه السلام)
۷۵	۱۰- فرزندان حضرت ابوطالب (علیه السلام)
۷۶	بخش دوم: حمایت و حفاظت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قبل از رسالت
۷۶	۱- وصیت عبدالمطلب به حضرت ابوطالب (علیه السلام)
۷۹	۲- کیفیت وصیت از قول فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها)
۸۰	۳- حضرت ابوطالب (علیه السلام) آینده‌ی تمام نمای پدر
۸۱	۴- حضرت ابوطالب (علیه السلام) سقایت الحجاج

- ۵- نزول باران به دعای ابوطالب (علیه السلام) ۸۲
- ۶- حضرت ابوطالب (علیه السلام) و ماجرای ولادت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ۸۴
- بخش سوم: حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در زمان رسالت ۹۰
- ۱- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در آغاز رسالت ۹۰
- ۲- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مهمانی تاریخی ۹۲
- ۳- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) در مورد ایمان به اسلام ۹۳
- ۴- توصیه حضرت ابوطالب به امام علی (علیه السلام) در ملازمت با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۹۵
- ۵- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به جعفر طیار در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۹۶
- ۶- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به حمزه سیدالشهدا در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۹۷
- ۷- سرزنش حضرت ابوطالب (علیه السلام) از ابوالهب در حمایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۹۷
- بخش چهارم: جهاد و تلاش حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۹۹
- اشاره ۹۹
- ۱- شدیدترین تصمیم حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۱۰۰
- ۲- پیشنهاد خنده آور کفار به حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۰۲
- ۳- شکایت قریش و قاطعیت حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۰۳
- ۴- دفاع حضرت ابوطالب (علیه السلام) از عثمان بن مظعون ۱۰۵
- ۵- خنثی کردن توطئه شورای مشرکان ۱۰۶
- ۶- نقش حضرت ابوطالب (علیه السلام) در اسلام پادشاه حبشه و مهاجرت مسلمانان ۱۰۸
- ۷- ماجرای شعب ۱۱۱
- ۸- اوج فداکاری حضرت ابوطالب (علیه السلام) و لغو پیمان نامه قریش ۱۱۴
- ۹- تدابیر حضرت ابوطالب (علیه السلام) توسط امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۱۶
- ۱۰- تحریک ابولهب برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) توسط ابوطالب (علیه السلام) ۱۱۹
- ۱۱- طراحی حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای پیشگیری از عوامل نفوذی ۱۲۱
- بخش پنجم: دلایل ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۲۵
- اشاره ۱۲۵
- ۱- اصالت و پاکی خانوادگی پیامبر و حضرت علی (علیه السلام) ۱۲۷

- ۲- گفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۲۸
- ۳- گفتار بزرگان و صحابه درباره ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۲۹
- ۴- مشاهدات حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۳۱
- ۵- خطبه حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۳۵
- ۶- اشعار حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۳۷
- ۷- چرا حضرت ابوطالب (علیه السلام) تکفیر می شود ۱۳۸
- بخش ششم: وصیت و ارتحال حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۴۰
- ۱- وصیت حضرت ابوطالب (علیه السلام) به قریش و بستگان ۱۴۰
- ۲- وداع حضرت ابوطالب با دنیا و تأثر پیامبر و علی (علیهما السلام) ۱۴۳
- ۳- رحلت ، مزار شریف ۱۴۴
- ۴- فقدان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و پیام جبرئیل ۱۴۵
- بخش هفتم: حضرت ابوطالب (علیه السلام) در کلام معصومین (علیهم السلام) ۱۴۷
- ۱- تجلیل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار بدن مطهر ابوطالب (علیه السلام) ۱۴۷
- ۲- شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در قیامت به احترام ابوطالب (علیه السلام) ۱۴۸
- ۳- محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به احترام حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۴۹
- ۴- آرزوی بهترینها برای حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۴۹
- ۵- رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۵۰
- ۶- توسل به ابوطالب (علیه السلام) برای برآورده شدن حاجت ۱۵۰
- ۷- توصیه به بیان و تعلیم اشعار ابوطالب (علیه السلام) ۱۵۰
- ۸- درخواست معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و تصدیق آن حضرت ۱۵۱
- ۹- شادمانی ابوطالب (علیه السلام) از نماز فرزندانش در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۱۵۱
- ۱۰- حضرت ابوطالب (علیه السلام) همیشه موحد و خداپرست بود ۱۵۲
- ۱۱- دفاع امیرالمومنین (علیه السلام) از ایمان ابوطالب (علیه السلام) ۱۵۴
- ۱۲- ابوطالب (علیه السلام) برای یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان خود را مخفی نمود ۱۵۴
- ۱۳- دفاع از بنی هاشم ، علت کتمان ایمان ابوطالب (علیه السلام) ۱۵۵
- ۱۴- ایمان آوردن حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۵۵

- ۱۵ - روشنی چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به برکت ایمان ابوطالب (علیه السلام) ----- ۱۵۶
- ۱۶ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بر ایمان همه مردم برتری دارد ----- ۱۵۶
- ۱۷ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همانند اصحاب کهف بود ----- ۱۵۷
- ۱۸ - ابوطالب (علیه السلام) مانند مومن آل فرعون بود ----- ۱۵۷
- ۱۹ - بشارت به بهشت قبل از رحلت ابوطالب (علیه السلام) ----- ۱۵۸
- ۲۰ - آتش جهنم سزای تردید در ایمان ابوطالب (علیه السلام) است ----- ۱۵۸
- ۲۱ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، تردید ناپذیر است ----- ۱۵۹
- ۲۲ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همنشین انبیاء و صدیقین است ----- ۱۵۹
- ۲۳ - خداوند آتش را بر حضرت ابوطالب (علیه السلام) حرام ساخته است ----- ۱۶۰
- ۲۴ - تداوم همسری فاطمه بنت اسد ، دلیل ایمان ابوطالب (علیه السلام) ----- ۱۶۰
- ۲۵ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در سخنان او ----- ۱۶۱
- ۲۶ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در اشعار او ----- ۱۶۱
- ۲۷ - ابوطالب (علیه السلام) حامل وصایای الهی ----- ۱۶۲
- ۲۸ - خبر دادن از ولادت حضرت علی (علیه السلام) ----- ۱۶۲
- ۲۹ - خبر دادن از امامت حضرت علی (علیه السلام) ----- ۱۶۳
- ۳۰ - خبر دادن از نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ----- ۱۶۳
- ۳۱ - حمایت همه جانبه ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ----- ۱۶۵
- ۳۲ - پشتیبانی قاطع از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ----- ۱۶۶
- بخش هشتم: سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ----- ۱۶۷
- سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ----- ۱۶۷
- ۱ - مَهَاجِرٌ مَوْلَى بَنِي نُوْفَلٍ مِی گوید : از حضرت ابوطالب (علیه السلام) شنیدم که می فرمود : ----- ۱۶۷
- ۲ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) فرمود : محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) فرزند برادرم که بخدا سوگند بسیار راستگو است ----- ۱۶۸
- ۳ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) فرمود : از فرزند برادرم که امین است شنیدم که فرمود : ----- ۱۶۸
- ۴ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) در آخرین ساعات عمر پربرکت خود فرزندان عبدالمطلب (علیه السلام) را فراخواند و فرمود : ----- ۱۶۹
- بخش نهم : کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام) ----- ۱۷۰
- کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام) ----- ۱۷۰

- حضرت ابوطالب (علیه السلام) در آئینه کتاب - ۱۷۰
- تاریخچه - ۱۷۱
- کتابشناسی حضرت ابوطالب (علیه السلام) - ۱۷۲
- آثار و برکات کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام) - ۱۷۳
- مقدمه - ۱۷۳
- الف - کتابها: - ۱۷۵
- ب - مقالات: - ۲۱۳
- ج - بخشهایی از کتب مفصل - ۲۱۸
- بخش دهم: سروده های شعراء درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام) - ۲۱۹
- پیشگفتار - ۲۱۹
- ۱- بی قرین مرد تقوا / محمد آتشی (آتشی) - ۲۲۳
- ۲- سپر نبی اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) / مهدی مددی (آثم همدانی) - ۲۳۰
- ۳- رباعی / سید مصطفی آرنگ - ۲۳۴
- ۴- شجر پاک / سیف الله آزاد روشن (آزاد) - ۲۳۶
- ۵- حضرت ابوطالب (علیه السلام) و همسرش جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) - ۲۴۰
- ۶- رباعی / سید علی احمدی (از خمینی شهر) - ۲۴۴
- ۷- ابوطالب (علیه السلام) از صلب انبیاء / اکبر افشار زاده (افشار) - ۲۴۶
- ۸- حامی پیک و پیام / مرتضی امیری اسفندقه - ۲۵۰
- ۹- شجاعتش بی مثل / مهدی انصاری - ۲۵۴
- ۱۰- رأیت دین / دکتر سید امیر محمود انور - ۲۶۱
- ۱۱- حضرت ابوطالب (علیه السلام) / حاج امیر ایزدی همدانی (ایزدی) - ۲۶۲
- ۱۲- السلام علیک یا ابوالانمہ الطاهرین / سید محمد حسین شریعت موسوی (برادر) - ۲۸۰
- ۱۳- سید و سالار اقوام حجاز / سید علی اصغر هاشمی (بقا) - ۲۸۶
- ۱۴- مشک فشان از دم تو / عماد بهرامی - ۲۹۴
- ۱۵- نور وراثت / هادی بیابانی - ۲۹۸
- ۱۶- اسطوره پاک / رضا رضائی (بی ریا) - ۳۰۰

- ۱۷- ابوطالب عموی بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / پرویز بیابانی (بی قرار) ----- ۳۰۲
- ۱۸- رباعی / محمد علی مجاهدی (پروانه) ----- ۳۰۵
- ۱۹- بزرگمرد شعر و ادب / اسدالله دشتگرد اصفهانی (پیروز) ----- ۳۱۱
- ۲۰- موخدی ز تبار ذبیح و ابراهیم / محسن اسلامی (پویا) ----- ۳۱۳
- ۲۱- رهبر و سرور و سالار عرب / سیدابوتراب هاشمی (تراب) ----- ۳۲۳
- ۲۲- ز شمشیر تو نور ایمان مجتسم / سیدابوتراب هاشمی (تراب) ----- ۳۲۸
- ۲۳- یاور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) / رمضانعلی جان نثاری (جان نثار) ----- ۳۳۱
- ۲۴- کافر کفر / مهدی جهاندار (از اصفهان) ----- ۳۳۷
- ۲۵- حامی احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید عباس حسینی (حسینی) ----- ۳۴۳
- ۲۶- پدر شاه ولایت / عزیز الله معافی خراسانی (حقیر) ----- ۳۴۹
- ۲۷- امین و پرده دار کعبه / محسن درویش (از اصفهان) ----- ۳۶۵
- ۲۸- سپرجان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / أحد ده بزرگی (از شیراز) ----- ۳۶۹
- ۲۹- از صلب ابراهیم (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ----- ۳۷۳
- ۳۰- بنده درگاه ربّ / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ----- ۳۷۸
- ۳۱- پدر بزرگ همه / مهدی رحیمی (از شهر دلیجان) ----- ۳۸۴
- ۳۲- لب پر قند ابوطالب (علیه السلام) / سید حسن رستگار ----- ۳۸۸
- ۳۳- کجاست پاک تر از تو ... / خانم روح الهی ----- ۳۹۰
- ۳۴- سلام کبریا بر تو / علی پاکدامن (روضه خوان) ----- ۳۹۲
- ۳۵- حامی روشن ضمیر عشق / علی اصغر رجب زاده (زهیر کاشانی) ----- ۳۹۶
- ۳۶- سیمرغ خوش پرواز دین / (سائل) ----- ۴۰۰
- ۳۷- دست خدا / فضل الله شیرانی (سخا) ----- ۴۰۴
- ۳۸- بهار مؤید / سید علی اصغر موسوی (سعا) ----- ۴۰۸
- ۳۹- کان مهر و وفا / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) ----- ۴۱۲
- ۴۰- هواداری حضرت عبدالمطلب و فرزند گرمیش / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) ----- ۴۱۴
- ۴۱- او مَوْحد بود از روز نخست / فریدون آقائُر (سفیر) ----- ۴۱۹
- ۴۲- مفخر اولیاء / مرحوم حاج سیدعلی سقایی (سقا) ----- ۴۲۶

- ۴۳- رازهای بزرگ / علی سلیمیان ۴۳۰
- ۴۴- اسرار عشق / حسن احمدی (شائق اصفهانی) ۴۳۳
- ۴۵- مفخر شمس و قمر / محمدرضا کاکائی (شیفای اصفهانی) ۴۴۰
- ۴۶- مهر پرفروغ / مصطفی هادوی « شهیر اصفهانی » ۴۴۴
- ۴۷- بزرگ عشیره ، کفیل پیمبر / حاج محمد علی صاعد (صاعد) ۴۴۷
- ۴۸- پرده دار کعبه / قاسم صرافان (از تهران) ۴۶۱
- ۴۹- ایمان پنهان / خانم زهرا صرامی ۴۶۵
- ۵۰- حاجب کعبه و میر نام آور / حسین کاجی (طالع شهرضائی) ۴۶۷
- ۵۱- تکیه گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید علیرضا طباطبایی اصیل ۴۷۱
- ۵۲- حافظ مسلمانان / سعید علامه ۴۷۸
- ۵۳- سز پنهان ابوطالب (علیه السلام) / صمدعلیزاده ۴۸۱
- ۵۴- یار و غم خوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / مرحوم آیه الله العظمی حاج میر سید علی علامه فانی (ره) ۴۸۵
- ۵۵- مؤمن آل قریش / مصطفی فروردین ۴۸۷
- ۵۶- یاری گر احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / حسین شیرانی بید آبادی (فرود اصفهانی) ۴۸۹
- ۵۷- پاسدار قرآن / حاج محمد علی فریور (فریور) ۴۹۳
- ۵۸- هیبت و رأفت ابوطالب (علیه السلام) / محمد علی فریور (فریور) ۴۹۷
- ۵۹- بی کران بحر علم / حاج علی نریمانی (قائمی) ۵۰۱
- ۶۰- بزرگ بطحا و شریف مکه / قاسم قادری (قادر) ۵۰۶
- ۶۱- سیمای ابوطالب (علیه السلام) / قاسم قادری (قادر) ۵۱۱
- ۶۲- نام تو چون پسرت / آقای مهدی قاسمی ۵۱۵
- ۶۳- بزرگ خاندان وحی / محمد قدسی (قدسی) ۵۱۷
- ۶۴- پدر شیر حق / مرحوم محمد حسن قیصر (قیصر) ۵۲۷
- ۶۵- شجاع حق گرا / کمال مکارم اسفرجانی (کمال) ۵۲۹
- ۶۶- عشق تو / محمود شریفی (کمیل کاشانی) ۵۳۳
- ۶۷- حامی اصل دین / بحرالعلوم میردامادی (کوچک) ۵۳۶
- ۶۸- هم خود تمام نوری و هم همسر تو نور / مجید گلدار ۵۳۹

- ۶۹- پایگاه عشق و ایمان / سید رضا مؤید خراسانی (مؤید) ----- ۵۴۷
- ۷۰- سرور و سردار اقوام عرب / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ----- ۵۵۱
- ۷۱- سیمای ابوطالب (علیه السلام) / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ----- ۵۵۶
- ۷۲- موحد به دین ابراهیم (علیه السلام) / مرتضی محمود پور ----- ۵۶۲
- ۷۳- یارِ همراه / عبدالرضا مروتی اردکانی ----- ۵۶۵
- ۷۴- شیخ ابطلح / شیخ علیرضا محمدی (مسافر) ----- ۵۶۸
- ۷۵- غرق نور حق / علی اصغر یونسیان (ملتجی) ----- ۵۷۴
- ۷۶- حقیقتی دگرگون شده / حشمت الله ممتاز همگینی (ممتاز) ----- ۵۷۸
- ۷۷- حاصل عشق خدا / مسعود مهربان ----- ۵۸۳
- ۷۸- حامی جان بر کف / غلامرضا سازگار (میثم) ----- ۵۸۸
- ۷۹- آرامش دل احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / غلامرضا سازگار (میثم) ----- ۵۹۲
- ۸۰- عمّ المصطفی و ابوالحیدر / غلامرضا سازگار (میثم) ----- ۶۰۰
- ۸۱- در مدح حضرت ابوطالب (علیه السلام) / غلامرضا سازگار (میثم) ----- ۶۰۶
- ۸۲- خاری به چشم مشرکین / محمد صادق میرصالحیان ----- ۶۱۲
- ۸۳- اسوه صدق و مروّت / سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ----- ۶۱۶
- ۸۴- شرح حال حضرت ابوطالب(علیه السلام) / سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ----- ۶۱۸
- ۸۵- سپر جان پیمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید مصطفی مهدوی (نحوی) ----- ۶۳۲
- ۸۶- اول حامی ختم المرسلین / سید علی مهدوی (والا) ----- ۶۳۸
- ۸۷- چراستگر از دین خدا / اصغر وحید دستجردی (وحید) ----- ۶۴۴
- ۸۸- کور شد چشمی که تاب / سید پوریا هاشمی ----- ۶۴۸
- ۸۹- حضرت ابوطالب (علیه السلام) / علی هودفر ----- ۶۵۲
- ۹۰- شرر بر جان خصم نبی (صلی الله علیه و آله وسلم) / علی هودفر ----- ۶۵۴
- ۹۱- همنشین رسول امین / حاج علی شیرانی بیدآبادی (یتیم) ----- ۶۶۰
- بخش یازدهم: مرثیه ها و نوحه ها ----- ۶۶۲
- ۱- شکستن قلب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / غلامرضا سازگار (میثم) ----- ۶۶۲
- ۲- مرثیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) / مرحوم علی هنرور (هنرور) ----- ۶۶۷

- ۳- نوحه / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) ۶۶۹
- ۴- نوحه / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) ۶۷۱
- ۵- نوحه حضرت ابوطالب (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ۶۷۳
- ۶- نوحه در رثاء ابوالاثمه حضرت ابوطالب (علیه السلام) / غلامرضا سازگار (میثم) ۶۷۶
- منابع و مأخذ ۶۷۸
- درباره مرکز ۶۸۳

حضرت ابوطالب علیه السلام ، قهرمان ایمان و فداکاری

مشخصات کتاب

نام کتاب: حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، قهرمان ایمان و فداکاری

پدید آورندگان: جمعی از فضلاء و محققین حوزه علمیه اصفهان و جمعی از شعراء مکتب اهل البیت (علیهم السلام)

تاریخ انتشار: ماه مبارک رجب ۱۴۴۰ قمری - اسفندماه ۱۳۹۷ شمسی به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت اول مظلوم عالم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

حروفچینی و صفحه آرائی: دفتر فنی شایا تکثیر - خانم میرخلف زاده

بهاء: صلوات و سلام بر اول شهیده راه ولایت ، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و همه مدافعان حریم ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مظلومان در راه ولایت آن حضرت

ناشر: خدمتگزار آستان مقدس فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

ص: ۱

اشاره

این اثر ناقابل ، به محضر مقدّس اول مظلوم عالم ، اسدالله الغالب

امیرالمؤمنین و یعسوب المسلمین

امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

و همهٔ مظلومان و شهیدان از ذریهٔ آن حضرت ، که در طول تاریخ ، مورد ظلم و ستم امویان و عباسیان و پیروانشان قرار گرفته اند ، و همانند جدّ بزرگوارشان

حضرت اب-وطالب (علیه السلام)

نه تنها فداکاری ها و بالاترین فضیلت هایشان مورد تردید و انکار قرار گرفته ، بلکه با زندانها و تبعیدها، اسارت ها و آوارگی ها، شکنجه ها و شهادت ها ، مظلومانه زندگی کرده و از دنیا رحلت نموده اند .

و نیز به روح مطهر همهٔ مدافعان حریم ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که با علم و دانش و قلم و بیان و شعر و ادب و ذوق و هنرشان ، کوشش نموده و نقشه ها و توطئه های ستمگران را در هم شکسته و چهرهٔ تابناک آن بزرگواران را برای آیندگان آشکار ساخته اند.

اهداء می گردد.

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ حَبِيبِنَا الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ، وَ بَشِيرًا لِلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ ، لَا سِيَّمًا

الْإِمَامِ الْمُتَنَزِّهِ ، وَ الْوَلِيِّ الْمُنتَقِمِ

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ (عج)

وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

ص: ٤

زيارت حضرت ابوطالب (عليه السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبُطْحَاءِ وَابْنَ رَيْسِيهَا ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْكَعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِيْسِهَا ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَ الرَّسُولِ وَنَاصِرَهُ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ الْمُضِيَّ طَفِي وَأَبَا الْمُؤْتَضِي ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْضَةَ الْبَلَدِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الذَّابُّ عَنِ الدِّينِ ، وَالْبَاذِلُ نَفْسَهُ
فِي نُصْرِهِ سَيِّدِ الْمُؤْسَلِيْنَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . (١)

ص: ٥

١- . ادعيه و زيارت مدينه منوره و مكه مكرمه / مركز تحقيقات حج- احكام و آداب آيت الله العظمى آقاى حاج سيد محمد
رضا گلپايگانى ٧، ج : ١، ص : ١٦٩ و ص ٤٦٨

بخش اول : زندگی حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- ولادت ، نام ، کنیه ، لقب ۲۱

۲- پدر و مادر ۲۲

۳- برادران و خواهران.. ۲۳

۴- دوران رشد و تربیت... ۲۳

۵- ایمان و باورهای اعتقادی... ۲۴

۶- سیادت و بزرگی مکه. ۲۶

۷- سخاوت و مقام سقاییت مکه. ۲۶

۸- احیاگر ارزش‌ها و شعائر الهی.. ۲۷

۹- همسر گرانقدر حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۲۸

۱۰- فرزندان حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۰

بخش دوم : حمایت و حفاظت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قبل از رسالت

۱- وصیت عبدالمطلب به حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۲

۲- کیفیت وصیت از قول فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها)..... ۳۴

۳- حضرت ابوطالب (علیه السلام) آینه‌ی تمام‌نمای پدر ۳۵

۴- حضرت ابوطالب (علیه السلام) سقاییت الحُجاج.. ۳۶

۵- نزول باران به دعای ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۷

۶- حضرت ابوطالب (علیه السلام) و ماجرای ولادت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)..... ۳۹

الف) بشارت « مبرم » به حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۹

ب- رؤیای صادقه‌ی حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۴۰

ج) سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بعد از ولادت حضرت علی (علیه السلام)..... ۴۲

د) پیام آسمانی نام گذاری حضرت علی (علیه السلام)..... ۴۳

بخش سوم: حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در زمان رسالت

۱- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در آغاز رسالت... ۴۵

۲- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مهمانی تاریخی.. ۴۶

۳- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) در مورد ایمان به اسلام. ۴۷

۴- توصیه حضرت ابوطالب به امام علی (علیه السلام) در ملازمت با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۴۸

۵- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به جعفر طیار در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۴۹

۶- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به حمزه سیدالشهدا در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۰

۷- سرزنش حضرت ابوطالب (علیه السلام) از ابوالهب در حمایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۰

بخش چهارم: جهاد و تلاش حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- شدیدترین تصمیم حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۳

۲- پیشنهاد خنده آور کفار به حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۵۵

۳- شکایت قریش و قاطعیت حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۵۶

۴- دفاع حضرت ابوطالب (علیه السلام) از عثمان بن مظعون.. ۵۸

۵- خنثی کردن توطئه شورای مشرکان.. ۵۹

۶- نقش حضرت ابوطالب (علیه السلام) در اسلام پادشاه حبشه و مهاجرت مسلمانان.. ۶۱

۷- ماجرای شعب ابوطالب (علیه السلام) و فشارهای اقتصادی... ۶۳

۸- اوج فداکاری حضرت ابوطالب (علیه السلام) و لغو پیمان نامه قریش... ۶۵

۹- تدابیر حضرت ابوطالب (علیه السلام) توسط امیرالمومنین (علیه السلام)... ۶۷

۱۰- تحریک ابولهب برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) توسط ابوطالب (علیه السلام)... ۶۹

۱۱- طراحی حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای پیشگیری از عوامل نفوذی... ۷۱

بخش پنجم: دلایل ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- اصالت و پاکی خانوادگی پیامبر و حضرت علی (علیه السلام)... ۷۷

۲- گفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)... ۷۸

۳- گفتار بزرگان و صحابه درباره ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)... ۷۹

۴- مشاهدات حضرت ابوطالب (علیه السلام)... ۸۱

الف: جوشش آب... ۸۱

ب: حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از نگاه کاهن... ۸۲

ج: وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مایه برکت... ۸۲

د: ملاقات حضرت ابوطالب (علیه السلام) با راهب مسیحی... ۸۳

۵- خطبه حضرت ابوطالب (علیه السلام)... ۸۵

۶- اشعار حضرت ابوطالب (علیه السلام)... ۸۷

۷- چرا حضرت ابوطالب (علیه السلام) تکفیر می شود... ۸۸

بخش ششم: وصیت و ارتحال حضرت ابوطالب (علیه السلام)

وصیت حضرت ابوطالب (علیه السلام) به قریش و بستگان... ۹۱

وداع حضرت ابوطالب با دنیا و تأثیر پیامبر و علی (علیهما السلام)... ۹۳

رحلت ، مزار شریف... ۹۴

بخش هفتم: حضرت ابوطالب (علیه السلام) در کلام معصومین (علیهم السلام)

- ۱ - تجلیل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار بدن مطهر ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۸
- ۲ - شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در قیامت به احترام ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۸
- ۳ - محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به احترام حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۹
- ۴ - آرزوی بهترین‌ها برای حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۹
- ۵ - رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۰
- ۶ - توسل به ابوطالب (علیه السلام) برای برآورده شدن حاجت... ۱۰۰
- ۷ - توصیه به بیان و تعلیم اشعار ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۰
- ۸ - درخواست معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و تصدیق آن حضرت... ۱۰۱
- ۹ - شادمانی ابوطالب (علیه السلام) از نماز فرزندانش در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۱۰۱
- ۱۰ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همیشه موحد و خداپرست بود. ۱۰۲
- ۱۱ - دفاع امیرالمومنین (علیه السلام) از ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۳
- ۱۲ - ابوطالب (علیه السلام) برای یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان خود را مخفی نمود. ۱۰۳
- ۱۳ - دفاع از بنی هاشم ، علت کتمان ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۴
- ۱۴ - ایمان آوردن حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۴
- ۱۵ - روشنی چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به برکت ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۵
- ۱۶ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بر ایمان همه مردم برتری دارد. ۱۰۵
- ۱۷ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همانند اصحاب کهف بود. ۱۰۶
- ۱۸ - ابوطالب (علیه السلام) مانند مومن آل فرعون بود. ۱۰۶

- ۱۹ - بشارت به بهشت قبل از رحلت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۷
- ۲۰ - آتش جهنم سزای تردید در ایمان ابوطالب (علیه السلام) است... ۱۰۷
- ۲۱ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، تردید ناپذیر است... ۱۰۸
- ۲۲ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همنشین انبیاء و صدیقین است... ۱۰۸
- ۲۳ - خداوند آتش را بر حضرت ابوطالب (علیه السلام) حرام ساخته است... ۱۰۹
- ۲۴ - تداوم همسری فاطمه بنت اسد ، دلیل ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۹
- ۲۵ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در سخنان او. ۱۱۰
- ۲۶ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در اشعار او. ۱۱۰
- ۲۷ - ابوطالب (علیه السلام) حامل وصایای الهی.. ۱۱۱
- ۲۸ - خبر دادن از ولادت حضرت علی (علیه السلام)..... ۱۱۱
- ۲۹ - خبر دادن از امامت حضرت علی (علیه السلام)..... ۱۱۲
- ۳۰ - خبر دادن از نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۱۱۲
- ۳۱ - حمایت همه جانبه ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۱۱۴
- ۳۲ - پشتیبانی قاطع از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۱۱۵
- بخش هشتم: سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام)
- سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۱۷
- بخش نهم: کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)
- کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۲۰
- بخش دهم: سروده های شعراء درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام)

بی قرین مرد تقوا / محمد آتشی (آتشی) ۱۷۱

سپر نبی اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) / مهدی مددی (آثم همدانی) ۱۷۳

رباعی / سید

مصطفی آرننگ ۱۷۴

شجر پاک / سیف الله آزاد روشن (آزاد) ۱۷۵

حضرت ابوطالب (علیه السلام) و همسرش / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) ۱۷۷

رباعی / سید علی احمدی... ۱۷۹

ابوطالب (علیه السلام) از صلب انبیاء / اکبر افشار زاده (افشار) ۱۸۰

حامی پیک و پیام / استاد مرتضی امیری اسفندقه ۱۸۲

عموی پیامبر / اشعری قمی .. ۱۸۳

... شجاعتش بی مثل / مهدی انصاری... ۱۸۴

رباعی / علی

اصغر انصاریان.. ۱۸۶

رایت دین / دکتر سید امیر محمود انور ۱۸۶

حضرت ابوطالب (علیه السلام) / حاج امیر ایزدی همدانی (ایزدی) ۱۸۷

السلام علیک یا ابوالائمہ الطاهرین / سید محمد حسین شریعت موسوی (برادر) ۱۹۶

سید و سالار اقوام حجاز / سید علی اصغر هاشمی (بقا) ۱۹۸

... مشک فشان از دم تو / عماد بهرامی .. ۲۰۰

رباعی / پوریا

باقری... ۲۰۱

نور وراثت ، علی فرزند مهر ، فرزند اسرار/ هادی بیابانی ۲۰۲

اسطوره پاکى / رضا

رضائی (بی ریا) ۲۰۳

ابوطالب عموی بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / پرویز بیابانی (بی قرار) ۲۰۴

رباعی /

استاد محمد علی مجاهدی (پروانه) ۲۰۵

تو با خبر از سزای و / نوید پور مرادی... ۲۰۶

بزرگمرد شعر و ادب / اسدالله دشتگرد اصفهانی (پیروز) ۲۰۸

موحدی ز تبار ذبیح و ابراهیم / محسن اسلامی (پویا) ۲۰۹

رهبر و سرور و سالار عرب / سیدابوتراب هاشمی (تراب) ۲۱۴

ز شمشیر تو نور ایمان مجسم / سیدابوتراب هاشمی (تراب) ۲۱۶

یاور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) / شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار) ۲۱۷

کافر کفر / مهدی

جهاندار ۲۲۰

حامی احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید

عباس حسینی (حسینی) ۲۲۳

پدر شاه ولایت /

عزیز الله معافی خراسانی (حقیر) ۲۲۶

رشته پیوند نبوت به امامت / عباس شاهزیدی (خروش اصفهانی) ۲۲۷

ذکر وفات عبدالمطلب و ... / محمدبن حسام خوسفی ۲۳۱

امین و پرده دار کعبه / محسن درویش... ۲۳۳

سپرجان محمد / استاد احد ده بزرگی (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۲۳۵

... از صلب ابراهیم (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) (۲۳۷

رباعی / مجتبی

رافعی .. ۲۳۸

بنده درگاه ربّ / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) (۲۳۹

پدر بزرگ همه / مهدی

رحیمی .. ۲۴۲

فضائل ابوطالب (علیه السلام) / داود رحیمی .. ۲۴۳

لب پر قند ابوطالب (علیه السلام) / سید حسن رستگار ۲۴۴

کجاست پاک تر از تو / خانم روح اللهی .. ۲۴۵

سلام کبریا بر تو / علی پاکدامن (روضه خوان) (۲۴۶

حامی روشن ضمیر عشق / علی اصغر رجب زاده (زهیر کاشانی) (۲۴۸

رباعی / مرحوم محمد حسن فرحبخشیان (ژولیده نیشابوری) (۲۴۹

سیمرغ خوش پرواز دین / (سائل) (۲۵۰

دست خدا / استاد فضل الله شیرانی (سخا) (۲۵۲

بهار مؤبد / استاد سید علی اصغر موسوی (سعا) (۲۵۴

کان مهر و وفا / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) (۲۵۶

هواداری حضرت عبدالمطلب و فرزند گرامیش / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) (۲۵۷

او مؤحد بود از روز نخست / فریدون آقالر (سفیر) (۲۵۹

مفخر اولیاء / مرحوم

حاج سیدعلی سقایی (سقا) ۲۶۱

رازهای بزرگ / علی

سلیمان.. ۲۶۲

اسرار عشق / حسن

احمدی (شائق اصفهانی) ۲۶۳

تقدیم به حضرت ابوطالب (علیه السلام) / مرتضی شاهمندی ۲۶۵

مفخر شمس و قمر / محمدرضا

کاکائی (شفای اصفهانی) ۲۶۶

مهر پرفروغ / مصطفی

هادوی «شہیر اصفهانی» ۲۶۸

بزرگ عشیره ، کفیل پیمبر / حاج محمد علی صاعد (صاعد) ۲۶۹

پردہ دار کعبہ / قاسم صرافان.. ۲۷۴

ایمان پنهان / خانم زہرا صرامی .. ۲۷۶

حاجب کعبہ و میر نام آور / حسین کاجی (طالع شہرستانی) ۲۷۷

رباعی / سید حسین طہماسبی.. ۲۷۸

تکیہ گاہ رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) / سید علیرضا طباطبائی اصیل ۲۷۹

بندۂ خاص خدای ذوالجلال / محمد علی زمانی علویجہ (طوفان) ۲۸۰

حافظ مسلمانان / سعید

علامہ. ۲۸۲

یار و غم خوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / مرحوم آیه الله العظمی حاج میر سید علی علامه فانی ۲۸۵ ۷

مؤمن آل قریش / مصطفی

فروردین .. ۲۸۶

یاری گر احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / حسین شیرانی بید آبادی (فرود اصفهانی) ۲۸۷

پاسدار قرآن / حاج محمد علی فریور (فریور) ۲۸۹

هیبت و رأفت ابوطالب (علیه السلام) / محمد علی فریور (فریور) ۲۹۱

بی کران بحر علم / حاج علی نریمانی (قائمی) ۲۹۳

بزرگ بطحا و شریف مکه / قاسم قادری (قادر) ۲۹۵

سیمای ابوطالب (علیه السلام) / قاسم قادری (قادر) ۲۹۷

روح بلند ابوطالب (علیه السلام) / مهدی قاسمی .. ۲۹۸

نام تو چون پسرت / مهدی

قاسمی .. ۲۹۹

بزرگ خاندان وحی / استاد محمد قدسی (قدسی) ۳۰۰

رباعی / محمد کاظمی نیا .. ۳۰۴

پدر شیر حق / مرحوم محمد حسن قیصر (قیصر) ۳۰۵

شجاع حق گرا / کمال

مکارم اسفراجانی (کمال) ۳۰۶

محمود شریفی (کمیل کاشانی) ۳۰۸

حامی اصل دین / حاج سید محمود بحر العلوم میردامادی (کوچک) .. ۳۰۹

هم خود تمام نوری و هم همسر تو نور / مجید گلدار ۳۱۰

گزیده‌ای از یک مثنوی بلند / شیخ محمد حسن مولوی قندهاری (گمنام) ۳۱۱

پایگاه عشق و ایمان / استاد سید رضا مؤید خراسانی (مؤید) ۳۱۴

سرور و سردار اقوام عرب / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۳۱۶

سیمای ابوطالب (علیه السلام) / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۳۱۸

موحد به دین ابراهیم (علیه السلام) / مرتضی محمود پور ۳۲۱

یارِ همراه / عبدالرضا مروتی اردکانی .. ۳۲۲

شیخ ابطح / شیخ علیرضا محمدی (مسافر) ۳۲۳

رباعی / مؤمنی نژاد ۳۲۴

غرق نور حق / مهندس

علی اصغر یونسیان (ملتجی) ۳۲۵

حقیقتی دگرگون شده / حشمت الله ممتاز همگینی (ممتاز) ۳۲۷

حاصل عشق خدا / مسعود

مهربان .. ۳۲۹

حامی جان بر کف / حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۰

آرامش دل احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۱

کوه کم از کفۀ ایمان توست / استاد غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۲

عمّ المصطفی و ابوالحیدر / استاد غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۴

رباعی / سید

در مدح حضرت ابوطالب (علیه السلام) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۷

خاری به چشم مشرکین / محمد صادق میرصالحیان ۳۳۹

کفۀ اسلام سنگین با ابوطالب شده / محسن ناصحی ۳۴۰

اسوۀ صدق و مروّت / سیّد محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ۳۴۱

شرح حال حضرت ابوطالب (علیه السلام) / سیّد محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ۳۴۲

سپر جان پیمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / حاج سیّد مصطفی مهدوی (نحوی) ۳۴۶

رباعی / شاعر:

ناشناس.... ۳۴۸

اول حامی ختم المرسلین / سیّد علی مهدوی (والا) ۳۴۹

حراستگر از دین خدا / اصغر وحید دستجردی (وحید) ۳۵۲

آقای سیّد پوریا هاشمی.. ۳۵۴

حضرت ابوطالب (علیه السلام) / علی هودفر. ۳۵۶

شرر بر جان خصم نبی (صلی الله علیه و آله وسلم) / علی هودفر. ۳۵۷

همنشین رسول امین / حاج علی شیرانی بیدآبادی (یتیم) ۳۶۰

بخش یازدهم: مرثیه ها و نوحه ها

شکستن قلب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۶۲

مرثیۀ حضرت ابوطالب (علیه السلام) / مرحوم علی هنرور (هنرور) ۳۶۴

نوحه / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) ۳۶۵

نوحه / جعفر

رسول زاده (آشفته کاشانی) ۳۶۶

نوحه‌ی حضرت ابوطالب (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ۳۶۷

نوحه در رثاء ابوالائمہ حضرت ابوطالب (علیه السلام) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میشم) ۳۶۹

منابع و مأخذ. ۳۷۰

ص: ۶

ب- رؤیای صادق‌ه‌ی حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۴۰

ج) سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بعد از ولادت حضرت علی (علیه السلام)..... ۴۲

د) پیام آسمانی نام گذاری حضرت علی (علیه السلام)..... ۴۳

بخش سوم: حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در زمان رسالت

۱- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در آغاز رسالت... ۴۵

۲- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مهمانی تاریخی.. ۴۶

۳- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) در مورد ایمان به اسلام. ۴۷

۴- توصیه حضرت ابوطالب به امام علی (علیه السلام) در ملازمت با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۴۸

۵- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به جعفر طیار در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۴۹

۶- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به حمزه سیدالشهدا در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۰

۷- سرزنش حضرت ابوطالب (علیه السلام) از ابواله‌ب در حمایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۰

بخش چهارم: جهاد و تلاش حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- شدیدترین تصمیم حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۳

۲- پیشنهاد خنده آور کفار به حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۵۵

۳- شکایت قریش و قاطعیت حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۵۶

۴- دفاع حضرت ابوطالب (علیه السلام) از عثمان بن مظعون.. ۵۸

۵- خنثی کردن توطئه شورای مشرکان.. ۵۹

۶- نقش حضرت ابوطالب (علیه السلام) در اسلام پادشاه حبشه و مهاجرت مسلمانان.. ۶۱

۷- ماجرای شعب ابوطالب (علیه السلام) و فشارهای اقتصادی... ۶۳

۸- اوج فداکاری حضرت ابوطالب (علیه السلام) و لغو پیمان نامه قریش... ۶۵

٩- تدابير حضرت ابوطالب (عليه السلام) توسط اميرالمومنين (عليه السلام)..... ٦٧

ص: ٧

۱۰- تحریک ابولهب برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) توسط ابوطالب (علیه السلام)..... ۶۹

۱۱- طراحی حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای پیشگیری از عوامل نفوذی... ۷۱

بخش پنجم: دلایل ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- اصالت و پاکی خانوادگی پیامبر و حضرت علی (علیه السلام)..... ۷۷

۲- گفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۷۸

۳- گفتار بزرگان و صحابه درباره ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۷۹

۴- مشاهدات حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۸۱

الف: جوشش آب... ۸۱

ب: حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از نگاه کاهن.. ۸۲

ج: وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مایه برکت... ۸۲

د: ملاقات حضرت ابوطالب (علیه السلام) با راهب مسیحی.. ۸۳

۵- خطبه حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۸۵

۶- اشعار حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۸۷

۷- چرا حضرت ابوطالب (علیه السلام) تکفیر می شود. ۸۸

بخش ششم: وصیت و ارتحال حضرت ابوطالب (علیه السلام)

وصیت حضرت ابوطالب (علیه السلام) به قریش و بستگان.. ۹۱

وداع حضرت ابوطالب با دنیا و تأثر پیامبر و علی (علیهما السلام)..... ۹۳

رحلت ، مزار شریف... ۹۴

فقدان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و پیام جبرئیل.. ۹۵

بخش هفتم: حضرت ابوطالب (علیه السلام) در کلام معصومین (علیهم السلام)

- ۱ - تجلیل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار بدن مطهر ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۸
- ۲ - شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در قیامت به احترام ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۸
- ۳ - محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به احترام حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۹
- ۴ - آرزوی بهترین‌ها برای حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۹
- ۵ - رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۰
- ۶ - توسل به ابوطالب (علیه السلام) برای برآورده شدن حاجت... ۱۰۰
- ۷ - توصیه به بیان و تعلیم اشعار ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۰
- ۸ - درخواست معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و تصدیق آن حضرت... ۱۰۱
- ۹ - شادمانی ابوطالب (علیه السلام) از نماز فرزندانش در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۱۰۱
- ۱۰ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همیشه موحد و خداپرست بود. ۱۰۲
- ۱۱ - دفاع امیرالمومنین (علیه السلام) از ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۳
- ۱۲ - ابوطالب (علیه السلام) برای یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان خود را مخفی نمود. ۱۰۳
- ۱۳ - دفاع از بنی هاشم ، علت کتمان ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۴
- ۱۴ - ایمان آوردن حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۴
- ۱۵ - روشنی چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به برکت ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۵
- ۱۶ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بر ایمان همه مردم برتری دارد. ۱۰۵
- ۱۷ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همانند اصحاب کهف بود. ۱۰۶
- ۱۸ - ابوطالب (علیه السلام) مانند مومن آل فرعون بود. ۱۰۶
- ۱۹ - بشارت به بهشت قبل از رحلت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۷

۲۰ - آتش جهنم سزای تردید در ایمان ابوطالب (علیه السلام) است... ۱۰۷

ص: ۹

- ۲۱ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، تردید ناپذیر است ... ۱۰۸
- ۲۲ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همنشین انبیاء و صدیقین است ... ۱۰۸
- ۲۳ - خداوند آتش را بر حضرت ابوطالب (علیه السلام) حرام ساخته است ... ۱۰۹
- ۲۴ - تداوم همسری فاطمه بنت اسد ، دلیل ایمان ابوطالب (علیه السلام) ۱۰۹
- ۲۵ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در سخنان او. ۱۱۰
- ۲۶ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در اشعار او. ۱۱۰
- ۲۷ - ابوطالب (علیه السلام) حامل وصایای الهی .. ۱۱۱
- ۲۸ - خبر دادن از ولادت حضرت علی (علیه السلام) ۱۱۱
- ۲۹ - خبر دادن از امامت حضرت علی (علیه السلام) ۱۱۲
- ۳۰ - خبر دادن از نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۱۱۲
- ۳۱ - حمایت همه جانبه ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۱۱۴
- ۳۲ - پشتیبانی قاطع از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ۱۱۵
- بخش هشتم: سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام)
- سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۱۷
- بخش نهم: کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)
- کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۱۲۰
- بخش دهم: سروده های شعراء درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام)

پیشگفتار ۱۶۸

بی قرین مرد تقوا / محمد آتشی (آتشی) ۱۷۱

سپرِ نبی اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) / مهدی مددی (آثم همدانی) ۱۷۳

رباعی / سید

مصطفی آرننگ ۱۷۴

ص: ۱۰

شجر پاک / سیف الله آزاد روشن (آزاد) ۱۷۵

حضرت ابوطالب (علیه السلام) و همسرش / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) ۱۷۷

رباعی / سید علی احمدی... ۱۷۹

ابوطالب (علیه السلام) از صلب انبیاء / اکبر افشار زاده (افشار) ۱۸۰

حامی پیک و پیام / استاد مرتضی امیری اسفندقه ۱۸۲

عموی پیامبر / اشعری قمی .. ۱۸۳

... شجاعتش بی مثل / مهدی انصاری... ۱۸۴

رباعی / علی

اصغر انصاریان.. ۱۸۶

رایت دین / دکتر سید امیر محمود انور ۱۸۶

حضرت ابوطالب (علیه السلام) / حاج امیر ایزدی همدانی (ایزدی) ۱۸۷

السلام علیک یا ابوالانمہ الطاهرین / سید محمد حسین شریعت موسوی (برادر) ۱۹۶

سید و سالار اقوام حجاز / سید علی اصغر هاشمی (بقا) ۱۹۸

... مشک فشان از دم تو / عماد بهرامی .. ۲۰۰

رباعی / پوریا

باقری... ۲۰۱

نور وراثت ، علی فرزند مهر ، فرزند اسرار / هادی بیابانی ۲۰۲

اسطوره پاک / رضا

رضائی (بی ریا) ۲۰۳

ابوطالب عموی بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / پرویز بیابانی (بی قرار) ۲۰۴

رباعی /

استاد محمد علی مجاهدی (پروانه) ۲۰۵

تو با خیر از سزی و / نوید پور مرادی ... ۲۰۶

بزرگمرد شعر و ادب / اسدالله دشتگرد اصفهانی (پیروز) ۲۰۸

ص: ۱۱

موّحدی ز تبار ذبیح و ابراهیم / محسن اسلامی (پویا) ۲۰۹

رهبر و سرور و سالار عرب / سیدابوتراب هاشمی (تراب) ۲۱۴

ز شمشیر تو نور ایمان مجسم / سیدابوتراب هاشمی (تراب) ۲۱۶

یاور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) / شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار) ۲۱۷

کافرِ کفر / مهدی

جهاندار ۲۲۰

حامی احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید

عباس حسینی (حسینی) ۲۲۳

پدر شاه ولایت /

عزیز الله معافی خراسانی (حقیر) ۲۲۶

رشته پیوند نبوت به امامت / عباس شاهزیدی (خروش اصفهانی) ۲۲۷

ذکر وفات عبدالمطلب و ... / محمدبن حسام خوسفی ۲۳۱

امین و پرده دار کعبه / محسن درویش.... ۲۳۳

سپر جان محمد / استاد آحد ده بزرگی (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۲۳۵

... از صلب ابراهیم (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ۲۳۷

رباعی / مجتبی

رافعی .. ۲۳۸

بنده درگاه ربّ / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ۲۳۹

پدر بزرگ همه / مهدی

رحیمی .. ۲۴۲

فضائل ابوطالب (عليه السلام) / داود رحيمي.. ۲۴۳

لب پر قند ابوطالب (عليه السلام) / سيد حسن رستگار ۲۴۴

كجاست پاك تر از تو / خانم روح اللهی.. ۲۴۵

سلام كبريا بر تو / على پاكدامن (روضه خوان) ۲۴۶

حامی روشن ضمير عشق / على اصغر رجب زاده (زهير كاشانی) ۲۴۸

ص: ۱۲

رباعی / مرحوم محمد حسن فرحبخشیان (ژولیده نیشابوری) ۲۴۹

سیمرغ خوش پرواز دین / (سائل) ۲۵۰

دست خدا / استاد فضل الله شیرانی (سخا) ۲۵۲

بهار مؤبد / استاد سید علی اصغر موسوی (سعا) ۲۵۴

کان مهر و وفا / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) ۲۵۶

هواداری حضرت عبدالمطلب و فرزند گرامیش / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) ۲۵۷

او مؤحد بود از روز نخست / فریدون آقالر (سفیر) ۲۵۹

مفخر اولیاء / مرحوم

حاج سیدعلی سقایی (سقا) ۲۶۱

رازهای بزرگ / علی

سلیمیان.. ۲۶۲

اسرار عشق / حسن

احمدی (شائق اصفهانی) ۲۶۳

تقدیم به حضرت ابوطالب (علیه السلام) / مرتضی شاهمندی ۲۶۵

مفخر شمس و قمر / محمدرضا

کاکائی (شفای اصفهانی) ۲۶۶

مهر پرفروغ / مصطفی

هادوی «شهر اصفهانی» ۲۶۸

بزرگ عشیره ، کفیل پیمبر / حاج محمد علی صاعد (صاعد) ۲۶۹

پرده دار کعبه / قاسم صرافان.. ۲۷۴

ایمان پنہان / خانم زہرا صرامی .. ۲۷۶

حاجبِ کعبہ و میر نام آور / حسین کاجی (طالع شہر ضائی) ۲۷۷

رباعی / سید حسین طہماسبی .. ۲۷۸

تکیہ گاہ رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) / سید علیرضا طباطبائی اصیل ۲۷۹

بندۂ خاص خدای ذوالجلال / محمد علی زمانی علویجہ (طوفان) ۲۸۰

ص: ۱۳

حافظ مسلمانان / سعید

علامه. ۲۸۲

سرّ پنهان ابوطالب (علیه السلام) / صمدعلیزاده

۲۸۳.

یار و غم خوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / مرحوم آیه الله العظمی حاج میر سید علی علامه فانی ۷ ۲۸۵

مؤمن آل قریش / مصطفی

فروردین.. ۲۸۶

یاری گر احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / حسین شیرانی بید آبادی (فرود اصفهانی) ۲۸۷

پاسدار قرآن / حاج محمد علی فریور (فریور) ۲۸۹

هیبت و رأفت ابوطالب (علیه السلام) / محمد علی فریور (فریور) ۲۹۱

بی کران بحر علم / حاج علی نریمانی (قائمی) ۲۹۳

بزرگ بطحا و شریف مکه / قاسم قادری (قادر) ۲۹۵

سیمای ابوطالب (علیه السلام) / قاسم قادری (قادر) ۲۹۷

روح بلند ابوطالب (علیه السلام) / مهدی قاسمی.. ۲۹۸

نام تو چون پسرت / مهدی

قاسمی.. ۲۹۹

بزرگ خاندان وحی / استاد محمد قدسی (قدسی) ۳۰۰

رباعی / محمد کاظمی نیا.. ۳۰۴

پدر شیر حق / مرحوم محمد حسن قیصر (قیصر) ۳۰۵

شجاع حق گرا / کمال

مكارم اسفرجانی (كمال) ۳۰۶

محمود شریفی (كمیل كاشانی) ۳۰۸

حامی اصل دین / حاج سید محمود بحر العلوم میردامادی (كوچك) .. ۳۰۹

هم خود تمام نوری و هم همسر تو نور / مجید گلدار ۳۱۰

گزیده‌ای از یک مثنوی بلند / شیخ محمد حسن مولوی قندهاری (گمنام) ۳۱۱

ص: ۱۴

پایگاه عشق و ایمان / استاد سید رضا مؤید خراسانی (مؤید) ۳۱۴

سرور و سردار اقوام عرب / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۳۱۶

سیمای ابوطالب (علیه السلام) / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۳۱۸

موحد به دین ابراهیم (علیه السلام) / مرتضی محمود پور ۳۲۱

یارِ همراه / عبدالرضا مروتی اردکانی.. ۳۲۲

شیخ ابطح / شیخ علیرضا محمدی (مسافر) ۳۲۳

رباعی / مؤمنی نژاد ۳۲۴

غرق نور حق / مهندس

علی اصغر یونسیان (ملتجی) ۳۲۵

حقیقتی دگرگون شده / حشمت الله ممتاز همگینی (ممتاز) ۳۲۷

حاصل عشق خدا / مسعود

مهربان.. ۳۲۹

حامی جان بر کف / حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۰

آرامش دل احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۱

کوه کم از کفۀ ایمان توست / استاد غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۲

عمّ المصطفی و ابوالحیدر / استاد غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۴

رباعی / سید

حسن میرحافظ.. ۳۳۶

در مدح حضرت ابوطالب (علیه السلام) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۷

خاری به چشم مشرکین / محمد صادق میرصالحیان ۳۳۹

کفّہ اسلام سنگین با ابوطالب شدہ / محسن ناصحی ۳۴۰

اسوہ صدق و مروّت / سیّد محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ۳۴۱

شرح حال حضرت ابوطالب (علیہ السلام) / سیّد محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ۳۴۲

ص: ۱۵

بخش اول : زندگی حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- ولادت ، نام ، کنیه ، لقب ۲۱

۲- پدر و مادر ۲۲

۳- برادران و خواهران.. ۲۳

۴- دوران رشد و تربیت... ۲۳

۵- ایمان و باورهای اعتقادی... ۲۴

۶- سیادت و بزرگی مکه. ۲۶

۷- سخاوت و مقام سقایت مکه. ۲۶

۸- احیاگر ارزش‌ها و شعائر الهی.. ۲۷

۹- همسر گرانقدر حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۲۸

۱۰- فرزندان حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۰

بخش دوم : حمایت و حفاظت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قبل از رسالت

۱- وصیت عبدالمطلب به حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۲

۲- کیفیت وصیت از قول فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها)..... ۳۴

۳- حضرت ابوطالب (علیه السلام) آینه‌ی تمام نمای پدر ۳۵

۴- حضرت ابوطالب (علیه السلام) سقایت الحجاج.. ۳۶

۵- نزول باران به دعای ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۷

۶- حضرت ابوطالب (علیه السلام) و ماجرای ولادت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)..... ۳۹

الف) بشارت « مبرم » به حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۳۹

ب- رؤیای صادق‌ه‌ی حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۴۰

ج) سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بعد از ولادت حضرت علی (علیه السلام)..... ۴۲

د) پیام آسمانی نام گذاری حضرت علی (علیه السلام)..... ۴۳

بخش سوم: حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در زمان رسالت

۱- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در آغاز رسالت... ۴۵

۲- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مهمانی تاریخی.. ۴۶

۳- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) در مورد ایمان به اسلام. ۴۷

۴- توصیه حضرت ابوطالب به امام علی (علیه السلام) در ملازمت با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۴۸

۵- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به جعفر طیار در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۴۹

۶- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به حمزه سیدالشهدا در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۰

۷- سرزنش حضرت ابوطالب (علیه السلام) از ابواله‌ب در حمایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۰

بخش چهارم: جهاد و تلاش حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- شدیدترین تصمیم حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۵۳

۲- پیشنهاد خنده آور کفار به حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۵۵

۳- شکایت قریش و قاطعیت حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۵۶

۴- دفاع حضرت ابوطالب (علیه السلام) از عثمان بن مظعون.. ۵۸

۵- خنثی کردن توطئه شورای مشرکان.. ۵۹

۶- نقش حضرت ابوطالب (علیه السلام) در اسلام پادشاه حبشه و مهاجرت مسلمانان.. ۶۱

۷- ماجرای شعب ابوطالب (علیه السلام) و فشارهای اقتصادی... ۶۳

۸- اوج فداکاری حضرت ابوطالب (علیه السلام) و لغو پیمان نامه قریش... ۶۵

۹- تدابیر حضرت ابوطالب (علیه السلام) توسط امیرالمومنین (علیه السلام)..... ۶۷

۱۰- تحریک ابولهب برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) توسط ابوطالب (علیه السلام)..... ۶۹

۱۱- طراحی حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای پیشگیری از عوامل نفوذی... ۷۱

بخش پنجم: دلایل ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- اصالت و پاکی خانوادگی پیامبر و حضرت علی (علیه السلام)..... ۷۷

۲- گفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۷۸

۳- گفتار بزرگان و صحابه درباره ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۷۹

۴- مشاهدات حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۸۱

الف: جوشش آب... ۸۱

ب: حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از نگاه کاهن.. ۸۲

ج: وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مایه برکت... ۸۲

د: ملاقات حضرت ابوطالب (علیه السلام) با راهب مسیحی.. ۸۳

۵- خطبه حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۸۵

۶- اشعار حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۸۷

۷- چرا حضرت ابوطالب (علیه السلام) تکفیر می شود.. ۸۸

بخش ششم: وصیت و ارتحال حضرت ابوطالب (علیه السلام)

وصیت حضرت ابوطالب (علیه السلام) به قریش و بستگان.. ۹۱

وداع حضرت ابوطالب با دنیا و تأثیر پیامبر و علی (علیهما السلام)..... ۹۳

رحلت ، مزار شریف... ۹۴

فقدان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و پیام جبرئیل.. ۹۵

بخش هفتم: حضرت ابوطالب (علیه السلام) در کلام معصومین (علیهم السلام)

- ۱ - تجلیل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار بدن مطهر ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۸
- ۲ - شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در قیامت به احترام ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۸
- ۳ - محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به احترام حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۹
- ۴ - آرزوی بهترین‌ها برای حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۹۹
- ۵ - رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۰
- ۶ - توسل به ابوطالب (علیه السلام) برای برآورده شدن حاجت... ۱۰۰
- ۷ - توصیه به بیان و تعلیم اشعار ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۰
- ۸ - درخواست معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و تصدیق آن حضرت... ۱۰۱
- ۹ - شادمانی ابوطالب (علیه السلام) از نماز فرزندانش در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۱۰۱
- ۱۰ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همیشه موحد و خداپرست بود. ۱۰۲
- ۱۱ - دفاع امیرالمومنین (علیه السلام) از ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۳
- ۱۲ - ابوطالب (علیه السلام) برای یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان خود را مخفی نمود. ۱۰۳
- ۱۳ - دفاع از بنی هاشم ، علت کتمان ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۴
- ۱۴ - ایمان آوردن حضرت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۴
- ۱۵ - روشنی چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به برکت ایمان ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۵
- ۱۶ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بر ایمان همه مردم برتری دارد. ۱۰۵
- ۱۷ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همانند اصحاب کهف بود. ۱۰۶
- ۱۸ - ابوطالب (علیه السلام) مانند مومن آل فرعون بود. ۱۰۶
- ۱۹ - بشارت به بهشت قبل از رحلت ابوطالب (علیه السلام)..... ۱۰۷

- ۲۰ - آتش جهنم سزای تردید در ایمان ابوطالب (علیه السلام) است... ۱۰۷
- ۲۱ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، تردید ناپذیر است... ۱۰۸
- ۲۲ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همنشین انبیاء و صدیقین است... ۱۰۸
- ۲۳ - خداوند آتش را بر حضرت ابوطالب (علیه السلام) حرام ساخته است... ۱۰۹
- ۲۴ - تداوم همسری فاطمه بنت اسد ، دلیل ایمان ابوطالب (علیه السلام)... ۱۰۹
- ۲۵ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در سخنان او. ۱۱۰
- ۲۶ - تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در اشعار او. ۱۱۰
- ۲۷ - ابوطالب (علیه السلام) حامل وصایای الهی.. ۱۱۱
- ۲۸ - خبر دادن از ولادت حضرت علی (علیه السلام)... ۱۱۱
- ۲۹ - خبر دادن از امامت حضرت علی (علیه السلام)... ۱۱۲
- ۳۰ - خبر دادن از نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)... ۱۱۲
- ۳۱ - حمایت همه جانبه ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)... ۱۱۴
- ۳۲ - پشتیبانی قاطع از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)... ۱۱۵
- بخش هشتم: سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام)
- سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام)... ۱۱۷
- بخش نهم: کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)
- کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)... ۱۲۰
- بخش دهم: سروده های شعراء درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام)

پیشگفتار ۱۶۸

سپرِ نبیِّ اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) / مهدی مددی (آثم همدانی) ۱۷۳

رباعی / سید

مصطفی آرننگ... ۱۷۴

شجر پاک / سیف الله آزاد روشن (آزاد) ۱۷۵

حضرت ابوطالب (علیه السلام) و همسرش / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) ۱۷۷

رباعی / سید علی احمدی... ۱۷۹

ابوطالب (علیه السلام) از صلب انبیاء / اکبر افشار زاده (افشار) ۱۸۰

حامی پیک و پیام / استاد مرتضی امیری اسفندقه ۱۸۲

عموی پیامبر / اشعری قمی .. ۱۸۳

... شجاعتش بی مثل / مهدی انصاری... ۱۸۴

رباعی / علی

اصغر انصاریان.. ۱۸۶

رایت دین / دکتر سید امیر محمود انور ۱۸۶

حضرت ابوطالب (علیه السلام) / حاج امیر ایزدی همدانی (ایزدی) ۱۸۷

السلام علیک یا ابوالائمہ الطاهرین / سید محمد حسین شریعت موسوی (برادر) ۱۹۶

سید و سالار اقوام حجاز / سید علی اصغر هاشمی (بقا) ۱۹۸

... مشک فشان از دم تو / عماد بهرامی .. ۲۰۰

رباعی / پوریا

باقری... ۲۰۱

نور وراثت ، علی فرزند مهر ، فرزند اسرار / هادی بیابانی ۲۰۲

اسطوره پاکى / رضا

رضائى (بى ریا) ۲۰۳

ابوطالب عموى بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / پرویز بیابانى (بى قرار) ۲۰۴

رباعى /

استاد محمد على مجاهدى (پروانه) ۲۰۵

تو با خبر از سزى و / نوید پور مرادى... ۲۰۶

بزرگمرد شعر و ادب / اسدالله دشتگرد اصفهانى (پروز) ۲۰۸

موخدى ز تبار ذبیح و ابراهیم / محسن اسلامى (پویا) ۲۰۹

رهبر و سرور و سالار عرب / سیدابوتراب هاشمى (تراب) ۲۱۴

ز شمشیر تو نور ایمان مجسم / سیدابوتراب هاشمى (تراب) ۲۱۶

یاور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) / شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار) ۲۱۷

کافر کفر / مهدى

جهاندار ۲۲۰

حامى احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید

عباس حسینی (حسینی) ۲۲۳

پدر شاه ولایت /

عزیز الله معافى خراسانى (حقیر) ۲۲۶

رشته پیوند نبوت به امامت / عباس شاهزیدى (خروش اصفهانى) ۲۲۷

ذکر وفات عبدالمطلب و ... / محمدبن حسام خوسفى ۲۳۱

امین و پرده دار کعبه / محسن درویش... ۲۳۳

سپرجان محمد / استاد آحد ده بزرگی (صلی الله علیه و آله وسلم)..... ۲۳۵

... از صلب ابراهیم (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ۲۳۷

رباعی / مجتبی

رافعی .. ۲۳۸

بنده درگاه ربّ / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ۲۳۹

پدر بزرگ همه / مهدی

رحیمی .. ۲۴۲

فضائل ابوطالب (علیه السلام) / داود رحیمی .. ۲۴۳

لب پر قند ابوطالب (علیه السلام) / سید حسن رستگار ۲۴۴

کجاست پاک تر از تو / خانم روح اللهی .. ۲۴۵

سلام کبریا بر تو / علی پاکدامن (روضه خوان) ۲۴۶

حامی روشن ضمیر عشق / علی اصغر رجب زاده (زهیر کاشانی) ۲۴۸

رباعی / مرحوم محمد حسن فرحبخشیان (ژولیده نیشابوری) ۲۴۹

سیمرخ خوش پرواز دین / (سائل) ۲۵۰

دست خدا / استاد فضل الله شیرانی (سخا) ۲۵۲

بهار مؤبد / استاد سید علی اصغر موسوی (سعا) ۲۵۴

کان مهر و وفا / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) ۲۵۶

هواداری حضرت عبدالمطلب و فرزند گرامیش / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی) ۲۵۷

او مؤحد بود از روز نخست / فریدون آقاکر (سفیر) ۲۵۹

مفخر اولیاء / مرحوم

حاج سیدعلی سقایی (سقا) ۲۶۱

رازهای بزرگ / علی

سلیمیان.. ۲۶۲

اسرار عشق / حسن

احمدی (شائق اصفهانی) ۲۶۳

تقدیم به حضرت ابوطالب (علیه السلام) / مرتضی شاهمندی ۲۶۵

مفخر شمس و قمر / محمدرضا

کاکائی (شفای اصفهانی) ۲۶۶

مهر پرفروغ / مصطفی

هادوی «شهر اصفهانی» ۲۶۸

بزرگ عشیره ، کفیل پیمبر / حاج محمد علی صاعد (صاعد) ۲۶۹

پرده دار کعبه / قاسم صرافان.. ۲۷۴

ایمان پنهان / خانم زهرا صرامی .. ۲۷۶

حاج کعبه و میر نام آور / حسین کاجی (طالع شهرضائی) ۲۷۷

رباعی / سید حسین طهماسبی.. ۲۷۸

تکیه گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید علیرضا طباطبائی اصیل ۲۷۹

بنده خاص خدای ذوالجلال / محمد علی زمانی علویجه (طوفان) ۲۸۰

حافظ مسلمانان / سعید

علامه. ۲۸۲

سر پنهان ابوطالب (علیه السلام) / صمدعلیزاده

یار و غم خوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / مرحوم آیه الله العظمی حاج میر سید علی علامه فانی ۲۸۵ ۷

مؤمن آل قریش / مصطفی

فروردین.. ۲۸۶

یاری گر احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / حسین شیرانی بید آبادی (فرود اصفهانی) ۲۸۷

پاسدار قرآن / حاج محمد علی فریور (فریور) ۲۸۹

هیبت و رأفت ابوطالب (علیه السلام) / محمد علی فریور (فریور) ۲۹۱

بی کران بحر علم / حاج علی نریمانی (قائمی) ۲۹۳

بزرگ بطحا و شریف مکہ / قاسم قادری (قادر) ۲۹۵

سیمای ابوطالب (علیه السلام) / قاسم قادری (قادر) ۲۹۷

روح بلند ابوطالب (علیه السلام) / مهدی قاسمی.. ۲۹۸

نام تو چون پسرت / مهدی

قاسمی.. ۲۹۹

بزرگ خاندان وحی / استاد محمد قدسی (قدسی) ۳۰۰

رباعی / محمد کاظمی نیا.. ۳۰۴

پدر شیر حق / مرحوم محمد حسن قیصر (قیصر) ۳۰۵

شجاع حق گرا / کمال

مکارم اسفرجانی (کمال) ۳۰۶

محمود شریفی (کمیل کاشانی) ۳۰۸

حامی اصل دین / حاج سید محمود بحر العلوم میردامادی (کوچک).. ۳۰۹

هم خود تمام نوری و هم همسر تو نور / مجید گلدار ۳۱۰

گزیده‌ای از یک مثنوی بلند / شیخ محمد حسن مولوی قندهاری (گمنام) ۳۱۱

پایگاه عشق و ایمان / استاد سید رضا مؤید خراسانی (مؤید) ۳۱۴

سرور و سردار اقوام عرب / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۳۱۶

سیمای ابوطالب (علیه السلام) / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی) ۳۱۸

موحد به دین ابراهیم (علیه السلام) / مرتضی محمود پور ۳۲۱

یارهمراه / عبدالرضا مروتی اردکانی.. ۳۲۲

شیخ ابطح / شیخ علیرضا محمدی (مسافر) ۳۲۳

رباعی / مؤمنی نژاد ۳۲۴

غرق نور حق / مهندس

علی اصغر یونسیان (ملتجی) ۳۲۵

حقیقتی دگرگون شده / حشمت الله ممتاز همگینی (ممتاز) ۳۲۷

حاصل عشق خدا / مسعود

مهربان.. ۳۲۹

حامی جان بر کف / حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۰

آرامش دل احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۱

کوه کم از کفۀ ایمان توست / استاد غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۲

عمّ المصطفی و ابوالحیدر / استاد غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۴

رباعی / سید

حسن میرحافظ.. ۳۳۶

در مدح حضرت ابوطالب (علیه السلام) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۳۷

خاری به چشم مشرکین / محمد صادق میرصالحیان ۳۳۹

کفۀ اسلام سنگین با ابوطالب شده / محسن ناصحی ۳۴۰

اسوۀ صدق و مروّت / سیّد محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ۳۴۱

شرح حال حضرت ابوطالب (علیه السلام) / سیّد محمود مرتضوی نائینی (ناظر) ۳۴۲

سپر جان پیمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / حاج سیّد مصطفی مهدوی (نحوی) ۳۴۶

رباعی / شاعر:

ناشناس ۳۴۸

اول حامی ختم المرسلین / سیّد علی مهدوی (والا) ۳۴۹

حراستگر از دین خدا / اصغر وحید دستجردی (وحید) ۳۵۲

آقای سیّد پوریا هاشمی .. ۳۵۴

حضرت ابوطالب (علیه السلام) / علی هودفر. ۳۵۶

شرر بر جان خصم نبی (صلی الله علیه و آله وسلم) / علی هودفر. ۳۵۷

همنشین رسول امین / حاج علی شیرانی بیدآبادی (یتیم) ۳۶۰

بخش یازدهم: مرثیه ها و نوحه ها

شکستن قلب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم) ۳۶۲

مرثیۀ حضرت ابوطالب (علیه السلام) / مرحوم علی هنرور (هنرور) ۳۶۴

نوحه / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی) ۳۶۵

نوحه / جعفر

رسول زاده (آشفته کاشانی) ۳۶۶

نوحه‌ی حضرت ابوطالب (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی) ۳۶۷

نوحه در رثاء ابوالائمہ حضرت ابوطالب (علیه السلام) / استاد حاج غلامرضا سازگار (میشم) ۳۶۹

منابع و مأخذ. ۳۷۰

ص: ۱۶

پس از آنکه در دو جریان متفاوت، دو اثر ولایی با همکاری محققان حوزوی و شعرای دلباخته اهل البیت (علیهم السلام) تألیف و عرضه گردید، یکی به نام « حضرت حمزه حامی رسالت » و دیگری به نام « جابر بن عبدالله انصاری رازدار خاندان رسالت و امامت » و هر کدام از آنها در توجه عمومی و عرض ارادت اقشار مردم نسبت به آن دو چهره درخشان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) تأثیر بسزایی داشت، لذا تصمیم گرفتیم که این حرکت نورانی ادامه پیدا کند و یکی دیگر از شخصیت... های برجسته خاندان رسالت و امامت که مورد ظلم و ستم دشمنان اسلام واقع شده‌اند را مورد تحقیق و پژوهش قرار دهیم و با همکاری عده ای از پژوهشگران حوزوی و شعرای مکتب ولایت و امامت، مجموعه ای فراهم آوریم که در این میدان نقش مؤثری ایفا نماید، و در زمینه آشنایی با عظمت و آثار و فداکاری های او گامی برداشته شود. در انتخاب چهره ای که مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم مردد بودم. تا آنکه پس از توسلاتی، بنابر استخاره گذاشتم و برای برگزیدن تحقیق و مطالعه و تألیف درباره بزرگ مظلوم تاریخ، یعنی حضرت ابوطالب (علیه السلام) استخاره چنین آمد: ... (وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا) (۱) و برای ترک آن و انتخاب گزینه ای دیگر چنین آمد: (الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ) (۲) لذا تصمیم قطعی گرفتم که دوستان حوزوی و شعراء ولایی را دعوت کنم برای

ص: ۱۷

۱- .سوره كهف ، آیه ۴۶

۲- .سوره نحل ، آیه ۸۸ ، نکته مهم ، هشدار عجیبی است که برای ترک این اقدام ، از آیه مبارکه استفاده می شود.

مطالعه و تحقیق از یک طرف و سرودن اشعار از طرف دیگر، برای عرض ادب و اخلاص نسبت به بزرگ مدافع و حامی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و پدر همه امامان شیعه (علیهم السلام) که مورد بزرگترین توطئه ها قرار گرفته و ستمگری های اموی و عباسی چهره تابناک او را در پس ابرهای تیره عداوت برده است. خوشبختانه تحقیقات علمی به خوبی پیش رفت و جلسات پی در پی برای سامان دادن حرکت علمی و تنظیم مطالب، برگزار گردید و شعرای اصفهان و سایر شهرها و استان ها نیز همکاری نمودند و با سرودن اشعار فراوان ارادت و اخلاص خود را نسبت به آن بزرگوار و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و سایر امامان شیعه که همه از نسل مبارک حضرت ابوطالب (علیه السلام) می باشند، به منصفه ظهور رساندند.

امید است در سطوح مختلف و در فضاهای گوناگون و با ابزارهای متنوع، پرده های تاریکی که ستمگران، در برابر چهره نورانی و تابناک حضرت ابوطالب (علیه السلام) کشیده اند، پاره شود و در سالگرد ارتحال جانسوز آن بزرگوار یعنی ۲۶ ماه مبارک رجب، با تشکیل مجالس بزرگداشت و برگزاری مراسم بزرگ و با عظمت، در آشنا ساختن جامعه بزرگ شیعی و اسلامی، با شخصیت برجسته آن بزرگمرد موحد و قهرمان ایمان و فداکاری، گام های بزرگی برداشته شود و در حد ممکن، قصورها و تقصیرها در این زمینه، جبران گردد.

لازم می دانم در این فرصت، از همه فضلاء و محققانی که توان و تلاششان را در محضر مبارک حضرت ابوطالب (علیه السلام) در طبق اخلاص گذاشتند و در شکل گیری این مجموعه سهیم شدند یعنی حجج اسلام و المسلمین آقایان حاج سید امیرحسین طالقانی و حاج شیخ علی نظری مؤمن آبادی و شیخ علی اکبر قلعه جوزدانی و

سید محمدرضا تجویدی و شیخ رؤف حق پرست و شیخ غلامحسین مجلسی و شیخ مهدی آقابابایی و سید محمد حسن سجاد و سید مجید نبوی و شیخ جلال ناصحی دام عزهم و توفیقهم که با سعی و اقدامشان این اثر مختصر آماده گردید تشکر و قدردانی نمایم ، و امید است در این سال که مقارن است با یکهزار و چهارصدمین سال شهادت مولی الموحدین ، مظهرالعجایب و مُظهِر الغرائب ، اول مظلوم تاریخ اهل البیت (علیهم السلام)

امیرالمؤمنین ، علی بن ابی طالب (علیه السلام)

وسيله ای باشد برای توجه بیشترِ عموم پیروان مکتب تشیع و بالخصوص مبلغین و خطباً و مداحان و هیئات مذهبی به مسئله دفاع از حریم مقدس امامت و ولایت و بزرگداشت مقام آن دو مظلوم بزرگ تاریخ ، و عرض ارادت و توسلی باشد به ذیل عنایت منتقم حقیقی خون انبیاء و اولیاء ، صاحب العصر والزمان و معزالولیاء و مذل الاعداً

حضرت بقی-ه الله الاعظ-م f

و ذخیره ای برای روزی که :

« لا ینفع مالٌ ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم »

به شمار آید.

حوزه علمیه اصفهان ، میر سید حجت موحد ابطحی

در آستانه یک هزار و چهارصدمین سال شهادت اول مظلوم عالم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

ایام فاطمیه ۱۴۴۰ قمری

ص: ۱۹

بخش اول: زندگی حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- ولادت، نام، کنیه، لقب

ص: ۲۰

حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۳۵ سال قبل از عام الفیل (سال ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)) در شهر مکه و در خانه سید البطحاء حضرت عبدالمطلب (علیه السلام) ، از نوادگان ابراهیم خلیل (علیه السلام) ولادت یافت ، این مولود مبارک را « عبد مناف (۱) » نام نهادند (۲)

و با ولادت اولین پسرش « طالب » با کنیه « ابوطالب » شهرت یافت و هنگامی که وفات (۳)

و سقایت (۴)

حجاج را پس از پدر بزرگوار خود بر عهده گرفت و از

ص: ۲۱

۱- نام حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، عبدمناف است . در احادیثی که از امیرالمومنین (علیه السلام) (بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۴) و امام صادق (علیه السلام) (بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۰۹) نقل شده به صراحت نام ابوطالب (علیه السلام) را عبد مناف فرموده اند و علاوه بر آن مهمترین منابع شیعه و سنی در قرون مختلف نیز همگی بر این مطلب تاکید و تصریح نموده اند همانند : ۱- المجدی ص ۱۹۰ (ابن صوفی ، قرن چهارم) ۲- المناقب ج ۱ ص ۳۶ (ابن شهر آشوب ، قرن ششم) ۳- ایمان ایطالب ص ۱۲۲ (فخار بن معد الموسوی ، قرن هفتم) ۴- کشف الغمه ج ۱ ص ۸۳ (اربلی ، قرن هفتم) ۵- عمده الطالب ص ۲۳ (ابن عنبه ، قرن نهم) ۶- بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۳۸ (علامه مجلسی ، قرن دوازدهم) ۷- الغدیر ج ۷ ص ۵۲۲ (علامه امینی ، قرن چهاردهم) ۸- طبقات الکبری ج ۳ ص ۱۳ (ابن سعد ، قرن سوم) ۹- انساب الاشراف ج ۲ ص ۲۳ (بلاذری ، قرن سوم) ۱۰- مقاتل الطالبیین ص ۲۵ (ابوالفرج اصفهانی ، قرن چهارم) و منابع متعدد دیگر که بدلیل اختصار ذکر نمی شود . البته قول ضعیف و غیر مشهوری گمان کرده نام ابوطالب (علیه السلام) « عمران » است که ابن عنبه در قرن نهم (عمده الطالب ص ۲۳) و علامه مجلسی در قرن دوازدهم (بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۳۸) از این قول یاد کرده اند و سپس با دلائل متقن و محکم آن را مردود دانسته اند .

۲- مناف در اصل از ماده منوف گرفته شده و به معنی « بزرگی » و از اوصاف خدا می باشد، بنابراین عبد مناف یعنی بنده

خدای بزرگ چنانچه لقب جد سوم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عبدمناف بود- مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۱۶۲

۳- به پذیرایی و غذا دادن به حجاج ، وفات گفته می شود.

۴- به آب دادن و سیراب نمودن حجاج ، سقایت گفته می شود.

حجاج و زائرین کعبه پذیرائی می نمود و به آنان آب می رساند ، به «ساقی الحجیج» لقب یافت . (۱)

۲- پدر و مادر

پدر ابوطالب (علیه السلام) ، حضرت عبدالمطلب (علیه السلام) از نوادگان پیامبران الهی ابراهیم خلیل (علیه السلام) و اسماعیل ذبیح (علیه السلام) بود او که همانند اجداد پاکش از موحدین خالص و بر آئین جدش ابراهیم (علیه السلام) ثابت قدم بود بواسطه پاکی و صداقت و سیره حسنه ، در مکه به « سید البطحاء » شهرت داشت

او با احیاء چاه زمزم پس از سالها متروکه بودن ، سقایت حجاج و پذیرائی از آنان را بعهده گرفت و مردم مکه و زائرین بیت الله الحرام از برکات وجودی او بهره می بردند و همگان بر سیادت و عظمت شخصیت او معترف بودند و بفرموده امام صادق (علیه السلام) ، عبدالمطلب (علیه السلام) در قیامت به سیمای انبیاء و هیبت پادشاهان محشور خواهد شد . (۲)

عبدالمطلب (علیه السلام) در ۸۲ سالگی در مکه رحلت یافت و پیکر مطهرش در قبرستان حجون (قبرستان ابوطالب) در کنار تربت اجداد پاکش عبدمناف و قُصَی بن کِلاب بخاک سپرده شد . (۳)

ص: ۲۲

۱- . انساب الاشراف ، ج ۲ ، ص ۲۳ و ص ۲۹

۲- . کافی ج ۱ ص ۴۴۷ ، الفقیه ، ج ۳ ، ص ۸۹ ، الدرالنظیم ، ص ۴۰ ، بحارالانوار ، ج ۱۵ ، ص ۱۵۷

۳- . انساب الاشراف ج ۱ ص ۸۴

مادر ابوطالب (علیه السلام)، بانوی پرهیزگار فاطمه بنت عمرو بن عائذ بود که مادر عبدالله (پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)) و عاتکه نیز بود. (۱)

۳- برادران و خواهران

حضرت عبدالمطلب (علیه السلام) دارای ده پسر و شش دختر بنامهای ۱- عباس، ۲- حمزه، ۳- عبد الله، ۴- ابوطالب، ۵- زبیر، ۶- حارث، ۷- حَجَل، ۸- مَقْموم، ۹- ضرار، ۱۰- ابولهب، ۱۱- صَفِیْه، ۱۲- أم حَکیم البیضاء، ۱۳- عاتِکَه، ۱۴- أمیمه، ۱۵- أروى، ۱۶- بَرّه، بود و بدین خاطر حضرت ابوطالب (علیه السلام) دارای نه برادر و شش خواهر بود که البته با برادرانش عبدالله (علیه السلام) و زبیر و خواهرانش ام حکیم، عاتکه، أمیمه، أروى و بَرّه در مادر نیز مشترک می باشند. (۲)

۴- دوران رشد و تربیت

ابوطالب (علیه السلام) دوران طفولیت، نوجوانی و جوانی را در محضر پدری صالح از اولیاء خدا و دارای فضائل اخلاقی سپری نمود. بندگی خدای یگانه، توکل بر خدا نمودن، در سختی‌ها به خدا پناه بردن و خدمت صادقانه به مردم، درسهای بزرگی بود که او از سیره عملی سید بطحاء فراگرفت.

ص: ۲۳

۱- انساب الاشراف ج ۱ ص ۸۸، الاکتفاء، ج ۱، ص ۲۵، السیره، ج ۱، ص ۱۰۴

۲- السیره النبویه ابن هشام ج ۱ ص ۱۰۸، الاکتفاء، ج ۱، ص ۲۵

۵- ایمان و باورهای اعتقادی

گرچه در ادوار مختلف تاریخی، برخی از اهالی مکه به سبب سفر به شام (روم شرقی) و دیدن بت پرستی، با خود بت‌هایی از شام به مکه آوردند و زمینه انحراف و شرک و بت پرستی را فراهم ساختند اما مکه از ابتدای پیدایش پرچمدار توحید و خداپرستی بود.

هنگامیکه حضرت ابراهیم (علیه السلام)، هاجر و اسماعیل (علیه السلام) را از شهر « الخلیل » شام به کنار کعبه آورد تا فرزندانش پرچمدار اقامه نماز و بندگی خدا باشند، فرمود:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسِيَكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ) (۱)

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از ثمرات به آنها روزی ده شاید آنان شکر تو را بجای آورند!

برای ابراهیم خلیل (علیه السلام) ثبات قدم در توحید و دوری از انحراف و شرک، دغدغه ای عظیم بود و بدین خاطر برای فرزندان‌ش از خدا خواست:

(وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَيْتِي أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ) (۲)

ص: ۲۴

۱- . سوره ابراهیم ، آیه ۳۷

۲- . سوره ابراهیم ، آیه ۳۵

(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر [مکه] را شهر امنی قرار ده! و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار!»

با اقامت هاجر و اسماعیل (علیه السلام) در کنار کعبه و پیدایش آب زمزم، قبیله جُرْهُم کنار آنان ساکن شدند و بافت اولیه شهر مکه پدید آمد با رسیدن اسماعیل (علیه السلام) به سنین جوانی با دختری از قبیله جُرْهُم ازدواج نمود و فرزندان و نوادگانش تا عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار کعبه پرچمدار توحید و پاسدار ارزشهای الهی بودند فرزندان اسماعیل (علیه السلام) یا همان اجداد پاک رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) همواره در کنار کعبه عهده دار محافظت از خانه خدا که بدست جدشان تجدید بنا شد، بودند و سیره عملی انبیاء الهی را در سرزمین وحی زنده نگه می داشتند تا هدایتگر مردم بسوی انوار الهی باشند. (۱)

هنگامیکه ابرهه با سپاه فیل، بقصد تخریب خانه خدا، دیوانه وار خانه ها را ویران و اموال مردم را تصاحب می کرد، عبدالمطلب (علیه السلام) در برابر ابرهه با آرامش فرمود:

« من صاحب شتران خود هستم و کعبه صاحبی دارد که از آن محافظت خواهد نمود (۲) »

ابوطالب (علیه السلام) نظاره گر بود که چگونه مردم بدستور پدرش به کوهها پناه بردند اما عبدالمطلب خود کنار درب کعبه آمد، آستان درب کعبه را گرفت و همچون جدش ابراهیم (علیه السلام) به رحمت الهی پناه برد و با خدا مناجات نمود و پس از

ص: ۲۵

۱- البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۱۸۴، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۹۷

۲- کافی ج ۱ ص ۴۴۷، تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۱۳۴، السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۰، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۴۵

ساعاتی هلاکت سپاه ابرهه را به چشم دید . او نیز مانند پدر و اجداد پاکش ، ایمان به خدا و حرکت در مسیر اطاعت الهی را با همه وجود باور داشت .

۶- سیادت و بزرگی مکه

حضرت ابوطالب (علیه السلام) در طول عمر شریف خود ، همواره ناصح و خیرخواه مردم ، و شخصیت والای او در جامعه بیانگر فضائل و مکارم اخلاقی بود ، بدین سبب مردم مکه نه بخاطر ثروت و جاه و مقام بلکه بواسطه ارزشهای حقیقی آن بزرگوار ، او را محترم شمرده و به سیادت و عظمت معنوی در مکه یاد می نمودند.^(۱)

۷- سخاوت و مقام سقایت مکه

از آنجا که شهر مکه در منطقه ای گرم و خشک و کم آب واقع شده ، از دیرباز تامین آب برای مسافران و زائران کعبه مهم و مورد توجه بوده است ، جناب قُصَی بن کِلَاب جد اعلای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از ساماندهی شهر مکه ، خدمات مهم شهر مکه را تقسیم بندی کرد و بین فرزندان خود تقسیم و به آنها واگذار نمود تا هر کدام عهده دار « نگهداری کعبه » ، « پرده داری کعبه » ، « کلید داری کعبه » ، « رفادت و پذیرائی حجاج » و « سقایت و آب دادن حجاج » باشند.^(۲) پس از گذشت سالها ، چاه زمزم توسط عده ای مسدود و ناپدید شد ، تا اینکه حضرت عبدالمطلب (علیه السلام) در رویایی صادق ماموریت یافت مکان چاه را بیابد و با حفر دوباره ، آن را احیاء نماید و بدین ترتیب پدر ابوطالب (علیه السلام) با احیاء زمزم ،

ص: ۲۶

۱- . انساب الاشراف ج ۲ ص ۲۳

۲- . انساب الاشراف ج ۱ ص ۴۷ ، السیره النبویه ابن هشام ج ۱ ص ۱۲۴

مقام سقاییت جلدش قُصَی بن کلاب را نیز احیاء نمود و تا آخر عمر شریف خود بعهده داشت ، او بهنگام رحلت ، حضرت ابوطالب (علیه السلام) را وصی خود قرار داد و مقام سقاییت را به ایشان سپرد او نیز همچون پدر تا آخر عمر حتی در دورانی که گرفتار مشکلات مالی بود ، سقاییت حجاج را بر عهده داشت و اهل مکه و حجاج بیت الله الحرام از سخاوت و برکت وجود او بهره می بردند .(۱)

۸- احیاگر ارزشها و شعائر الهی

حضرت ابوطالب (علیه السلام) در کنار پدر بازوی توانمند او در انجام رسالتها و خدمات اجتماعی او بود و پس از رحلتش وارث راستین او در تداوم ارزشهای الهی در مکه بود و با بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بزرگترین حامی و پشتیبان آنحضرت در پیاده ساختن احکام و دستورات الهی و محکمترین سد دفاعی در برابر دشمنان و مشرکین بود و در این راه نه فقط با جان و مال بلکه با ایثار و گذشت ، فرزندان خود را فدائی اسلام نمود و حتی آبروی خود در تاریخ را فدای اهداف پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نمود او همانند اصحاب کهف با کتمان ایمان خویش ، خود را همانند شهروندان عادی مکه قرار داد تا بتواند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را پناه داده و از تعرض کفار به آن حضرت جلوگیری نماید ، او به معنای حقیقی با هرچه خدا به او داده بود از خدا ورسولش حمایت نمود تا ارزش ها و شعائر الهی در جامعه زنده شود .

ص: ۲۷

۱- السیره النبویه ابن هشام ، ج ۱ ص ۱۵۰ ، الطبقات الکبری ج ۱ ص ۹۵ ، انساب الاشراف ، ج ۱ ، ص ۸۳ ، البدایه و النهایه ، ج ۲ ، ص ۲۴۵ ، بحار الانوار ، ج ۱۵ ، ص ۷۴

حضرت ابوطالب (علیه السلام) دختر عموی خود فاطمه بنت اسد که بانویی شایسته و پرهیزگار بود، به همسری برگزید، ایندو که از نوادگان پسری هاشم بودند و هر دو در خاندان کمال و فضیلت پرورش یافته و از چشمه زلال توحید و خداپرستی نوشیده بودند تا پایان عمر دوشادوش هم در راه اعتلای ارزشهای الهی جانفشانی نمودند. هنگامی که ابوطالب (علیه السلام) در مقام سقایت و پذیرائی از حجاج در کنار عبدالمطلب (علیه السلام) و سپس وارث او بود، فاطمه شوهرش را در انجام وظائف اجتماعی یاری می داد.

هنگامیکه ابوطالب (علیه السلام) به وصیت پدرش، سرپرستی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را پس از رحلت عبدالمطلب (علیه السلام) بعهدہ گرفت، فاطمه همانند شوهر خویش در نگهداری این امانت الهی بالاترین تلاش خالصانه خود را بکار گرفت و حتی او را بر خود و فرزندانش مقدم می داشت.

هنگامیکه فاطمه بر خانه ابوطالب (علیه السلام) قدم نهاد، با ولادت فرزندان او و تربیت آن ها با ارزشهای الهی، بازوانی توانمند برای ابوطالب (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تربیت نمود.

هنگامیکه فاطمه در خانه ابوطالب (علیه السلام) زندگی می کرد با تزکیه و تهذیب و مراقبت از خود، به صدفی پاک و نورانی تبدیل شد که قابلیت حمل دُرّ گرانبھائی چون امیرالمومنین علی (علیه السلام) و وضع حمل داخل کعبه را پیدا نمود.

هنگامیکه پیامبر (علیه السلام) و مسلمانان در محاصره اقتصادی گرفتار شدند و ابوطالب (علیه السلام) آنها را در شعب ابیطالب جمع نمود تا خود از جان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) محافظت نماید، فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) همگام با شوهر فداکار خود مصائب را به جان می خرید.

هنگام بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ابوطالب (علیه السلام) و فرزندانش از اولین نفراتی بودند که به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان آوردند و در همه مراحل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را یاری نمودند و هنگام هجرت که فرزندش علی (علیه السلام) در بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) جانفشانی کرد، پس از سه روز همقدم با فرزندش امیرالمومنین (علیه السلام) و دختر گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بسوی مدینه هجرت نمود و تا آخر عمر دست از یاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) برنداشت.

فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) سال چهارم هجری در مدینه رحلت نمود(۱)، امیرالمومنین (علیه السلام) با چشم گریان خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید و فرمود: مادرم رحلت نمود، حضرت در جواب فرمود: بخدا سوگند مادر من نیز بود.(۲)

سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به سرعت حرکت نمودند، کنار پیکر مطهر حاضر شده و نزد سر مطهر نشستند و فرمودند:

ای مادر، خدا تو را رحمت کند، پس از مادرم (آمنه) تو مادرم بودی، تو خود گرسنه بودی و مرا سیر نمودی، تو خود لباس نداشتی و مرا لباس پوشاندی، غذای خوب از خودت بازداشتی و آن را به من دادی، و همه را بخاطر خدا و روز قیامت انجام دادی.(۳) سپس بدستور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) زنها برای غسل دادن و کفن نمودن بدن فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها)، اقدام نمودند و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پیراهنی از خود به آنها دادند تا کنار کفن بر بدن فاطمه (سلام الله علیها) قرار دهند. پس از آماده شدن، پیکر مطهر آن بانوی بزرگوار را بسوی بقیع تشییع نمودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

ص: ۲۹

۱- تذکره الخواص، ص ۲۰، احقاق الحق، ج ۳۳، ص ۲۳۰، الفصول المهمه، ج ۱، ص ۱۷۰

۲- کافی ج ۱ ص ۴۵۳، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۸۱، بصائر الدرجات، ص ۲۸۷، مسندالامام الصادق، ج ۴، ص ۲۵۸

۳- المناقب خوارزمی ص ۴۷، الدرالنظیم، ص ۲۲۳، فرائدالسمطین، ج ۱، ص ۴۲۶، مقتل الحسین الخوارزمی، ج ۱، ص ۶۰

خود زیر تابوت رفته و آن را بر شانه خود تا کنار قبر حمل نمودند و بدن را روی زمین گذاشته و خود بداخل قبر رفته و خوابیدند سپس بلند شده و پس از قرار گرفتن بدن بداخل قبر، خم شدند و مدت زیادی با او آهسته سخن می گفتند و می فرمودند « پسرت، پسرت »، و بعد از آن قبر پوشانده شد و حضرت خود را بر قبر انداختند و فرمودند: « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بارالها او را بتو سپردم »^(۱)

۱۰- فرزندان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

ابوطالب (علیه السلام) فقط با فاطمه بنت اسد ازدواج نمود و از او چهار پسر و دو دختر پیدا نمود: ۱- طالب، ۲- عقیل، ۳- جعفر، ۴- علی (علیه السلام)، ۵- فاخره (ام هانی)، ۶- جمانه^(۲)

طالب سال عام الفیل ولادت یافت و سه برادر دیگر هر کدام ده سال کوچکتر از برادر قبلی هستند.

ص: ۳۰

۱- کافی ج ۱ ص ۴۵۳، بحار الانوار، ج ۳۵ ص ۸۱، بصائر الدرجات، ص ۲۸۷

۲- المجدی، ص ۱۹۰، اعلام الوری، ج ۱ ص ۲۸۲، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۱، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۵

بخش دوم: حمایت و حفاظت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قبل از رسالت

۱- وصیت عبدالمطلب به حضرت ابوطالب (علیه السلام)

ص: ۳۱

حضرت عبدالمطلب تا آن جا که جان در بدن داشت در حفظ و حراست حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) کوشید و لحظه ای در پاسداری از حریم او از پای ننشست ، ولی پر واضح است که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از رحلت عبدالمطلب نیز به حامی و پاسدار نیاز دارد ، به ویژه آن زمان که آن حضرت رسالت ضد طاغوتی و مبارزه با بت پرستی و جاهلیت را شروع کند ، و در این مسیر هر چه پیش رود ، دشمنان زیادتری پیدا کرده ، بنابراین نیاز به حامیان جانباز و فداکار دارد .

عبدالمطلب وقتی نشان های مرگ را در خود مشاهده می کند ، تمام اندیشه اش حفظ و حراست و حمایت از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است ، که در این هنگام هشت سال دارد و مادرش را نیز از دست داده است .

ایشان در بستر با چشمانی پر معنی به فرزندانش می نگرست و می اندیشید که کدامین فرزندانش برای این مسئولیت بزرگ شایستگی دارند ، او آن ها را تربیت کرده و با آن تجربه و درایت خود به خوبی لیاقت بعضی از آن ها را برای عهده دار شدن این مسئولیت می شناسد ، یگانه فردی که برای این امر بزرگ انتخاب می کند ، فرزندش ابوطالب است ، به او مجدانه خطاب کرده می گوید :

أَوْصِيكَ

يَا عَبْدَ مَنْفٍ بَعْدِي

بِمُوحِدٍ

بَعْدَ أَبِيهِ فَرْدٍ (۱)

تو را درباره ی حفظ و پاسداری از حریم محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) که یگانه دوران است سفارش می کنم و او را به تو می سپارم .

ص: ۳۲

۱- بحارالانوار، ج ۱۵ ، ص ۱۵۲ ، ترجمه تاریخ یعقوبی، ص ۳۶۷ ، تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص ۵۵

ابوطالب این سفارش پدر بزرگوارش را با تمام وجود می پذیرد و در پاسخ پدر می گوید :

لَا

تُوصِنِي بِلَازِمٍ وَوَاجِبٍ

مِنْ كُلِّ حَبْرٍ عَالِمٍ وَكَاتِبٍ

إِنِّي

سَمِعْتُ أَعْجَبَ الْعَجَائِبِ

بِأَنَّ بِحَمْدِ اللَّهِ قَوْلَ الرَّاهِبِ

ای پدر لازم به سفارش نیست ، من خودم درباره عظمت این کودک در شگفتی بی حد فرو رفته ام ، آنجا که در شأن او از دانشمندان مسیحی و صاحبان کتاب سخن ها شنیده ام ، شکر خدا را که گفته ی راهب درباره او آشکار شد . (۱)

عبدالمطلب بار دیگر به ابوطالب رو کرد و گفت:

فرزندم درباره حفظ و پاسداری این کودک یگانه بیندیش، کودکی که بوی پدر استشمام نکرده و از مهر مادر برخوردار نبوده ، او را همچون جگر خود مواظبت کن، من در میان فرزندانم تنها تو را شایسته این مسئولیت دیده ام، اگر ایام رسالتش را درک کردی ، آگاه می شوی که من از همه مردم بیشتر این کودک را می شناختم ، اگر قدرت و شایستگی پیرویش را داری از او پیروی کن و با زبان و دلت و مال از او حمایت نما ، به خدا سوگند او شما را به آقایی و سروری می رساند و از مقام والایی برخوردار می شود که هیچ یک از پدرانم به آن نرسیده اند آیا این سخنان را می پذیری؟

ابوطالب گفت : خدا را شاهد می گیرم که با تمام وجود سفارش تو را می پذیرم.

ص: ۳۳

۱- . بحار الانوار ، ج ۳۵ ص ۸۶ ، اعیان الشیعه ، ج ۳۹ ، ص ۱۲۵ ، مناقب آل ابیطالب ، ج ۱ ، ص ۶۳

عبدالطلب دستش را به سوی ابوطالب برد و به دست او گذاشت و با سخنانی که از اعماق قلبش بر می خاست در این باره تأکید کرد و فکرش از این مسئولیت بزرگ آرام گرفت و با روحی شاد از مرگ استقبال کرد. (۱)

۲- کیفیت وصیت از قول فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها)

فاطمه بنت اسد همسر ابوطالب گوید: وقتی که علائم مرگ در عبدالطلب ظاهر شد فرزندان خود را احضار کرد و فرمود: در میان شما چه کسی حاضر است تا عهده دار سرپرستی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) گردد، در پاسخ گفتند:

خود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) از ما باهوش تر است از خود او بخواه تا خود او انتخاب کند، عبدالطلب این پیشنهاد را پذیرفت و رو به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) کرد و فرمود: جدّ تو در بستر مرگ قرار گرفته در میان عموها و عمه هایت کدامیک را برای سرپرستی خود انتخاب می کنی؟

آن حضرت لحظه ای عموهایش را با دیدی پرمعنی نگریست و سپس برخاست و در کنار ابوطالب قرار گرفت. عبدالطلب به ابوطالب گفت شخصیت دینی و امانتداری تو را دریافتم، برای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) همانگونه باش که من برای او بودم.

فاطمه بنت اسد گوید: وقتی عبدالطلب از دنیا رفت، ابوطالب طبق وصیت سرپرستی آن حضرت را به عهده گرفت و من هم او را خدمتگزاری می کردم به طوری که مرا مادر می خواند. (۲)

ص: ۳۴

۱- . کمال الدین و تمام النعمه ، ص ۱۷۱

۲- . بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۸۳ ، الخرائج و الجرائح ، ص ۱۳۸

۳- حضرت ابوطالب (علیه السلام) آینده‌ی تمام نمای پدر

تردیدی نیست که اگر فرزند لیاقت و آمادگی معنوی داشته باشد، طبق قانون وراثت، شخصیت و اصالت خانواده در او اثر به سزائی خواهد داشت، ابوطالب از اینگونه فرزندان است که همه صفات کمال و خوبی‌ها و امتیازات معنوی را از پدر به ارث برد، پس از پدر گویا عبدالمطلب دیگری به صحنه آمده، او آینده‌ی تمام نمای پدر بود. او همچون پدر در مسیر آئین حنیف ابراهیمی قدم بر می‌داشت، سقائیت و منصب آب‌رسانی به زائران خانه خدا کعبه و کمک به مستضعفان و مقام رهبری و مبارزه با فساد و پاسداری از محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را با نیکوترین وجه به عهده گرفت و مردم هم او را چنین می‌شناختند.

ابوطالب علاوه بر وارث بودن از پدر خود شخصیتی بارز داشت و مردی خود ساخته بود، خود ساختگی او با ارثی که از پدر برده بود توأم شده و شخصیتی چون ابوطالب به صحنه آمد.

از این رو محیط و شرائط شوم جاهلیت نه تنها در او اثر نکرد بلکه او درست مقابل شیوه‌های جاهلیت به پاخاست، شراب را که در آن زمان مثل آب خوردن رواج داشت بر خود حرام کرد و خود را از هرگونه آلودگی‌ها، جاهلیت و پلیدی‌های شرک و ناپاکی‌های ارتجاعی بر حذر داشت و نخستین کسی بود که «قُسامه» (سوگند خوردن اولیاء مقتول با کیفیتی خاص برای اثبات قتل) را در جو قضاوت سنت کرد که بعداً اسلام آن را پذیرفت. (۱)

ص: ۳۵

۱- السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۹- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۹۶، ابوطالب مؤمن قریش، ص ۱۱۶ تا ۱۱۸

۴- حضرت ابوطالب (علیه السلام) سقایت الحجاج

ابوطالب همچون پدر مهربانش پناه بی پناهان و مدافع بی دفاعان بود و به دردهای اجتماعی و نیازها توجه داشت و تا می توانست سنگری نیرومند برای حمایت از ضعیفان بود.

مورخین نوشته اند: سالی فرا رسید که قحطی و کمبود ارزاق همه جا را فرا گرفته بود و این کمبود به مسأله سقایت و آب دادن به زائران خانه خدا نیز ضربه سختی وارد کرده بود، ابوطالب که در چنین سال سیاهی تمام امکانات خود را از دست داده بود، برای تأمین آب آشامیدنی حجاج از برادرش عباس تقاضای ده هزار درهم وام کرد، تا بدین وسیله آب ضیوف الرحمان را تأمین نماید مشروط به اینکه سال آینده وامش را بپردازد.

عباس پذیرفت و این وام را به ابوطالب داد، ابوطالب آن را برای تأمین آب زائران بیت الله الحرام مصرف و سال بعد از ادای وام عاجز ماند، علاوه بر آن باز هم برای تأمین آب به طور کامل نیاز به کمک مالی داشت، برای دومین بار نزد برادرش عباس رفت و تقاضای ۱۴۰۰۰ درهم وام کرد تا در قبال آن همه‌ی اموالش را در سال آینده در اختیار عباس بگذارد.

عباس گفت: حاضرم این وام را نیز بپردازم مشروط به اینکه اگر در سال آینده ابوطالب از پرداخت وام عاجز ماند منصب سقایت و آب دادن به زائران مکه معظمه را به او واگذار کند، ابوطالب این شرط را قبول کرد. (۱)

ص: ۳۶

۱- الکامل ابن اثیر، ص ۱۴، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳، ص ۴۶۱

آری ابوطالب تا این حد برای رفع مشکلات اجتماعی و برقراری خدمات انسانی کوشش و تلاش می کرد ، او با این برنامه های اصلاحی گویا می خواست محیط را برای ظهور پیامبر اسلام آماده سازد و در حقیقت او هم حامی و پاسدار شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود و هم حامی و حافظ ایده‌ی پیامبر و اینها نکاتی است که به طور آشکار در تاریخ دیده می شود.

۵- نزول باران به دعای ابوطالب (علیه السلام)

تاریخ نویسان از زبان شخصی به نام « جلهمه » می نویسند ، او می گوید : وارد مکه شدم دیدم قحطی و کمبود ارزاق و نیامدن باران مردم را کلافه کرده است ، یکی می گفت به دو بت لات و عزی پناه ببرید ، دیگری می گفت دست به دامن بت منات بزنید ... پیرمرد زیباچهره و آراسته ای را دیدم می گفت : کجا می روید؟ به کی پناه می برید؟ با وجودی که در میان شما از نسل ابراهیم خلیل و از نسل اسماعیل (سلام الله علیها) وجود دارند .

گفتند : لابد منظورت ابوطالب است ؟

گفت : آری ، خوب متوجه شدید .

مردم به قصد دیدار ابوطالب به حرکت در آمدند ، من هم همراه آن ها بودم و با هم به درخانه ابوطالب رفتیم ، کوبه در را زدیم ناگهان مردی نیکو صورت که پیراهن درازی پوشیده بود از خانه بیرون آمد ، مردم دور او را گرفتند و یک صدا می ... گفتند : ای ابوطالب به فریاد برس ، قحطی و خشکی همه جا را گرفته و همه درمانده شده اند به ما آب برسان .

ابوطالب به همراه کودکی که همچون آفتاب تابان می‌درخشید به راه افتاد تا به کعبه رسیدند. (۱)

ابوطالب در کنار کعبه این کودک را سر دست گرفت و سه بار به طرف آسمان انداخت و گرفت و گفت :

خدیا به حقیقت این کودک باران رحمت را بر ما بفرست .

ساعتی نگذشت که باران همه جا را فرا گرفت ، آنگاه این اشعار را سرود :

وَ أَيْضُ يُسْتَشْقَى الْعَمَامُ بِوَجْهِهِ

يَلُودُ بِهِ الْهَلَاكُ مِنْ آلِ هَاشِمٍ

وَ مِيزَانُ عَدْلِ لَا يَخِيسُ شَعِيرَهُ

ثَمَالُ أَيْتَامِي عِصْمَهُ لِلْأَرَامِلِ

فَهُمْ عِنْدَهُ فِي نِعْمِهِ وَ فَوَاضِلِ

وَ وَزَانُ صِدْقٍ وَ زُنُهُ غَيْرُهُائِلِ

وہ چه سیمای نورانی که به وسیلهی آن از ابرها طلب باران می شود ، آن سیمائی که نوازش دهندهی یتیمان و نگهبان بیوه زنان است .

درماندگان بنی هاشم به او پناه می برند و در سایه لطف او همواره در سعادت و نعمتند . آن کسی که میزان عدالت است و به اندازهی دانه جو از صراط عدالت انحراف نمی یابد و الگوی راستی است که از آن هرگز کج نمی شود . (۲)

ص: ۳۸

-
- ۱- السیره النبویه ، ج ۱ ، ص ۸۰ و سیره حلبیه ، ج ۱ ، ص ۱۳۸ - الغدیر ، ج ۷ ، ص ۳۴۶
 - ۲- ملل و نحل فصل ۳ ، ص ۲۲۵ ، بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۷۵ ، شرح البخاری للقسطلانی ، ج ۲ ، ص ۲۲۷ ، الخصایص الکبری ، ج ۱ ، ص ۸۶

۶- حضرت ابوطالب (علیه السلام) و ماجرای ولادت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ده سال قبل از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) دیده به جهان گشود و جهان را به قدوم مبارک خود منور نمود، ولی در همان وقت طبق گفتار مورخین، ابوطالب (علیه السلام) پیرامون تولد این فرزندش سخنانی فرموده که دلیل روشن بر ایمان او می باشد و برای بیان این مهم باید به چند نکته دقت نظر داشته باشیم:

الف) بشارت « مبرم » به حضرت ابوطالب (علیه السلام)

جابر بن عبدالله انصاری گوید از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در مورد ولادت حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) پرسیدم؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: از بهترین کودکانی که زاده شد پرسش کردی که زائیده شدنش در رویدادی همانند ولادت حضرت مسیح (علیه السلام) بود....

سپس حضرت فرمود: در روزگار ما مردی پرهیزگار و خدا پرست بود که او را «مبرم(۱) ابن دعیب بن شقبان» میگفتند که ۲۷۰ سال خدای تعالی را پرستیده بود و چیزی از او درخواست ننموده بود پس خداوند ابوطالب را به سوی او فرستاد، چون مبرم او را دید به سوی او برخاست و سرش را بوسید و او را پیش روی خود نشانید سپس او را گفت تو کیستی؟

ابوطالب (علیه السلام) گفت مردی از تهمیان .

پرسید از کدام خاندان تهامی هستی؟

ابوطالب (علیه السلام) گفت از هاشمیان .

ص: ۳۹

۱- . در جلد ۳۵ بحارالانوار ص ۱۰ « مثرم بن دعیب بن الشیقتم » ذکر شده است

پس از آن پارسا برجست و سر او را بوسید و گفت ای مرد به راستی خدای علی چیزی به دل من الهام کرده! ، ابوطالب گفت چیست ؟

گفت : از پشت تو فرزندی به دنیا می آید که دوست خدای عزوجل است (۱)

سپس آن پارسا در وصف مولود کعبه امیرالمومنین (علیه السلام) گفت :

هُوَ إِمْرَأٌ مِّنَ الْمُتَّقِينَ وَ وَصَّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَإِنْ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ الْوَلَدَ فَأَقْرَبْتَهُ مِنِّي السَّلَامَ وَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَثْرَمَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّكَ وَ صِئْتُهُ حَقًّا - بِمُحَمَّدٍ يَتِمُّ النُّبُوَّةُ وَ بِكَ يَتِمُّ الْوَصِيَّةُ (۲).

او پیشوای پرهیزگاران و جانشین رسول پروردگار جهانیان است ، پس اگر درک کردی آن فرزند را سلام مرا به او برسان و به او بگو : همانا مَثْرَم (مبرم) سلام رساننده و او شهادت می دهد که خدایی جز الله نیست و برای او شریکی وجود ندارد و اینکه محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بنده و فرستاده‌ی او و شما وصی به حق او هستی و به وسیله محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نبوت کامل می شود و به وسیله شما وصایت کامل می شود.

ب-رؤیای صادق‌ه‌ی حضرت ابوطالب (علیه السلام)

روزی ابوطالب در حجر اسماعیل کنار کعبه معظمه به خواب رفت ، در خواب دید ، دری از آسمان به رویش گشوده شد و از آن نوری پائین آمد و اطراف او

ص: ۴۰

۱- . کفایه الطالب ، ص ۲۶۰ ، الغدیر ج ۷ ص ۳۴۷

۲- . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱ ، روضه الواعظین، ص ۸۷ ، فضائل ابن شاذان ، ص ۵۴ ، جامع الاخبار ، ص ۱۷

را روشن کرد ، از خواب بیدار شد، نزد راهب جحفه که به تعبیر خواب آشنا بود رفت و خواب خود را بیان کرد تا او تعبیر کند .

راهب پس از تأمل به ابوطالب گفت : بر تو مژده باد که به زودی دارای فرزندی ارجمند و شریف خواهی شد ، آنطور که از این رویا دریافتم دو نور همانند موسی و برادرش در راه هستند.

ابوطالب کنار کعبه آمد ، مشغول طواف شد و ضمن طواف اشعاری بدین مضمون زمزمه میکرد : مشتاقانه از خدا می خواهم که قبل از مرگ به دیدار فرزند پاکم که کوبندهٔ بت پرستان و گمراهان است نائل شوم .

پس از طواف باز به حجر اسماعیل رفت و در آنجا خوابش برد ، در خواب دید شخصی با لباس پاک و فاخر آمد و گفت : ای ابوطالب (علیه السلام) چشم هایت روشن و دیدارت نیکو و دستهایت قوی و پیروز باد خداوند فرزند برومندی به رغم دشمنان حسود به تو خواهد داد.

وقتی که ابوطالب (علیه السلام) از خواب بیدار شد باز هم به طواف کعبه پرداخت با شوق بیشتری ، تا اینکه برای سومین بار به حجر اسماعیل آمد و خوابید ، این بار در خواب دید جدش عبدمناف به او فرمود:

این فرزند از دختر اسد (فاطمه (سلام الله علیها)) است .

ابوطالب از این خواب در مورد ازدواج با فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) راهنمایی شد ، با او ازدواج کرد و سپس کنار کعبه رفت و هنگام طواف چنین زمزمه می کرد:

قَدْ صَدَقْتُ رُؤْيَاكَ

بِالتَّعْبِيرِ

و لَسْتُ بِالْمُرْتَابِ فِي الْأُمُورِ (۱)

ص: ۴۱

۱- دُرر الاخبار ، ج ۲ ، به نقل از مولد امیرالمؤمنین (علیه السلام) به نقل از محدث نوری از ابن بابویه

خواب تو طبق تعبیر مطابق واقع شد ، شک و تردیدی در امور ندارم ، ای خدای کعبه و تعهدها ، همچون بنده‌ی پاک و نیازمند تو را می خوانم .

ج) سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بعد از ولادت حضرت علی (علیه السلام)

پس از آنکه حضرت علی (علیه السلام) در دل کعبه دیده به جهان گشود ابوطالب (علیه السلام) خوشحال شد ، مردم اطراف او را گرفته بودند و از انواری که در آسمان دیده بودند می پرسیدند .

ابوطالب به آن ها گفت : مژده باد بر شما که امشب یکی از اولیاء خدا دیده به جهان گشود ، که کامل کننده‌ی سعادت و زداینده‌ی آلودگی هاست ... ابوطالب به همین منوال تا صبح سخن گفت (۱).

هنگام ولادت امام علی (علیه السلام) حضرت ابوطالب (علیه السلام) اشعاری خواند که شاه بیت آن چنین است .

وَهُوتُ عُرُوشُ

الْكَفْرِ عِنْدَ ظُهُورِهِ

وَبَسِيفِهِ قَدْ

شَيَّدَ الْإِسْلَامَ (۲)

با ظهور علی (علیه السلام) کمر کفر خمیده شد و با شمشیر او اسلام استوار می گردد.

پس چون شبی که حضرت علی (علیه السلام) در آن زاده شد فرا رسید ، زمین درخشندگی یافت و ابوطالب بیرون شده و می گفت: ای مردمان! دوست خدا در خانه کعبه زاده شد ، پس چون بامداد شد به خانه کعبه درآمد و می گفت:

ای پروردگار ماه درخشان روشن از کار پنهانی خویش برای ما آشکار کن که درباره‌ی نام این کودک چه می بینی.

ص: ۴۲

۱- مناقب ، ج ۲ ، ص ۱۷۴

۲- الانوار ، ابوالحسن بکری به نقل از منیه الراغب فی ایمان ابوطالب

پس ندای هاتفی را شنید که می گوید:

يَا أَهْلَ بَيْتِ

الْمُصْطَفَى النَّبِيِّ

إِنَّ اسْمَهُ مِنْ شَامِخِ الْعَلِيِّ

خُصِّصْتُمَا

بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ

عَلِيِّ

اشْتَقَّ مِنَ الْعَلِيِّ

(۱)

ای خاندان پیامبر برگزیده ، شما را با دادن فرزندی پاک و بیژگی بخشیدیم. به راستی که نامش را علی نهادیم و این علی از نام خداوند علی گرفته شده .

(د) پیام آسمانی نام گذاری حضرت علی (علیه السلام)

بنابر قولی نیز ابوطالب (علیه السلام) پس از تولد علی (علیه السلام) او را در آغوش گرفت و همراه فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) به ابطح (محلی بین مکه و منا) رفتند و در آنجا ، دست به دعا برداشت ، در حالی که مشغول دعا بود ، ناگهان دید لوحی چون ابر لطیف از آسمان به زمین آمد و در آغوش ابوطالب قرار گرفت ، وقتی آن را نگاه کرد ، دید لوح سبزی است که در آن نوشته شده :

خُصِّصْتُمَا

بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ

وَ الطَّاهِرِ

الْمُنْتَجَبِ الرَّضِيِّ

فَاسْمُهُ مِنْ شَامِخِ

مژده باد شما دو نفر (ابوطالب و فاطمه (عليهما السلام)) را که به داشتن فرزندی پاک و برگزیده و کامل اختصاص یافتید، نام او از ناحیه خدای بزرگ «علی» است و این نام از نام خدای علی گرفته شده است.

ص: ۴۳

-
- ۱- . الغدير، ج ۷، ص ۳۴۷ - کفایه الطالب، ص ۲۶۰، ینایع الموده، باب ۶، ص ۲۵۵، شبهای پیشاور، ص ۸۲۲
 - ۲- . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۷۵، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۹

بخش سوم: حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در زمان رسالت

۱- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در آغاز رسالت

ص: ۴۴

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در آغاز رسالت به عباس عمویش فرمود: خدا فرمان داده که رسالت خود را آغاز کنم ، سپس از عباس دعوت به حمایت نمود ، عباس که در خود چنین قاطعیت و توانی نمی دید ، پس از عذرخواهی گفت : نزد عمویت ابوطالب که بزرگترین عموهایت است برو ... اگر تو را یاری نکند ، مطمئناً تو را تنها نمی گذارد و تسلیم دشمن نمی نماید .

وقتی که ابوطالب از گفتگوی عباس و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) مطلع شد رو به پیامبر کرد و فرمود : فرزند پدرم برخیز و قیام کن تو مقامی با شکوه ، و حزبی ارجمند و اصالتی راستین داری ، هر زبانی که برای سرکوبی تو حرکت کند ، زبان های برنده و شمشیرهای تیز برای منکوب کردن آن زبان ، به حمایت تو حرکت خواهد کرد ... به خدا سوگند عرب آن چنان در پیشگاهت سر فرود آورند ، چنانکه بچه‌ی حیوانی در برابر مادر شیرده اش سر فرود می آورد .

پدرم عبدالمطلب همه‌ی کتاب های آسمانی را خوانده بود و در توصیه به فرزندان گفت : در صلب من پیامبری خواهد آمد ، دوست داشتم آن زمان را دریابم و به او ایمان آورم ، هر کس از فرزندانم که او را یافت حتماً به او ایمان بیاورد . (۱)

لذا ابوطالب نه تنها پیامبر را تنها نگذاشت ، بلکه صریحاً از او اعلام حمایت و طرفداری کرد ، علامه امینی رحمه الله علیه پس از نقل این جریان می گوید : ابوطالبی که این سخن را از پدرش با نشاط کامل نقل می کند و خبر از آینده درخشان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می دهد ، که تمام عرب ها در برابرش سر تعظیم فرود

ص: ۴۵

۱- . الغدير ، ج ۷ ، ص ۳۴۸ ، به نقل از نهایه الطلب و غایه السؤال دینوری

می آورند ، آیا به راستی همه اینها را می گوید ولی خود او ایمان نمی آورد ، اگر کسی چنین تصور کند اندیشه اش خنده آور نیست ؟

۲- حمایت حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مهمانی تاریخی

در آغاز بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) طبق نزول آیهی شریفه انذار (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۱) توسط حضرت علی (علیه السلام) چهل نفر از بستگان خود را که از سران قریش و غیره بودند ، به ضیافتی دعوت کرد ، همه این دعوت را پذیرفتند ، پس از صرف غذا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسالت خود را به آنها ابلاغ کرد و همه را به پذیرش اسلام دعوت نمود ، آنها برخواسته و متفرق شدند . پیامبر بار دیگر آنها را جمع کرد و دعوت خود را ابلاغ نمود .

ابوطالب نخستین فردی بود (بعد از امام علی (علیه السلام)) که اظهار وفاداری کرده و گفت :

ما حمایت از تو را دوست داریم و نصیحت تو را می پذیریم و گفتار راستین تو را تصدیق می کنیم ، اینها پسران پدرت (عبدالمطلب) به گرد هم آمده اند و من یکی از آنها هستم ، با این تفاوت که از همه ی آن ها بیشتر خواستار اجرای سریع برنامه های تو هستم ، مأموریت خود را اجرا کن ، به خدا سوگند همواره از حریم تو حمایت خواهیم کرد ... (۲)

ص: ۴۶

۱- . سورة شعراء ، آیه ۲۱۴

۲- . ابوطالب تجلی ایمان، ص ۵۵

ابولهب سخن ابوطالب را قطع کرد و ابراز مخالفت کرد، ابوطالب فریاد زد ساکت باش ای عور (ترسو) آنگاه به پیامبر رو کرد و گفت: برخیز ای سید و سرور

من، و آنچه را دوست داری سخن بگو و رسالت پروردگارت را ابلاغ کن تو مرد راستگو و درستکاری هستی.

ابولهب در میان جمع تحریک شده بر ضد پیامبر، استهزا آمیز به ابوطالب گفت: محمد به تو فرمان داد که از پسرت (علی (علیه السلام)) پیروی کنی؟ (۱)

۳- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) در مورد ایمان به اسلام

ابوطالب به بستگان خود در مورد ایمان به اسلام و حمایت بی دریغ از آن اکیداً سفارش می کرد و در اشعار او چنین آمده است:

أَوْصِي

بِنَصْرِ النَّبِيِّ الْخَيْرِ

مَشْهُدَةً

وَ حَمْزَةَ الْأَسَدِ الْحَامِي حَقِيقَتَهُ

كُونُوا فِدَاءً لَكُمْ أُمِّي وَ مَا وَلَدْتُ

عَلِيًّا

أَبِي وَ شَيْخِ الْقَوْمِ عَبَّاسًا

وَ جَعْفَرًا أَنْ يَذُودُوا دُونَهُ النَّاسَا

فِي نَصْرِ أَحْمَدَ دُونَ النَّاسِ

أَتْرَاسًا (۲)

در مورد یاری پیامبر خوبی ها چهار نفر را توصیه می کنم: علی فرزندم و عباس برادرم بزرگ قوم را و حمزه آن شیر راستین برای حمایت و جعفری را که کسی را یاری نبرد با او نیست.

- ١- .الغدیر، ج٧، ص ٣٥٥، تاریخ طبری، ج٢، ص ٦٣، کامل ابن اثیر، ج٢، ص ٤١، تاریخ یعقوبی، ص ٣٨٤
- ٢- .الغدیر، ج٧، ص ٣٤٢ و ص ٤٠٠، السیره النبویه، ج١، ص ٨٨

مادر و عزیزان مادرم به فدایتان به یاری محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در برابر دشمن برخیزید و همچون سپر و سد محکمی از حریمش دفاع کنید.

۴- توصیه حضرت ابوطالب به امام علی (علیه السلام) در ملازمت با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

در آغاز بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، روزی ابوطالب مشاهده کرد، که فرزندش علی (علیه السلام) در خفا به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) اقتدا کرده و نماز می خواند وقتی که علی (علیه السلام) پس از نماز ابوطالب را دید گفت: پدر به خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان آوردم و او را در آنچه که آورده تصدیق می کنم و برای خدا با او نماز می خوانم و از او پیروی می کنم.

ابوطالب در پاسخ گفت: بدان که پیامبر تو را جز به راه خیر دعوت نمی کند همواره با او باش. (۱)

همچنین منقول است امام علی (علیه السلام) فرمود: پدرم به من می گفت: فرزندم همیشه با پسرعمویت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) باش زیرا در پرتو این ملازمت در دنیا و آخرت رستگار خواهی شد، سپس اضافه نمود.

إِنَّ

الْوَيْفَةَ فِي

لُزُومِ مُحَمَّدٍ

فَأَشَدُّ

بِصُحْبَتِهِ عَلَيَّ يَدِيكَ (۲)

پیوند آهنین با محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) داشته باش و دست های خود را به گرمی و محکمی هر چه تمام تر، دست اندر کار همراهی و همکاری او قرار بده.

ص: ۴۸

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۸، الاصابه، ج ۴، ص ۲۱۶، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۳۰۵

۲- اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۹، ج ۳۹ ص ۱۴۴ - الغدیر ج ۷ ص ۳۵۶، بحار ج ۳۵ ص ۱۲۰

۵- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به جعفر طیار در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

روزی ابوطالب دید پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به نماز ایستاده و علی (علیه السلام) در طرف راست او اقتدا کرده است ، در این لحظه فرزند دیگرش جعفر را دید و به او فرمود : جعفر تو نیز با پیامبر نماز بخوان و در طرف چپ او اقتدا کن ، سپس حنجره اش به این اشعار که از قلبی آکنده از ایمان و احساس برمی خاست به صدا در آمد و سرود :

إِنْ

عَلِيًّا وَ جَعْفَرًا

ثَقْتِي

لَا تَخْذُلَا وَ أَنْصُرَا ابْنَ عَمِّكُمَا

وَ اللَّهُ لَا أَخْذُلُ النَّبِيَّ وَ لَا

عِنْدَ

مُلِيمِ الزَّمَانِ وَ التُّوبِ

أَخِي لِأُمِّي مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَبِي

يَخْذُلُهُ مِنْ بَنِي ذُو حَسَبٍ (۱)

علی و جعفر در بحرانها مورد اطمینان منند ، ای فرزندانم پسر عمومی خود محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را تنها نگذارید و به حمایت از او بپاخیزید ، او که فرزند برادر پدر و مادری من است . بخدا سوگند پیامبر را تنها نمی گذارم و از فرزندان پاک و با شخصیت من نیز او را تنها نخواهند گذارد .

ص : ۴۹

۱- . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۳۱۴ - الغدیر ج ۷ ص ۳۵۶ ، بحار ج ۳۵ ص ۶۸ و ۱۲۱

۶- توصیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) به حمزه سیدالشهدا در حمایت از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

ابوطالب در راه حمایت از دین مبین اسلام و پیامبر عظیم الشان اسلام به برادرش حمزه سیدالشهداء نیز توصیه و سفارش نمود و او را به ایمان به پاسخ به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می خواند و سفارش به صبر و استقامت می نمود و اشعاری حماسی در این مورد می خواند :

فَصَبْرًا

أَبَا يَعْلَى عَلَى دِينِ

أَحْمَدَ

وَ

كُنْ مُظْهِرًا لِلدِّينِ وَوَقَّتَ صَابِرًا (۱)

ای حمزه در راه دین احمد ، استقامت و پایداری را برای تو می خواهم ، مدافع و پاسدار دین باش ، امید آنکه به صبوری سرشار توفیق یابی ...

۷- سرزنش حضرت ابوطالب (علیه السلام) از ابولهب در حمایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

ابو ایوب انصاری گوید در آغاز بعثت در بازار « مجاز (۲) » پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) مردم را به سوی خدا دعوت می کرد ، عباس عموی پیامبر ناراحت شده و پیش آمد و گفت : گواهی می دهم که تو دروغگو هستی .

سپس عباس جریان را به برادرش ابولهب گفت ، این بار هر دو نزد پیامبر آمدند و در میان مردم اعلام کردند که پسر برادر ما دروغگو است ، بیدار باشید که شمارا اغفال نکند .

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که از کار این دو عمو سخت بر آشفته بود ، خود را به ابوطالب رساند و کارشکنی آنها را تذکر داد .

ص: ۵۰

۱- . اسد الغابه ج امر ۲۸۱ ، الغدير ج ۷ ص ۳۵۷ - بحار الانوار ج ۳۵ ص ۹۱ ، مناقب آل ابيطالب ، ص ۸۸

۲- . بازاری در يك فرسخی عرفات ، در بعضی منابع «ذوالمجاز» نیز آمده است.

ابوطالب نزد ابولهب و عباس آمد و گفت خدا شما را خاک برسر کند ، میخواهید چه کنید ؟ بخدا سوگند محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) راستگو است و این دو شعر را خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) خواند :

أَنْتَ

الْأَمِينُ أَمِينُ

اللَّهُ لَا كَذَبَ

أَنْتَ الرَّسُولُ رَسُولُ اللَّهِ تَعَلَّمُهُ

وَ

الصَّادِقُ الْقَوْلُ لَا لَهْوَ وَ لَا لَعِبَ

عَلَيْكَ تَنْزَلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ (۱)

تو امین هستی ، امین خدا که ازدروغ منزه هستی ، تو راستگوئی هستی که گفتارت سخن بی اساس نیست ، تو فرستاده خدایی و آنرا به یقین می دانم و کتابهای آسمانی بشارت به رسالت تو داده اند .

دانشمند معروف اهل تسنن « برزنجی » گوید : اخبار و روایات متواتر و بسیار رسیده که ابوطالب پیامبر را دوست داشت و او را در گسترش دینش تایید و کمک می کرد و فرزندان و بستگان خود را به پیروی و حمایت از او امر می کرد ، سپس گوید : اینها همه دلیل صریح و روشن است که قلب ابوطالب مالا مال از ایمان بود . (۲)

ص: ۵۱

۱- مناقب ابن شهر آشوب

۲- الغدير ج ۷ ص ۳۵۸ ، ابوطالب مومن قریش ص ۱۵۶ ، اسنی المطالب ، ص ۶

بخش چهارم: جهاد و تلاش حضرت ابوطالب (عليه السلام)

اشاره

ص: ۵۲

هرگاه حمایت و نصرت به حدّ جهاد و جانبازی و تلاش مداوم رسید، این خود یک دلیل مستقل و روشنی بر ایمان جهاد کننده است که در راه هدف تا مرز جان نثاری آماده شده است وقتی ما زندگی حضرت ابوطالب (علیه السلام) را از این دیدگاه می‌نگریم به این نتیجه می‌رسیم که آنچنان ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) به اسلام و پیامبر استوار و محکم است که در سخت‌ترین بحران به جهاد با دشمنان اسلام برمی‌خیزد که برای اثبات این ادعا به ذکر چند نمونه می‌پردازیم.

۱- شدیدترین تصمیم حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

یکی از وقایعی که حاکی از شدت علاقه و حمایت ابوطالب (علیه السلام) نسبت به پیامبر است، جریان مفقود شدن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است که مورخین آن را به چند روش با کمی اختلاف نقل کرده‌اند که یکی از آن‌ها را نقل می‌کنیم.

ابوطالب که در مراقبت پیامبر نهایت تلاش را داشت روزی او را ندید و هر چه جستجو کرد او را نیافت، سخت ناراحت و متحیر و خمشگین شد و گمان کرد که توطئه‌ای در کار است و ممکن است قریشیان او را به قتل رسانده باشند.

ابوطالب بستگان خود از بنی هاشم و بنی مطلب را فراخواند و به آن‌ها گفت: هر کدام شمشیری بردارید و زیر لباس پنهان سازید و به مسجد الحرام بروید و هر کدام کنار یکی از بزرگان قریش بنشینید (و بین خود و آن‌ها رمزی قرار داد) هنگامی که من به سوی شما آمدم اگر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) همراه من بود کاری نکنید و گرنه هر یک از شما با حمه‌ی ناگهانی بغل دستی خود از کفار را به قتل رسانید.

بنی هاشم و بنی عبدالمطلب به همین ترتیب هر یک در کنار و کمین یکی از سران قریش قرار گرفتند، ابوطالب باز هم به هر جا که گمان می برد به جستجوی پیامبر پرداخت و ناگهان دید که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پایین کعبه کنار سنگی به نماز مشغول است، چشمش روشن شد و اندوهش برطرف گردید، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را در آغوش محبت خود گرفت و بوسید و اشک شوق ریخت و جریان تصمیم شدید خود را به عرض رساند، سپس همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به قریشیان وارد و فریاد زد: ای قریشیان آیا می دانید که چه تصمیم شدیدی گرفته بودم، آن‌ها را در جریان گذاشت و به جوانان بنی هاشم و بنی عبدالمطلب گفت:

اسلحه‌های خود را آشکار سازند تا قریش آگاه گردند و حساب کار دستشان باشد. وقتی که آنان سلاح‌های خود را آشکار ساختند وحشت و خودباختگی از چهره آن‌ها به خصوص ابوجهل ظاهر گردید.

آنگاه ابوطالب به آن‌ها گفت: به خدا سوگند اگر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را به قتل می رساندید احدی از شما باقی نمی گذاشتم هر چند کار به نابودی همه می کشید، قریشیان که سخت به خشم آمده بودند از آن جا دور شدند. (۱)

ص: ۵۴

۱- اثبات الوصیه، ص ۹۶، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۲۳ و ۳۴۹، طبقات الکبری ابن سعد ج ۱، ص ۱۸۶، ایمان ایطالب، ص ۲۸۵، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۱، الطرائف، ج ۱، ص ۳۰۳

۲- پیشنهاد خنده آور کفار به حضرت ابوطالب (علیه السلام)

توطئه دیگر کفار این بود که شخصی بنام « عماره بن ولید » که ظاهری آراسته داشت نزد ابوطالب آورده و اظهار داشتند این جوان خوش سیما و ثروتمند را از ما به عنوان فرزندی خود قبول کن و بجای آن محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را که آیین تو و پدران تو را به باد انتقاد قرار داده و موجب اختلاف شده تحت اختیار ما قرار بده تا اعدامش کنیم .

ابوطالب در پاسخ این پیشنهاد خنده آور فرمود :

بخدا سوگند بسیار پیشنهاد زشتی می کنید آیا فرزند شما را بپذیرم و از آن پذیرایی کنم ولی فرزند خود را به شما بدهم تا او را بکشید هرگز چنین کاری نخواهم کرد ، نه هرگز .

شخصی از دشمنان بنام « مُطعم بن عُدی » گفت ای ابوطالب این قوم پیشنهاد منصفانه کردند و خواستند تو از این گرفتاری خلاص گردی ، چرا پیشنهادشان را نپذیرفتی ؟

ابوطالب در پاسخ گفت : بخدا سوگند با من رعایت انصاف نکردند ، ولی تو هدفی جز سرشکستگی من و پیروزی دشمن را نمیخواهی ، آنچه از دست برمی آید انجام بده [\(۱\)](#) و اشعار کوبنده ای در رد او سرود که آغازش چنین است :

ص: ۵۵

۱- . الغدیر ، ج ۷ ، ص ۳۶۰ ، تاریخ طبری ، ج ۲ ، ص ۶۷ ، سیره ابن هشام ، ج ۱ ، ص ۲۸۶

يَقُولُونَ لِي دَعِ نَصْرَ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى

وَ سَلِّمْ إِلَيْنَا أَحْمَدًا وَ اكْفُلْنَا لَنَا

فَقُلْتُ لَهُمُ اللَّهُ رَبِّي وَ نَاصِرِي

وَ

غَالِبٍ لَنَا غَلَّابٌ كُلُّ مُغَالِبٍ

بَيْنَنَا وَ لَا تَحْفِلُ بِقَوْلِ الْمُغَالِبِ

عَلَى كُلِّ بَاغٍ مِنْ لُؤَيِّ بْنِ غَالِبٍ

به من می گویند از یاری شخصی که برای هدایت آمده دست بردار و بگذار پیروزی از آن ما باشد احمد را تسلیم ما کن و بجای آن پسری از ما را سرپرستی کرده و خود را از سرزنشها برهان ، به آنها گفتم خداوند همواره در برابر ستمکاران دودمان لؤی بن غالب ، یار ومددکار من است . (۱)

۳-شکایت قریش و قاطعیت حضرت ابوطالب (علیه السلام)

روزی گروهی از اشراف قریش به عنوان شکایت از پیامبر اسلام به حضور ابوطالب آمده و اظهار داشتند : برادر زاده تو خدایان ما را به باد استهزاء و ناسزا گرفته و آیین ما را فاسد دانسته و مارا تهی مغز و پدرانمان را گمراه میخواند ، یا اورا از این برنامه منع کن و یا کاری نداشته باش تا ما خود در این باره اقدام کنیم ، اگر تو به جای ما بودی به دفاع از تو جلو او را می... گرفتیم .

ابوطالب با ملایمت پاسخ آنها را داد و آنها را رد کرد ، وقتی که آنها پس از چند روز نتیجه ای ندیدند ، به گرد هم آمدند و برای دومین بار نزد ابوطالب آمده و گفتند :

ص: ۵۶

۱- . بحار الانوار ، ج ۳۵ ، ص ۸۹ ، سیره ابن اسحاق ، ص ۱۵۲ ، طبقات الکبری ، ج ۱ ، ص ۱۵۸ ، سیره النبویه ابن هشام ، ج ۱ ، ص ۲۶۷ ، انساب الاشراف ج ۲ ، ص ۳۱ ، الطرائف ، ج ۱ ، ص ۳۰۱

ای ابوطالب تو دارای مقام بس ارجمند در میان ما هستی از تو خواستیم که جلو محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را بگیری ، ولی به خواسته ما توجه نکردی ، دیگر کاسه صبرمان لبریز شده ، دیگر نمی‌توانیم از ناحیه او ناسزا به پدرانمان و نسبت تهی مغزی به خودمان و عیب گویی از خدایانمان را بشنویم ، یا باید جلوی او را بگیری و یا راهی جز جنگ با شما و سرانجام شکست یکی از دو طرف نیست .

ابوطالب (علیه السلام) خود را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) رساند و گفتار کفار را به عرض آن حضرت رساند و اضافه نمود ترتیبی بده که تحمل آن را داشته باشیم .

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود :

(يَا عَمَّاهُ لَوْ وُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أُفِذَهُ أَوْ أُقْتَلَ دُونَهُ)

ای عمو! اگر آنان خورشید را به دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند تا اسلام و ابلاغ آن را ترک کنم چنین نخواهم کرد .

این کلام را رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با احساسات پاک خود در حالی که قطرات اشک از گوشه چشمانشان سرازیر بود با قاطعیت بیان داشتند .

ابوطالب نیز قفل سکوت را شکست و فریاد زد ای پسر برادر بخدا سوگند هرگز تورا تسلیم کسی نمی‌کنم ، اشعاری بدین مضمون سرود : سوگند بخدا آرزوی پیروزی بر تورا به گور خواهند برد ، رسالت خود را بی دغدغه ابلاغ کن ، تورا به پیروزی مزده می‌دهم آری می‌دانم که آئین محمد بهترین آئین جهان است .

قریش که از چاره سازی ابوطالب ناامید شدند و به عکس ، حمایت قاطع او را از پیامبر دریافتند ، همچون سپاهی شکست خورده به خانه های خود رفتند تا برای جلوگیری از گسترش اسلام در فکر توطئه دیگری باشند. (۱)

۴- دفاع حضرت ابوطالب (علیه السلام) از عثمان بن مظعون

عثمان بن مظعون صحابی بزرگ و چهاردهمین شخصی است که در مکه به ندای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) لبیک گفت و اسلام آورد ، به گفته بعضی مورخین وی افتخار اخوت و برادری رضاعی با پیامبر را داشت (۲) و از مسلمانانی است که هم در هجرت به حبشه و هم هجرت به مدینه حضور داشت و جزء ۳۱۳ نفر بدریون شمرده است . و از مهاجرین ، نخستین کسی است که در بقیع به خاک سپرده شده است. (۳)

در منابع شیعه از امام صادق (علیه السلام) و در منابع اهل تسنن از عایشه نقل شده که پیامبر پس از غسل وی بر پیشانی او بوسه زد (۴) و تا پیامبر زنده بود بر سر تربت وی حاضر میشد. (۵)

ص: ۵۸

-
- ۱- ابوطالب مؤمن قریش ، ص ۱۵۹ تا ۱۶۱ ، بحارالانوار ج ۳۵ ، ص ۸۷ ، سیره ابن اسحاق ص ۱۵۴ ، السیره النبویه ابن هشام ج ۱ ص ۲۶۶ ، البدء و التاريخ ج ۴ ص ۱۴۸ ، مناقب آل ابیطالب ، ج ۱ ، ص ۵۸ ، بحارالانوار ، ج ۳۵ ، ص ۸۶
 - ۲- بقیع الغرقد ، ص ۲۶۳
 - ۳- همان ص ۲۶۲
 - ۴- تاریخ المدینه المنوره ، ص ۱۰۰
 - ۵- بقیع الغرقد ، ص ۳۶۳

عثمان بن مظعون که مسلمانی راستین بود روزی کنار کعبه معظمه بت پرستان را از بت پرستی بر حذر می داشت و از در نصیحت با آنها سخن می گفت ، گروهی از جوانان قریش به او حمله کردند ، در این میان شخصی آنچنان به چشم او زد که چشمش مصدوم شد .

حضرت ابوطالب (علیه السلام) پس از اطلاع در حالی که سخت خشمگین شده بود ، برخاست تا ضارب را به قصاص خود برساند ، قریشیان دور ابوطالب (علیه السلام) جمع شدند و او را سوگند دادند که از ضارب بگذرد ابوطالب (علیه السلام) سوگند خورد که تا قصاص نکنم از پای نخواهم نشست . (۱)

۵- خنثی کردن توطئه شورای مشرکان

روزی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) مشغول نماز بود ، به دستور ابوجهل و شورای مشرکان شخصی بنام « عبدالله ابن الزبَعْرَى » برخاست و شکمبه و مقدار خونی که از شتر مرده ای ریخته شده بود برداشت و آن را به سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که در حال نماز بود انداخت و لباس آن حضرت آلوده شد ، پس از نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که مدافعی غیر از ابوطالب نداشت در حالی که سخت اندوهگین بود سراغ او رفت و فرمود: ای عمو بین با من چه کرده اند.

ابوطالب پرسید: مگر چه شده است؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) جریان را بیان فرمود.

ابوطالب به محض شنیدن سخت دگرگون و ناراحت شد و آثار خشم از چهره اش آشکار گشت ، بستگان را به حضور طلبید و همراه آن ها به راه افتاد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

ص: ۵۹

۱- شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، ج ۳ ، ص ۳۱۳ ، ایمان ایطالب فخار بن معد ، ص ۲۲۱

عرض کرد آن شخصی را که اهانت کرده معرفی کن ، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) عبدالله ابن الزبَعْرَى را معرفی کرد ، ابوطالب همان شکمبه را گرفت و بر روی عبدالله ابن الزبَعْرَى و هم دستانش ریخت و بعد رو به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) کرد و گفت:

پسر برادرم آیا خشنود شدی؟ از من سؤال کردی من کیستم؟ تو محمد پسر عبدالله شریفترین و ارجمندترین فرد از نظر حسب و مقام می باشی سپس اشعاری پر معنی بدین مناسبت خواند:

أَنْتَ النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ

قَزْمٌ أَغْرٌ مُسَوِّدٌ

تو محمد ، پیامبر هستی که سرور سروران و آقای بزرگان هستی

و در آخر اشعارش چنین سرود:

مَا زِلْتَ تَنْطِقُ بِالصَّوَابِ

وَ أَنْتَ طِفْلٌ أَمْرَدٌ

همیشه از دوران کودکی تا حال راست گفته ای و زبان به حق گشوده ای (۱)

ص: ۶۰

۱- . ایمان ابی طالب فخاربن معد ، ص ۳۴۶ ، بحارالانوار ، ج ۳۵ ، ص ۱۲۵ ، الغدیر ، ج ۷ ، ص ۵۲۲ ، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ، ج ۳ ، ص ۳۱۵

۶- نقش حضرت ابوطالب (علیه السلام) در اسلام پادشاه حبشه و مهاجرت مسلمانان

ابوطالب نه تنها با قریش و بت پرستان کارشکن مبارزه می کرد، بلکه به هر طریقی که ممکن بود، به حفظ اسلام و مسلمانان می پرداخت، که نمونه‌ی آن ستایش و دعوت ابوطالب از نجاشی پادشاه حبشه است.

مورخین می‌نویسند: پس از آنکه مسلمانان از ناحیه دشمن در فشار سخت قرار گرفتند و احساس ناامنی می‌کردند به فرمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در سال پنجم بعثت تصمیم به هجرت گرفتند و گروهی در حدود هفتاد نفر از مسلمین به سرپرستی یکی از فرزندان ابوطالب به نام جعفر به حبشه مهاجرت و مورد حمایت و مهر نجاشی پادشاه حبشه قرار گرفتند.

کفار قریش دو نفر به نام عمرو و عاص و عماره را با هدایا به حضور نجاشی فرستادند تا او را از حمایت و پناه دادن مسلمان برحذر دارند، نجاشی بیدار دل و مهربان به توطئه گری نمایندگان قریش اعتنا نکرد و هدایای آنها را رد کرد و بر احترام خود نسبت به مسلمین افزود.

ابوطالب (علیه السلام) که همیشه در صحنه بود و کاملاً بر این امور توجه داشت به محض اطلاع از حسن معاشرت و برخورد نجاشی با مسلمانان اشعاری در مدح او سرود و برای نجاشی فرستاد.

أَلَا لَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ فِي النَّاسِ جَعْفَرُ

وَ هَلْ نَالَ أَفْعَالَ النَّجَاشِيِّ جَعْفَرًا

تَعَلَّمَ أُبَيْتَ اللَّعْنِ أَنْكَ مَا جِدُّ

وَ تَعَلَّمَ بِأَنَّ اللَّهَ زَادَكَ بَسْطَةً

وَ عَمْرُو وَ أَعْدَاءُ النَّبِيِّ الْأَقَارِبِ

وَ أَصْحَابُهُ أَمْ عَاقَ ذَلِكَ شَاهِبٌ

كَرِيمٌ فَلَا يَشْقَى لَدَيْكَ الْمُجَانِبُ

وَ أَسْبَابَ خَيْرٍ كُلَّهَا لَكَ لَأَزِبُ (۱)

ص: ۶۱

۱- . الغدير، ج ۷، ص ۳۳۷ - بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱۲۲، تاریخ ابن کثیر، ج ۳، ص ۷۷، شرح نهج البلاغه ابن ابی

الحدید، ج ۳، ص ۳۱۴

أَلَا لَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ فِي النَّاسِ جَعْفَرُ

وَ هَلْ نَالَ أَفْعَالُ النَّجَاشِيِّ جَعْفَرًا

تَعَلَّمَ أُبَيْتَ اللَّعْنِ أَنَّكَ مَا جِدُّ

وَ تَعَلَّمَ بِأَنَّ اللَّهَ زَادَكَ بَسْطَهُ

وَ عَمَرُوهُ وَ أَعْدَاءُ النَّبِيِّ الْأَقْرَبِ

وَ أَصْحَابُهُ أَمْ عَاقَ ذَلِكَ شَاهِبٌ

كَرِيمٌ فَلَا يَشْقَى لَدَيْكَ الْمَجَانِبُ

وَ أَسْبَابَ خَيْرٍ كُلَّهَا لَكَ لَازِبٌ (۱)

کاش می دانستم کار جعفر و عمرو عاص و دشمنان نزدیک پیامبر در میان مردم به کجا کشید.

آیا جعفر و همراهانش از مهر و احسان نجاشی برخوردار شدند و یا دشمنان مانع گشتند.

ای نجاشی مردم نیک اندیش دریافته اند که تو شخص شریف و بزرگواری هستی و آنها که به تو پناهنده شده اند خوشحالند و نیز دریافته اند که خدا مقام ارجمندی به توداده و همه گونه وسائل سعادت را تحت اختیار تو گذاشته است. نجاشی پس از دریافت این اشعار از ناحیهی بزرگ قریش و عرب « حضرت ابوطالب (علیه السلام) » بسیار خشنود شد و بر احترام نسبت به جعفر و همراهانش افزود .

ابوطالب وقتی که از خوشحالی نجاشی مطلع شد و احساس کرد که زمینه گرایش به دین مبین اسلام در او پیدا شده است برای تشویق و تحریص نجاشی به اسلام ، اشعار دیگری سرود و برای او فرستاد :

تَعَلَّمَ

مَلِيكَ الْحَبَشِ أَنْ مُحَمَّدًا

أَتَى بِالْهُدَى مِثْلَ الَّذِي أَتَى بِهِ

وَ أَنْكُمْ تَتْلُونَهُ فِي كِتَابِكُمْ

فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ نِدَاءً وَ أَسْلِمُوا

نَبِيِّ كَمُوسَى وَ الْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ

وَ

كُلِّ بِأَمْرِ اللَّهِ يَهْدِي وَيُعْصِمُ

بِصِدْقِ

حَدِيثٍ لَّا حَدِيثٍ مُرْجَمٍ

فَإِنَّ طَرِيقَ الْحَقِّ لَيْسَ بِمُظْلَمٍ (٢)

ص: ٦٢

-
- ١- . الغدير ، ج ٧ ، ص ٣٣٧ - بحارالانوار ، ج ٣٥ ، ص ١٢٢ ، تاريخ ابن كثير ، ج ٣ ، ص ٧٧ ، شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، ج ٣ ، ص ٣١٤
- ٢- . السيره النبويه ابن هشام ج ١ ، ص ٣٥٧ ، اعيان الشيعة ، ج ١٦ ، ص ١٩

تَعَلَّمْ

مَلِيكَ الْحَبَشِ أَنْ مُحَمَّدًا

أَتَى بِالْهُدَى مِثْلَ الَّذِي أَتَى بِهِ

وَ أَنْكُمْ تَتْلُونَهُ فِي كِتَابِكُمْ

فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ نِدَاءً وَ أَسْلِمُوا

نَبِيِّ كَمُوسَى وَ الْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ

وَ

كُلُّ بِأَمْرِ اللَّهِ يَهْدِي وَ يَعِصِمُ

بِصِدْقِ

حَدِيثٍ لَا حَدِيثٍ مُرْجَمٍ

فَإِنَّ طَرِيقَ الْحَقِّ لَيْسَ بِمُظْلَمٍ (۱)

ای زمامدار حبشه آیا می دانی که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) همانند موسی و عیسی ، پیامبر است و مانند آنها برای راهنمایی آمده است.

و در کتاب های شما از او یاد شده ، بنابراین حال که راه حق روشن است به اسلام بگروید ، (مجدداً سپاسگزاری می کنم از این جهت که هیچ جمعیتی از ما قصد تو نکرد مگر اینکه با احترام برگشت) .

تلاش و کوشش و اشعار دلنشین ابوطالب موجب به اسلام گرویدن نجاشی پادشاه حبشه و حفظ مهاجرین مسلمان شد. (۲)

۷- ماجرای شعب

ماجرای شعب (۳) ابوطالب (علیه السلام) (۴) و فشارهای اقتصادی

کفار قریش و بت پرستان که می دیدند با آن همه تلاش و توطئه بر ضد اسلام، کاری از پیش نمی برند و روز به روز بر رونق و گسترش اسلام افزوده می شود ،

۱- . السیره النبویه ابن هشام ج ۱ ، ص ۳۵۷ ، اعیان الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۱۹

۲- . ایمان ابی طالب فخار بن معد ، ص ۲۲۸

۳- . به محدوده قرار گرفته بین دو کوه نزدیک به هم ، شعب می گویند

۴- . شعب ابوطالب (علیه السلام) ، محدوده قرار گرفته بین دو کوه ابوقعبیس و خندمه است که در شرق و شمال شرقی مسجدالحرام پشت صفا و مروه قرار دارد ، قُصَی بن کلاب جد اعلاى پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خانه خود و فرزندانش را بدلیل امتیازات جغرافیایی و روبروی درب کعبه بودن ، در این منطقه قرار داد و پس از آن خانه های عبد مناف ، هاشم ، عبدالمطلب ، ابوطالب و عبدالله پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و خدیجه و بقیه بنی هاشم در این محدوده قرار داشت و در آن زمان بدلیل سیادت و شهرت حضرت ابوطالب (علیه السلام) در مکه ، مردم این منطقه را بنام شعب ابوطالب نام می بردند.

مهم ترین نقشه ، یعنی نقشه قتل حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را طراحی کردند ، که آن هم با حمایت و دفاع مداوم سید البطحاء بزرگ مکة ، ابوطالب (علیه السلام) نقش بر آب شد.

آنها برای اخذ تصمیم جدید و بررسی اوضاع جلسه ای تشکیل دادند و در این نشست قرار گذاشتند که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابوطالب (علیه السلام) و بنی هاشم و مدافعان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را در محاصره اقتصادی شدید در شعب ابوطالب که بیشتر خانه های بنی هاشم آنجا بود قرار دهند. تصمیم قریش بر این بود که مردم به طور کلی با بنی هاشم قطع رابطه کنند و در نتیجه وقتی که بنی هاشم خود را در تنگنا و فشار دیدند تسلیم شوند.

بر همین اساس آن ها قطعنامه و پیمان نامه ای نوشتند و برای اعتبار آن هشتاد نفر پای آن را امضاء کردند و برای اهمیت بیشتر و جدی بودنش آن را در پارچه ای گذاشتند و در داخل کعبه آویزان کردند و به ابوطالب (علیه السلام) گفتند: این پیمان نامه حتماً اجرا خواهد شد ، مگر اینکه برادر زاده ات محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را پیش ما آوری و او اظهار پشیمانی کرده و از مرامش دست بردارد. (۱)

محرم سال هفتم بعثت آغاز پیمان نامه بی مهری قریش بود و حدود دو یا سه سال ادامه یافت ، می توان گفت شدیدترین مبارزه فرسایشی و خسته کننده قریش بر ضد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و مسلمانان بود .

اما کفار حجاز غافل بودند از اینکه شدیدتر از این پیمانها هم نمی توانست مردانی چون محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابوطالب (علیه السلام) را از پای درآورد .

ص: ۶۴

۱- . فروغ ابدیت ، ج ۱ ، ص ۳۵۳ ، ابوطالب تجلی ایمان ، ص ۹۸ ، سیره النبی ، ج ۱ ، ص ۳۳۷ ، تاریخ پیامبر اسلام ، ص ۱۴۰

سختی محاصره بجائی رسید که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابوطالب (علیه السلام) و حضرت خدیجه K آنچه از اندوخته های مالی داشتند به مصرف رساندند و اگر مخفیانه به آنها غذا نمی رسید از شدت گرسنگی از برگ گیاهان استفاده می کردند و راههایی که به شعب منتهی می شد شدیداً تحت کنترل و حفاظت جلادان قریش بود و این وضع رقت بار همچنان ادامه داشت ، تنها در ماههای حرام (ذیعقده ، ذیحجه ، محرم و رجب) ابوطالب (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و مسلمانان از آزادی استفاده کرده و در موسم عمره و حج به تبلیغ اسلام می پرداختند .

۸- اوج فداکاری حضرت ابوطالب (علیه السلام) و لغو پیمان نامه قریش

نقش عمده پاسداری از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و جبهه گیری با قریش در دست ابوطالب (علیه السلام) بود ، او در برابر این تصمیم سرسختانه ایستادگی می کرد و برای تضعیف دشمن اشعار حماسی می سرود .

ت- مَنِّيْتُمْ أَنْ تَقْتُلُوهُ وَ إِنَّمَا أَمَانِيكُمْ هَدَى كَأَحْلَامٍ نَائِمٍ

شما آرزوی آنرا دارید که محمد را به قتل رسانید ، ولی این آرزو همچون خوابهای آشفته ای است که می بینید .

زَعَمْتُمْ بَأَنَّا مُسْلِمُونَ مُحَمَّدًا

وَلَمَّا نُقَازِفُ دُونَهُ وَ نَزَاجِمٍ (۱)

شما می پندارید که ما محمد را تسلیم شما می کنیم و بی آنکه کاری داشته باشیم ، شما را برای دستگیری آزاد می گذاریم نه هرگز .

ص: ۶۵

اوج فداکاری ابوطالب در حفظ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به جایی رسید که برای حفظ پیامبر از توطئه و دسیسه دشمن شبها مکان خواب آن حضرت را تغییر می داد و آن حضرت را در بستر فرزندش علی (علیه السلام) میبرد و علی (علیه السلام) را در بستر او ، یعنی او را بر فرزندش مقدم می داشت و شبها در شعب همچون یک نگهبان بیدار و هشیار خواب را بر خود حرام کرده بود .

این وضع همچنان ادامه داشت ، خداوند متعال پیامبرش را تنها نگذاشت ، به او وحی کرد که موریانه قطعنامه قریش را نابود کرده و فقط اسم خدا را (بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ) که در آن نوشته بودند ، باقی مانده است .(۱)

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) این خبر را به ابوطالب (علیه السلام) داد ، ابوطالب (علیه السلام) گفت تورا تصدیق میکنم هرگز دروغ نگفته ای .

حضرت ابوطالب (علیه السلام) از این خبر بسیار خوشحال شده ، تصمیم گرفت از همین راه وارد شده و قطعنامه قریش را ملغی سازد .

بطرف مسجدالحرام حرکت کرد ، طایفه قریش که در اطراف کعبه اجتماع کرده بودند ، با دیدن ابوطالب (علیه السلام) گمان کردند ، از فشار و سختی به تنگ آمده و برای صلح و تسلیم نمودن محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به سوی آنها می آید ، برخلاف همیشه مقدم ابوطالب (علیه السلام) را گرمی داشتند ، اما ناگهان ابوطالب ماجرای قطعنامه را به میان کشید و آنان را با این خبر غیبی به وحشت انداخت .

قریش گفتند اگر راست گفته باشی ما شما را از محاصره آزاد می سازیم ، ابوطالب گفت اگر دروغ بود حتما محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را تسلیم شما می کنم .

ص: ۶۶

چند نفر برخاستند قطعنامه را از کعبه پایین آوردند وقتی باز کردند ، دیدند همه‌ی نوشته‌ها را موریانه خورده و فقط آنجا که اسم خدا نوشته شده بود نابود نشده ، تا همین عبرتی برای آنان باشد ، عده‌ای با دیدن این معجزه ایمان آوردند ولی اکثر آن کوردلان نه تنها به برنامه همیشگی خود ادامه دادند بلکه بر لجاجت خود افزودند و گفتند این واقعه از سحر سرچشمه گرفته است .

ولی ابوطالب (علیه السلام) از همین راه اتحاد آنها را بهم زد و در نتیجه ابوطالب (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و بنی هاشم از محاصره آزاد شدند .

حضرت ابوطالب (علیه السلام) با ایمان به لطف خدا و خلوصی که در کارش داشت پس از این جریان برای شکر گذاری بطرف کعبه رفت و پرده کعبه را گرفت و باسوز و گداز مخصوصی عرض کرد : خدایا ما را بر کسانی که به ما ستم کردند و نسبت به ما قطع رحم نمودند و حرمت ما را رعایت نکردند پیروز گردان .

آری پس از نقض عملی و نابودی قطعنامه به وسیله موریانه ، قریش چاره‌ای جز نقض آن ندیدند (۱)

۹- تدابیر حضرت ابوطالب (علیه السلام) توسط امیرالمومنین (علیه السلام)

حضرت ابوطالب (علیه السلام) گاهی از شیوه‌های مخصوصی که یک نوع ترفند و سیاست هوشمندانه بود ، برای حفظ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) استفاده می نمود و حتی در بعضی موارد به وسیله فرزندش علی (علیه السلام) آن را تکمیل می کرد ، گویا

ص: ۶۷

۱- . الغدیر ج ۷ ص ۳۶۲ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۹۴ ، سیره ابن اسحاق ص ۱۶۱ ، الطبقات الکبری ج ۱ ص ۱۶۳ ، السیره النبویه ابن هشام ج ۱ ص ۳۷۷ ، ایمان ابیطالب فخاربن معد ، ص ۱۹۵ ، انساب الاشراف ، ج ۱ ، ص ۲۳۴

می‌خواست فرزندانش نیز با چنین روحیه ای پرورش یابند و این شیوه را پس از خود به ارث ببرند .

به عنوان نمونه در شعب ابیطالب که خطر نزدیک و دشمن در کمین بود ابوطالب (علیه السلام) بارها بستر و جایگاه پیامبر را عوض می کرد و به جای او علی (علیه السلام) را می گذاشت (1)، شبی علی (علیه السلام) به پدر گفت آیا من کشته می شوم ؟

ابوطالب (علیه السلام) در پاسخ چنین سرود :

إِصْبِرْ

يَا بَنِيَّ فَالْصَّبْرُ أَحْجَى

قَدْ بَلَوْنَاكَ وَ الْبَلَاءُ شَدِيدٌ

لِفِدَائِ الْأَعَزِّ ذِي الْحَسَبِ النَّا

إِنْ تُصِيبَكَ الْمُنُونُ بِالنَّبْلِ تَتْرَى كُلُّ حَيٍّ وَإِنْ تَتَطَاوَلُ

عُمُرًا

كُلُّ

حَيٍّ مَصِيرُهُ لِشُعُوبٍ

لِفِدَائِ النَّجِيبِ وَ ابْنِ النَّجِيبِ

قَبِ وَ الْبَاعِ وَ الْفَنَاءِ الرَّحِيبِ

فَمُصِيبٌ مِنْهَا وَ غَيْرُ مُصِيبٍ

أَخِذْ مِنْ سِهَامِهَا بِنَصِيبٍ

فرزندم صبور باش ، صبر به عقل نزدیکتر است ، هر زنده ای پایانش مرگ است .

تو را در مورد شریف فرزند شریف به آزمایش گذاشتم و فدای او کردم ، البته انجام وظیفه در این شرایط ، حساس و دشوار است ، اگر در این راه مرگ تو را گرفت مهم نیست ، زیرا تیرهای مرگ همه را مورد هدف قرار می دهد ، گاهی به هدف می رسد و گاهی به خطا می رود ولی سرانجام رهائی از آن نیست .

١- . دلائل النبوه ، ج ٢ ، ص ٦٣ ، شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد ، ج ٣ ، ص ٣١٠ ، الغدير ، ج ٧

امیرالمومنین علی (علیه السلام) با اشعاری چنین پاسخ پدر را داد :

أ

تَأْمُرُنِي بِالصَّبْرِ فِي نَصْرِ أَحْمَدَ

وَ لَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ تَرُنُصْرَتِي

وَ سَعِي لِرُوحِهِ اللَّهُ فِي نَصْرِ أَحْمَدَ

فَوَاللَّهِ مَا قُلْتُ الَّذِي قُلْتَ جَازِعًا

وَ تَعَلَّمَ أَنِّي لَمْ أَزَلْ لَكَ طَائِعًا

نَبِيِّ الْهُدَى الْمَحْمُودِ طِفْلًا وَ يَافِعًا (۱)

آیا مرا در راه یاری پیامبر دستور می دهی؟ بخدا این سؤالی که کردم از روی ترس از مرگ نبود، بلکه می خواستم یاری مرا دریابی و بدانی که من همیشه از شما اطاعت می کنم و در این مسیر تا سر حد کشته شدن در راه یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هر چه عمر دارم از تلاش دست نمی کشم.

۱۰- تحریک ابولهب برای حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) توسط ابوطالب (علیه السلام)

ابولهب عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مانع بزرگی برای گسترش اسلام بود و تا می توانست کارشکنی می کرد اما به حساب خویشاوندی با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از قتل او مانع شد.

روزی قریشیان به فکر توطئه ای افتادند و آن این بود که توسط ام جمیل همسر ابولهب کار را به گونه ای ترتیب دهند که روز معینی ام جمیل ابولهب را در خانه نگهدارد، تا آنها در غیاب ابولهب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را بقتل رسانند.

ص: ۶۹

۱- بحار الانوار ج ۳۵ ص ۹۳، مناقب شهر آشوب ج ۱، ص ۶۴، ابوطالب مظلوم تاریخ، ص ۶۹

ام‌جمیل قول همکاری داد ، روز موعود فرارسید ، ام جمیل در آن روز درب منزل را محکم بست و در میان اتاق شوهرش را سرگرم کرد و از هر دری با او سخن می گفت تا او را از بیرون خانه کاملاً بی خبر نگه دارد .

حضرت ابوطالب از ماجرا آگاه شد ، در فکر چاره جویی فرورفت سرانجام چاره عجیبی اندیشید و آن اینکه به فرزندش علی (علیه السلام) (که در این وقت نوجوان بود) گفت برو منزل عمویت ابولهب اگر در بسته بود دق الباب کن تا باز کنند ، اگر باز نکردند ، آن را هر طور ممکن بود ، باز کن و خود را به ابولهب برسان و بگو پدرم فرمود :

يَقُولُ لَكَ أَبِي إِنَّ امْرَأَةً عَمَّهُ عَيْنُهُ فِي الْقَوْمِ فَلَيْسَ بِدَلِيلٍ

شخصی عمویی همانند تو رئیس قوم داشته باشد خوار نمی گردد .

علی (علیه السلام) به خانه ابولهب رفت در راباز نکردند ، هر طور بود آن را باز کرد و خود را به ابولهب رساند و گفتار پدر را به ابولهب ابلاغ کرد ، ابولهب گفت پدرت راست گفته ، مگر چه شده ؟ علی (علیه السلام) ماجرای توطئه دشمن در مورد قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را در غیاب او توضیح داد .

ابولهب که جمله ابوطالب احساساتش را برانگیخته بود ، برخاست شمشیرش را بدست گرفت و حرکت کرد ، ام‌جمیل سراهش را گرفت تا او را برگردانده ، ولی او آنچنان خشمگین بود که سیلی محکمی بصورت ام‌جمیل زد که چشمش آسیب سختی دید ، ام‌جمیل کنار رفت و ابولهب خود را سراسیمه به قوم رساند، قریش متوجه او شدند دیدند آثار خشم از چهره ی او آشکار است .

ابولهب فریاد برآورد ، من با شما هم پیمان شده ام که مسلمان نشوم و جلو گسترش اسلام را بگیرم ، ولی شما در غیاب من برای قتل برادر زاده ام توطئه چیده‌اید ، به لات و عزّی سوگند اگر از این توطئه دست نکشید ، مسلمان می‌شوم . آنها دیدند مسلمان شدن ابولهب خیلی گران تمام می‌شود ، از در پوزش وارد شده و از تصمیم خود اظهار پشیمانی کردند ، آنگاه ابولهب خاموش شد. (۱)

۱۱- طراحی حضرت ابوطالب (علیه السلام) برای پیشگیری از عوامل نفوذی

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ابوذر در دره‌ی مر (دره‌ی در یک منزلی مکه) بود و رمه گوسفندان خود را می‌چرانید که یک گرگ از سمت راست رمه اش آمد ، آن را با عصای خود راند ، آن گرگ از سمت چپش آمد باز آن را با عصای خود راند !

ثُمَّ قَالَ لَهُ أَبُوذَرٍّ: مَا رَأَيْتُ ذُبًّا أَحَبَّ مِنْكَ وَ لَا شَرًّا.

سپس ابوذر به او گفت: من گرگی خبیث تر و بدتر از تو ندیدم .

فَقَالَ لَهُ الذُّبُّ شَرٌّ وَاللَّهِ مِنِّي أَهْلُ مَكَّةَ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ نَبِيًّا فَكَذَّبُوهُ وَ شَتَمُوهُ.

آن گرگ گفت : به خدا سوگند بدتر از من اهل مکه هستند که خداوند عزوجل پیغمبری به سوی آن ها فرستاده و او را تکذیب کرده و دشنام دادند .

این سخن در گوش ابوذر جا گرفت و به همسرش گفت: توشه دان و ابزار سفر و عصای مرا بیاور و پای پیاده آهنگ مکه کرد تا از گزارش آن گرگ و آنچه گفته بود چیزی بداند ، به مکه رسید و در هنگامه بسیار گرمی، خسته و کوفته

ص: ۷۱

وارد شد و خود را به سر چاه زمزم رسانید و سخت تشنه بود، دلوی آب کشید که به جای آن شیر درآمد، با خود گفت این دلالت می کند آنچه را که گرگ به من گزارش داده و دنبال آن آمده ام درست است، آن را نوشید و به یک سوی مسجد آمد ناگاه دید انجمنی از قریش گرد هم نشسته و به پیغمبر دشنام می دهند و از او بد می گویند و پیوسته در یاد پیغمبر و بدگویی و دشنام به او بودند تا در پایان روز حضرت ابوطالب (علیه السلام) آمد، چون او را دیدند به هم گفتند: خودداری کنید که عمویش آمد.

ابوذر گوید خودداری کردند و حضرت ابوطالب (علیه السلام) پیوسته با آن ها گفتگو کرد و سخن گفت تا روز به پایان رسید و او برخاست و من هم به دنبال او برخاستم، او رو به من کرد و گفت حاجت خود را بگو من گفتم این پیغمبری که در میان شما مبعوث شده است می خواهم، گفت تو را با او چه کار است؟ گفتم می خواهم به او ایمان بیاورم و او را تصدیق کنم و خود را به او واگذارم و او مرا به کاری دستور ندهد جز اینکه از او پیروی کنم.

ابوطالب (علیه السلام) گفت: آیا این کار را می کنی؟

من گفتم: آری، فرمود فردا همین وقت بیا تا تو را به او برسانم.

آن شب را در مسجد خوابیدم تا آن گاه که فردا شد، باز در انجمن آن ها نشستم و پیوسته در یاد پیغمبر و بدگویی و دشنام او بودند.

تا حضرت ابوطالب (علیه السلام) نمودار شد و چون او را دیدند به هم گفتند خاموش شوید که عمویش آمد و همه خاموش شدند، و او آمد و نشست با آن ها گفتگو کرد، تا برخاست من به دنبال او رفتم و بر او سلام کردم، گفت هرکاری داری

بگو، گفتم: این پیغمبری که در میان شما مبعوث شده است می‌خواهم، گفت: با او چه کار داری؟

گفتم می‌خواهم به او ایمان بیاورم و او را تصدیق کنم و خود را به او واگذارم و به هر چه فرمان دهد از او پیروی کنم.

حضرت ابوطالب (علیه السلام) گفت: تو این کار را می‌کنی؟ گفتم: آری.

گفت: با من بیا به دنبال او رفته‌ام، مرا به خانه‌ای برد که حضرت حمزه (علیه السلام) در آنجا بود، من به او سلام کردم و نشستم، او به من گفت چه کار داری؟

من گفتم: این پیغمبری که در میان شما مبعوث است می‌خواهم.

گفت: با او چه کار داری؟

گفتم: می‌خواهم به او ایمان بیاورم و او را تصدیق کنم و خود را به او واگذارم و به هیچ چیز مرا فرمان ندهد جز اینکه از او پیروی و فرمان بری کنم.

فَقَالَ: تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. قَالَ: فَشَهِدْتُ.

فرمود: شهادت بده که نیست شایسته پرستش جز خدا و محمد بنده و رسول خداست، من شهادتین را گفتم.

سپس حضرت حمزه (علیه السلام) مرا به خانه‌ای برد که جعفر بن ابیطالب (علیه السلام) در آن نشسته بود، من به او سلام کردم و نشستم، جعفر به من گفت چه کار داری؟ گفتم: این پیغمبری که در میان شما مبعوث شده است می‌خواهم.

گفت تو را با او چه کار است؟ گفتم: به او ایمان بیاورم و او را تصدیق کنم و خود را به او واگذارم و به چیزی مرا فرمان ندهد جز اینکه از او پیروی کنم.

فَقَالَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، فَشَهِدْتُ.

سپس حضرت حمزه (علیه السلام) مرا به خانه ای برد که علی (علیه السلام) در آن بود ، بعد از سلام و اقرار شهادتین در محضر آن حضرت (علیه السلام) مرا به خانه ای برد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در آن بود ، سلام کردم و نشستم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به من فرمود چه کار داری؟

گفتم آن پیغمبری که میان شما مبعوث شده است می خواهم .

فرمود : با او چه کار داری ؟ گفتم : به او ایمان بیاورم و او را تصدیق کنم و مرا به چیزی فرمان ندهد جز اینکه فرمان او را ببرم .

قَالَ: تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به من فرمود : ای اباذر تو اکنون به وطن خود بازگرد که عمو زاده‌ی تو مرده و جز تو وارثی ندارد و مال او را دریافت کن و نزد خاندان خود بمان تا امر ما ظاهر گردد .

امام صادق (علیه السلام) فرمود : ابوذر برگشت و مال را گرفت و نزد خاندانش ماند تا امر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ظاهر گردید . (۱)

پیام جریان اسلام آوردن معجزه آسای ابوذر حاکی از هوش و ذکاوت وافر ابوطالب (علیه السلام) می‌باشد که نهایت دقت را در امور امنیتی نسبت به سلامت وجود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) داشت .

ص: ۷۴

۱- . الروضة من الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۸۲ ؛ قصص الانبیاء راوندی ، ص ۳۰۵ ، مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب) ج ۱ ،

بخش پنجم: دلائل ايمان حضرت ابوطالب (عليه السلام)

اشاره

ص: ۷۵

هر چند سراسر زندگی این رادمرد بزرگ تاریخ اسلام و سرزمین حجاز، حامی روشن ضمیر سیدالبطحاء حضرت ابوطالب حاکی از ایمان و تبلوری از اعتقاد راستین او به خدای یکتا و پیامبر اسلام است، ولی متأسفانه یکی از حربه های دشمن تحریف حقایق و تهمت است، تا بدین وسیله شخصیتها را از نظر جوامع اسلامی و اجتماعی ساقط کنند، دشمنان حق و تشیع بی شرمانه ترین تهمتها را به ابوطالب مومن قریش زده اند، تا آنجا که نسبت کفر و بت پرستی به آن بزرگوار داده اند.

محققان به این نتیجه رسیده اند که موج مخالفت بر ضد ابوطالب یک موج سیاسی است که از مخالفت «شجره خبیثه بنی امیه و بعد از آن‌ها بنی العباس» با موقعیت امام علی (علیه السلام) سرچشمه گرفته است.

زیرا این تنها ابوطالب نیست که بخاطر نزدیکی با علی (علیه السلام) این چنین مورد تهاجم قرار گرفته است بلکه هر کسی در تاریخ اسلام به نوعی ارتباط نزدیک با امیر مومنان علی (علیه السلام) داشته از این حملات ناجوانمردانه برکنار نمانده است، در حقیقت ابوطالب گناهی نداشت جز اینکه پدر علی بن ابیطالب پیشوای بزرگ اسلام بود!

در این بخش به اختصار به دلایل گوناگونی که به روشنی گواهی بر ایمان ابوطالب میدهد می پردازیم.

۱- اصالت و پاکی خانوادگی پیامبر و حضرت علی (علیه السلام)

در کتب اصیل شیعه روایات بی شماری هست که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (سلام الله علیها) پرورش یافته صلبها و رحم های پاکی بودند و از نظر ریشه خانوادگی پدران خداپرست و مادران پاک و موحد داشته اند .

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره اصالت و پاکی ریشه خانوادگی پیامبر می فرماید:

حَتَّى أَفْضَتْ كَرَامَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَيَّ مُحَمَّدٍ ص فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَادِنِ مَنبِتًا وَ أَعَزَّ الْأُرُومَاتِ مَغْرَسًا مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَتْ مِنْهَا أَنْبِيَاءُهُ وَ انْتَجَبَ مِنْهَا أَمْنَاءُهُ عَثْرَتُهُ خَيْرُ الْعَثَرِ وَأُسْرَتُهُ خَيْرُ الْأُسْرِ وَ شَجَرَتُهُ خَيْرُ الشَّجَرِ نَبَتَتْ فِي حَرَمٍ وَ بَسَقَتْ فِي كَرَمٍ لَهَا فُرُوعٌ طَوَالٌ وَ ثَمَرٌ لَا يُنَالُ (۱)

عنايات خداوند متعال در جهت ارسال رسل همچنان ادامه یافت ، تا نوبت به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید ، در این هنگام او را از بهترین معادن استخراج کرد و نهال وجودش را از اصیل ترین و عزیزترین سرزمین ها برآورد و شاخه هستی او را از همان درختی که پیامبرانش را از آن آفرید به وجود آورد از همان شجره ی طیبه ای که امینان درگاه خود را از آن برگزید ، عترت او بهترین عترت ها ، خاندانش بهترین خاندان ها و درخت پربار وجودش بهترین درختان بود ، درختی که در حرم (امن الهی) روید و در آسمان کرامت و فضیلت سربرکشید ، این درخت شاخه های بلندی دارد و میوه هایی بسیار شیرین و پر ارزش ، که دست (فرومايگان) هرگز بدان می رسد.

ص: ۷۷

و نیز مفسرین در تفسیر کریمه وحی: (وَ تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ (۱))

در مورد اصلاّب طاهره و ارحام طیبه پیامبر اسلام بحث های دامنه داری کرده اند و اخبار بسیاری بر این معنی داریم .

۲- گفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

ائمه هدی (علیهم السلام) متفقاً همگی در گفتار خود ابوطالب را به ایمان و دوری از شرک ستوده اند ، مانند امام علی (علیه السلام) ، امام سجاد (علیه السلام) ، امام باقر (علیه السلام) ، امام صادق (علیه السلام) ، امام موسی کاظم (علیه السلام) ، امام رضا (علیه السلام)

و امام حسن عسکری (علیه السلام) هر یک با گفتاری صریح و روشن ابوطالب را به پاکی و خداپرستی و ایمان یاد کرده اند.

به عنوان نمونه به نقل مرحوم صدوق ، اصبع بن نباته گوید : شنیدم از امیرالمؤمنین (علیه السلام) که فرمود :

وَاللَّهِ مَا عَبَدَ أَبِي وَلَا جَدِّي عَبْدُ الْمُطَّلِبِ وَلَا هَاشِمٌ وَلَا عَبْدُ مَنْأَفٍ صَنَمًا قَطُّ قِيلَ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ قَالَ كَانُوا يُصَلُّونَ إِلَى الْبَيْتِ عَلَيَّ دِينَ إِبْرَاهِيمَ مُتَمَسِّكِينَ بِهِ (۲)

به خدا سوگند نه پدرم و نه جدم عبدالمطلب و نه هاشم و نه عبد مناف هرگز بت پرستی نکردند ، شخصی پرسید پس آنها چه آئینی داشتند ؟ حضرت فرمود آنها مطابق آئین ابراهیم به سوی کعبه نماز می خواندند و پیرو این آئین بودند .

ص: ۷۸

۱- . شعراء ، ۲۱۹ ، نورالثقین ج ۴ ، ص ۶۹ ، مجمع البیان ذیل آیه

۲- . کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۱۷۴ ، ص ۳۲ ، تفسیر ابوالفتوح ، ج ۴ ، ص ۲۱۰ ، تفسیر برهان ، ج ۳ ، ص ۷۹۴ ، تفسیر قمی ،

امام صادق (علیه السلام) در مورد ایمان ابوطالب فرمود :

وَاللَّهِ إِنَّ إِيْمَانَ أَبِي طَالِبٍ لَوْ وُضِعَ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ وَ إِيْمَانُ هَذَا الْخَلْقِ فِي كِفَّةٍ مِيزَانٍ لَرَجَحَ إِيْمَانُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى إِيْمَانِهِمْ (۱)

به خدا سوگند اگر ایمان ابوطالب را در یک کفه ترازو قرار دهند و ایمان این خلق را در کفه دیگر ، محققاً ایمان ابوطالب بر ایمان آنان برتری خواهد داشت.

همچنین آن حضرت فرمودند: مثل ابی طالب مثل اهل الکهف حین اسروالایمان و اظهروا الشرک فاتاهم الله اجرهم مرتین .

(۲)

مثل حکایت ابوطالب ، مثل اصحاب کهف است که ایمان خود را مخفی کردند و اظهار شرک نمودند پس خداوند اجر و پاداش آنان را دو برابر داد .

۳- گفتار بزرگان و صحابه درباره ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

بزرگان اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز ابوطالب را به پاکی و دوری از شرک ستوده‌اند. ابوبکر در مورد ایمان ابوطالب گفته است: ابوطالب نمرد تا اینکه به یکتائی خدا و رسالت پیامبر اسلام اقرار کرد(۳). عباس عموی پیامبر نیز اقرار به ایمان ابوطالب نموده است.

ص: ۷۹

۱- . بحار ، ج ۳۵ ، ص ۱۱۲ ، ح ۴۴ ، ایمان ابیطالب ، ص ۱۰۶

۲- . امالی صدوق ، ص ۳۶۶ ، معانی الاخبار ، ص ۲۸۵ ، بحارالانوار ج ۳۵ ، ص ۷۲ و ۷۸ ، کافی، ج ۲ ، ص ۴۴۸

۳- . شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، ج ۳ ، ص ۳۱۲

ابوذر غفاری و عبدالله بن عباس نیز هر یک با گفتاری ابوطالب را به پاکی و ایمان یاد کرده اند.

شخصی از ابن عباس پرسید آیا ابوطالب مسلمان بود؟

او در پاسخ گفت: چگونه مسلمان نیست کسی که می گفت:

وَ

قَدْ عَلِمُوا أَنْ

ابْنَنَا لَا مُكَذَّبٌ

لَدَيْنَا

وَ لَا يَعْجَبُ بِقَوْلِ الْأَبَاطِلِ

آن ها می دانند که فرزند ما (محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)) دروغگو نیست و مورد تصدیق است و به گفتار بی اساس اعتنا نمی کند. روش ابوطالب همچون روش اصحاب کهف است که برای حفظ از دشمن ایمان خود را پنهان داشتند و اظهار شرک نمود، خداوند به آنان پاداش دو برابر داد. (۱)

افرادی چون مأمون عباسی و دانشمندان بزرگ اهل تسنن همچون ابن هشام، احمد حنفی، برزنجی، ابن اثیر، ابوالفرج اصفهانی و صاحب حاشیه تذکره الخواص و ... هر یک با تعبیری خاص ابوطالب را به پاکی یاد کرده اند (۲). از جمله ابن حجر عسقلانی شافعی که آنقدر نزد اهل سنت اهمیت دارد که او را به شیخ الاسلام لقب داده اند، در کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه می نویسد:

خلفاء بنی العباس ادعا می کردند که از عموهای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تنها دو نفر یعنی حمزه و عباس ایمان آوردند و دیگر عموها از جمله ابوطالب (علیه السلام) ایمان نیاوردند.

ص: ۸۰

۱- . الغدير، ج ۷، ص ۳۹۰ - بحار، ج ۳۵، ص ۱۵۸، امالی صدوق، ص ۳۶، روضه الواعظین، ص ۱۲۱

۲- . مرآة العقول، ج ۵، ص ۲۳۵، بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۳۹، الغدير، ج ۷، ص ۳۶۹، شبهای پیشاور، ص ۷۶۱

از این کلام ابن حجر به خوبی معلوم می شود که هدف خلفاء ، از القاء چنین دروغ بزرگی فقط و فقط انگیزه‌ی سیاسی و تضعیف جایگاه فرزندان ابوطالب (علیه السلام) و تقویت جایگاه فرزندان عباس بوده است .

بزرگان و علمای شیعه به طور اجماع و اتفاق بر پاکی و ایمان ابوطالب گواهی داده اند ، مانند حسین بن روح اولین نایب خاص امام زمان (علیه السلام) ، شیخ صدوق ، شیخ مفید ، سید مرتضی ، شیخ طوسی ، سید بن طاووس ، علامه طبرسی ، محقق راوندی ، علامه مجلسی و عبدالله شبر و به طور کلی همه علماء و دانشمندان شیعه بر این مطلب اتفاق نظر دارند . (۱)

۴- مشاهدات حضرت ابوطالب (علیه السلام)

یکی از دلایل ایمان ابوطالب مشاهدات او است ، ابوطالب با آن تجربه زیاد و روشنفکری از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) قبل از رسالت اموری را مشاهده کرد که هر یک از آن ها برای ایمان او به پیامبر کافی بود که به چند نمونه اشاره خواهیم کرد.

الف: جوشش آب

مورخین می نویسند قبل از بعثت روزی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) همراه عمویش ابوطالب در محلی بنام «ذوالمجاز» (بازاری در یک فرسخی عرفات) بودند ، ابوطالب سخت تشنه شد و در آنجا آب نبود ، شدت تشنگی خود را به برادرزاده اش محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) ابراز کرد ، پیامبر با پای خود به سنگی زد ، آن سنگ تکان خورد ، ناگهان ابوطالب دید که از زیر سنگ آب زلال می جوشد ، از آن آب آشامید و

ص: ۸۱

سیراب شد ، پیامبر بار دیگر با پای خود به سنگ زد ، سنگ به صورت اول برگشت و دیگر آبی دیده نشد. (۱)

ب: حفظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از نگاه کاهن

قبل از بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) کاهنی بود وقتی به مکه می آمد مردم فرزندان خود را نزد او می بردند تا به آن ها نگاه کرده و درباره ویژگی های روحی آنها نظر بدهد. ابوطالب همراه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به آن جمع پیوست ، تا نظر کاهن در میان جمعیت به پیامبر افتاد گفت : آن پسر را نزد من آورید.

ابوطالب دید که کاهن به طور عجیبی شیفته‌ی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) شده است و با نگاه‌های عمیقی به چهره پیامبر می نگرد و وحشت زده با خود گفت : نکنند او به برادر زاده اش زخم چشم بزند ، به تقاضای کاهن گوش نکرد ، کاهن فریاد زد:

وای بر شما این پسر را نزدیک من بیاورید به خدا سوگند مقام بس ارجمندی از این فرزند مشاهده می کنم . (۲)

ج: وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مایه برکت

با توجه به اینکه ابوطالب عائله مند بود ، از نظر اقتصادی و مالی موقعیت خوبی نداشت ، با مشکل مالی مواجه بود ، اما به وجود پربرکت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان داشت ، وقتی که سفره پهن می کرد و افراد خانواده اش اطراف سفره را می گرفتند معلوم بود که غذای سفره برای همه کافی نیست ، ابوطالب وقتی به آن جمع می نگریست اگر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نبود می گفت دست نگهدارید تا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

ص: ۸۲

۱- . السیره النبویه ، ج ۱ ، ص ۸۹ ، سیره حلیه ، ج ۱ ، ص ۱۳۹ ، ابوطالب مؤمن قریش ، ص ۱۲۶

۲- . السیره النبویه ابن هشام ، ج ۱ ، ص ۱۹۰ ، سیره حلیه ، ج ۱ ، ص ۱۳۹

بیاید. وقتی که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) می آمد نخست ظرف بزرگ غذا را نزد آن حضرت می گذاشت ، او از آن غذا می خورد ، بعد همه افراد از آن غذا می خوردند و برای همه کفایت می کرد ، ابوطالب رو به آن حضرت می کرد و می... گفت:

« انک لمبارک » وجود تو مایه برکت است. (۱)

د: ملاقات حضرت ابوطالب (علیه السلام) با راهب مسیحی

شهرهای مکه و شام (دمشق) از سالها قبل دو مرکز مهم اقتصادی منطقه بودند و بدین منظور کاروانهای تجاری در این مسیر فعالیت می کردند ، اجداد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مثل هاشم و عبد مناف و همچنین عبدالله (علیه السلام) پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابوطالب (علیه السلام) عموی ایشان نیز از این فرصتها بهره می بردند . وقتی که ابوطالب به قصد تجارت عازم سفر شام شد ، محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) که در این وقت ۱۲ سال بیشتر نداشت ، با یک دنیا احساس و مهر گفت عمو : مرا که پدر و مادر ندارم به که می سپاری ؟ ابوطالب که نهایت محبت را به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) می کرد و تا می توانست هرگز نمی خواست از او جدا شود گفت : تو را نیز همراه خود می برم . کاروان تجارتی ابوطالب همراه پیامبر به سوی شام حرکت کرد وقتی که به سرزمین « بُصْرَى » رسیدند در آنجا دیری (صومعه ای) بود که بزرگترین و عالم ترین راهب مسیحیان بنام « بَحیری » در آن عبادت می کرد ، قریشیان و اهل مکه مکرر با کاروان تجارتی خود از آنجا عبور کرده بودند و راهب کمترین توجهی به آنها نداشت .

ص: ۸۳

در این سفر راهب مشاهده کرد کاروانی که عبور می کند ابری بر سرشان سایه افکنده است ، از روی بصیرت دریافت که کاروان از عنایت خاص خدا برخوردار است ، بدین جهت تهیه غذا دید و کاروانیان را دعوت کرد ، آنها نیز دعوت راهب را پذیرفتند و به دیر راهب آمدند ، راهب دید هنوز آن ابر بر اردوگاه سایه افکنده ، به آنها گفت مگر کسی از شما به اینجا نیامده ، گفتند نوجوانی از ما کنار بارها مانده است .

راهب تقاضا کرد آن نوجوان را نیز دعوت کنند ، وقتی تقاضای راهب را به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) رساندند او دعوت راهب را پذیرفت و نزد راهب آمد ، راهب با نظرهای پرمعنایی به چهره‌ی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نگریست و لحظه به لحظه به احترامش نسبت به آن حضرت می افزود.

یکی از کاروانیان پرسید ، مکرر از این راه عبور کرده ایم اما تاکنون ندیده بودیم که شما چنین از ما احترام کنید ، آیا خبری هست؟

راهب گفت : آری چنین است .

پس از آنکه غذا صرف شد راهب به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) رو کرد و گفت : تو را به لات و عزی سوگند می دهم به سؤالات من پاسخ دهی . محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : به وسیله بت ها از من سؤال نکن ، به خدا سوگند از هیچ چیز مانند اینها متنفر نیستم . راهب گفت تو را به خدا سوگند می دهم که به پرسش هایم پاسخ دهی

محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : اینک آماده ام .

راهب : سؤالاتی مطرح و جواب شنید و با آنچه در کتاب های آسمانی خوانده بود جواب ها را مطابق دید و پس از مذاکرات طولانی راهب مهر و نشانه نبوت

را در بین دو شانه ، آن حضرت مشاهده کرد سپس به ابوطالب (علیه السلام) رو کرد و گفت : این پسر با شما چه نسبتی دارد ؟ و بعد از تصدیق گفتار ابوطالب بر فوت پدر گرامی و مادر بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، راهب به ابوطالب گفت : از تو می خواهم که این آقازاده را به وطن برگردانی و کاملاً از او مراقبت کنی ترس آن است که یهودیان بفهمند و به او صدمه بزنند ، به خدا سوگند اگر آنچه من فهمیدم ، آنها درباره این کودک بفهمند ، در کمین قتل او قرار می گیرند ، برادرزاده‌ات آینده بسیار درخشانی دارد ، هر چه سریع تر برای حفظش او را به وطن برگردان .

ابوطالب با شتاب به سوی مکه مراجعت کرد و از آن وقت به بعد از آن حضرت بیشتر مراقبت می کرد .(۱)

۵- خطبه حضرت ابوطالب (علیه السلام)

از جمله شواهدی که حاکی از ایمان و یکتاپرستی ابوطالب قبل از بعثت است ، خطبه‌هایی است ، که او هنگام عقد حضرت خدیجه K برای پیامبر و هنگام عقد فاطمه بنت اسد برای خود خوانده است .

در مورد خطبه‌ی عقد فاطمه بنت اسد برای خود ، مورخین می‌نویسند (خطبه بدین مضمون بود) :

حمد و سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان و خالق عرش بزرگ و دارای شأن بس ارجمند است ، خدائی که ما را به عنوان بزرگان و آگاهان و بندگان

ص: ۸۵

۱- السیره النبویه ابن هشام ج ۱، ص ۱۹۱ ، سیره حلبی ، ج ۱، ص ۱۳۹ تاریخ طبری، ج ۲ ، ص ۲۲ ، بحارالانوار، ج ۳۵ ، ص

۱۳۹ - الغدیر ، ج ۷ ، ص ۳۴۲

خالص و پاک و مدافع حق و حقیقت و پاک از آلودگی ها برگزید و به ما منصب سرپرستی شعائر مذهبی و دینی داد و بر دیگران برتری معنوی بخشید ، ما از فرزندان برگزیده‌ی ابراهیم خلیل و از نسل حضرت اسماعیل هستیم... (۱)

و هنگام تشکیل مجلس با شکوه عقد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ام المؤمنین ، صدف الکواثر حضرت خدیجه K ، ابوطالب به پیش آمد و خطبه ای چنین خواند :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ زَرَعَ إِسْمَاعِيلَ وَ صِئْصِي مَعَدَّ وَ عُنْصُرِ مُضَرَ وَ جَعَلَنَا سَدَنَةَ بَيْتِهِ وَ سُؤَاسَ حَرَمِهِ وَ جَعَلَ لَنَا بَيْتًا مَحْجُوبًا وَ حَرَمًا آمِنًا وَ جَعَلَنَا الْحُكَّامَ عَلَى النَّاسِ. ثُمَّ إِنَّ ابْنَ أَخِي هَذَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ لَا يُوزَنُ بِهِ رَجُلٌ إِلَّا رَجِيحٌ وَ إِنْ كَانَ فِي الْمَالِ قُلٌّ فَإِنَّ الْمَالَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ أَمْرٌ حَائِلٌ مُحَمَّدٌ مَنْ عَرَفْتُمْ قَرَابَتَهُ... وَ هُوَ وَ اللَّهُ بَعْدَ هَذَا لَهُ نَبَأٌ عَظِيمٌ وَ خَطْبٌ جَلِيلٌ. (۲)

حمد و سپاس خداوندی را که ما را از نواده های ابراهیم و نسل اسماعیل و از ریشه دو طایفه معد و مضر قرار داد و ما را نگهبان و مدیرخانه و حرم خود کعبه کرد و محل سکونت ما را محل ورود زائران خانه خدا و حرم امن نموده و ما را

ص: ۸۶

۱- . الحجج على الذاهب الى تكفير ابيطالب

۲- . الكافي ، ج ۵ ، ص ۳۷۴ ، المناقب ابن شهر آشوب ، ج ۱ ، ص ۲۹ ، تاريخ يعقوبی ، ج ۲ ، ص ۱۵ ، فروغ ابدیت ، ج ۱ ، ص

زمامدار مردم کرد. پس از حمد و سپاس پسر برادر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) هر چند از نظر مالی تهیدست است ولی از نظر معنویت و شرافت انسانی بر همگان برتری دارد،

بخدا سوگند محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آینده‌ی بس عظیم و درخشان و مقام خطیر و چشمگیر خواهد داشت. (۱) این خطبه ابوطالب حامل دو پیام آشکار است که شکی در آن نیست، یکی اینکه خطبه خود را با حمد و سپاس الهی و ابراز ایمان عمیق خود به خدا شروع کرد و آن را سرچشمه الطاف ربوبی دانسته و دوم اینکه به وصف پیامبر پرداخته تا جایی که از آینده درخشان و مقام ارجمند او خبر داده است و بدین وسیله در ضمن نشان دادن عظمت مجلس و بزرگداشت آن با بهترین وجه ایمان خود را به خدا و رسالت پیامبر اسلام ابراز داشته است. اینها دلایل ایمان ابوطالب قبل از بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است که هر انسان آگاه و با انصاف از این امور ایمان سرشاری از چهره ابوطالب مشاهده می کند.

۶- اشعار حضرت ابوطالب (علیه السلام)

یکی از اموری که در زندگی ابوطالب جلب توجه می کند و از دلایل روشن و بارزی است که دلالت بر اسلام و ایمان به توحید و نبوت این اسوه حمایت و حفاظت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد، اشعار پرمعنی و حماسی اوست، که بینش فوق العاده‌ای در شعر داشت که مجموعه‌ای از آن در کتابی به نام دیوان ابوطالب گردآوری شده است.

ابن شهر آشوب یکی از دانشمندان معروف شیعه در کتاب «متشابهات القرآن» گوید:

ص: ۸۷

۱- سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۶۵، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۳۱۲، طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۱۳، تاریخ طبری ج ۲، ص ۱۲۷، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۷۳ - الغدیر، ج ۷، ص ۲۷۴

بیش از سه هزار شعر ابوطالب حکایت از ایمان او به اسلام و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می کند . (۱)

اشعار ابوطالب دارای عالی ترین محتوی و مضامین حق طلبی ، ایمان ، صداقت، تصدیق پیامبر عظیم الشان اسلام ، دفاع از اسلام و پیامبر و ... است که هر جستجوگر با انصاف را به بینش اسلامی ابوطالب رهنمون می سازد.

۷- چرا حضرت ابوطالب (علیه السلام) تکفیر می شود

با توجه به مطالبی که در فضائل و مناقب و ایمان و ایثارگریهای این اسوه پاسداری و حمایت از اسلام و رسول مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در کتب خاصه و عامه موجود است ، و مواردی از آن در این نوشتار گذشت ، چرا این رادمرد عظیم الشان که بر اسلام و مسلمین حق دارد ، متهم به کفر می شود؟

منافقین و حسدورزان و کینه توزانی که بسیاری از نزدیکان و منسوبین آنها در جنگ های صدر اسلام به دست امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کشته شده بودند ، و پس از پیروزی اسلام به ناچار اظهار اسلام کردند به منظور التیام بخشیدن به زخم های روحی خویش و به اقتضای حسادت و حقد و کینه ای که در دل های آنها نسبت به امام علی (علیه السلام) بود ، در هر کجا و در هر مقامی که می توانستند به هر نحوی که بر ایشان ممکن بود عداوت و بغض و کینه ی خود را اظهار می نمودند که تکفیر حضرت ابوطالب (علیه السلام) خود نمونه ای واضح و آشکار از این اظهار عداوت ها می باشد.

ص: ۸۸

در واقع حضرت ابوطالب (علیه السلام) در نزد تکفیرکنندگان و تهمت زندگان و جاعلین احادیث دروغین در حق آن حامی بزرگ رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان یک انسان معمولی مطرح نیست که کفر و ایمان یا شرک و توحید او قابل بحث و بررسی باشد، بلکه اگر می بینم که حضرت ابوطالب (علیه السلام) به چوب تکفیر آنان گرفتار می شود بخاطر این است که آن حضرت پدر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است و به خیال خام آنان با ضربه زدن به پدر و خدشه دار کردن ایمان آن حضرت و ایجاد شک و دست زدن به تکفیر آن حضرت فرزند را نیز آسیب پذیر نموده و بدین ترتیب می توانند مقدمات توهین و جسارت به مقام شامخ امیرالمؤمنین (علیه السلام) را فراهم سازند، صحت این مطلب وقتی روشن می شود که می بینیم تاریخ نویسان و مورخان و جاعلین احادیث که درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام) چنین قضاوت نموده و جسورانه اظهار نظر می کنند، درباره افرادی که در طول زندگی امام علی (علیه السلام) همواره رو در روی آن بزرگوار ایستاده و به شهادت تاریخ، در شعاع نور خورشید فروزان آن حضرت چون موم ذوب می شدند و خفاش صفت، تاب دیدن جمال او را نداشتند، ساکت نیستند و برای آنان فضیلت تراشی می کنند و درباره ی اسلام و ایمان آنان حدیث جعل می کنند.

(۱)

ص: ۸۹

-
- ۱- . فروغ ابدیت ، ص ۳۰۲ ، ابوطالب تجلی ایمان ، ص ۱۶۵ ، تاریخ مجاهدات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص ۷۶ ، تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت ، ص ۲۴۱

بخش ششم: وصیت و ارتحال حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱- وصیت حضرت ابوطالب (علیه السلام) به قریش و بستگان

ص: ۹۰

پس از آزادی از فشارها و سختی های شعب، در واقع دوران محاصره اقتصادی این مرد بزرگ، حامی و حافظ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ابوطالب (علیه السلام) را از پای درآورد در حالی که او وظیفه پاسداری خود را نسبت به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) کاملاً به انجام رسانده بود، اکنون خود را در مسیر آخرت می دید، اما قلب و فکرش در مورد حفظ پیامبر می تپید و سیر می کرد، لذا تصمیم گرفت از فرصت استفاده کند و در مورد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به قریش وصیت نماید، آنان را به حضور دعوت نمود، چون آن ها کنار بسترش اجتماع کردند خطاب به آن ها چنین فرمود:

ای قریشیان شما برگزیده خدا در میان خلق و قلب عرب هستید، سروری زینده ای اطاعت، شجاعی برازنده و پیشگام، باکرم و با کفایت در میان شما است، بدانید که شما در میان عرب، از افتخارات نصیبی نگذاشتید مگر اینکه خود آن را اخذ کردید، از این رو بر دیگران امتیاز دارید و آن ها به شما نیازمندند...

به شما توصیه می کنم که در احترام و بزرگداشت کعبه بکوشید، زیرا خشنودی خدا و استواری تأمین زندگی در آن است، پیوند خود را با خویشان قطع نکنید زیرا پیوند با آن ها موجب افزایش عمر و نسل خواهد بود، ظلم و ستم نکنید، به پدر و مادر احترام کنید، امانت دار باشید، زیرا با ترک این دستورات جمعیت هایی پیش از شما هلاک شدند. (۱)

ص: ۹۱

۱- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۷۵، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۷۵، ابوطالب تجلی ایمان، ص ۱۲۵

دعوت افراد را بپذیرید ، به سائل بخشش کنید که موجب سربلندی دنیا و آخرت است ، بر شما باد که راستگویی و امانت داری را پیشه خود سازید که موجب محبوبیت پیش خاصان و بزرگواری در سطح عمومی خواهد بود.

آنگاه فرمود : **وَإِنِّي أُوصِيكُمْ بِمُحَمَّدٍ خَيْرًا فَإِنَّهُ الْأَمِينُ فِي قُرَيْشٍ وَ الصَّادِقُ فِي الْعَرَبِ وَ هُوَ الْجَامِعُ لِهَذِهِ الْخِصَالِ الَّتِي أُوصِيْتُكُمْ بِهٍ ...**

درباره‌ی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) شما را وصیت به خیر می‌کنم ، اولین قریش و راستگویی عرب و دارای همه صفاتی است که اکنون به شما سفارش کردم ...

آنچه آورده دل آن را پذیرفت و زبان از بیم دشمن دیگران از پذیرش آن سرباز زد ، به خدا سوگند گویا می‌بینم که افراد تهیدست و نیکوکار به گرد او آمده ، دعوتش را پذیرفته و گفتارش را تصدیق نموده و فرمانش را بزرگ شمرده اند و در راه گسترش دینش تا سر حد مرگ تلاش می‌کنند ، بدین سبب آنان رؤسا و زمامداران عرب گردند ولی بزرگان قریش عقب مانده ، خانه هایشان خراب گردد ، ناگهان آگاه شوید آنکه بزرگتر بوده محتاج تر و آنکه دورتر بوده از نزدیکان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) شده است ، آن وقتی که تمام عرب دوستدار او شوند و زمام اختیارات را به دست او بسپارند .

يَا مَعْاشِرَ قُرَيْشِ ابْنِ أَبِيكُمْ وَ أُمَّكُمْ كُونُوا لَهُ وُلَمَاءَ وَ لِحِزْبِهِ حُمَاهُ وَ اللَّهُ لَا يَسْلُكُكُمْ أَحَدٌ سَبِيلَهُ إِلَّا رَشَدًا وَ لَا يَأْخُذُ أَحَدٌ بِهِدْيِهِ إِلَّا سَعَدًا. (۱)

ص: ۹۲

۱- .الروض الانف ، ج ۱ ، ص ۲۵۹ ، المواهب ج ۱ ، ص ۷۲ ، تاریخ الخميس ، ج ۱ ، ص ۳۳۹ ، الغدير ج ۷ ، ص ۳۶۶

ای گروه قریشیان! در مورد فرزند پدرتان نیک بیاندیشید، در حزب او وارد و از او حمایت کنید به خدا سوگند هیچ کس راه او را در پیش نگیرد مگر به راه راست افتد و هیچ کس دین او نستاند مگر رستگار گردد.

و بنا به روایتی فرمود: لَنْ تَزَالُوا بِخَيْرٍ مَا سَاءَ مَعْتَمِدٌ مِنْ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله وسلم) وَمَا اتَّبَعْتُمْ أَمْرَهُ، فَاتَّبِعُوهُ وَأَعِينُوهُ تُرْشِدُوا. (۱)

همواره سعادت‌مندید تا وقتی که سخن محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را بشنوید و فرمان او را به کار ببندید، پس از او پیروی کنید و یاریش دهید تا راه راست را بیابید.

و به روایت دیگری فرمود: يَا مَعْشَرَ بَنِي هَاشِمٍ، أَطِيعُوا مُحَمَّدًا وَصَدَّقُوهُ تَفْلِحُوا وَتُرْشِدُوا. (۲)

ای گروه هاشمیان! از محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمان برید و سخن او را راست شمارید تا رستگار شوید و راه راست بیابید.

۲- وداع حضرت ابوطالب با دنیا و تأثر پیامبر و علی (علیهما السلام)

سرانجام با یک دنیا خاطرات بزرگ حامی و حافظ رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) حضرت ابوطالب در بستر وداع با دنیا قرار گرفت. در آخرین لحظات عمر، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (علیهما السلام) را به سینه اش چسباند و گفت: جدایی با شما برایم دشوار است، نگرانم که بعد از من با شما چه خواهند کرد؟

ص: ۹۳

۱- الغدير ج ۷، ص ۳۶۷ به نقل از طبقات الکبری

۲- تذکره السبط بن جوزی، ص ۵، خصائص الکبری، ج ۱، ص ۸۷، اسنی المطالب، ص ۱۰

سپس به عقیل و جعفر و سایر بستگان رو کرد و گفت: همه شما را به خدا می سپارم ، گویا این آخرین سخنش بود ، هماندم لبهایش از حرکت ایستاد و چشم از جهان فانی فرو بست .

اندوه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و مسلمانان چند روز بعد از درگذشت حضرت ابوطالب با وفات حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دو چندان شد و آن سال را عام الحزن (سال اندوه) نامیدند. (۱)

۳- رحلت ، مزار شریف

حضرت ابوطالب (علیه السلام) ۲۶ رجب سال دهم بعثت در ۸۵ سالگی رحلت نمود (۲) ، امیرالمومنین (علیه السلام) خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رساند و حضرت را با خیر ساخت ، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند : یا علی غسل و کفن و حنوط پدرت را خود انجام بده و هنگامیکه بدنش را بر تابوت قرار دادی مرا با خیر کن . امیرالمومنین (علیه السلام) پس از انجام وظائف ، حضرت را صدا زدند و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در برابر بدن ابوطالب (علیه السلام) ایستادند و فرمودند : ای عمو ، پاداش خوبیها و مهربانیهای خود را گرفتی ، در کودکی مرا سرپرستی نمودی و در بزرگی مرا حمایت نمودی و یاری رساندی

سپس رو به مردم فرمودند :

أَمَا وَاللَّهِ لَأَشْفَعَنَّ لِعَمِّي شَفَاعَةً يَعْجَبُ بِهَا أَهْلُ الثَّقَلَيْنِ. (۳)

بخدا سوگند برای عمویم آنگونه شفاعت کنم که همه تعجب نمایند .

ص: ۹۴

۱- . تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶، کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۰۷

۲- . مصباح المتعجد، ج ۲ ص ۸۱۲

۳- . اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۸۲، الحجه علی الذاهب الی تکفیر ابیطالب، ص ۶۷، الغدیر ج ۷، ص ۳۸۶

پس از آن پیکر مطهرش در کنار مزار پدرش عبدالمطلب و اجداد پاکش عبدمناف و قُصَی بن کلاب ، در قبرستان حجون مکه بخاک سپرده شد. (۱)

مسلمانان به احترام عمو و اجداد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر مزار آنان حرمی بنا نمودند اما متأسفانه یکبار توسط وهابیون دوره اول و بار دیگر توسط وهابیون دوره سوم حرم آنان تخریب شد که تا کنون نیز همانگونه باقی است .

۴- فقدان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و پیام جبرئیل

به هر حال در سال دهم دو فاجعه عظیم که دو محنت و مصیبت بزرگی برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بود رخ داد و بیش از اندوه پیامبر عظیم الشان اسلام ، دشمنی از ارتحال این دو یار وفادار پیامبر خوشحال بود ، دشمنی می دانست که پیامبر بهترین پشتیبان و مدافع خود را در بیرون خانه یعنی حضرت ابوطالب (علیه السلام) و بهترین مایه دلداری و انیس خویش را در داخل خانه یعنی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را از دست داده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) کاملاً احساس نیاز به این دو یار بی نظیر می کرد ، گویا دو دستش را از دست داده است. دیگر کسی نبود که جای خالی آن دو گوهر گرانبها را پر کند ، چنانکه چند روزی بیشتر نگذشت که دست قریش به آزار رسول مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بازتر شد ، تا آنجا که وقتی پیامبر از کوچه عبور می کرد ظرفی پُر از خاکروبه را روی سرش می ریختند .

ص: ۹۵

ابن ابی الحدید گوید : وقتی که ابوطالب (علیه السلام) از دنیا رفت دست آزار قریش نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بازتر شد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ناگزیر از مکه بیرون رفت و ماجرای مهاجرت پیش آمد. (۱)

آری شرایط چنان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سخت شد که پیک وحی بعد از رحلت ابوطالب (علیه السلام) نزد آن حضرت آمد و عرضه داشت : یا محمد اِنَّ رَبَّكَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ و يقول لك : اخرج من مَّكَّةَ فَقَدْ مَاتَ نَاصِرُكَ . (۲)

ای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) همانا پروردگارت سلامت می رساند و می فرماید: از مکه بیرون برو ، زیرا حامی و یارت از دنیا رفت .

ص: ۹۶

۱- . شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید ، ج ۳ ، ص ۳۲۲

۲- . شرح نهج البلاغه ، ج ۱ ، ص ۱۰ ، بحار ج ۳۵ ص ۱۷۴

بخش هفتم: حضرت ابوطالب (علیه السلام) در کلام معصومین (علیهم السلام)

۱ - تجلیل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار بدن مطهر ابوطالب (علیه السلام)

ص: ۹۷

« دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلَى عَمِّهِ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ مُسَجًى فَقَالَ يَا عَمُّ كَفَلْتِ يَتِيمًا وَرَبَّيْتِ صَغِيرًا وَنَصَرْتِ كَبِيرًا فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا ثُمَّ أَمَرَ عَلِيًّا بِغُسْلِهِ (۱) »

هنگامیکه بدن ابوطالب (علیه السلام) پس از رحلت پوشانده شده بود ، پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) بر عموی بزرگوارشان حضرت ابوطالب (علیه السلام) وارد شدند و فرمودند : ای عمو ، در یتیمی مرا سرپرستی نمودی ، در کودکی مرا تربیت نمودی و در بزرگی مرا یاری نمودی پس خداوند بهترین پاداشها را به شما عطا فرماید ، سپس حضرت به امیرالمومنین علی (علیه السلام) دستور به تغسیل بدن ایشان دادند

۲ - شفاعت پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در قیامت به احترام ابوطالب (علیه السلام)

هنگامیکه حضرت ابوطالب (علیه السلام) رحلت نمود ، امیرالمومنین (علیه السلام) خود را به پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) رساند و حضرت را با خبر ساخت ، پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) بشدت متأثر و غمگین شدند و فرمودند : یا علی غسل و کفن و حنوط پدرت را خود انجام بده و هنگامیکه بدنش را بر تابوت قرار دادی مرا با خبر کن . امیرالمومنین (علیه السلام) پس از انجام وظائف ، حضرت را صدا زدند و پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در برابر بدن ابوطالب (علیه السلام) ایستادند و پس از گریه و سوگواری فرمودند :

ص: ۹۸

۱- . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۶۸ ، الامالی صدوق ص ۴۰۴ ، تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۸۰ (شبیه این مضمون)

« وَصَلَّتْ رَحِمًا وَجُزِيَتْ خَيْرًا يَا عَمَّ فَلَقَدْ رَيْبَتْ وَكَفَلَتْ صَغِيرًا وَنَصِيْرَتْ وَآزَرَتْ كَبِيرًا ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ وَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ
لَأَشْفَعَنَّ لِعَمِّي شَفَاعَةً يَعْجَبُ بِهَا أَهْلُ الثَّقَلَيْنِ »

ای عمو، پاداش خوبی‌ها و مهربانی‌های خود را گرفتی، در کودکی مرا سرپرستی نمودی و در بزرگی مرا حمایت نمودی و یاری رساندی سپس رو به مردم فرمودند: بخدا سوگند برای عمویم آنگونه شفاعت کنم که همه تعجب نمایند. (۱)

۳ - محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به احترام حضرت ابوطالب (علیه السلام)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به عقیل فرزند ابوطالب (علیه السلام) فرمودند:

إِنِّي لَأَحِبُّكَ يَا عَقِيلُ حُبِّينِ حُبًّا لَكَ وَحُبًّا لِحُبِّ أَبِي طَالِبٍ لَكَ

همانا من تو را به دو مناسبت دوست دارم یکی برای محبت به خودت و دیگری برای اینکه ابوطالب (علیه السلام) تو را دوست داشت. (۲)

۴ - آرزوی بهترینها برای حضرت ابوطالب (علیه السلام)

عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پرسید: برای ابوطالب (علیه السلام) چه امید داری؟ حضرت فرمود: برای او همه خوبیها را از پروردگارم امید دارم. (۳)

ص: ۹۹

-
- ۱- . اعلام الوری ج ۱ ص ۲۸۲ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۱۹ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۲۶۵ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۲۵
 - ۲- . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۷۵ ، علل الشرایع ج ۱ ص ۱۳۴ ، خصال ج ۱ ص ۷۶ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۷۹ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۲۰
 - ۳- . ایمان ابوطالب فخار بن معد ص ۷۱ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۰۹ ، الطرائف سیدبن طاووس ج ۱ ص ۳۰۵ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۱۹

۵ - رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت ابوطالب (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) فرمود :

« مَا مَاتَ أَبُو طَالِبٍ حَتَّى أُعْطِيَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مِنْ نَفْسِهِ الرَّضَا »

حضرت ابوطالب (علیه السلام) رحلت نکرد تا اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را از خود راضی نمود(۱).

۶ - توسل به ابوطالب (علیه السلام) برای برآورده شدن حاجت

داود رقی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید و عرض کرد : از شخصی طلبکارم و می ترسم مالم از بین برود ، حضرت فرمودند : هنگامیکه مکه رفتی ، به نیابت از هر یک از عبدالمطلب ، عبدالله ، ابوطالب ، آمنه و فاطمه بنت اسد طواف کن و نماز طواف بخوان و سپس از خدا بخواه که مالت را برگرداند ، داود گفت به مکه رفتم و انجام دادم و هنگام خروج از باب صفا در مسجدالحرام ، دیدم شخص بدهکار ایستاده است و می گوید : ای داود معظلم کردی ، بیا تا حق تو را پرداخت کنم.(۲)

۷ - توصیه به بیان و تعلیم اشعار ابوطالب (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) فرمود : امیرالمومنین (علیه السلام) از بیان و نقل اشعار ابوطالب (علیه السلام) و نوشتن آن شادمان می شدند و می فرمود اشعار ابوطالب (علیه السلام) را فراگیرید و به فرزندانتان نیز تعلیم دهید ، همانا ابوطالب (علیه السلام) بر دین و آئین الهی بود و دانش زیادی در او بود.(۳)

ص: ۱۰۰

۱- بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۳ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۰۸ ، تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۸۰ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۲۱

۲- بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۲ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۰۴ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۲۹

۳- بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۵ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۳۰ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۳۰

۸- درخواست معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و تصدیق آن حضرت

عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می گوید :

در برابر قریش و برای معرفی فضائل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ابوطالب (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گفت: فرزند برادرم، آیا خداوند تو را فرستاده است، حضرت فرمود: آری، عرض کرد: پس معجزه و آیتی به من نشان بده، برای من این درخت را دعوت کن، پس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آن درخت را صدا زدند و درخت نیز بسوی آنان حرکت نمود و در برابر ایشان احترام نمود و بازگشت، حضرت ابوطالب (علیه السلام) فرمود: شهادت می دهم که تو صادق هستی، یا علی (علیه السلام) در کنار پسر عمویت باش(۱).

۹- شادمانی ابوطالب (علیه السلام) از نماز فرزندانش در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اولین جماعتی که (در اسلام) تشکیل شد هنگامی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به همراه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به نماز ایستادند، حضرت ابوطالب (علیه السلام) به همراه فرزندش جعفر از کنار آندو می گذشت با دیدن آندو به جعفر فرمود: پسر من، کنار پسر عمویت بایست، هنگامیکه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حضور جعفر را احساس نمودند کمی جلوتر رفتند (تا آندو در نماز پشت سر حضرت قرار گیرند)

حضرت ابوطالب (علیه السلام) با دیدن این صحنه شادمان بازگشت و این اشعار را زمزمه می فرمود:

ص: ۱۰۱

۱- الامالی للصدوق ص ۶۱۴ ح ۱۰ (مجلس ۸۹)، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۲۸، مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۱۲۹، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۷۱، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۷۵، الغدیر ج ۷ ص ۵۳۲، روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۳۹

إِنَّ عَلِيًّا وَ

جَعْفَرًا ثِقَنِي

عِنْدَ مُلِمِّ

الزَّمانِ وَ الكُربِ

وَ اللهِ لَا

أَخْذُلُ النَّبِيَّ وَ لَا

يَخْذُلُهُ مِنْ

بَنِي دُو حَسَبِ

لَا تَخْذُلَا وَ

انصُرَا ابْنَ عَمَّكُمَا

أَخِي لِأُمِّي مِنْ

بَيْنِهِمْ وَ أَبِي

« همانا علی و جعفر در سختیها و شدائد روزگار ، تکیه گاه و پشتیبان من هستند »

« بخدا سوگند ، نه من و نه فرزندان با شرافتم ، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را تنها نخواهیم گذاشت »

« ای علی و جعفر ، پسر عمویتان را تنها نگذارید که او فرزند برادری هم از پدر و هم از مادر من است »

اولین جماعتی که برپا شد ، آن روز بود. (۱).

۱۰ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همیشه موحد و خداپرست بود

اصبغ بن نباته می گوید از محضر امیرالمومنین (علیه السلام) شنیدم که فرمود :

« وَ اللهِ مَا عَبَدَ أَبِي وَ لَا جَدِّي عَبْدُ الْمُطَلَبِ وَ لَا هَاشِمٍ وَ لَا عَبْدُ مَنَافٍ صِغَرًا قَطُّ قِيلَ فَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ قَالَ كَانُوا يُصَلُّونَ إِلَى الْبَيْتِ
عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ (علیه السلام) مُتَمَسِّكِينَ بِهِ »

بخدا سو گند ، نه پدرم (ابوطالب) و نه جدم عبدالمطلب و نه هاشم و نه عبد مناف ، آنان هیچکدام هرگز بتی را نپرستیدند ، گفته شد پس چه می پرستیدند ؟

ص: ۱۰۲

۱- . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۶۸ ح ۲ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۲۴۸ ، الطرائف سیدبن طاووس ج ۱ ص ۳۰۵ ، الامالی للصدوق ص ۵۰۹ (مجلس ۷۶) ، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ص ۱۵۱ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۳۰

فرمود آنها معتقد به آئین ابراهیم بودند و بر اساس آن بسوی کعبه نماز می خواندند.(۱)

۱۱ - دفاع امیرالمومنین (علیه السلام) از ایمان ابوطالب (علیه السلام)

روزی امیرالمومنین (علیه السلام) در کنار گروهی از مردم نشسته بودند ، مردی نزد آنحضرت آمد و گفت ای امیر مومنان چگونه شما در این مقام و منزلتی که خداوند عطا فرموده هستید اما پدرت در آتش است ، حضرت فرمود : ساکت باش ، دهانت شکسته باد ، سوگند به خدایی که بحق پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را مبعوث فرمود اگر پدرم برای هر گنهکاری بر روی زمین شفاعت نماید خداوند شفاعت او را می پذیرد ، آیا پدرم در آتش باشد درحالیکه فرزندش تقسیم کننده بهشت و جهنم است . سوگند به خدایی که بحق پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را مبعوث فرمود روز قیامت نور پدرم ابوطالب (علیه السلام) نور همه موجودات را خاموش می سازد بغیر از نور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، نور من ، نور فاطمه (سلام الله علیها) ، نور حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و نور ۹ امام از فرزندان حسین (علیه السلام) ، بدرستیکه نور ابوطالب (علیه السلام) از نور ما است همان نوری که دو هزار سال قبل از خلقت آدم ، خداوند خلق فرمود.(۲)

۱۲ - ابوطالب (علیه السلام) برای یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان خود را مخفی نمود

امام صادق (علیه السلام) فرمود : همانا ابوطالب (علیه السلام) تظاهر به شرک می نمود و ایمان خود را مخفی می ساخت و هنگامیکه رحلت نمود خداوند متعال به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

ص: ۱۰۳

-
- ۱- [۱] کمال الدین و تمام النعمه ج ۱ ص ۱۷۵ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۸۱ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۱ ، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ص ۱۵۰ ، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۷۷
 - ۲- . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۶۹ ، الامالی طوسی ص ۳۰۵ ح ۶۱۲ (مجلس یازدهم) ، الاحتجاج ج ۱ ص ۲۲۹ ، ایمان ابی طالب فخاربن معد ص ۷۳ ، مائه منقبه ابن شاذان ص ۱۷۴ (منقبه ۹۸) ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۰ ، تفسیر الصافی ج ۴ ص ۹۷ ، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۷۵ ، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ص ۱۵۰

وحی فرمود از مکه خارج شو زیرا یآوری برایت باقی نمانده است و پس (از مدتی) پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بسوی مدینه هجرت نمود. (۱)

۱۳- دفاع از بنی هاشم، علت کتمان ایمان ابوطالب (علیه السلام)

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود :

« كَانِ وَاللَّهِ أَبُو طَالِبٍ عَبْدُ مَنْفٍ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ مُؤْمِنًا مُسْلِمًا يَكْتُمُ إِيمَانَهُ مَخَافَةَ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ أَنْ تُنَابَذَهَا قُرَيْشٌ »

بخدا سوگند ابوطالب (علیه السلام) (عبد مناف فرزند عبدالمطلب) مومن و مسلمان بود و او ایمانش را مخفی نگاه داشت تا در برابر دشمنی قریش با بنی هاشم، دفاع کند. (۲)

۱۴- ایمان آوردن حضرت ابوطالب (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) فرمود : همانا ابوطالب (علیه السلام) با استفاده از حروف ابجد، اسلام آورد (بلکه) ابوطالب (علیه السلام) به همه زبانها اسلام اختیار نمود. (۳)

ص: ۱۰۴

۱- . کمال الدین و تمام النعمه ج ۱ ص ۱۷۴ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۸۱ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۷ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۸۴ (شبهه به این مضمون) ، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۷۷ ، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ص ۱۵۴

۲- . ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۲۲ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۴ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۲

۳- . الکافی ج ۱ ص ۴۴۹ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۷۸ ، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۷۶

۱۵ - روشنی چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به برکت ایمان ابوطالب (علیه السلام)

ابوذر غفاری گفت : سوگند بخدایی که خدائی جز او نیست ، ابوطالب (علیه السلام) پیش از مرگ به زبان حبشه اسلام آورد ، او به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گفت : آیا زبان حبشه می دانی؟ حضرت فرمود: عمو ، خداوند همه زبانها را به من تعلیم فرموده است. ابوطالب (علیه السلام) گفت : « يَا مُحَمَّدُ اسْدُنْ لِمَصَافَا قَاطِلَا هَا » یعنی با اخلاص شهادت می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) با گریه فرمودند : خداوند به برکت ابوطالب (علیه السلام) چشم مرا روشنی عطا فرمود(۱).

۱۶ - ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) بر ایمان همه مردم برتری دارد

ابوبصیر لیث مُرادى می گوید خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم : سرورم ، مردم می گویند ابوطالب (علیه السلام) در حفره ای از آتش است و در آن سرش می جوشد ، حضرت فرمودند :

« كَذَّبُوا وَاللَّهِ إِنَّ إِيْمَانَ أَبِي طَالِبٍ لَوْ وُضِعَ فِي كِفِّهِ مِيزَانٍ وَ إِيْمَانُ هَذَا الْخَلْقِ فِي كِفِّهِ مِيزَانٍ لَرَجَحَ إِيْمَانُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى إِيْمَانِهِمْ » ، بخدا سوگند دروغ می گویند اگر ایمان ابوطالب (علیه السلام) در یک سوی میزان و ایمان این مردم در سوی دیگر میزان قرار داده شود ایمان ابوطالب (علیه السلام) بر ایمان آنها برتری دارد ، سپس حضرت فرمودند : بخدا سوگند امیرالمومنین (علیه السلام) در زمان حیات

ص: ۱۰۵

خود دستور داد به نیابت از پدر و مادر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابوطالب (علیه السلام) حج انجام دهند و همچنین وصیت نمود که پس از او نیز به نیابت از آن سه نفر حج انجام دهند. (۱)

۱۷ - حضرت ابوطالب (علیه السلام) همانند اصحاب کهف بود

امام صادق (علیه السلام) فرمود :

« مَثَلُ أَبِي طَالِبٍ مَثَلُ أَهْلِ الْكَهْفِ حِينَ أَسْرَوْا الْإِيمَانَ وَ أَظْهَرُوا الشُّرْكَ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ » مثل حضرت ابوطالب (علیه السلام) مثل اصحاب کهف بود هنگامیکه آنان ایمان خود را مخفی ساختند و تظاهر به شرک را آشکار ساختند و خداوند پاداش آنان را دو برابر عطا فرمود. (۲)

۱۸ - ابوطالب (علیه السلام) مانند مومن آل فرعون بود

امام عسکری (علیه السلام) فرمود : خداوند متعال به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) وحی فرمود من تو را با دو گروه یاری نمودم ، گروهی که تو را مخفیانه یاری نمودند و گروهی که تو را آشکارا یاری دادند ، آنان که مخفیانه یاور تو بودند بزرگ و برترشان عمویت ابوطالب (علیه السلام) است و آنان که آشکارا یاری نمودند بزرگ و برترشان فرزندش علی بن ابیطالب (علیه السلام) است ، سپس امام عسکری (علیه السلام) فرمود : ابوطالب (علیه السلام) همانند مومن آل فرعون ایمان خود را مخفی می ساخت. (۳)

ص: ۱۰۶

- ۱- . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۲ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۸۵ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۴
- ۲- . بحارالانوار ج ۳۵ ص ۷۲ ، الامالی للصدوق ص ۶۱۵ ح ۱۲ (مجلس ۸۹) ، الکافی ج ۱ ص ۴۴۸ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۸۳ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۵ ، تفسیر الصافی ج ۴ ص ۹۵ ، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۷۵
- ۳- . ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۳۶۲ ، الغدير ج ۷ ص ۵۳۲

۱۹ - بشارت به بهشت قبل از رحلت ابوطالب (علیه السلام)

عبدالرحمان بن کثیر می گوید : خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم ، مردم گمان می کنند ابوطالب (علیه السلام) در حفره ای از آتش است ، حضرت فرمودند : مردم دروغ می گویند ، جبرئیل (علیه السلام) چنین مطلبی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نیاورده است ، عرض کردم : پس جبرئیل (علیه السلام) چه چیزی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ابلاغ نمود ؟ فرمودند : جبرئیل (علیه السلام) در بین مطالبی که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ابلاغ نمود گفت : پروردگارت بر تو سلام می رساند و می فرماید اصحاب کهف ایمان خود را مخفی نمودند و تظاهر به شرک نمودند و خداوند متعال پاداش آنان را دو برابر قرار داد و حضرت ابوطالب (علیه السلام) نیز ایمان خود را مخفی نمود و تظاهر به شرک نمود و خداوند نیز اجرش را دو برابر مقرر فرمود و ابوطالب (علیه السلام) قبل از رحلتش از این دنیا ، بشارت به بهشت را از خداوند متعال دریافت نمود ، پس چگونه این مردم او را اینگونه توصیف میکنند درحالیکه در شب رحلتش جبرئیل (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شد و گفت : ای محمد ، از مکه خارج شو که پس از ابوطالب (علیه السلام) یآوری در مکه نداری. (۱)

۲۰ - آتش جهنم سزای تردید در ایمان ابوطالب (علیه السلام) است

حضرت عبدالعظیم حسنی به محضر امام رضا (علیه السلام) نامه نوشت : ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ، مرا آگاه سازید از خبری که نقل شده « ابوطالب در گودالی از آتش است و از آتش آن مغز او می جوشد » ، حضرت در جواب نامه او نوشتند:

ص: ۱۰۷

۱- . ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۸۳ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۱ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۲۵

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّكَ إِنْ شَكَّكَتَ فِي إِيْمَانِ أَبِي طَالِبٍ كَانَ مَصِيْرُكَ إِلَى النَّارِ »

« بنام خداوند بخشنده مهربان ، اگر در ایمان ابوطالب (علیه السلام) شک کردی بازگشت تو بسوی آتش جهنم خواهد بود(۱)»

«

۲۱- ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، تردید ناپذیر است

آبان بن محمد می گوید به محضر امام رضا (علیه السلام) نامه نوشتم که جانم فدای شما باد ، من در ایمان ابوطالب (علیه السلام) شک کرده ام ، حضرت در جواب مرقوم فرمودند :

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّى إِنَّكَ إِنْ لَمْ تُقَرَّرْ بِإِيْمَانِ أَبِي طَالِبٍ كَانَ مَصِيْرُكَ إِلَى النَّارِ »

« بنام خداوند بخشنده مهربان ، کسی که از راهی غیر از راه مومنان پیروی نماید ، او را به همان راه که می رود می بریم ، اگر به ایمان ابوطالب (علیه السلام) اقرار نداشته باشی ، بازگشت تو بسوی آتش جهنم است(۲)»

۲۲- حضرت ابوطالب (علیه السلام) همنشین انبیاء و صدیقین است

شخصی بنام یونس خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید ، حضرت فرمودند : مردم درباره ابوطالب (علیه السلام) چه می گویند؟ عرض کرد : جانم فدای شما باد ، می گویند ابوطالب (علیه السلام) در حفره ای از آتش است و در پاهایش کفشهایی آتشین قرار

ص: ۱۰۸

۱- ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۸۲ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۱ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۳۲

۲- بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۰ ، ایمان ابوطالب فخار بن معد ص ۷۶ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۳۱

دارد که از آتش آن مغز او می جوشد ، حضرت فرمودند : « كَذَبَ أَغِدَاءُ اللَّهِ إِنَّ أَبَا طَالِبٍ مِنْ رُفَقَاءِ النَّبِيِّنَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا »

دشمنان خدا دروغ گفته اند ، همانا ابوطالب (علیه السلام) از همنشینان پیامبران ، صدیقین ، شهدا و صالحین است و آنان خوب همنشینی هستند(۱)

۲۳ - خداوند آتش را بر حضرت ابوطالب (علیه السلام) حرام ساخته است

امام صادق (علیه السلام) فرمود : جبرئیل (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شد و گفت : ای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) پروردگارت سلام می رساند و می فرماید : من آتش را بر صُلب پدری که تو را آورد و بر مادری که تو را حمل نمود و آغوشی که تو را سرپرستی نمود حرام نمودم ، البته آن صُلب ، عبدالله بن عبدالمطلب است و آن مادر ، آمنه بنت وهب و آغوشی که تو را سرپرستی نمود ، ابوطالب (علیه السلام) و فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) می باشند.(۲)

۲۴ - تداوم همسری فاطمه بنت اسد ، دلیل ایمان ابوطالب (علیه السلام)

از امام سجاد (علیه السلام) سوال شد ، آیا ابوطالب (علیه السلام) ایمان آورده بود ؟ حضرت فرمود : بلی ، گفته شد : عده ای گمان می کنند او کافر بوده است ، امام سجاد (علیه السلام) فرمود : بسیار عجیب است ، آیا با این سخن قصد طعنه زدن بر ابوطالب (علیه السلام)

ص: ۱۰۹

۱- ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۸۲ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۱ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۸

۲- بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۰۹ ، ایمان ابوطالب فخار بن معد ص ۵۵ ، تفسیر الصافی ج ۴ ص ۹۶ ، روض الجنان و روح الجنان

فی تفسیر القرآن ج ۱۵ ص ۱۴۹ ، الغدير ج ۷ ص ۵۱۸

دارند یا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را ، درحالیکه خداوند در بیش از یک آیه از قرآن نهی فرموده که زن مومنه ای در ازدواج با مرد کافر بماند ، و هیچکس تردید ندارد که فاطمه بنت اسد از زنان مومنه پیشگام در اسلام بود و او تا پایان عمر ابوطالب (علیه السلام) در ازدواج با او بود(۱).

۲۵- تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در سخنان او

اسحاق بن جعفر می گوید : به امام صادق (علیه السلام) گفته شد مردم گمان می کنند ابوطالب (علیه السلام) کافر بوده است ، حضرت فرمودند : آنان دروغ گفته اند ، ابوطالب (علیه السلام) چگونه کافر باشد درحالیکه خود فرموده است :

« أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا نَبِيًّا كَمُوسَى خُطَّ فِي أَوَّلِ الْكُتُبِ »

آیا نمی دانید که ما محمد را پیامبری همانند موسی یافتیم که در کتب پیشینیان نیز ثبت شده است.(۲).

۲۶- تجلی ایمان ابوطالب (علیه السلام) در اشعار او

امام صادق (علیه السلام) فرمود : چگونه ابوطالب (علیه السلام) کافر باشد درحالیکه فرموده است :

لَقَدْ عَلِمُوا

أَنَّ ابْنَنَا لَا مُكَذَّبَ لَدَيْنَا وَلَا يَعْجَبُ بِقَوْلِ

الْأَبَاطِلِ

وَ أَيْضَ يُسْتَسْقَى الْعَمَامُ بِوَجْهِهِ ثَمَالَ الْيَتَامَى عِضْمَهُ

لِلْأَرَامِلِ

« آنان بخوبی دانستند که ما فرزندانمان (محمد) را دروغگو نمی دانیم و به سخنان بیهوده (در باره او) اعتنا نمی شود »

ص: ۱۱۰

۱- بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۱۵ ، ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۲۳ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۴
۲- الكافي ج ۱ ص ۴۴۸ ، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۳۶ ، الغدير ج ۷ ص ۵۲۶ ، تفسير الصافي ج ۴ ص ۹۵ ، البرهان في تفسير القرآن ج ۴ ص ۲۷۵

« او آبرومندی است که به احترام آبروی او طلب باران می شود ، کسی که فریادرس یتیمان و پناه بیوه زنان است.(۱) »

۲۷- ابوطالب (علیه السلام) حامل وصایای الهی

دُرُست بن ابی منصور می گوید ، از محضر امام کاظم (علیه السلام) پرسیدم : آیا ابوطالب (علیه السلام) حجت بر پیامبر (ص) بود ؟ حضرت فرمود : خیر ، حجت بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نبود اما امانت دار وصایای الهی بود که این وصایا را به محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تقدیم نمود .

عرض کردم : آیا دلیل تقدیم وصایا را به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، بدین علت بود که ابوطالب (علیه السلام) حجت بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود ؟ حضرت فرمود : اگر ابوطالب (علیه السلام) حجت بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود ، وصایا را به او تحویل نمی داد . عرض کردم : پس ابوطالب (علیه السلام) چگونه بود ؟ حضرت فرمود : او به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و فرامین او اقرار نمود ، و در روز رحلتش وصایای الهی را به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) تحویل داد و همان روز رحلت نمود.(۲)

۲۸- خبر دادن از ولادت حضرت علی (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) فرمود : فاطمه بنت اسد (رحمت الهی بر او باد) خدمت ابوطالب (رحمت الهی بر او باد) رسید و بشارت داد که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ولادت یافته است ، ابوطالب (علیه السلام) فرمود : مدتی صبر کن شما هم مولودی همانند او دنیا خواهی آورد غیر از اینکه فرزند تو پیامبر نخواهد بود

ص: ۱۱۱

۱- . الکافی ج ۱ ص ۴۴۹ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۳۶ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۲۶ ، تفسیرالصافی ج ۴ ص ۹۶ ، البرهان فی تفسیرالقرآن ج ۴ ص ۲۷۶

۲- . الکافی ج ۱ ص ۴۴۵ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۷۳ ، الغدیر ج ۷ ص ۵۳۰ ، تفسیرالصافی ج ۴ ص ۹۶ ، البرهان فی تفسیرالقرآن ج ۴ ص ۲۷۷

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن مدت زمانی که ابوطالب (علیه السلام) از آن سخن گفت، سی سال بود زیرا بین ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امیرالمومنین (علیه السلام) سی سال فاصله بود. (۱)

۲۹ - خبر دادن از امامت حضرت علی (علیه السلام)

مُفَضَّل بن عُمَر می گوید از امام صادق شنیدم که فرمود: هنگام ولادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، درخشندگی و عظمت قصرهای ایران و شام در برابر دیدگانش نمایان شد (و او آنچه را دیده بود تعریف نمود)، فاطمه بنت اسد مادر امیرالمومنین شادمان نزد ابوطالب (علیه السلام) آمد و گفته های آمنه را بشارت داد، ابوطالب (علیه السلام) فرمود: از این مطالب تعجب نمودی؟ تو خود وصی و وزیر این مولود را باردار می شوی و بدنیا خواهی آورد. (۲)

۳۰ - خبر دادن از نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

حضرت فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) فرمود: هنگامیکه رحلت عبدالمطلب (علیه السلام) نزدیک شد به فرزندانش فرمود: کدامیک سرپرستی محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را بعهده

می گیرید؟ آنها گفتند محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) از ما داناتر است بگویند خود انتخاب کند، عبدالمطلب (علیه السلام) فرمود: ای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) پدر بزرگت در آستانه سفر آخرت است کدامیک از عموها و عمه هایت را برای سرپرستی خود انتخاب می کنی، محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به چهره های آنان نگاه کرد سپس به آرامی کنار ابوطالب (علیه السلام) ایستاد، عبدالمطلب (علیه السلام) فرمود: ای ابوطالب (علیه السلام) من به ایمان و امانتداری تو یقین دارم پس همانند من از او نگهداری کن.

ص: ۱۱۲

۱- . الکافی ج ۱ ص ۴۵۲ ، معانی الاخبار ص ۴۰۳ ، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۷۷ ، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۷۸ ، المناقب

ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۳۲

۲- . الکافی ج ۱ ص ۴۵۴ ح ۳ ، المناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۳۲

فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) فرمود: با رحلت عبدالمطلب (علیه السلام) پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به خانه ما آمد و خود به او خدمت می نمودم و او نیز مرا « مادر » صدا می زد، در باغ منزل ما چندین درخت خرما بود که با رسیدن خرماهای آن، بیجه های هم سنّ محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) می آمدند و خرماهای ریخته شده بر زمین را می خوردند و گاهی نیز از دست یکدیگر خرماها را می ربودند اما هیچگاه ندیدم محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین کند و بدین جهت هر روز خودم یا خدمتکارم مشتی از خرما را برای محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) بر می داشتیم تا اینکه روزی من و خدمتکارم فراموش کردیم برای او خرما برداریم و او نیز خواب بود و بیجه ها آمدند و همه خرماهای ریخته شده را خوردند، هنگامیکه محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) بیدار شد خرمایی بر زمین ندید، خدمتکارم به او گفت: امروز فراموش کردیم برای خرما برداریم و بیجه ها همه را خوردند، او بسوی باغ برگشت و به درخت خرما اشاره نمود و گفت: ای درخت من گرسنه ام، دیدم شاخه درخت پایین آمد و او از خرماهای آن چید و خورد سپس شاخه به جای خود بازگشت.

من از دیدن این صحنه تعجب نمودم و هنگامیکه ابوطالب (علیه السلام) به خانه بازگشت ماجرا را برای او تعریف کردم، حضرت ابوطالب (علیه السلام) فرمود: او در آینده پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خواهد بود و شما پس از سی سال، وزیر او را بدنیا خواهی آورد. و من نیز همانگونه که ابوطالب (علیه السلام) فرمود، علی (علیه السلام) را بدنیا آوردم (۱).

ص: ۱۱۳

۳۱ - حمایت همه جانبه ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

ابابصیر می گوید امام باقر (علیه السلام) فرمود: حضرت ابوطالب (علیه السلام) در حالی رحلت نمود که مسلمان و مومن بود، اشعار ابوطالب (علیه السلام) نشانگر ایمان و محبت او به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، کفالت و سرپرستی دلسوزانه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، یاری نمودن ایشان، دشمنی با دشمنان و دوستی با دوستان آنحضرت و تأیید و تصدیق دستورات الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است. ابوطالب (علیه السلام) به فرزندان علی (علیه السلام) و جعفر دستور فرمود که مسلمان شوند و به دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان آورند و بدانند که آنحضرت بهترین مردم و دعوت کننده به حق و مسیر نورانی هدایت است و او فرستاده پروردگار جهانیان است. توصیه های ابوطالب (علیه السلام) در قلوب علی (علیه السلام) و جعفر جای گرفت و آندو بدلیل توصیه های پدر، هنگام دعوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بدون درنگ پذیرفتند و ایمان آوردند و اعمال و رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را بدقت زیر نظر داشتند و آنها را همگی خوب و هدایت کننده به صلاح و رستگاری یافتند. اگر مُنْصِف باشی همین برای تو کافی است که ابوطالب (علیه السلام) به فرزندان علی (علیه السلام) و جعفر، بدلیل اطاعتشان از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و شجاعت و صفات کم نظیرشان، با وجود جایگاه مخصوص و معروفی که در قلب ابوطالب (علیه السلام) داشتند، اجازه داد تا از دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در دین، جهاد، ایثار و دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان، اطاعت کنند بدون اینکه چشم داشتی به مال و مقام و غیر آن داشته

باشد زیرا خویشاوندانش با او دشمن بودند و مال هم جز برای اطاعت از فرامین الهی برای او باقی نمانده بود. (۱)

ص: ۱۱۴

۱- ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۴۰، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۱۷

ابن عباس می گوید: پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به (عموی خود) عباس فرمود: خداوند به من ماموریت داده که رسالت خود را علنی کنم و مرا به انجام این وظیفه تکلیف داده است و از من تقاضای انجام آن را نموده است، نظر تو چیست؟ عباس گفت: ای پسر برادرم، می دانی که قریش بیش از همه نسبت به فرزندان عبدالمطلب (علیه السلام) حسد دارند و این خصلت ناپسند آنان همه ما را هدف قرار می دهد و ما را به سختی ریشه کن می کند، اما بیا تا سراغ ابوطالب (علیه السلام) برویم که بزرگترین عموهای تو است که اگر هم تو را یاری نکند به یقین تو را تنها نخواهد گذاشت، پس هر دو نزد ابوطالب (علیه السلام) آمدند او با دیدن آنها فرمود: خبری پیش آمده که شما در این وقت اینجا آمده اید، عباس صحبت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را بازگو نمود، ابوطالب (علیه السلام) پس از اندکی تأمل فرمود: پسر برادرم، حرکت کن (و برای انجام رسالت خود اقدام کن)، شما دارای مقام و منزلت بلندی هستی، دارای گروه و اطرافیان بزرگواری هستی و از جهت پدران از همه برتر هستی، بخدا سوگند هیچ زبان گزنده ای نخواهد توانست شما را آزار دهد مگر اینکه زبانهای تند و قاطع جواب او را خواهند داد و شمشیرهای بَرّان در برابر او از نیام بیرون می آیند، بخدا سوگند عرب در برابر تو تسلیم و فرمانبردار خواهد شد، پدرم (عبدالمطلب) همه کتابها را می خواند و می فرمود: از نسل من پیامبری خواهد آمد، آرزو داشتم که زمان او را درک می کردم و به او ایمان می آوردم، هر کدام از فرزندانم او را درک نمود وظیفه دارد به او ایمان بیاورد... (۱)

ص: ۱۱۵

بخش هشتم: سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

سخنان حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۱ - مُهَاجِرِ مَوْلَى بَنِي نَوْفَلٍ مِي گويد : از حضرت ابوطالب (علیه السلام) شنيدم كه مي فرمود :

ص: ۱۱۶

« حَدَّثَنِي مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَنَّ رَبَّهُ بَعَثَهُ بِصَلَمَةِ الرَّحِمِ وَأَنْ يَعْبُدَ اللَّهَ وَخِيَدَهُ وَلَا يَعْبُدَ مَعَهُ غَيْرَهُ وَ مُحَمَّدٌ عِنْدِي الصَّادِقُ الْأَمِينُ »

محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) برایم بیان فرمود که پروردگارش او را مبعوث نموده به « صله رحم » و « فقط بندگی خدا نمودن و پرهیز از عبادت غیر او » ، و محمد نزد من راستگو و امین است (۱).

۲- حضرت ابوطالب (علیه السلام) فرمود: محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) فرزند برادرم که بخدا سوگند بسیار راستگو است

« حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ ابْنُ أُخِي وَ كَانَ وَ اللَّهُ صِدُوقًا قَالَ قُلْتُ لَهُ بِمِ بُعِثْتَ يَا مُحَمَّدُ قَالَ بِصَلَمَةِ الْأَرْحَامِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ »

محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) فرزند برادرم که بخدا سوگند بسیار راستگو است ، برایم بیان فرمود، از او سوال نمودم به انجام چه دستوراتی ماموریت یافتی ؟ فرمود : به انجام صله رحم ، اقامه نماز و پرداخت زکات (۲).

۳- حضرت ابوطالب (علیه السلام) فرمود: از فرزند برادرم که امین است شنیدم که فرمود:

« أَشْكُرُ تُرُوقَ وَ لَا تَكْفُرُ فَتَعَدَّبَ »

ص: ۱۱۷

۱- ایمان ابی طالب فخار بن معد ص ۱۳۳ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۶ ح ۵۵

۲- الطرائف ج ۱ ص ۳۰۴ ، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۵۱

شاکر باش تا روزی داده شوی و کفران نکن که (اگر کفران نمودی) عذاب می شوی. (۱)

۴- حضرت ابوطالب (علیه السلام) در آخرین ساعات عمر پربرکت خود فرزندان عبدالمطلب (علیه السلام) را فراخواند و فرمود:

« لَنْ تَزَالُوا بِخَيْرٍ مَا سَمِعْتُمْ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ مَا اتَّبَعْتُمْ أَمْرَهُ فَأَطِيعُوهُ تَرْضًا »

مادامیکه سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را گوش کنید و دستوراتش را پیروی نمایید در مسیر صحیح هستید، پس از او پیروی نمایید تا رستگار شوید (۲)

ص: ۱۱۸

۱- الطرائف ج ۱ ص ۳۰۴، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۵۱

۲- سیره النبویه ابن هشام ج ۱ ص ۴۱۶، طبقات الکبری ج ۱ ص ۹۸، بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۰۸

بخش نهم : کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)

کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)

حضرت ابوطالب (علیه السلام) در آئینه کتاب

ص: ۱۱۹

امروزه اهمیت فهرست نویسی و کتابنامه نگاری بر احدی پوشیده نیست چرا که کتابنامه کلید دستیابی به میراث گرانبهای گذشتگان است. در این راستا ارائه این کتابنامه می تواند گام مؤثری در احیاء یاد و نام آن بزرگوار در عرصه تحقیق و تألیف کتب ارزشمند باشد.

تاریخچه

لازم به ذکر است تهیه و تنظیم فهرست کتب خطی و تنظیم فهرست کتب چاپ شده در میان علماء گذشته، سابقه ای دیرینه داشته و مستلزم بحث جداگانه ای است که این مختصر گنجایش آن را ندارد، یکی از آثار شگفت تهیه این فهرستها و کتابنامه ها این است که مؤلفین، شعراء، نویسندگان، و ناشرین محترم چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان دست به کار شده و با توجه به کتابهای معرفی شده، و اولویت بندی آنها دست به ترجمه، احیاء، تحقیق و بازنگاری آنها می زدند. از دیگر آثار و برکات این فهرستها و کتابنامه ها می توان به جلوگیری از کارهای تکراری، گرفتن ایده های بزرگ از نویسندگان گذشته، پیدا شدن نسخ نایاب و کمیاب و.. اشاره کرد.

نمونه ای از کتابنامه ها:

بسیار مناسب است در اینجا از کتاب الذریعه مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، و مکتبه اهل البیت مرحوم علامه سید عبدالعزیز طباطبایی نام ببریم که تأثیر فراوانی در چاپ و ترجمه و احیاء کتب خطی و چاپی قدیمی و اولویت

ص: ۱۲۰

بندی آنها داشته، همچنین مرحوم اسماعیل انصاری زنجانی که با تألیف کتاب «حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در آینه کتاب» حدود هفتصد جلد کتاب در مورد آن بانوی بزرگوار را معرفی نمود. که پس از مدت کوتاهی با چاپ دوم و سوم و چهارم و پنجم همان کتاب همراه با تکمیل و توسعه آن، این رقم به بیش از چهار هزار جلد کتاب رسید.

استاد علی اکبر مهدی پور نیز در سال ۱۳۷۵ با تألیف «کتابنامه حضرت مهدی f» بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب پیرامون امام زمان f را معرفی نموده که اکنون این رقم به چندین هزار جلد رسیده است.

کتابشناسی حضرت ابوطالب (علیه السلام)

اهمیت موضوع شخصیت شناسی حضرت ابوطالب (علیه السلام) و مظلومیت آن بزرگوار بسیاری از علماء و نویسندگان و اندیشمندان شیعه و سنی را بر آن داشت تا با تألیف و تدوین کتب و رساله ها و مقالات مستقل فراوان همچون کتاب «الحججه علی الذاهب الی تکفیر ابي طالب (علیه السلام)» تألیف علامه سید فخار بن معد الموسوی از علمای قرن هفتم و «ایمان ابي طالب (علیه السلام)» تألیف شیخ مفید اعلی الله مقامه به دفاع از آن بزرگوار برخیزند. البته در این میان برخی دیگر از علمای شیعه و سنی در ضمن کتب ارزشمند خود قسمتی را به دفاع از آن بزرگوار پرداخته اند مانند علامه مجلسی در جلد ۳۵ بحار الانوار، علامه امینی در ضمن جلد هفتم و هشتم الغدیر، و ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه هر کدام بیش از صد صفحه به موضوع حضرت ابوطالب (علیه السلام) اختصاص داده اند که جای دارد هر کدام به صورت کتاب مستقل تحقیق، ترجمه و احیاء شود.

حجم گسترده دنیای کتاب ، و وجود کتابخانه های بزرگ و موضوعات مختلف از عواملی است که لزوم تخصصی شدن کتابخانه ها و فهرستها را دو چندان نموده و باعث پیدایش کتابخانه های تخصصی، کتابنامه ها و حتی مجلات تخصصی کتاب در رشته ها و علوم مختلف گردیده است .

امید است همانگونه که کتابنامه ها و فهرست های گذشته موجب شده که گرد و غبار غربت از این گنجینه های پربها و ارزشمند زدوده شده و تحولی در عالم نشر و کتب تخصصی پیرامون خاندان رسالت ایجاد گردد ، با تنظیم کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام) نیز شیفتگان و ارادتمندان به اهل بیت (علیهم السلام) با این حامی بزرگ رسالت بیشتر آشنا گردند.

آثار و برکات کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام)

مقدمه

نشر کتب و آثار قدیمی پیرامون حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، شرح و ترجمه اشعار ، تحلیل و بررسی پیرامون ایمان آن حضرت ، شرح احوالات فرزندان ایشان ، معرفی و شرح و ترجمه روایاتی که حضرت ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرده و ... از مواردی هستند که جای دارد در مورد آن فعالیت شود . از آنجا که درج مشخصات کامل همه این کتابها در این مختصر ممکن نبود به ذکر نام و مشخصات ظاهری این کتابها تبرک جسته و معرفی بیشتر و جزییات این کتابها به فرصت دیگری واگذار می گردد .

به طور کلی کتابهایی که درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام) نوشته شده در یک تقسیم بندی به ده بخش تقسیم بندی می شود :

۱- کتابهایی که درباره ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و رد بر تکفیر آن بزرگوار

ص: ۱۲۲

نوشته شده است.

۲- کتبی که توسط بزرگان اهل سنت در مورد ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) و اشعار ایشان نوشته شده است .

۳- کتابهایی که درباره تاریخ زندگی آن بزرگوار و دفاع های او از حریم پیامبر گرامی اسلام نوشته شده .

۴- کتابهایی که در فضائل و مناقب حضرت ابو طالب (علیه السلام) نوشته شده .

۵- روایاتی که حضرت ابوطالب (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل فرموده .

۶- دیوان ابوطالب (علیه السلام) (گردآوری ، تحقیق و شرح)

۷- شرح قصیده لامیه حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۸- بررسی و تحقیق پیرامون اشعار حضرت ابوطالب (علیه السلام)

۹- حضرت ابوطالب (علیه السلام) در آینه شعر

۱۰- کتابهایی که به زبانهای مختلف در مورد حضرت ابوطالب نوشته شده است.

این فهرست حاصل بیش از بیست و پنج سال تحقیق و بررسی پیرامون مظلوم تاریخ حضرت ابوطالب (علیه السلام) می باشد که اینک در اختیار دانش پژوهان ، مؤلفین ، نویسندگان ، شعرا و ناشرین محترم قرار می گیرد و به زودی همراه با توضیحات کامل ، تصاویر کتب ، شرح حال پدید آورندگان ، محل چاپ یا وجود نسخ خطی آن ، تحت عنوان « کتابنامه حضرت ابوطالب (علیه السلام) » به زیور طبع آراسته خواهد گردید.

ص: ۱۲۳

۱- ابوطالب (عليه السلام) ، احمد بن محمد آل مسروح مظفر (متولد ۱۳۴۵ هـ)

۲- ابوطالب (عليه السلام) احمد بن عقيل، آل مسروح المظفر

۳- ابوطالب (عليه السلام) باقر قربانی زرين (فارسی)؛ تحقيق و بررسی: علی اکبر تلافی

شرکت نشر و تبلیغ نیک معارف ، تهران، رقی

۴- ابوطالب (عليه السلام) بوهل، فرانتس (۱۸۵۰-۱۹۳۲ م.)

دانشنامه اسلام، ویرایش اول، زیر نظر هوتسما و دیگران، ج. ۱، لیدن (هلند): بریل، -۱۹۳۶ م. (انگلیسی)

مشخصات اصل اثر:

(سلام الله علیها) uhl, Fran (صلی الله علیه و آله وسلم) s (eder William Meyer) " (عليه السلام) (عليهم السلام) ū Tāli (عليهم السلام). "

Encyclopaedia of Islam, Firson (صلی الله علیه و آله وسلم) Edi (صلی الله علیه و آله وسلم). (۱۹۱۳-۱۹۳۶) ion (صلی الله علیه و آله وسلم) ed (عليهم السلام) y M. Th. Hou (صلی الله علیه و آله وسلم) sma, T.W. (عليه السلام) R. Har (صلی الله علیه و آله وسلم), (صلی الله علیه و آله وسلم) mann. (سلام الله علیها) ۲۰۱۵, rill) nline,

چاپ مجدد در:

" (عليه السلام) (عليهم السلام) ū Tāli (عليهم السلام). " Shor (صلی الله علیه و آله وسلم) er Encyclopaedia of (صلی الله علیه و آله وسلم) Islam, Edi (صلی الله علیه و آله وسلم) ed (عليهم السلام) y H (عليه السلام). R. Gi. (عليهم السلام) (عليهم السلام) and (صلی الله علیه و آله وسلم) J.H. Kramers, Leiden: E.J. rill, ۱۹۵۳, (سلام الله علیها)

ترجمه ترکی:

"E" (سلام الله علیها) Ū TĀLI (سلام الله علیها)

i] (عليه السلام) [islam (عليه السلام) IV, ۵۲, nsiklopedisi]

۵- أبو طالب (عليه السلام) سید مرتضی حسین لکهنوی نقوی (۱۹۲۳ - ۱۹۸۷ م). مطبوع.

۶- ابوطالب (عليه السلام) سيد الأهل عبدالعزيز ، بيروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۵۱م.

۷- ابوطالب (عليه السلام) آموزگار پاسداري (فارسی)، محمد محمدی اشتهااردی ناشر: پیام آزادی ، تهران ؛ قم: انتشارات هادی، ۱۳۹۹ ق. - ۱۴۴ ص جیبی

۸- ابوطالب (عليه السلام)، محمد رضا طبسی

۹- ابوطالب (عليه السلام)، حسین بن سردار حسین، سيد مرتضی معروف به آغا قاسم صدر الافاضل ، مطبوع ۱۴۰۷

۱۰- ابوطالب (عليه السلام)، ترجمه سيد ظفر مهدی جایسی (مدیر مجله سهیل یمن هند) (اردو)

۱۱- ابوطالب (عليه السلام)، فیغلالی، ادهم روحی؛ دائره المعارف اسلام اوقاف دینی ترکیه، ج ۱۰، ص. ۲۳۷-۲۳۸.

مشخصات اصل اثر:

Fiğlalı, E (صلی الله علیه و آله وسلم) hem Ruhi

"E" (سلام الله علیها) Ū TÂLI (سلام الله علیها)

nsiklopedisi, Vol. ۱۰, p. ۲۳۷-۲۳۸ (عليه السلام) TDV Islam

۱۲- ابوطالب (عليه السلام)، احمد رضا گرشاسبی، تهران: کتاب نیستان، ۱۳۸۸ - ۱۹۱ ص. (به صورت فیلم نامه نوشته شده است.)

۱۳- ابوطالب (عليه السلام)، باقر قربانی زرین، تحقیق علی اکبر تلافی، تهران: شرکت نشر و تبلیغ نیک معارف، ۱۳۷۱ - ۵۶ ص رقی

۱۴- ابوطالب (عليه السلام)، نجم افتخار حیدر، دانشنامه جهان اسلام اکسفورد، ویرایش اول، زیر نظر جان ال. اسپوزیتو، ج ۱، انتشارات دانشگاه آکسفورد. (انگلیسی)

ص: ۱۲۵

Haider, Najam If (صلی الله علیه و آله وسلم) ikhar

"(عليه السلام)(عليهم السلام)ū (صلی الله علیه و آله وسلم)āli(عليهم السلام)."

The Oxford Encyclopedia of (صلی الله علیه و آله وسلم)he Islamic World .Edi (صلی الله علیه و آله وسلم)ed (عليهم السلام) John L. Esposi (صلی الله علیه و آله وسلم) Oxford Universi (صلی الله علیه و آله وسلم)ress, ۲۰۰۹, y

۱۵- ابوطالب (عليه السلام)، وات ، ویلیام مونتهگمری (۱۹۰۹-۲۰۰۶م). دانشنامه اسلام، ویرایش دوم ، زیر نظر بیرمن و دیگران ، ج: ۱ ، ص. ۱۵۲-۱۵۳. لیدن (هلند): بریل، ۱۹۶۰-۲۰۰۷م. (انگلیسی)

مشخصات اصل اثر:

William Mon (صلی الله علیه و آله وسلم), gomery (صلی الله علیه و آله وسلم) Wa

"(عليه السلام)(عليهم السلام)ū Tāli(عليهم السلام)."

Encyclopaedia of Islam, Second Edi (صلی الله علیه و آله وسلم)ion. Edi (صلی الله علیه و آله وسلم)ed (عليهم السلام)γ: (سلام الله علیها) Th, earman, (سلام الله علیها)ianquis, (عليهما السلام).E. (سلام الله علیها)oswor (صلی الله علیه و آله وسلم) Heinrichs., Vol. ۱, p. ۱۵۲-۱۵۳. h, E. van Donzel, W. (سلام الله علیها)online, ۲۰۱۵, rill

۱/۲۵۱. ترجمه فرانسوی:

"(عليه السلام)(عليهم السلام)ū Tāli(عليهم السلام)."

Encyclopédie de l'Islam, Vol.۱ (سلام الله علیها)online, ۲۰۱۵, rill

ابوطالب (علیه السلام) ، دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، طهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۷. ج. ۸. ص. ۱۰۵۹.

۱۶- ابوطالب (علیه السلام) اسوه مقاومت و ایمان (فارسی) ، اسدالله رضایی - ۱۳۴۴ ش، رقی ۱۹۲ صفحه نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۸۹، انتشارات زائر، قم

۱۷- ابوطالب بن عبدالمطلب (علیه السلام) ، دائره المعارف تشیع ، زیر نظر احمد حاج سید جوادی [و دیگران] ، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ [چاپ سوم]، ج: ۱، ص. ۴۱۴-۴۱۵.

۱۸- حسین جواد کدیمی ، ابوطالب بن عبدالمطلب والد امیر المومنین علی (علیه السلام) بغداد ۱۹۶۷ م.

۱۹- أبو طالب الصحابی المُفْتَرَى علیه الشَّهِيد أبو یاسین عبدالزَّهراء بن عثمان بن محمد، المعروف ب عز الدین سلیم. بیروت، دار الهادی ، متوفی ۲۰۰۴ م.

۲۰- ابوطالب الرجل المفتری علیه سید عقیل خطیب ، نجف : بی نا، ۲۰۱۴ م. ۱۹۲ ص.

۲۱- أبو طالب المحامی الأول عن الدعوه الإسلامیة ، ابراهیم بن محمود جنیدی

چاپ ۱، بیروت، دار الكتاب اللبناني ، ۱۹۸۲، چاپ ۲، بیروت، الشركه العالمیه للكتاب، ۱۹۹۰ م.

۲۲- أبو طالب المسلم ، استاد أحمد آل مغتیه عاملی (۱۳۲۸-۱۴۰۳ ه)

این کتاب جلد ششم از دوره چند جلدی «موسوعه التاریخ الإسلامی» می باشد. چاپ اول ، ۱۹۸۲.

۲۳- أبو طالب أول المؤمنين، سعيد بن رشيد آل زمزم الشّمري (۱۹۵۳م)

۲۴- ابوطالب ايمان ومواقف ، سيد احمد بن صاحب بن هادي مشهور به واعظ

۲۵- ابو طالب بطل الإسلام ، سيد أبو حسن حيدر بن محمد العرفي ، چاپ اول، دمشق، مطبعه الفجر، ۱۹۹۰م.

۲۶- علی بهرامیان «ابوطالب (عمران) بن عبدالمطلب» ، ترجمه فرزین نگهبان، دانشنامه اسلامیکا، زیر نظر ویلفرد مادلونگ و فرهاد دفتری، ج. ۲، لیدن (هلند): بریل، ۲۰۰۸م. (انگلیسی)

مشخصات اصل اثر:

(سلام الله عليها) ahramian, (عليه السلام) li; Negah, (عليه السلام) an, Farzin. (عليه السلام) (عليهم السلام) ū
(عليهم السلام) (Imrān) (عليهم السلام). (عليه السلام) d al-Muṭṭali (عليهم السلام).
Encyclopaedia Islamica. Edited by: Wilferd Madelung (عليهما السلام) -ors-in (صلى الله عليه و آله وسلم) and, Farhad Daf
ary. (سلام الله عليها) ۲۰۱۵, nline, rill.

۲۷- «أبو طالب بن عبدالمطلب» ، عبدالحميد محمود مسلوت ، الازهر، المجلد العشرون، محرم ۱۳۶۸ق. ص. ۸۲-۸۶.

۲۸- أبو طالب بن عبدالمطلب شاعراً استاد نبيل بن أحمد بن عبدالعزيز.

۲۹- أبو طالب بن عبدالمطلب والد أمير المؤمنين علي حسين جواد الكديمي

۳۰- ابوطالب بن عبد المطلب دراسه في سيرته الشخصية ومواقفه من الدعوه الاسلاميه على صالح رسن محمداوى بيروت:
دارالمكتبة البصائر، ۱۴۳۳ق، ۳۶۰ص وزيرى

۳۱- ابوطالب تجلی ايمان (فارسی) سیری در زندگی حضرت ابوطالب (عليه السلام) ، سيد مجيد پورطباطبایی ، تهران: معاونت
امور فرهنگي وزارت فرهنگ و ارشاد

ص: ۱۲۸

۳۲- ابوطالب (علیه السلام) ثالث من اسلم (فارسی) سید نبیل حسنی (۱۹۶۵ م) وزیری، مکتبه العتبه الحسینیّه المقدسه کربلاء(۱)، ۱۴۲۹ق. ۲۰۶ ص.

۳۳- ابوطالب (علیه السلام) چهره درخشان قریش ، احمد بن زینی دحلان ، مترجم: محمد مقیمی، انتشارات سعدی تهران.

۳۴- ابوطالب (علیه السلام) حامی الرسول صلی الله علیه وآله و ناصره ، مولف : ابوالقاسم نجم الدین شریف عسکری سامرایی (۱۳۱۲ - ۱۳۹۵ ه) ، چاپ اول: نجف اشرف مطبعه آداب ، ۱۳۸۰ هجری. ۲۲۰ ص وزیری

۳۵- ابوطالب (علیه السلام) حامی الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم)(عربی) ، عبدالحسین امینی (علامه امینی) (۱۲۸۱ - ۱۳۴۹ ش) ، رقی ۱۵۲ ، ۱۴۲۸ق، نشر میراث النبوه قم.(۲)

۳۶- ابو طالب حامی الرسول وعظیم الإسلام ، استاد محمد جواد خلیل، چاپ اول ۱۴۲۶ هجری

۳۷- ابوطالب(علیه السلام) حامی پیامبر (فارسی) ، محمّد حسن شفیعی شاهرودی رقی ، چاپ: اول ۱۴۲۸ق، نشر هاجر ، قم.(۳)

قم: موسسه میراث النبوه ۱۴۳۲ق، ۱۷۶ ص.

۳۸- ابوطالب حامی پیامبر (انگلیسی) ، کمال السید

(صلی الله علیه و آله وسلم)ehpor (eh) (صلی الله علیه و آله وسلم) fo re (صلی الله علیه و آله وسلم)roppas eh (صلی الله علیه و آله وسلم) (علیهم السلام)ila (صلی الله علیه و آله وسلم) - u (علیهم السلام) (علیه السلام)DIYY (علیه السلام)S -

ص: ۱۲۹

۱- . این کتاب خلاصه و برگرفته ای از کتاب شریف الغدیر تألیف علامه امینی به همراه مقدمه و اضافاتی همچون پیامهای مراجع معظم تقلید است که به همت مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران به چاپ رسیده است.

۲- . این کتاب قسمتی (حدود صد صفحه) از کتاب الغدیر جلد هفتم و هشتم کتاب شریف الغدیر تألیف علامه امینی است که توسط جناب آقای محمّد حسن شفیعی شاهرودی تحقیق و به صورت مستقل چاپ شده است.

۳- . این کتاب خلاصه و برگرفته ای از کتاب شریف الغدیر تألیف علامه امینی به همراه مقدمه و اضافاتی همچون پیامهای مراجع معظم تقلید است که به همت مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران به چاپ رسیده است.

L(عليه السلام) M(عليه السلام) K

acildup naiyrasn(عليه السلام) MUQ / snoi(صلى الله عليه وآله وسلم)

چاپ اول.. وزيرى قم انتشارات انصاريان.

٣٩- أبو طالب داعيه الإسلام الأول ، السيد أبو صفاء محمد بن عبدالحكيم الصافي الموسوي

٤٠- ابوطالب(عليه السلام) ، دراسه فى شعره ، قصى بن عبدالرؤوف بن حسين الأسدى

٤١- حضرت ابوطالب (عليه السلام) ، سيد زين العابدين (كراچى، اردو)

٤٢- ابوطالب الرمز الروحى للإسلام ، سهيل عبد الزهراء زييدى ، نجف ١٤٣٤ق. ١٢٧ص.

٤٣- أبو طالب سيد المؤمنين (دراسه تحليليه) ، الأستاذ عبدالحليم بن حاتم بن محمد ميرزا الأسدى النجفى

٤٤- ابوطالب (عليه السلام) شاعر الرسول الاعظم(صلى الله عليه وآله وسلم) (عربى) ، محمد مهدي صباحى كاشانى (١٣٣٦ -

ش) وزيرى، چاپ اول ١٤٣٧ نشر مؤلف / قم

٤٥- «ابوطالب عبدمناف بن عبدالمطلب» گردون نيوبى ، دانشنامه اسلام مختصر، وان ورلد، ٢٠٠٢م. (انگليسى)

مشخصات اصل اثر:

New(عليهم السلام) Gordon, y,

"(عليه السلام)(عليهم السلام) u Tali(عليهم السلام) (عليه السلام)(عليهم السلام) d Manaf(عليهم السلام) (عليه السلام)

(عليهم السلام) d al-Mu(صلى الله عليه وآله وسلم)(صلى الله عليه وآله وسلم) ali(عليهم السلام) " in (عليه السلام) (عليهما

السلام) u) newworld (concise Encyclopedia of Islam,)lica(صلى الله عليه وآله وسلم), ions,

.٢٠٠٢, p. ١٧

٤٦- أبوطالب(عليه السلام) عمّ الرسول صلى الله عليه وآله و كافله (عربى) ، محمد كامل

ص: ١٣٠

حسن المحامی ،

بإشراف: عادل نويهضي (1)،

رقعی، چاپ اول بیروت، منشورات المكتبة العالمی، ۱۹۸۷ م.

۴۷- أبو طالب عمّ النبي (شیخ بنی هاشم) ، مؤلف: عبدالعزيز سيد الأهل (۱۹۸۰ م)

۴۸- ابوطالب کیست ، علی عکاس ، ۱۹۹۲ م، (بنگالی)

۴۹- ابوطالب (علیه السلام) ترجمه بلغه اردو لشیخ الابطح العربی ، محمّد علی شرف الدین ، رقعی، چاپ دوم: ۲۰۰۷ نشر انصاریان، قم.

۵۰- ابوطالب د فایت فول اف قریش

(علیه السلام) (سلام الله علیها) U T (علیه السلام) LI (سلام الله علیها) THE F (علیه السلام) F QUR (ITHFUL) (علیه السلام) YSH

عبدالله خیزی

ترجمه به انگلیسی: عبدالله شاهین ، رقعی ، چاپ دوم: ۲۰۰۷ نشر انصاریان قم.

۵۱- ابوطالب درفش یکتا پرستی ، ترجمه حمید رضا آژیر، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۱. ۵۵۱ص.

۵۲- ابوطالب عملاق الإسلام الخالد (عربی) ، محمد بن علی بن ضرغام بن أسیر (۱۹۱۵ م) ، رقعی، چاپ اول ۱۴۱۱ق، ناشر دارالاصاله ، بیروت.

چاپ دیگر:

ابوطالب بطل الاسلام الخالد ، بیروت: دارالثقلین مؤسسه البلاغ، بی تا، ۱۸۹ ص.

ص: ۱۳۱

۱- . این کتاب یکی از دوره چند جلدی «عظماء الاسلام» است که جلد نهم آن به حضرت ابوطالب (علیه السلام) اختصاص داده شده است. از این کتاب نسخه ای در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود است.

- ۵۳- أبو طالب شيخ البطحاء ، حاج حسين شاكري (۱۳۴۴ هـ) (۱)، چاپ اول، قم، المؤسسة الإسلاميه للتبليغ والإرشاد ، ۲۰۰۱ م.
- ۵۴- ابوطالب صلوات الله و سلامه عليه شيخ المؤمنين و شفيعهم (عليهم السلام) سيره سيدنا و مولانا ابى طالب ، سبط الشيخ اردبيلي (- ۱۳۵۷ ق.) (عراق) ، بى تا ، ۱۰۰ ص.
- ۵۵- ابوطالب الصحابي المفترى عليه ، عبد الزهراء عثمان محمد ، بيروت: الهادي ، ۱۴۲۵ ق.، ۱۲۵ ص.
- ۵۶- ابوطالب صحابي مظلوم ، تدوين عبدالعلي محمدى شاهرودى تحقيق محمد حسن شفيعى شاهرودى ، قم موسسه ميراث نبوت ۱۴۳۲ ق، ۲۷۱ ص رقى
- ۵۷- ابوطالب (عليه السلام) كافل النبي صلى الله عليه وآله و ناصره ، استاد احمد بن خيرى پاشا بن يوسف حسيني اديب حنفى (متوفى ۱۳۸۷ هـ ق)
- ۵۸- ابوطالب كافل النبي و ناصره ، حسيني الحنفى، احمد بن خيرى پاشا بن يوسف
- ۵۹- ابوطالب عقيدة و كفاح ، ناحى احمد الزواد ، دارالبصره ، ۱۲۰ ص
- ۶۰- ابوطالب كفيل الرسول (عربى) ، سعيد عسيلي (۲)
- ، با اشراف و مقدمه: شيخ حسن طراد. وزيرى، چاپ اول ۱۴۰۶ ق، ناشر دارالزهراء / بيروت. ۲۲۲ ص
- (این کتاب شامل ۲۰۰۰ بیت می باشد.)
- ۶۱- أبو طالب كفيل الرسول ، گروه تحقیقات انتشارات دار الإسلامیه ، چاپ اول، بيروت، الدار الإسلامیه، ۱۹۹۱ م.

ص: ۱۳۲

۱- . این کتاب در ضمن دوره «من سيره العظماء» چاپ شده که جلد نهم آن به حضرت ابوطالب (عليه السلام) اختصاص داده شده است.

۲- . سعيد بن عبدالحسن بن محمد بن يوسف بن حسين بن الشيخ سليمان بن محمد العسيلي الرشافي العاملي

۶۲- ابوطالب المسلم (موسوعه التاريخ الاسلامى رقم ۶)، احمد محمد مغنيه بيروت: دارالكتاب اللبناني، ۱۹۸۳م.

۶۳- ابوطالب مع الرسول (من موسوعه التاريخ الاسلامى رقم ۵)، احمد محمد مغنيه، بيروت: دارالكتاب اللبناني، ۱۹۸۲م.

۶۴- ابوطالب مظلوم تاريخ (فارسى)، علامه شيخ عبدالحسين امينى نجفى، ترجمه مؤسسه تحقيقاتى بدر، وزيرى، چاپ اول، ۱۳۵۹ش، تهران. ۱۹۶ ص

۶۵- ابوطالب مظلوم تاريخ، ترجمه محمد فضل حق، كراچى: جامعه تعليمات اسلامى، ۲۰۱۰م. ۲۶۸ص

۶۶- ابوطالب (عليه السلام) مؤمن باستحقاق (عربى)، على حداد، وزيرى، چاپ اول ۱۴۲۹ق، نشر دارالمحججه البيضاء / بيروت.

۶۷- ابوطالب مؤمن قريش (۱)

(عربى)، عبدالله بن شيخ على الخنيزى القطيفى (۱۳۵۰ هـ)، وزيرى، چاپ اول ۱۴۲۵ ق نشر: دارالغدير / قم

۶۸- ابوطالب (عليه السلام) مؤمن قريش (اردو)، مؤلف: شيخ عبدالله الخنيزى القطيفى،

مترجم: سيد ذیشان بن محمد جواد حيدر الجوادى الرضوى اين كتاب در كشورهاي هند و پاكستان بارها چاپ شده است.

۶۹- ابوطالب مؤمن قريش (فارسى)، عبدالله بن شيخ على الخنيزى القطيفى،

ص: ۱۳۳

۱- . شيخ آقا بزرگ تهرانى در نقيب البشر در ضمن شرح حال وى مى گويد: «دادگاه عربستان سعودى به خاطر نوشتن اين كتاب حكم اعدام او را صادر كردند كه اعتراضات كشورهاي اسلامى و مراجع دينى شيعه جلوى اجراى اين حكم را گرفت. آرى حكم اعدام او را صادر كردند به خاطر اين كه در اين كتاب با دلايل قاطع ايمان عموى بزرگوار پيامبر اكرم و كفيل و ناصر و حامى آن بزرگوار را ثابت كرده بود. اين كتاب به فارسى و اردو و انگليسى ترجمه شده و بارها در نجف اشرف. قم و بيروت به چاپ رسیده است.

مترجم: حسین محفوظی، وزیری، چاپ اول ۱۳۸۰ ش، نشر: حبیب قم

۷۰- ابوطالب مومن قریش، ترجمه [به انگلیسی]، قم: انصاریان، ۲۰۰۰م.

۷۱- ابوطالب مومن قریش، محمد الریح حمد نبل، خارطوم: جمعیت خیریه ثقلین، بی تا.

۷۲- ابوطالب مومن قریش، حسام محمد، نجف: دارالبذر، ۱۴۳۳ق. - ۲۴ص، وزیری

۷۳- ابوطالب ناصر الاسلام، داود سلمان کعبی، دارالحوراء، بی تا ۱۰۸ ص رقی

۷۴- ابوطالب ناصر الاسلام والمومن الکافل، سید جواد موسوی قزاز، مقدمه: باقر شریف قرشی، بی تا، ۱۴۲۰ق. ۱۴۸ص.

۷۵- أبو طالب ناصر الرسول، مؤلف: سید عباس موسوی معروف به «کمال السید»، چاپ اول، قم، ۱۹۹۶م، وزیری مطبعه صدر، مؤسسه أنصاریان. (۱) ۳۲ص.

۷۶- ابوطالب و اسلام، غلام حسین انصاری، ملتان انجمن ناصر الغراء ۱۹۶۷م. (اردو)

۷۷- و ۷۸- أبو طالب وبنوه جلد ۱ و ۲ (عربی)، مؤلف: سید محمّد علی نجفی مدنی آل سید علی خان (۱۳۳۹ - ۱۳۹۱)، چاپ اول: ۱۳۸۹، وزیری، نجف اشرف، مطبعه الآداب. نجف، ۱۹۶۹م. ۴۲۲ ص ج ۱ و ۱۲۹ ص ج ۲ وزیری

توضیح اینکه این کتاب مشترکاً توسط دارالمرتضی و دارالمحجّه البیضاء در بیروت نشر یافته است

۷۹- و ۸۰ ابوطالب و فرزندش دو جلد (در اثبات ایمان اَبی طالب از طرق

ص: ۱۳۴

۱- این کتاب به عنوان جلد اول دوره چند جلدی «مع الصحابه والتابعین» به اهتمام انتشارات انصاریان قم، به صورت مصوّر و برای نوجوانان به چاپ رسید است.

أهل سنت)، شیخ محمد تقی بن محمد باقر صدرا.

۸۱- ابوطالب و خدیجه ، فاطمه پارسا (۱۳۶۲) ، تهران: شبرنگ، ۱۳۸۸.

۸۲- ابوطالب هل مات مسلماً؟ سید خلیل علوی امین ، قاهره: مکتبه الشروق الدولیه، ۱۴۳۲ق. ۸۷ ص وزیر

۸۳- ابوطالب (علیه السلام) و قصیدته اللامیه (عربی) ، تحقیق: محمد مهدی صباحی کاشانی ، وزیر، چاپ اول ۱۴۳۲ مؤسسه ابوطالب علیه السلام / بیروت. امجاد ۱۱۸ص.

۸۴- ابوطالب یگانه مدافع اسلام، «مؤمن قریش» (فارسی) ، آیه الله شیخ محمد رضا طبسی، مترجم: محمد محمدی اشتهااردی ، وزیر ، چاپ اول نشر قائم ۱۳۵۴/ تهران. ۲۵۹ ص.

۸۵- ابوالائمہ الاطہار سید البطحاء ابوطالب (علیه السلام) ، شیخ فیصل اسدی ، بیروت: مؤسسه الاندلس للمطبوعات ۶۴۷ص

۸۶- اتحاف الطالب بنجاه أبی طالب ، محمد بن عبد السلام جئون (م ۱۳۲۸ هـ)

۸۷- اتحاف الطالب بنجاه ابی طالب ، محمد بن عبدالسلام حنون (- ۱۳۲۸ق.)

۸۸- إثبات اسلام أبی طالب (علیه السلام) ، محمد معین ہندی الحنفی (۱۱۶۱ هـ)

۸۹- أخبار أبی طالب (علیه السلام) ، قاضی حافظ أبی بکر جعابی (۲۸۴ - ۳۵۵ ہجری)

۹۰- أخبار ابوطالب علیه السلام و ولده و بنیه ، ابوالحسن علی بن محمد بن عبداللہ بن ابی سیف مدائنی اخباری (متوفای ۲۱۵ یا ۲۲۵)

۹۱- اخبار ابی طالب و بنیه ، ابی الحسن علی بن محمد بن عبداللہ بن ابی سیف بغدادی مدائنی. (م ۲۲۵ق.)

ص: ۱۳۵

۹۲- اخبار ابی طالب و عبدالمطلب و عبدالله و آمنه بنت وهب ، شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه

۹۳- إرشاد الهارب من صحه إيمان الأقارب (إيمان آباء الرسول وعمه أبي طالب) ، مؤلف: سيّد هاشم حسنى شامى صنعانى (۱۱۵۸ هـ) ، تحقيق و پاورقى: عباس حميد كريم الزيدى ، چاپ اول، قم، دار الغدير، ۲۰۰۳ م .

۹۴- استسقاء أبى طالب رضى الله عنه بالنبي عليهم السلام (عربى) ، محمد مهدي صباحى كاشانى ، رقى ، چاپ اول ۱۴۳۷ق ، نشر مؤلف / قم.

۹۵- إسلام أبى طالب (عليه السلام) ، شيخ عبدالحسين نعمت عاملى (۱۹۲۵ - ۱۹۹۷ م)

۹۶- اسلام ابى طالب ، سيد حسن حسيني نجفى

۹۷- إسلام أبى طالب من خلال الآيات والأحاديث والأشعار والوقائع التاريخيه

دکتر لبيب بن وجيه بن داود بن سليم بن على بن محمد بيضون ، چاپ اول دمشق، بی نا، ۱۹۳۸م.

۹۸- اسلام ابى طالب ، نجف: لجنة رد الشبهات فى مؤسسه الغرى للمعارف الاسلاميه، ۱۴۲۶ق. ۱۶ص.

۹۹- الجواب الصائب عن شبهه إيمان أبى طالب ، شيخ عباس بن مولى قمى نجفى حائرى تهرانى (۱۲۹۸ - ۱۳۶۰ هـ).

ص: ۱۳۶

۱۰۰- الحجّه علی الذاهب الی تکفیر اَبی طالب (علیه السلام) (عربی)، شمس الدین ابوعلی فخار بن معدّ موسوی (متوفای ۶۳۰ هجری)، تحقیق: سید محمّد بحر العلوم (۱)، وزیر، چاپ اول ۱۴۱۰ق، افست، نشر سید الشهداء قم.

۱۰۱- حیاہ اَبی طالب فی اثبات ایمان اَبی طالب (اردو)، خالد انصاری ہندی

۱۰۲- الدرّۃ الغزّاء فی شعر شیخ البطحاء (عربی)، گردآوری و تحقیق: باقر قربانی زرّین، مقدمه: استاد سید جعفر مرتضی عاملی، چاپ اول ۱۴۱۶ ه ق، نشر مؤسسه دائرہ المعارف اسلامی / تہران.

۱۰۳- الرسول والرسالہ فی شعر اَبی طالب، شیخ معوض بن عوض مشهور ب «تومہ» ۱۹۱۲ م، چاپ اول الکویت، القاہرہ، دار غریب، نشر و کالہ المطبوعات الکویت، ۱۹۸۲ م. ۷۹ص.

۱۰۴- الرغائب فی ایمان اَبی طالب (علیه السلام) (عربی)، علامہ سید مہدی بن علی غریفی بحرانی نجفی (۱۲۹۹-۱۳۴۳ هجری).

۱۰۵- الرّوض النزیہ فی الأحادیث الّتی رواہ اَبوطالب عن ابن اُخیہ (عربی)، محمّد بن طولون صالحی دمشقی (۸۸۰-۹۵۳ م)، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، وزیر، چاپ اول، ناشر: مجمع احیاء الثقافہ الاسلامیہ / قم، ۱۰۰ص.

ص: ۱۳۷

۱- در این کتاب ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) را اثبات نموده و نظر ابن ابی الحدید معتزلی که علی رغم اختصاص دادن قسمت عمدہ ای از کتاب شرح نہج البلاغہ قائل بہ توقف یا تکفیر حضرت ابوطالب (علیه السلام) می شود را رد نموده است. از این کتاب کہ از معروف ترین و مهم ترین کتب نوشته شدہ دربارہ حضرت ابوطالب (علیه السلام) است نسخہ های متعددی در کتابخانہ های ایران و عراق موجود بودہ و همچنین چاپ های متعددی از آن در ایران و عراق و لبنان بہ چاپ رسیدہ است.

١٠٦- السهم الصائب لكبيد من آذى أباطالب (عليه السلام) ، أبو الهدى محمد أفندي بن حسن وادى أفندي الصيادى الرفاعى الخالدى الصوفى (حلب ١٢٦٦ ١٣٢٧).

١٠٧- سلوه الشيعة فى تحقيق ايمان ابى طالب ، شيخ معين الدين (فخرالزمان) ابوالمحاسن مسعود صوانى بيهقى

١٠٨- الشهاب الثاقب لرجم مكفر أبى طالب (عليه السلام) ، نجم الدين جعفر بن محمد بن رجب على شريف عسكرى (متوفى ١٣٩٥ ق)

١٠٩- العرفان فى دلائل إيمان حضره عمران (اردو) ، سيد خورشيد حسين بن حكيم على شاه الشيرازى (١٩١٥ - ١٩٨٢ م)

١١٠- القصيدة الغراء فى ايمان أبى طالب (عليه السلام) شيخ البطحاء ، سيد احمد خيرى حسيني حنفى مصرى (١٣٢٤ - ١٣٨٧ هـ) ، وزيرى چاپ اول، ١٣٨٢ هجرى ١٢ صفحه رقى. تهران، مطبعة حيدرى .

١١١- القول الصائب فى إسلام أبى طالب ، دكتور سيد جميل الحمو (١٩٤٥ م)

١١٢- القول الصائب فى إسلام أبى طالب ، مؤلف: سيد عبدالحليم عزمى ، چاپ اول ، قاهره قطع رقى .

١١٣- القول الواجب فى ايمان ابى طالب (عليه السلام) ، شيخ محمد على بن ميرزا جعفر على فصيح هندى ، نجف: مركز الامير لاحياء التراث الاسلامى، ٢٠١٢م.

قطع وزيرى ٢٨٤ صفحه با اضافات سيد حسين حسنى براقى و مقدمه و تحقيق سيد محمود مقدس غريفى

١١٤- المواهب فى الرد على من قال يا سلام أبى طالب ، قاسم بن أحمد اليمانى

چاپ اول ١٤١٦ قاهره، دار الحرمین، ١٤١٦ هجرى

ص: ١٣٨

۱۱۵- المواهب فی ایمان ابی طالب ، علی روحانی

۱۱۶- الموسوعه الإسلامیه فی ابی طالب ، السید أبو أحمد عبدالله بن صالح موسوی (۱۹۶۳ م).

۱۱۷- الیاقوته الحمراء فی ایمان شیخ البطحاء (عربی) ، سید طالب حسینی بغدادی آل علی خان مدنی مشهور به الخراسان معاصر (مخطوط)

۱۱۸- انساب الطالبیین و العلویین الغادین إلى مغرب (عربی) ، حکم بن عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن

۱۱۹- اولین مدّاح رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) حضرت أبو طالب (فارسی) ، مولی علی حسنین بن محمد قیوم جنفوری الهندی

۱۲۰- ایمان ابی طالب (علیه السلام) البیان عن خیره الرحمن فی ایمان ابی طالب و آباء النبی (علیهم السلام)) ، مؤلف: أبو الحسن علی بن بلال ازدی مهلبی بصری (قرن ۴ ق)

۱۲۱- ایمان ابی طالب علیه السلام (عربی) ، ابو عبدالله محمد بن محمد نعمان حارثی تلکبری (شیخ مفید)(۱)

(۳۳۶ - ۴۱۳ ه ق) ، وزیری ۴۸ صفحه نوبت چاپ: دوم ۱۴۱۴ نشر: دارالمفید / بیروت.

ص: ۱۳۹

۱- . این رساله در ضمن مجموعه آثار شیخ مفید با نام « النکت الاعتقادیه » در ۴۸ صفحه چاپ شده است، علامه مجلسی در ابتدای بحار الانوار از آن به عنوان « مصادر کتاب شریف بحار الانوار » نام برده و نسخه ای از این کتاب در نزد ایشان حاضر بوده. شیخ مفید در تألیف این کتاب ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) به توحید و نبوت و معاد را اثبات نموده است. مؤلف در این کتاب به بیان دلایل ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) از احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اشعار خود آن حضرت پرداخته و در قسمتی از آن به شرح بعضی از آیات آن پرداخته است. در این رساله شیخ مفید در ضمن چهار فصل از راه گفتار و کردار حضرت ابوطالب (علیه السلام) به ایمان او استدلال می نماید.

- تحقیق شیخ محمد حسن آل یاسین ، بغداد : دارالتضامن در مجموعه سلسه النفايس (النهضة) الاولى للمخطوطات ۱۳۷۴ - ۱۳۸۴ ق.

- تهران، تحقیق انتشارات موسسه بعثت (ضمیمه کتاب الافصاح فی امامه امیرالمومنین (علیه السلام))

- لبنان، بیروت، موسسه المفید، ضمن موسوعه مولفات الشیخ المفید، تحقیق موسسه بعثت

- تهران انتشارات موسسه بعثت به شکل مستقل توسط کنگره بین المللی هزاره شیخ مفید

[برخی از نسخه های اثر: مشهد: رضوی (۸۲۸۸)؛ قم: مرعشی (۶/۲۵۵)؛ تهران: ملی (۱۰/۲۴۵)، ملک (۱۰۶/۶۱۵)، شورا (۳/۸) خوئی)، دانشکده ادبیات (۵/۱۱۲)؛ نجف اشرف کتابخانه آیت الله حکیم.]

۱۲۲-ایمان ابی طالب وموقف الشیخ المفید منه ، محمد ابراهیم خلیفه شوشتری،

قم: کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق. ۲۰ص.

۱۲۳-ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، أبوعلی احمد بن محمد بن عمار کوفی (متوفای ۳۴۶ ه)

۱۲۴-ایمان ابی طالب (علیه السلام) (عربی) ، ابومحمد سهل بن احمد بن عبدالله بن سهل دیاجی (۲۸۶ - ۳۸۰) ، نجاشی در کتاب فهرست رجال خویش از این کتاب نام برده است.

۱۲۵-ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، محسن بن محمد قره چه داغی تبریزی

ص: ۱۴۰

(م. ۱۳۵۱ ق.)

۱۲۶- ایمان أبی طالب (علیه السلام) (دیوان أبی طالب (علیه السلام) و ذکر اسلامه) (عربی) ، ابونعیم علی بن حمزه بصری تمیمی لغوی (متوفای ۳۷۵)

۱۲۷- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، أحمد بن داود بن علی القمی (مخطوط)

۱۲۸- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، احمد بن قاسم کوفی متوفای (۴۱۱ هـ) ، کاتب: حسین بن عبدالله الغضائری.

۱۲۹- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، امیر سید حسین مجتهد

۱۳۰- ایمان أبی طالب (علیه السلام) و أحواله و أشعاره ، حاج میرزا محسن بن علامه میرزا محمد علی (بالامجتهد قره داغی تبریزی)

۱۳۱- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، سلیمان بن عبدالله ماحوزی (۱)

(۱۰۷۵ - ۱۱۲۱ هـ).

۱۳۲- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، سهل بن الیسع بن عبدالله القمی (مخطوط)

۱۳۳- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، سید جمال الدین أحمد طاووسی علوی فاطمی حسنی الحللی (۶۷۳ هـ).

۱۳۴- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، مؤلف: سید ظفر نقوی آمروھی ہندی (۱۳۰۷ هـ).

۱۳۵- ایمان أبی طالب (علیه السلام) (اردو) ، شیخ تاج الدین بن میان مهر الدین حیدری جوهان

۱۳۶- ایمان أبی طالب (علیه السلام) ، قاضی أبو حنیفہ نعمان بن محمد تمیمی مغربی (۳۶۳ هـ)

ص: ۱۴۱

۱- . الشيخ أبو الحسن شمس الدین سلیمان بن عبدالله بن علی بن حسن بن أحمد بن یوسف بن عمار بحرانی سترابی ماحوزی دونجی.

۱۳۷- ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، بصری التمیمی الحنبلی (-۳۷۵ ق.).

۱۳۸- ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، مؤلف: محمد حسن مولوی قندهاری افغانی (۱۳۱۹ هـ) (مخطوط) (۱)

۱۳۹- ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، لبعض الأصحاب احتمالا سید حسین محقق کرکی (م ۱۰۰۱)

۱۴۰- ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، محمدعلی پتیالوی (اردو) چاپ گوجرانواله

۱۴۱- ایمان ابوطالب (علیه السلام) ، لیب وجیه بیضون (-۱۹۸۰ م)

۱۴۲- ایمان ابوطالب (علیه السلام) ، تاج الدین حیدری (اردو، گجرات)

۱۴۳- ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، ابی الحسن احمد بن محمد بن احمد بن طرخان کندی الجرجانی (قرن ۵ ق.).

۱۴۴- ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، ناشناس ، مخطوط فهرست مکتبه المرعشی

۱۴۵- ایمان ابوطالب (علیه السلام) ، نسخه خطی در دانشگاه تهران ش ۲/۱۰۰۳۱.

۱۴۶- ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، ناشناس ، مخطوط، فهرست مکتبه جامعه طهران.

۱۴۷- ایمان ابی طالب (علیه السلام) ، سید احمد بن موسی ابن طاووس (م ۶۷۳ ق.).

۱۴۸- ایمان ابی طالب سید البطحاء شیخ قریش ، سید محمد مهدی موسوی

ص: ۱۴۲

۱- - مرحوم مولوی قندهاری (متولد قندهار) از علمای مشهد مقدس بود که ارادت عجیبی به حضرت ابوطالب (علیه السلام) داشت. وی در دهه هفتاد شمسی در مشهد مقدس از دنیا رفته و در کفشداری صحن نو حرم مطهر رضوی مدفون گردید. مرحوم آیت الله دستغیب در کتاب داستانهای شگفت بیش از ده داستان از ایشان نقل کرده. ایشان قصیده ای در تضمین قصیده معروف «ها علی بشر کیف بشر» سروده که داستان مفصل تشریف ایشان در حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) در عالم رویا و خواندن اشعار فوق در محضر مرحوم حاج آقا حسین قمی را مرحوم آیت الله دستغیب نقل نموده. از ایشان کتاب دیگری با عنوان بیست و ششم رجب در همین کتابنامه معرفی گردیده است.

كاظمينى واعظ ، كاظمين: جامعه الواعظ لعلوم آل البيت، ٥٤ ص وزيرى

١٤٩- ايمان ابى طالب من مصادر علماء السنه ، عبد الحليم حاتم مرزه ، نجف: بى نا، ١٤٢٣ق. ٣٥ ص.

١٥٠- أسماء من قتل من الطالبين

١٥١- أسنى المطالب فى إيمان أبى طالب ، شيخ كاظم حلفى مخزومى (١٣٥٦ - ١٣٩٦ هـ). چاپ اول نجف اشرف. ١٣٥٩ق

١٥٢- اسنى المطالب فى شرح خطبه أبى طالب (عليه السلام) ، عبدالكريم حبيب. مجله الثقافه الاسلاميه، دمشق، العدد ٤٥، ١٤١٣ق.

١٥٣- أسنى المطالب فى نجاه أبى طالب (عربى) ، احمد بن زينى دحلان شافعى مكى (١٢٣٢ - ١٣٠٤) ، تحقيق: حسن بن على سقاف قرشى باعلوى

١٥٤- اسنى المطالب فى نجاه ابى طالب ، شيخ احمد بن زينى دحلان شافعى مكى (١٢٣١ - ١٣٠٤ق.) ، قاهره: مكتبه التراث والعلوم العربيه، بى تا، ٦٣ص.

١٥٥- اسنى المطالب فى نجات ابى طالب ، ترجمه علامه صائم چشتى، لاهور: شبير برادرز، ٢٠٠٧م. (اردو) ٢٨٠ص.

١٥٦- بحث فى إسلام أبى طالب عم النبى ، ناشناس، نسخه در جامع كبير در يمن، صنعاء

١٥٧- بغيه الطالب فى إسلام أبى طالب (عليه السلام) ، سيد محمد عباس موسى تسترى لكهنوى (١٢٢٤ - ١٣٠٦)

١٥٨- بغيه الطالب فى حال أبى طالب ، محمد بن حيدر بن نور الدين بن على الموسوى الحسينى العاملى ، تحقيق: محمد جواد نور الدين فخر الدين ، وزيرى،

ص: ١٤٣

چاپ: اول ۱۴۳۲ ق ناشر: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث / بيروت. ۹۶ص.

۱۵۹- بغية الطالب في بيان أحوال أبي طالب و اثبات إيمانه و حسن عقيدته سيد محمّد بن حيدر بن نور الدين على موسى حسيني عاملی ، تحقيق: سيد محمد مهدي موسى خراسان، قم: منشورات المكتبة الحيدريه، ۱۴۲۸ق. ۱۳۴ ص.

۱۶۰- بغية الطالب في نسب آل أبي طالب (عليه السلام) (عربي) ، قاسم بن احمد واسطی رفاعی شافعی (متوفای ۶۸۱ هـ)

۱۶۱- بغية الطالب لإيمان أبي طالب ، محمّد بن عبد الرسول برزنجی شافعی شهرزوری مدنی (۱۰۴۰ - ۱۱۰۳) ، توضیح: کتاب اسنی المطالب في نجاه ابی طالب تالیف شیخ احمد بن زینی دحلان خلاصه این کتاب است.

۱۶۲- بغية الطالب لإيمان أبي طالب و حسن خاتمه ، جلال الدين عبدالرحمن سيوطی متوفای (۸۴۹ - ۹۱۱ ق)

۱۶۳- بغية الطالب في إسلام (حال) أبي طالب ، في بيان أحواله وإثبات إيمانه و حسن عقيدته ، مولف: سيّد محمد حائری موسوی عاملی (۱۰۷۱ - ۱۱۳۹ هـ).

۱۶۴- بلوغ المآرب في نجاه آبائه صلى الله عليه وآله و عمّه ابی طالب عليهم السلام (عربي) ، سليمان ازهری لاذقی (المتوفی: ۱۲۰۴) ، تحقيق: سامی الغريری

۱۶۵- جزوه بیست و ششم رجب (فارسی) ، شیخ محمد حسن مولوی قندهاری شیرازی افغانی ۱۳۱۹ قمری تا ۱۳۷۵ شمسی

[\(۱\)](#)

ص: ۱۴۴

۱- . کتاب فوق اثر طبع مرحوم شیخ محمد حسن مولوی قندهاری است که در سال ۱۳۸۲ هجری در نجف اشرف بدون نام و با عنوان «از آثار شاعر گمنام» به چاپ رسیده و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه الزهراء اصفهان موجود می باشد. ایشان عشق و ارادت عجیبی به ساحت مقدس حضرت ابوطالب (علیه السلام) داشت، شاعر بزرگوار در ضمن این قصیده که ۲۱۲ بیت است به فضائل حضرت ابوطالب (علیه السلام) اشاره کرده و بسیاری از احادیث وارد شده در فضائل آن بزرگوار را به شعر در آورده است. وی در پایان از برادران ایمانی تقاضا می کند که در شهر مقدس نجف به نام آن مدافع حضرت محمّد امین محفل بیاریند و در این باره چنین می گوید: شاعر «گمنام» باشم هدیه ناچیز من مسألت دارم ز حق باشد نجف تجهیز من دارم از اخوان دینی یک تمنا در نجف جلسه ی بوطالبی را بهر حق سازند هدف

۱۶۶- بوستان آل عمران ج ۱: ایمان ابوطالب (اردو) ، محمد حافظ نجفی

۱۶۷- پرتوی از سیمای تابناک ابوطالب (علیه السلام) خیراللہ مردانی - ۱۳۲۸ ش قطع: رقعی ۱۷۶ صفحہ نوبت چاپ: ۱۳۸۴
ش ناشر: راه قرآن / قم

۱۶۸- پدر ایمان ، جعفر فاضل ، مشہد: یوسف فاطمہ ۱۳۸۷ - ۶۴ ص رقعی

۱۶۹- پناہ چلچہ ہا (فارسی) ، سید ابو القاسم حسین آبادی متخلص ب « ژرفا » (۱۳۸۲ ہجری) ، زندگی نامہ حضرت ابوطالب (علیہ السلام) بہ قلم روان مخصوص کودکان ، چاپ اول پارسایان ، ۱۳۷۶ ہ ش ، ۴۵ صفحہ.

۱۷۰- پناہ چلچہ ہا: دمی با ابوطالب یار پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) ، کمال السید ، ترجمہ سید ابوالقاسم حسینی ژرفا.
قم: پارسایان، ۱۳۷۶.

۱۷۱- تحفہ الطالب فی آل ابي طالب (علیہ السلام) ، راشد سعدی

۱۷۲- تحفہ الطالب لمعرفة من ینتسب إلى عبد اللہ أو ابوطالب (سلام اللہ علیہا) (عربی) ، محمد بن حسین بن عبد اللہ بن حسین مشرف حسینی سمرقندی

۱۷۳- ترجمہ أسنی المطالب فی نجاه ابي طالب (علیہ السلام) (فارسی) ، محمد مقیم

۱۷۴- ترجمہ أسنی المطالب فی نجاه ابي طالب (علیہ السلام) (اردو) ، سید مقبول احمد بن غضنفر علی بن مراد علی دہلوی (۱۲۸۷ - ۱۳۴۰ ہ) ، رقعی ۱۷۶ صفحہ چاپ سنگی ، چاپ اول ۱۳۱۳ ناشر: مطبعہ یوسفی / دہلی.

۱۷۵- ترجمہ حیاہ ابي طالب عم النبی : السید عبدالحسین الکلیدار آل طعمہ

ص: ۱۴۵

۱۷۸-۱۷۶ ترجمه فرزندان ابوطالب (علیه السلام) ۳جلد (فارسی)، ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی (۳۵۳ - ۲۸۴ هـ)، مترجم: جواد فاضل

۱۷۹- ترجمه مقاتل الطالبیین (سرگذشت فوت شدگان از فرزندان ابوطالب (علیه السلام) مؤلف: ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی (۳۵۳ - ۲۸۴ هـ)، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، وزیری، چاپ اول ۱۳۴۹ - ۱۳۹۰ هـ ناشر: کتابفروشی صدوق - تهران.

۱۸۰- جزء من کتاب الغدیر فی الکتاب والسنه والأدب

۱۸۱- حاشیه علی کتاب الحججه علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب، شیر محمد همدانی نجفی

۱۸۲-۱۸۶- حجیه الذاهب الی ایمان ابی طالب، این کتاب در حاشیه کتاب الحججه علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب» سید فخار بن معد موسوی به چاپ رسیده. (م ۶۳۰ ق)، چاپ سنگی نجف الاشرف ۱۳۵۱ ق، تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم نجف الاشرف، ۱۹۶۵ م، تحقیق دکتر سیدمحمد بحر العلوم با مقدمه عبد الفتاح عبد المقصود مصری، بیروت دارالزهراء ۱۹۸۷م

- قم مطبعه سید الشهداء ۱۹۹۰ م

۱۸۷- حضرت ابوطالب (علیه السلام) تندیس ایمان، اشرف آشوری، کوثر شماره ۲۰

۱۸۸- حضرت ابوطالب (علیه السلام) نوری در ظلمت (مخطوط.)، حاج سید محمد رضا ابطحی

۱۸۹- حضرت ابوطالب، مهدی وحیدی صدر، مشهد: مجتمع فرهنگی و موقوفه حضرت ابوطالب (علیه السلام) با همکاری عروج اندیشه، ۱۳۹۲. ۵۲ ص.

۱۹۰- حقیقت ایمان حضرت ابوطالب (علیه السلام)، مرکز تحقیقات موسسه فاطمیه

ص: ۱۴۶

۱۹۱- حیاہ اُبی طالب (علیہ السلام) فی إثبات ایمان اُبی طالب (اردو) ، شیخ خالد انصاری ہندی ، چاپ اول ۱۳۵۲ ہجری .
بہوبال (ہند) ، مطبعہ علوی بریس .

۱۹۲- حیاہ اُبی طالب ، مؤلف: شیخ محمد علی بن محمد رضا طبسی (۱۳۵۹ - ۱۳۸۳ھ)

۱۹۳- حیاہ اُبی طالب ، محمد علی الطبسی

۱۹۴- حیاہ اُبی طالب فی إثبات ایمان اُبی طالب (اردو) ، شیخ خالد الأنصاری الہندی .

۱۹۵- حیات اُبی طالب (اردو) ، مؤلف: دکتور السید اُسد علی لکھنوی پاکستانی .

۱۹۶- حیات ابوطالب ، سید اسد علی لکنھو (اردو)، امیہ مشن ، ۱۳۷۴ ق، اللہ آباد سلمی پریس ، ۱۳۷۴ ق

۱۹۷- خورشید حجاز مدایح و مناقب ابوالائمہ حضرت ابوطالب (علیہ السلام) (فارسی) گردآوری: سید محمد حسن سجاد ،
چاپ اول. اصفهان ۱۴۲۱ ہجری .

۱۹۸- دراسہ عن اُبی طالب (علیہ السلام) ، مولف: شیخ عبدالواحد مظفر (۱۳۱۰ ہ)

۱۹۹- در بلندی قامت ایمان ، سید مجید پورطباطبایی

۲۰۰- الدلیل الثاقب علی ایمان اُبی طالب (علیہ السلام) ، عبدالرسول غفاری ، قم مکتبہ الامام الحسین التخصیصیہ وطوبای
محبت ۱۴۳۲ - ۲۲۰ ص رقی ، این کتاب برگرفته از کتاب کبیر الصحابہ ابوطالب دکتور عبد الرسول غفاری نجف العتبہ العلویہ
المقدسہ است .

۲۰۱- دوحہ الشرف فی نسب آل اُبی طالب (علیہ السلام) ، حسن بن علی بن محمّد بن ابراہیم بن احمد ابو علی قطان
مروزی (۴۶۵-۵۴۸ھ)

۲۰۲- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، گردآوری و تحقیق: شیخ علی بن عیسی زواد

۲۰۳- دیوان اَبی طالب بن عبدالمطلب و ذکر اسلامه. اَبو نعیم علی بن حمزه بصری تمیمی کوفی حنبلی (المتوفی ۳۷۵هـ)

۲۰۴- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، تحقیق و گردآوری: شیخ حیدر قلی خان غزلباشی کابلی کرمانشاهی (۱۲۹۳ - ۱۳۷۲)

۲۰۵- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، بمبئی: چاپ فیض رسان، ۱۳۲۶ ق.

۲۰۶- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، گردآوری و تحقیق: دکتور عبدالحق العانی (۱۹۴۷ م)، چاپ اول: لندن، فلنده، دار کوفان، ۱۹۹۱ م. و نیز چاپ دیگری در بغداد، المطبعه الخیریه، ۱۴۲۰ هجری

۲۰۷- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، جمع و تعلیق دکتور عبد الحق عانی، لندن: دار کوفان، ۱۹۹۱ م.، ۲۲۴ ص

۲۰۸- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، نسخه ای در لیبزیک به شماره ۵۰۵ (رفاعیه ۳۳) موجود است و نسخه های دیگری هم دارد.

۲۰۹- دیوان اَبی طالب (۱)

جمع آوری: ناشناس، چاپ اول بمبئی، مطبعه فیض رسان، ۱۳۲۶ هجری. ه.

۲۱۰- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، گردآوری و تحقیق: دکتور یونس بن اَحمد بن یونس سنجاری

۲۱۱- دیوان اَبی طالب، جمع و تحقیق یونس بن اَحمد سنجاری

۲۱۲- دیوان اَبی طالب (علیه السلام)، تنظیم: ابراهیم بن مصطفی بن محمّد منینی بعلبکی

ص: ۱۴۸

۱- این دیوان غیر از دیوانهای معروف است و ظاهراً سبک جمع آوری و تعداد ابیات و اشعار آن با سایر دیوانها فرق می کند.

۲۱۳- دیوان اَبی طالب (علیه السلام) شرح و گردآوری دکتر محمد هادی امینی (۱۳۵۵ هجری) ، دکتر محمّد هادی امینی فرزند علامه امینی رحمهما الله در این کتاب بیش از ۱۰۰۰ بیت از اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام را گردآوری کرده است.

۲۱۴- دیوان اَبی طالب (علیه السلام) ، شرح و گردآوری: دکتر محمد بن عمر بن ناجی تونجی ، چاپ اول ۱۹۶۶ م، ۱۰۴ صفحه، وزیری بیروت، دارالکتاب العربی

۲۱۵- دیوان اَبی طالب (علیه السلام) ، دکتر تیودور نولدکه (۱۸۳۶ - ۱۹۳۰ م) ، توسط خاورشناس تیودور نولدکه ظاهراً در سال ۱۸۶۴ و ۱۹۸۷م. در مجله استشراق چاپ شده است.

۲۱۶- دیوان حضرت امیر و دیوان حضرت اَبی طالب (سلام الله علیها) ، گردآوری: میرزا محمد بن رجب علی الشریف تهرانی عسکری (۱۲۸۱- ۱۳۷۱ ه)

۲۱۷- دیوان شیخ الأباطح أبوطالب (علیه السلام) (عربی) ، ابوهفّان عبدالله بن احمد مهزومی (۲۵۷ق) ، تحقیق حاج شیخ محمّد باقر محمودی ، تصحیح و تعلیق سید محمد صادق آل بحر العلوم در عراق و بیروت و مکتبه نینوی الحدیثه در تهران چاپ و نشر یافته- ۴۰ص وزیری ، تحقیق و تعلیق و استدراک مرحوم شیخ محمد باقر محمودی. قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، بی تا ، ۹۶ص.

۲۱۸- رتبه اَبی طالب فی قریش و مراتب ولده فی بنی هاشم ، مؤلف: أبو الحسن محمد بن القاسم التمیمی السعدی البصری النسابه

۲۱۹- رساله فی اسلام اَبی طالب (علیه السلام) ، مولف: سیّد میرزا ابوالقاسم الموسوی الزنجانی (۱۲۲۴ - ۱۲۹۲ ه)

ص: ۱۴۹

۲۲۰- رساله فی ایمان اَبی طالب (علیه السلام) ، شیخ محمد حسین مالکی آل کاشف الغطاء (۱۲۹۴ - ۱۳۷۳ هـ).

۲۲۱- رساله فی صحه ایمان اَبی طالب (علیه السلام) ، مؤلف: ناشناس

۲۲۲- رساله ماجستیر أو أطروحه دکتوراه ، مؤلف: ناشناس

۲۲۳- رمضان در تاریخ (امام رضا - حضرت ابوطالب - امام حسن (علیهم السلام)) (فارسی) ، لطف الله بن محمد جواد صافی گلپایگانی

۲۲۴- زندگی پر افتخار حضرت ابوطالب (علیه السلام) (فارسی) ، محمد محمدی اشتهاردی ، جیبی ، چاپ اول ۱۳۷۴ نشر پیام آزادی / تهران ، ۲۰۸ صفحه

۲۲۵- زهره الادباء فی شرح لامیة شیخ البطحاء ، مؤلف: قاضی شیخ جعفر محمد ابن عبدالله نقدی عماری (۱۳۰۳ - ۱۳۷۱ ق) ، چاپ اول ، ۱۳۵۶ هـ ، ق رقی نجف اشرف ، مطبعه حیدریه ، چاپ دوم تهران ، مکتبه نینوی الحدیثه ، ۱۴۱۰ هـ . ۵۰ ص وزیری

۲۲۶- سبعون صوره مشرقه من حیاة ابوطالب (علیه السلام) (عربی) ، سعید رشید زمیزم وزیری ،

چاپ اول ۱۴۳۲ نشر دارالجوادین / بیروت ۱۵۸، ص.

۲۲۷- ستاره دنباله دار ، جهانشاه رحیمی ، تهران موسسه نباء ۱۳۸۱ - ۲۴ص

۲۲۸- سر انجام پایداری شعب ابوطالب (علیه السلام) (فارسی) ، علی بیگی ، خشتی ، چاپ دوم ۱۳۷۱ ناشر: بنیاد بعثت / تهران

۲۲۹- ستادی آن دِ لایف آف ابوطالب

S(صلی الله علیه و آله وسلم)udy on(صلی الله علیه و آله وسلم) the life of a(علیهم السلام)u(صلی الله علیه و آله وسلم)ali(علیهم السلام) (انگلیسی)

مطالعات و پژوهشهایی در مورد زندگی حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، صابر تاریانی

ص: ۱۵۰

رقعی، چاپ دوم مؤسسه قرآن و عترت / قم

۲۳۰- غلامرضا حاتمی، سرور قریش حضرت ابوطالب مظلوم تاریخ به روایت اهل سنت، مشهد الماس شرق ۱۳۸۸. ۳۹ ص

۲۳۱- سخنی چند پیرامون حضرت ابوطالب (علیه السلام) (فارسی)، سید محمد حسن سجاد، اصفهان: نشر حجت ۱۴۱۹ ق. - ۳۰ ص جیبی

۲۳۲- سردار قریش، سید محمدصادق لکهنوی (اردو) مدرسه الواعظین

۲۳۳- سید البطحاء ابوطالب کافل رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم). و ناصره (عربی)، عبدالرحیم موسوی (۱۳۴۲ هـ)، رقعی، چاپ اول مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) - قم ۱۴۲۲ ق. ۱۲۰ ص.

۲۳۴- ابوطالب بزرگ مکّه ترجمه (سید البطحاء ابوطالب کافل رسول الله و ناصره)، ترجمه حسین علی عربی (۱۳۴۹-)، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۹۳.

۲۳۵- سید البطحاء (۱)

(عربی)، محمود بغدادی، بامقدمه آیت الله مرعشی نجفی

رقعی، چاپ اول نشر دارالغدیر - قم ۱۹۸۹ م.

۲۳۶- سید البطحاء (ابوطالب)، مؤلف: سید محمد علی موحد ابطحی اصفهانی (۱۳۴۹ - ۱۴۲۳ هجری) ۱۴۳۲ ق.

۲۳۷- سیدالحنفاء حضرت ابوطالب (علیه السلام)، ناصر حسین فیض آبادی (اردو)، لاهور

۲۳۸- سید قریش (عربی)، معروف ارناووت، وزیری، چاپ سوم ۱۳۹۱ هـ، نشر

ص: ۱۵۱

۱- مرحوم آیه الله مرعشی نجفی در مقدمه کتاب می فرماید: بعد اطلاعی علی هذا الكتاب این اثر گرابنها را در نوع خود بی نظیر دیدم و بحث بسیار عمیقی درباره آن بزرگوار می باشد. فاضل محقق جناب حجه الاسلام شیخ محمود بغدادی با قلم روان خود و در اسلوب جدید تحقیق کاملی درباره آن حضرت نموده و گوشه ای از حق حضرت ابوطالب (علیه السلام) را ادا نموده است.

۲۳۹- سیری در زندگی حضرت ابوطالب (علیه السلام) ، ابوطالب تجلی ایمان

۲۴۰- شرح حدیث اسلام ابی طالب بحساب جُمَل ، ملاعلی بن میرزا خلیل مازندرانی

۲۴۱- شرح قصیده ابی طالب (علیه السلام) ، مؤلف: السید علی بن الحسین موسوی غریفی النجفی (النجف ۱۳۲۶ / ۱۳۹۶ هـ)

۲۴۲- شرح قصیده ابی طالب (علیه السلام) ، مؤلف: سید مفتی میر محمد عباس موسوی جزائری تستری لکهنوی ۱۳۰۶

۲۴۳- شاید بیارد باران: داستان زندگی حضرت ابوطالب ، تصویرگری طوبی قاضی زاده. رضا شیرازی ، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۶.

۲۴۴- شعر ابی طالب دراسه ادبیه ، هناء عباس علیوی کشکول ، قم: دلیل ما-۱۴۲۹ق.، ۵۴۷ ص وزیری

۲۴۵- شعر ابی طالب (علیه السلام) و اخباره و المستدرک علیه ، ابوهفان عبدالله بن احمد هیزمی (متوفای ۲۵۷ هـ ق ، وزیری ، چاپ اول: ۱۳۵۶ چاپ دوم، نشر بنیاد بعثت / تهران

۲۴۶- ثاقب فی شرح دیوان ابی طالب (اردو) ، مؤلف: السید سبط الحسن بن فیض الحسن الهنسوی

۲۴۷- شمع محفل طاها: مجموعه اشعار درباره حضرت خدیجه به انضمام حضرت ابوطالب مظلوم تاریخ ، محمد حسن سجاد ، اصفهان: مجمع النور، ۱۳۸۵

٢٤٨- شذرات فيما كتبه الشعراء بحق سيد البطحاء ابوطالب (رضى الله عنه)، عباس فاضل تميمي، بغداد: بي نا، ١٤٣١ق. ١٤٠ ص.

٢٤٩- شيخ الأبطح ابوطالب (عليه السلام) (عربي)، سيد محمّد علي آل شرف الدين العاملي الموسوي

(١٣١٧ - ١٣٧٢ قمرى)، مقدمه: شيخ محمّد مهدي شمس الدين، بيروت: دارالارقم، ١٩٨٧ م. مؤسسه الاعلمي، ١٤٤ ص
وزيري

٢٥٠- شيخ الأبطح ابوطالب (عليه السلام) (اردو)، سيد محمّد علي آل شرف الدين العاملي الموسوي (م ١٣٧٢ هـ)، مترجم:
سيّد ظفر مهدي گهر، كاتب سيّد سبط حسن بن وارث، چاپ سنگي، ١ جلد، ١٠٢ صفحه، وزيري چاپ اول: هند ١٣٥٠
قمرى

٢٥١- شيخ الأبطح أو ابوطالب (عليه السلام) (عربي)، سيد محمّد علي ال شرف الدين موسوي عاملي

مقدمه شيخ محمّد مهدي شمس الدين، وزيري، چاپ دوم ١٤٠٧ هـ ق نشر مطبعه دارالارقم / بيروت و صور

٢٥٢- شيخ بنى هاشم ابوطالب عمّ النبي، عبدالعزيز سيّد الأهل

٢٥٣- صحوه الطالب فى ردّ الشبهات عن أبى طالب، أستاذ عماد بن عبدالكريم بن عبدالحميد شافعي رفاعي (المولود ١٩٦٢ م
)، چاپ اول، بيروت، ١٤٢٦ هـ، ٤٦٤ ص وزيري .

٢٥٤- صفات أبى طالب عبدمناف (عربي - مخطوط)، مؤلف: شيخ مزمل حسين ميثمي غديري، نسب مؤلف شريف به ميثم
تمار مي رسد.

٢٥٥- طلبه الطالب فى شرح لاميّه أبى طالب (عربي)، على فهمي بن شاکر المصرى مؤستارى شافعي (جامى زاده)، مطبوع
تهران ١٣٢٧ - ٧٨ ص

ص: ١٥٣

٢٥٧- ظلامه أبي طالب (عليه السلام)، تاريخ و دراسه ، سيد جعفر مرتضى عاملی (١٩٤٤ م

) ، وزيری ، چاپ دوم ١٤٣٠ ق مركز الاسلامی للدراسات / بيروت، ١٧٥ ص.

٢٥٨- ١٤٠. ظلامه ابی طالب نظره فی آیه ، کاظمین الامانه العامه للعتبه الکاظمین المقدسه، ٩٦ ص، رقی

٢٥٩- عام الحزن وفاه شیخ البطحاء ابی طالب و السیده خدیجه الکبری ، کاظمین: الامانه العامه للعتبه الکاظمین المقدسه ، ١٤٣٣ق. ١٦ ص.

٢٦٠- عصمه النبی ونجاه أبویه وعمّه وصحه معجزاته حقیقه قطعیه الثبوت ، مؤلف: محمد زکی الدین شاذلی حسینی (١٩١٦ - ١٩٩٨ م). قاهره ١٩٧٢ م.

٢٦١- عقیده ابی طالب (عليه السلام) ، سید طالب حسینی رفاعی ، بيروت: دارالاضواء، ١٩٩٠ م.

٢٦٢- عطاءات ابی طالب دراسه عصریه لادله حقیقیه مستوحاه من الكتاب والسنه تثبت ایمان ابی طالب (عليه السلام) ، عبدالحسین خزاعی ، نجف: العتبه العلویه المقدسه، ١٤٣٦ق. ١٨٠ ص.

٢٦٣- عمدہ الطالب فی مناقب ابی طالب ، مولف: جلال الدین حسن داودی موسوی حسینی ، تصحیح: محمّد حسن آل طالقانی (معاصر) ، وزيری ، چاپ: دوم نشر مطبعه الحیدریه / نجف اشرف

٢٦٤ و ٢٦٥- عیون المطالب فی اثبات ایمان ابی طالب ٢جلد ، صائم چشتی لاهور: ١٤١٢ق. چشتی کتب خانه جهنگ بازار فیصل آباد ، جلد اول ٦٠٥ ص،

۲۶۶- غایه المطالب فی بحث ایمان ابی طالب (علیه السلام)، مؤلف: علی کبیر هندی إله آبادی (۱۲۱۲-۱۲۸۵ هـ)

۲۶۷- غایه المطالب فی شرح دیوان ابی طالب (علیه السلام)، شارح: سید محمد خلیل خطیب مصری مکتبه ۳۲۹

۲۶۸- غایه المطلوب فی شرح دیوان ابی طالب عم النبی، جمع و شرح: سید محمد الخطیب النیدی الاخمینی المصری، طنطا مصر، ۱۹۵۱م. - ۱۸۵ص

۲۶۹- فتح الغالب در شرح المطالب در إثبات ایمان حضرت ابی طالب (أردو) مؤلف: ذاکر حسین حکیم کهنبان.

۲۷۰- فرزندان ابوطالب (علیه السلام) (فارسی)، ابوالفرج اصفهانی

۲۷۱- فصاحه ابی طالب، سید ابو محمد حسن بن علی الأطروش

۲۷۲- فضائل (فضل) ابی طالب و عبدالمطلب و عبدالله ابی النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) ابوالقاسم سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ هـ)

۲۷۳- فقدان همسر و کفیل، سید مجید پورطباطبایی

۲۷۴- فیض الواهب فی نجاه ابی طالب (علیه السلام)، شیخ احمد فیضی حنفی جورومی (۱۲۵۳ - ۱۳۲۷ هـ)، چاپ اول: ۱۳۹۸ هـ مصر

۲۷۵- فیضان ابوطالب (علیه السلام)، سید بدر الحسن فیض آبادی (۱۹۷۲ م) (اردو)، بنارس

۲۷۶- کاروانی در سایه ابر، غلامرضا کاردان، قم: موسسه در راه حق، ۱۳۷۱.

۲۷۷- کافل الیتیم (ابوطالب، یا شیخ الابطح در ایمان ابیطالب)، شیخ میرزا نجم الدین جعفر تهرانی این کتاب در سال ۱۳۸۰ق. در مطبعه آداب نجف در

۲۷۸- کبير الصحابه أبوطالب (عليه السلام) ، عبدالرسول غفارى ، وزيرى ، چاپ اول عتبه العلويه المقدسه. نجف اشرف، ۵۵۱ ص.

۲۷۹- كتاب فى عبدالمطلب و عبدالله و ابى طالب (عليهم السلام) ، محمّد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه (صدوق) متوفى ۳۸۱ هـ

۲۸۰- کتابنامه حضرت ابوطالب (عليه السلام) (۱)

، سید محمد حسن سجّاد (کتاب حاضر)

۲۸۱- کفيل رسالت(اردو) ، سيد اعجاز حسين نقوى

۲۸۲- کلام أبى طالب (اردو) ، مؤلف: مولى على حسنين بن محمد قيوم جنفورى الهندى (۱۳۴۴ - ۱۴۱۱ هجرى).

۲۸۳- ما رواه أبوطالب عن ابن أخيه الرسول الاعظم (صلى الله عليه و آله وسلم) ، گردآورنده محمد مهدي صباحى (۱۳۳۶).
رقعى ، چاپ اول ۱۴۳۷ مؤسسه ابى طالب. قم

۲۸۴- ما قيل من الشعر فى أبى طالب ، سید على غريفى خطيب هاشمى نجفى

۲۸۵- محبوب الرغائب فى ترجمه أسنى المطالب (اردو) ، محمد نجم الدين على صاحب مدراسى ، چاپ اول: حيدر آباد،
الدکن، ۲۳۵ صفحه. مطبعه محبوب شاهى ، ۱۳۱۳ هجرى ،

۲۸۶- محمد فى بيت عمه أبى طالب ، محمد عطيه الأبراشى . چاپ اول، القايره، مکتبه مصر، ۱۹۷۰ م.

ص: ۱۵۶

۱- . در سال ۱۳۷۰ پس از آنکه با راهنمایی های استاد بزرگوارم مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مصطفی خبازیان زاده رحمه الله با شخصیت حضرت ابوطالب (عليه السلام) آشنا شدم، با مراجعه به کتاب الغدير علامه امینی رحمه الله عليه و معرفی کتابهایی که درباره حضرت ابوطالب (عليه السلام) نگاشته شده، به کتابخانه ها و فهرستهای کتب خطی و چاپی کتابخانه های بزرگ مراجعه کرده و کار تهیه و تنظیم این کتابنامه را شروع کردم.

٢٨٧- محمد فى كفاله أبى طالب ، ابراهيم يونس ، قاهره: مكتبه غريب، ١٩٧١م.

٢٨٨- ١٣١. شيدايى پور، محسن ، مردان بنى هاشم عبدالمطلب ، ابوطالب ، عبدالله و حمزه ، قم: ديانت، ١٣٩٢ - ٩٦ ص جيبى.

٢٨٩- حسين محمد على فاضلى المرشد، ابوطالب عم النبى (صلى الله عليه و آله وسلم) و والد الوصى (عليه السلام) المومن قبل الاسلام، عددخاص ٢١-٢٢، بيروت: دار المحججه البيضاء، ١٤٢٩ق.، ٤٧١ ص.

٢٩٠- مشجره نسب آل أبى طالب (عليه السلام) ، حسن بن على بن محمد بن ابراهيم بن احمد ابو على قطان مروزى (٤٦٥-٥٤٨ هـ)

٢٩١- مطلوب الطالب در ايمان أبى طالب (اردو) ، مؤلف: كاظم حسين جاروى پاكستانى نجفى القتيل (١٩٤١

م)

٢٩٢- مظلوميه ابى طالب (عربى) ، مؤلف: شيخ علاء مالكى ، چاپ اول نجف اشرف ، ١٤٢٤ هجرى، ١٨٨ ص رقى.

٢٩٣- معارج الفرقان فى عصمه أبى طالب عمران من آيات القرآن (اردو) ، مؤلف: شيخ خواجه محمد لطيف بن محمد عقيل انصارى (١٣٠٥ - ١٣٩٩ هـ).

٢٩٤- مقاتل آل أبى طالب (عليه السلام) يا الميضة فى أخبار آل أبى طالب (عليه السلام)

٢٩٥- مقاتل الطالبين (عربى) ، مؤلف: ابوالفرج على بن حسين اصفهانى بغدادى زيدى مروانى علوى ٣٥٣ - ٢٨٤ هـ ، وزيرى، چاپ دوم ١٣٨٥ هـ / ١٩٦٥ م نشر مكتبه الحيدريه ، نجف اشرف

٢٩٦- مقام ابوطالب ، عزيز على لاهور ١٩٧٦ م (اردو)

٢٩٧- مقصد الطالب فى ايمان (احوال) آباء النبى و عمه ابوطالب (عليه السلام) (فارسى)

ص: ١٥٧

شمس العلماء میرزا محمد حسین ربانی گرگانی معروف به جناب (۱۲۶۳ - ۱۳۴۵ هـ) ، رفقی وزیری ، چاپ اول محرم الحرام ۱۳۱۱ هـ ق ، چاپ سنگی ناشر دت پرساد. پریس / بمبئی.

۲۹۸ - ۳۰۱ - مناقب آل ابی طالب (علیه السلام) (۴جلد) ، ابوجعفر، رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی متوفای ۵۸۸ هـ - ، وزیری، چاپ اول نشر انتشارات علامه - قم

۳۰۲ - منتقله الطالبیه (عربی) ، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر طباطبا (متوفای قرن پنجم) ، تحقیق: سید محمد مهدی بن سید حسن خراسان

وزیری ، چاپ اول ۱۳۸۸ هـ ۱۹۶۸ م. ناشر مطبعه الحیدریه / نجف اشرف.

۳۰۳ - منظومه در مدح ابوطالب ، مولوی حسن قندهاری ، تهران ۱۳۸۲ ق.

۳۰۴ - مُنی الطالب فی ایمان (نجاه) ابی طالب ، مولف: محمد بن أحمد رازی خزاعی نیشابوری

۳۰۵ - مُنی الطالب فی حیاہ ابی طالب ، غایه المطالب فی ابی طالب ، سید حسن قبانچی نجفی (۱۳۲۸ - ۱۴۱۱ هـ)

۳۰۶ - منیه الراغب فی ایمان ابی طالب (علیه السلام) (عربی) ، مولف: شیخ محمد رضا طبسی خراسانی نجفی (۱۳۲۲ - ۱۴۰۴) ، وزیری ، چاپ اول ۱۴۲۵ هـ ق ناشر: دار الولاہ - بیروت

۳۰۷ - منیه الراغب فی ایمان ابی طالب ، محمد رضا طبسی نجفی ، تحقیق عماد الدین طبسی ، قم ، ۱۳۹۵ ق - ۱۵۸ ص رفقی

۳۰۸ - منیه الراغب فی ایمان ابی طالب ، تحقیق محمد جعفر طبسی، قم: مرکز

ص: ۱۵۸

النشر التابع المكتب الاعلام الاسلامي، ١٤١٧ق. ٢٤٨ص.

٣٠٩- مٲٲه الراغب في مستدرک ديوان سيّد الأبطح ابي طالب (عليه السلام) (عربي) تدوين شيخ محمد باقر محمودي ، وزيرى ، چاپ اول نشر: مجمع احياء الثقافه الاسلاميه / قم. ٥١ ص

٣١٠- مٲٲه الطالب في إيمان أبي طالب (عليه السلام) ، مؤلف: سيّد حسين طباطبائي يزدي طهراني (واعظ) متوفى ١٣١٨ هـ ، چاپ اول: ١٣٠٤ هجرى ١٠٣ صفحه تهران.

٣١١- مٲٲه الطالب في ايمان ابي طالب ، ابوسعيد محمد

٣١٢- منى الطالب في ايمان ابي طالب ، شيخ محمد خزاعي نيشاپوري، صاحب كتاب الاربعون حديثا عن الاربعة

٣١٣- مٲٲه الطالب في حياه ابي طالب (عليه السلام) ، سيد حسن بن علي بن حسين قبانچي حسيني نجفي ، تحقيق: موسسه احياء التراث الشيعي، نجف الاشرف.

قم: دليل ما، ١٤٢٨ق. ١٤٢ص.

٣١٤- مواقف ابي طالب عقائده ام عاطفيه ، علي بهادلي ، قم: موسسه ام القرى للتحقيق والنشر ١٤٣٢ق. ٢٤٥ص.

٣١٥- «مواقف النبي صلى الله عليه و آله تجاه ابي طالب (عليه السلام)» ، محمد مهدي صباحي ، در: جشن نامه آيت الله رضا استادى، به كوشش رسول جعفریان، قم: كتابخانه تخصصي تاريخ سلام و ايران، ١٣٩٣.

٣١٦ و ٣١٨- مواهب الوهاب في فضائل ابي طالب (عليه السلام) والد أمير المؤمنين علي بن ابي طالب ، شيخ محمد جعفر بن حاج محمد نقدي تستري نجفي (١٣٧٠ - ١٣٠٣) ، چاپ سنگي ١٣٤١ ق نجف. تحقيق و تعليق محمد هادي

ص: ١٥٩

اميني، بيروت: شركة الكتبي، ١٩٩١م. ٣٠٤ص

٣١٩- مهاجران آل ابوطالب

٣٢٠- رياض المصائب في رزايا آل ابي طالب ، ميرزا علي

٣٢١- ناصر الرسول ابوطالب ، كاظمين: الامانه العامه للعبه الكاظمين المقدسه، ١٤٣٢ق. ٣٦ص.

٣٢٢- نخب المناقب لآل ابي طالب

٣٢٣- عمدہ الطالب في نسب آل ابي طالب ، ابن عقبه

٣٢٤- اسنى المطالب ، احمد صائب بائ

٣٢٥- نبوءه ابي طالب(عليه السلام) عبد مناف ، مؤلف: مزمل حسين الميثمي الغديري

٣٢٦- نجاه ابي طالب ، مولف: كاظم بن سلمان حلي كاظمي (١٣٠٢ - ١٣٧٩ هـ)

٣٢٧- نگهبان رسالت ، عابده نرجس ، لاهور، ١٩٩٥م. (اردو)

٣٢٨- نسب ابي طالب، هشام بن محمد الكلبي (م ٢٠٦ ق.).

٣٢٩- نص ابي طالب على النبي من كتب الاسماعيليه

٣٣٠- نصره ابي طالب للإسلام ، مؤلف: شيخ نجاح بن محمد حسن خزرجي (١٩٥٧م) ، مخطوط نزد مؤلف

٣٣١- نصره ابي طالب للإسلام ، نجاح محزم

٣٣١- نياكان نبوت وامامت (والدين رسول خدا و اميرالمومنين) ، علي اصغر يونسيان ، مشهد: يوسف فاطمه، ١٣٩٠. ٢٥٤ص.

٣٣٢- نيل المطالب في مظلوميته ابي طالب(عربي) ، علي عفراوى طرفى

وزيرى ، چاپ اول نشر: دارالمحجه البيضاء / بيروت. امجاد، ٢٤٠ص.

ص: ١٦٠

۳۳۳- واقع أبی طالب المؤمن (مخطوط) ، مؤلف: سید عبدالکریم آل السید علی خان (۱۳۱۷-۱۴۱۱)

۳۳۴- یگانہ مظلوم تاریخ ، علی صالح رسن محمدآوی

۳۳۵- هذا هو أبوطالب (عربی) ، محمد یوسف مرتضی عاملی ، بیروت: امجاد ، ۱۴۳۰ق. ۲۳۷ ص. وزیر

۳۳۶- هدایہ الطالبین فی أنساب آل أبی طالب ، تاج الدین مجید

۳۳۷- هدایہ الطالبین فی أنساب آل أبی طالب (شرح اللامیہ لأبی طالب(علیه السلام)) مؤلف: شیخ حیدر قلی خان سردار کابلی

ب - مقالات :

۱- «ابوطالب» ، عبدالکریم گلشنی ، دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج.۵، ص ۶۱۸-۶۲۰.

۲- ابوطالب، دائره المعارف الاسلامیہ الکبری، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج.۴، ص ۷۳۵-۷۳۷. (ترجمه عربی)

۳- ابوطالب بن عبدالمطلب ، اسماعیل آذری نژاد ، دانشنامه کلام اسلامی، جلد ۱، زیر نظر جعفر سبحانی، قم: موسسه امام صادق، ۱۳۸۸، ۷.

۴- ابوطالب مأوی الرسول والرساله ، حسن الحاج ، میقات الحج، العدد ۱۸، رجب ۱۴۲۳ق. ص ۱۲۲-۱۶۴.

۵- ابوطالب عم الرسول المصطفی مومن بنی هاشم، سیدحسن حسینی آل مجددشیرازی ، علوم الحدیث، العدد ۱۱، محرم- جمادی الثانیه ۱۴۲۳ق. ص ۸-۵۴.

ص: ۱۶۱

۶- ابوطالب مرد ستوده خصال ، غلامرضا گلی زواره در: مجموعه ره توشه راهیان نور. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ مقاله

۷- ایمان ابوطالب ، اسماعیل آذر دهدشتی ، مجله تخصصی کلام اسلامی سال ۴ ش ۵۵، ۱۳۸۴

۸- بررسی روایات ضحضاح، سید محمد مرتضوی ، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، ش. ۳/۸۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص. ۱۵۳-۱۷۳.

۹- حضرت ابوطالب از نگاه برخی مستشرقان، محمدرضا فخر روحانی ، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب (علیه السلام)» ، تابستان ۱۳۹۴، ص ۹۷-۱۰۶.

۱۰- در کنار پدر (ابوطالب) ، عبدالرحیم فنوت ، دانشنامه امام علی (علیه السلام) ، زیر نظر علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹. ج. ۸، ص. ۶۱-۱۴۴.

۱۱- شرح قصیده لامیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) از مرحوم علامه سردار کابلی، باقر قربانی زرین ، فصلنامه امامت پژوهی، ش ۱۱، پاییز ۱۳۹۲، صص. ۳۰۷-۳۱۳.

۱۲- شعر ابوطالب: گزارش و تحلیل ادبی و محتوایی، باقر قربانی زرین ، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب (علیه السلام)» ، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۰-۱۶۴.

۱۳- شیخ الأباطح فی شعر الأوردبادی ، قیس بهجت عطار ، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب (علیه السلام)» ، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۰۷-۱۱۹.

ص: ۱۶۲

- ۱۴- عقد الانامل در اثبات ایمان ابوطالب - میرزا ابراهیم بن ابی الفتح زنجانی، حمید سلیم گندمی ، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب علیه السلام»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۶۵-۱۸۴.
- ۱۵- مصاحبه علمی مکتوب با حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی فرج پور درباره حضرت ابوطالب، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب (ص)»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۷۳-۹۶.
- ۱۶- معجم ما أَلْف عن أبي طالب، عبدالله صالح منتفکی ، العددان ۶۳ و ۶۴، ۱۴۲۱ق. ص. ۱۶۳-۲۳۳.
- ۱۷- مقاله ای درباره حضرت ابوطالب (علیه السلام) روزنامه قدس ۲۳ / ۸ / ۷۷
- ۱۸- نظرخواهی درباره حضرت ابوطالب ، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب (علیه السلام)»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۹-۳۳.
- ۱۹- ابوطالب دانای قریش ، مجله صف ش ۹۱ - ۱۳۶۶ ش
- ۲۰- ابوطالب فریادگر توحید ، مسجد ش ۱۰۹ دی ۱۳۸۵
- ۲۱- ابوطالب بن عبدالمطلب هاشمی (۷۵ قبل بعثت / ۱۰ بعثت) ، منصور داداش نژاد ، دانشنامه سیره نبوی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ج. ۱، صص. ۳۸۶-۴۰۲.
- ۲۲- ابوطالب حصن النبوه ، تامر محمد حمزه ، بقیه الله ، العدد ۲۳۹، رمضان ۱۴۳۲ق. ص. ۶۴-۶۷.
- ۲۳- ابوطالب عم النبی، محمدعلی بن محمد دقه ، مجله نهج الاسلام دمشق

ص: ۱۶۳

۲۴- ابوطالب مسلم بقلبه و لسانه، طالب علی شرقی، مجله ینابیع سال ۲ ش ۹، ۱۴۲۶ ق. نجف.

۲۵- ابوطالب مؤمن قریش، محمدعلی اوردبادی، در: موسوعه العلامه الاوردبادی، کربلاء: العتبه العباسیه المقدسه، ۱۴۳۶، ج ۱۰ ص ۷-۱۳.

۲۶- ابوطالب نصیر الاسلام، سیدطاهر سیدحسن، مجله التضامن (عراق - ناصریه) سال ۳ ش ۱ و ۲، ۱۳۸۵ ق.

۲۷- حضرت ابوطالب (علیه السلام) شخصیت بزرگ عالم اسلام این جزوه بریده ای از مطالب مجله پیام انقلاب است؛ در این جزوه تاریخ رحلت آن بزرگوار، هفتم ماه مبارک رمضان ذکر شده است.

۲۸- حضرت ابوطالب ج ۱، نشریه پیام دین مشهد ۱۳۸۶ - ۲۸ ص رقی

۲۹- حضرت ابوطالب دیدگاه ابن عربی ج ۲، نشریه پیام دین مشهد ۱۳۸۷ - ۲۸ ص رقی

۳۰- حضرت ابوطالب دیدگاه مولوی ج ۳، نشریه پیام دین مشهد ۱۳۸۶ - ۲۸ ص رقی

۳۱- حضرت ابوطالب شخصیت بزرگ عالم اسلام، پیام انقلاب، سال چهارم، ش ۷۶.

۳۲- حضرت ابوطالب دیدگاه اهل سنت ج ۴، نشریه پیام دین مشهد ۱۳۸۶ - ۲۸ ص رقی

۳۳- چهره جناب ابوطالب در ادبیات فارسی، امیرحسین رضایی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب (علیه السلام)»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۰-۱۴۹.

۳۴- دیوان ابی طالب، دکتر تیودور نولدکه (۱۸۳۶ - ۱۹۳۰ م)

توسط خاورشناس تیودور نولدکه ظاهراً در سال ۱۸۶۴ و ۱۹۸۷م. در مجله استشراف چاپ شده است.

۳۵- ساقی زائران خدا و نگاهبان رسول خداصلی الله علیه وآله (فارسی)، سید احمد روضاتی اصفهانی، روزنامه اطلاعات ۲۵ و ۲۶ / ۱۳۷۰ / ۱۲.

۳۶- کتابشناسی حضرت ابوطالب (علیه السلام)، ناصر الدین انصاری قمی، آینه پژوهش، ش ۲۱، آبان ۱۳۷۲. ص ۸۹-۹۶.

۳۷- کتابشناسی حضرت ابوطالب، میراث شهاب، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۹۱ شمسی. مروری بر دیدگاه های عماد عبدالکریم سرور شافعی در باب ایمان ابوطالب، مهدی مجتهدی، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب علیه السلام»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۳۴-۶۱.

۳۸- ناگفته هایی از تاریخ ابوطالب علیه السلام: تحلیل گزارش تاریخی خرگوشی (م ۴۰۷ق.)، سید نبیل حسنی، ترجمه و تلخیص عبدالحسین طالعی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب (علیه السلام)»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۶۲-۷۲.

۳۹- لامیه الشاعر ابی طالب بن عبد المطلب (البحث الثانی) دراسه فی مضامینها أولا (مناسک الحج)، شیماء هاتو فعل بهادلی، مجله ابحات البصره (العلوم

ص: ۱۶۵

ج - بخشهایی از کتب مفصل

علاوه بر کتابها و مقالات یاد شده، بسیاری از علما و بزرگان شیعه و سنی بخش مهمی از کتابهای خود را به موضوع حضرت ابوطالب و دفاع از ایمان آن بزرگوار و نقش آن بزرگوار در تاریخ اسلام اختصاص داده اند که به چند نمونه از آن اشاره میکنیم:

۱ - علامه مجلسی در جلد ۳۵ بحار الانوار (بیش از ۱۲۰ صفحه)

۲ - علامه امینی در جلد هفتم و هشتم موسوعه ی الغدیر (۱۰۰ صفحه)

۳ - آیت الله شیخ جعفر سبحانی در کتاب فروغ ابدیت

۴ - ابن ابی الحدید معتزلی در جلد ۱۴ شرح نهج البلاغه بیش از ۱۰۰ صفحه.

ص: ۱۶۶

بخش دهم: سروده های شعراء درباره حضرت ابوطالب (عليه السلام)

پيشگفتار

ص: ۱۶۷

در طول تاریخ درخشان و پرفراز و نشیب مکتب اهل البیت (علیهم السلام) هم چنانکه علما و نویسندگان، فقیهان و گویندگان با ایمان و فداکار از تمام توان و استعداد و همت و شور و نشاطشان در راه دفاع از حریم قدسی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و یاران و ذریه مطهر آن‌ها، بهره برداری نموده و مجاهدانه در میدان نصرت و یاری آن‌ها گام‌هایی استوار برداشته و تا مرز جانفشانی و شهادت پیش رفته‌اند، شعراً عالیقدر و سرایندگان دل‌باخته اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و دلدادۀ تشیع و امامان معصوم (علیهم السلام) و دلسوخته‌خانندان مظلوم رسالت و امامت (علیهم السلام) نیز در هر دوره و مرحله‌ای از تاریخ پرفراز و نشیب مکتب امامت، مخلصانه و فداکارانه، سرافرازانه و مفتخرانه قدم در میدان گذاشته، و از تمام هنر و استعداد و شور و نشاطشان بهره‌گیری نموده و با سرودن اشعار ماندگار و تأثیرگذار، نه تنها کمالات و ارزش‌های والای شخصیت‌های برجسته‌خانندان نبوت و امامت (علیهم السلام) را برای جامعه بشری بیان کرده‌اند بلکه در تبلیغ پیام‌های الهی و دینی آنها و رساندن ندای مظلومیت آنان نقش بسیار مؤثر و ماندگاری داشته‌اند.

آری، نه تنها بسیاری از فضائل و مناقب و مصائب و مظلومیت‌های خانندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) به وسیله شعراء با ایمان و ولایت‌تشریح و تبیین شده و در ارتقاء سطح معرفت پیروان مکتب شیعه نقش مؤثر و گسترده داشته است بلکه با زبان شعر و ادب، در ایجاد موج احساسات و عواطف پاک، در حمایت روحی و علمی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل البیت (علیهم السلام) و یاری رساندن به آنها و حمایت از مذهب و مرام آن‌ها، نقشی کم‌نظیر داشته‌اند.

یک نگاه اجمالی و گذرا به تأثیر شعراء دلسوخته و دلدادۀ اهل البیت (علیهم السلام) در مسئله غدیر و عاشورا، فاطمیه و جشن های میلاد امام زمان f نندبه ها و سوزوگدازها، به خوبی نشان می دهد که رسالت و وظیفۀ الهی و تاریخی شعراء و سرایندگان تا چه حد سنگین و تأثیر آن ها چقدر ارزشمند است.

یکی از موضوعاتی که در تاریخ مکتب مقدس اهل البیت (علیهم السلام) مورد ظلم قرار گرفته است، عظمت و شخصیت بزرگ مدافع اسلام و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) یعنی حضرت ابوطالب (علیه السلام) است که در اثر دشمنی های ستمگران اموی و عباسی نسبت به اول مظلوم عالم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با بهره گیری از همه امکانات مادی و تبلیغی، در پنهان کردن آثار فداکاری ها و مجاهدت های حضرت ابوطالب (علیه السلام) کوشیده اند، و از یک طرف، با سکوت و پنهانکاری و از طرف دیگر با تهمت و افتراء، حق کشتی نموده و خواسته اند که نور خدا را خاموش نمایند، ولی خدا اراده کرده است که با علم و دانش و اندیشه و تفکر و قلم و بیان و شعر و هنر پیروان راستین مکتب ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حقایق تاریخ روشن شود و چهرۀ تابناک بزرگ مدافع خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابوالائمہ الطاهرین و بزرگ مؤمن قریش

حضرت ابوطالب (علیه السلام)

برهمگان روشن شود.

هم اکنون سروده هایی از شعراء عالیقدری که در یک فراخوان معنوی، قدم در میدان عرض ادب به ساحت قدسی حضرت ابوطالب (علیه السلام) گذاشته و ذوق و ابتکار و شور و سوز خود را پیشکش آن حضرت و فرزند بزرگوارشان امیرالمؤمنین

ص: ۱۶۹

علی (علیه السلام) نموده اند عرضه می‌داریم. به علاوه شماری از سروده‌هایی که برخی از شعراء گذشته سروده‌اند و در بعضی از مجموعه‌ها منتشر گردیده است.

و شایسته است که تشکر و قدر دانی خود را نسبت به این دلدادگان مکتب امامت و ولایت که با کمال جدّیت و ارادت، قدم در عرصهٔ حمایت و دفاع از حریم بزرگ مظلوم تاریخ اسلام گذاشتند، و نه تنها با سرودن شعر عرض ارادت نمودند، بلکه با تشویق دیگران و همفکری و همراهی با آن‌ها، یک فضای نورانی و مناسبی را برای شکل‌گیری این مجموعه فراهم نمودند، اظهار نمایم. و هم چنین از دوستانی که در تمام مراحل سرودن اشعار و جمع‌آوری و مقابلهٔ مکرر آن‌ها، همهٔ همت و علاقه خود را به کار گرفتند، بالاخص از مداح دلباختهٔ اهل البیت (علیهم السلام) آقای حاج علیرضا مهرپرور دام‌عزه و توفیقه تشکر و قدر دانی می‌نمایم و از خداوند متعال سعادت دنیا و آخرت برای آنان آرزو می‌نمایم.

حوزهٔ علمیه اصفهان، سید حجت موحد ابطحی

۲۰ جمادی الثانیه، ۱۴۴۰

سالروز میلاد مقدس فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)

ص: ۱۷۰

۱- بی قرین مرد تقوا / محمد آتشی (آتشی)

سروده: شاعر ادیب و نکته سنج و با ولایت

آقای محمد آتشی (آتشی)

بی قرین مرد تقوا

بیا ساقی ای از تو دل

ها مصفاً

بده ساغری تا شود گرم

دلها

بده تا بنوشیم و گردیم

سرمست

ز مستی ندانیم دیگر سر

از پا

بده ساغری تا بشور

ولائی

شود طوطی طبع از شوق

گویا

بگوییم از روی مهر و

ارادت

به مدح ابوطالب آن مرد

دانا

ابوطالب آن مرد با حرمت

و فرّ

که می بود در مکه از

رتبه والا

بزرگی ز نسل بزرگان و

پاکان

شجاعی

قوی از شجاعان بطحا

از این خوبتر دودمانی

نباشد

اگر آشنایی به خوبان

دنیا

بنام نکو بود در مکه

مشهور

به آئین که او بود اصل

تولّا

که خود بر خلیل الله او

بود وارث

که خود بود مردی قوی و

شکیبا

کلید در خانه‌ی حق به

دستش

که او بود با علم و حلم

و توانا

سقاییت ز حجاج را داشت

با خود

به مکه به هر کار نیکو

مهیا

به نیروی تدبیر ، مردی

سرآمد

به تیغ سخن بود فاتح به

هرجا

کلامش چو شمشیر، بُرا و

محکم

و اشعار او دلکش و نغز

و شیوا

به رأی پدر بر محمد

معین شد

کفیل پیمبر شد او بی

محابا

به شعب خود او بر نبی

میزبان شد

ز جان و دل آن بی قرین

مرد تقوی

چه جانانه حامی شد او

بر پیمبر

ز خصم بداندیش کی داشت

پروا

ص: ۱۷۱

چنان تاخت از روی عقل و

درایت

بر آن قوم پُرفتنه و

اهل بلوا

که از خواب افتاد چشم

بداندیش

بر آن قوم نگذاشت آرامش

اصلاً

بدل هول و برجانشان

لرزه‌ها بود

ز بیم ابوطالب آن شیخ

بطحا

به پور برادر ز مهر و

عطوفت

حمایت گری گشت بی مثل و

همتا

از او بود و، سعی رسول

مکرم

که روشن نمودند ام

الْقُرَا

چو او گشت حامی ز جان

بر پیمبر

همان مرد نستوه بافرّ و دانش

علی آنکه باشد وصیّ پیمبر

بلی باشد از سعی آن پیشوایان

پیمبر به توفیق کامل شد

آنجا

سزد تا که فرزندی آرد چو مولا

ولی باشد از رتبه بر حق تعالی

کز اسلام باشد جهان پُر ز آوا

بلی « آتشی » کار دین است باید

شود در جه-ان حکم-م دادار، اج-را

چو می

گوید زبانم یا علی ، یاد تو می آیم

میان

یا علی های شب هر شیعه ، جا داری

در این

گلشن ، درخت از میوه قیمت می کند پیدا

تو

هم اینجا ز فرزندت علی قدر و بها داری

پسر را

وارث فضل پدر خوانند ، اما تو

ز فیض

این پسر ، بر تارک افلاک جا داری

« استاد محمد قدسی اصفهانی »

ص: ۱۷۲

۲- سپرِ نبی اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) / مهدی مددی (آثم همدانی)

سروده: شاعر و مداح اهل البيت (عليهم السلام)

آقای مهدی مددی (آثم همدانی)

سپرِ نبی اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)

سلام،

ای آینه کرامت

درود،

ای معنی استقامت

سلام،

ای حامی دین و قرآن

ای همه عمر در مسیر ایمان

باب

کریم اسد الغالبی

بحر سخای

و ابوطالبی

تو

مفتخر به حیدر و رسولی

ز کفر

و جهل مردمان، ملولی

زندگی

ات را همه کردی فدا

در ره

یاری رسول خدا

راه تو

از آن دگران جدا بود

زندگی ات

بندگی خدا بود

تو

لایق عزت و احترامی

تو پدر

دوازده امامی

نسل تو

، الحق که طلایی بُود

عشق تو

در سینه ، خدایی بُود

، خدای ،

بر تو عزّت و شرف داد

دسته

گلی ، همچو شه نجف داد

مهر

ولایت ز تو منجلی شد

که

حاصل زندگی ات علی شد

گل

پسرت به خلق ، مولا بُود

عروس

تو ، حضرت زهرا بُود

در آن

زمان که ظلمت و جهل بود

مکه به

دست قوم نا اهل بود

در آن

زمان که فتنه و بلا بود

تیر

جفا به سمت مصطفی بود

تو

سپهرِ نبیِّ اعظم شدی

بال و

پره رسول اکرم شدی

عاقبت

از داغ تو دلها شکست

چشم

نبی ، بهر تو در خون نشست

ای ز

تو سربلند ، حجر و حطیم

بی تو

نبی ، بار دگر شد یتیم

« آثم » دلخسته ، ثناخوان توست

ری-زه-خ-ورِ سفرهٔ احسان توست

ص: ۱۷۳

۳- رباعی / سید مصطفی آرنگ

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای سید مصطفی آرنگ

رباعی

ای عم گرامی رسول

دو سرا

وی والد ماجد علی

اعلی

گر بهر شفاعت ، تو

قدم پیش نهی

در روز جزا خدا ببخشد

همه را

گو خصم سیاه کند

دامان تو را

پاکیزه

سرشته ذات حق جان تو را

ز ایمان همه خلق بود

سنگین تر

در

کفّه اگر نهند ایمان تو را

ای حامی خاتم رسل

باب علی

بودی

تو به جوی زندگی آب علی

مظلوم شدی تو نیز

اندر تاریخ

مظلومی

تو برد ز کف ، تاب علی

ص: ۱۷۴

۴- شجر پاک / سیف الله آزاد روشن (آزاد)

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای سیف الله آزاد روشن (آزاد)

شجر پاک

پیرو

دین حنیف اسوه ابرار ابوطالب بود

آنکه

از کفر به دل داشت دو صد عار ابوطالب بود

محترم

بود به نزدش پسر عبدالله

حامی

احمد مختار، ابوطالب بود

چونکه

می خواست محمد برود جانب شام

یاورش

نیز به هر کار ابوطالب بود

چون

خدیجه پسندید شود زوج رسول

همدم و

محرم اسرار ابوطالب بود

آنکه

میثاق بیستی گه بعثت با او

که شود

یار نبی ، دشمن کفار ابوطالب بود

آنکه

اسلام بیاورد ولی مخفی داشت

تا

حمایت کند از دین ، بر اغیار ابوطالب بود

آنکه

در بزم عشیره شده همراه رسول

تا کند

دعوتش اظهار ابوطالب بود

ص: ۱۷۵

رادمردی

که درخشید در آن تاریکی

همچو

ماهی به شبِ تار ابوطالب بود

حامی

دینِ خدا، راحتیِ قلبِ رسول

آنکه

شد دشمن از او خار، ابوطالب بود

پسر

عبدمطلب، خلیفِ عبدمناف

پدر

جعفر طیار، ابوطالب بود

هست

اسلام، مجسم همه در چهره او

همه جا

سید و سالار ابوطالب بود

شجر

پاک بیاید که دهد میوه پاک

پدر

حیدر کرار، ابوطالب بود

آری « آزاد »

سرود این سخن تاریخی

یار حق در همه ادوار

ابوطالب بود

باغ توحید اگر سبز و شکوفا

شده است

از زلال نفس و عطر گل افشانی

توست

قلب پاک تو به اسلام شهادت

داده است

مهر تسلیم و رضا خورده به

پیشانی توست

« کمیل کاشانی »

ص: ۱۷۶

۵- حضرت ابوطالب (علیه السلام) و همسرش جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

سروده: شاعر دلباخته اهل البيت (عليهم السلام)

آقای جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

حضرت ابوطالب (علیه السلام) و همسرش حضرت فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها)

دل های

ولایی را دلدار ، ابوطالب

در

سلسله مهرت ابرار ، ابوطالب

شوقت به حدیث آید بسیار ، ابوطالب

زیباست که نامت شد تکرار ، ابوطالب

بنت

اسد آن گوهر از عزّ تو فرزانه

بالید به پیوندت شد جلوّه کاشانه

تو در

حرم عشقت داری گل خوشبویی

چون

بنت اسد زبید همتای تو بانویی

سجاده نشین عشق در قبله ابرویی

پرورده به دامانش فرزند خداجوئی

آن

مادر گیتی جاه آن دختر مهر و ماه

بانوی خرد آئین والای ملک در گاه

تو

شوهر و آن همسر ، همتای هم و همدل

آئین

شما محکم ، ایمان شما کامل

عشق نبوی در سر ، بر هم‌رهی‌ات قابل

شد در حرم النور قرآن خدا نازل

تو

یاور پیغمبر ، او مادر دامادش

خورشید ولایت را به به چه نکو زادش

ص: ۱۷۷

آن

قبله که ابراهیم با عشق بنایش کرد

توحید

و هدایت بود عهدی که وفایش کرد

جدّ تو چه خوش تعمیر از امر خدایش کرد

پیوند رسالت یافت ، این رتبه عطایش کرد

اسلام

تحقق یافت آئین سرآمد بود

توحید و عبودیت در دین محمد بود

هرچند

یتیم امّا، او شد پدر عالم

خاک کف

نعلینش ، کحل البصر عالم

آن معجزه جاوید ، تنها خبر عالم

سرمنزل ایمان بود ، در رهگذر عالم

بر

یاری او کردی ، چون حمزه حمایت ها

پیوند هدایت ها ، مصداق ولایت ها

فرزند

برومندی، مانند علی داری

این

هدیه شایسته ، از لم یزلی داری

خورشید جلالت را ، والا و جلی داری

اعجاز پیمبر را ، در بی مثلی داری

دو

جلوه رحمانی ، هم احمد و هم حیدر

هم چشمه و هم دریا ، هم زمزم و هم کوثر

از مدح

تو می بارد ، بر دفتر و دیوان نور

با نام تو بنشانم ، در واژه و عنوان نور

ای نور علی پرور ، در حلقهٔ ایمان نور

بنت اسدت را بود ، همچون تو به دامان نور

طوبی و

سلام لک ، حُسن است ثنای تو

ای

حامی پیغمبر، جانها به فدای تو

ص: ۱۷۸

۶- رباعی / سید علی احمدی (از خمینی شهر)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

سید علی احمدی (از خمینی شهر)

رباعی

آن کس که عدو به تهمتش

راغب بود

براهل سقیفه کینه اش

غالب بود

یک جرم فقط داشت و آن

هم این که

بابای علی بن ابی طالب

بود

آن کس که شرر بر دل

خونبارم زد

کافر شده چون کفر تو را

هی دم زد

از نسل همان است که

برخانه خود

بهر هوس رجال ، هی پرچم

زد

میزان چو بیارند بر

ایمان همه

ایمان تو هم رود به

میدان همه

ایمان تو کفه اش رسد

روی زمین

بالا برود کفه میزان

همه

ص: ۱۷۹

۷- ابوطالب (علیه السلام) از صلب انبیاء / اکبر افشار زاده (افشار)

سروده : شاعر دوستدار اهل بیت (علیهم السلام)

آقای اکبر افشار زاده (افشار)

ابوطالب (علیه السلام) از صلب انبیاء

ابوطالب

ادیبی با خدا بود

ابوطالب

ز صلب انبیاء بود

ابوطالب

که از نسل ذبیح است

تمام

کارهای او صحیح است

ابوطالب

که سقای حرم بود

برای

بی نوا صاحب کرم بود

ابوطالب

کلید خانه دوست

بدست

خویش دارد چونکه نیکوست

ابوطالب

به هنگام جوانی

چو او

دیگر نبوده قهرمانی

ابوطالب

کفیل مصطفی گشت

چو از عبدالمطلب او جدا گشت

ابوطالب

که باشد پیر بطحا

حمایت از محمد کرده هر جا

ابوطالب

برای رشد اسلام

به

نااهلان نشد ایمانش اعلام

ص: ۱۸۰

ابوطالب

که نیکو شعر می گفت

برای

دین دُر بسیار می سفت

ابوطالب

دفاعی از نبی کرد

نبوده کس بجنگ او هماورد

ابوطالب

و بعد از او خدیجه

چه

نیکو داد کوشش ها نتیجه

ابوطالب

چو رحلت کرد زین دار

بشد

آنسال سالی سخت و غم بار

ابوطالب

پیامی بر علی داد

رسان

بر مصطفی همواره امداد

ابوطالب

که از انصار دین است

ز صلب

او امیرالمؤمنین است

ابوطالب بکن در حق « افشار »

شفاعت از ب-رایش نزد دادار

باید

زمین دهان بگشاید به مدح تو

شاید

کمی ز دین خودش را ادا کند

غیر از

تو کو کسی که برای رسول عشق

این

گونه جان و مال و تنش را فدا کند

« مجید گلدار از

اصفهان »

ص: ۱۸۱

۸- حامی پیک و پیام / مرتضی امیری اسفندقه

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

استاد مرتضی امیری اسفندقه

(از تهران)

حامی پیک و پیام

سلام، حامی پیک و

پیام، ابوطالب!

سلام، ای ملکوت کلام

، ابوطالب!

نبود اگر کرم کامل تو

، گم می شد

یتیم آمنه در ازدحام،

ابوطالب!

به کیش خویش، خدا

را نظاره می کردی

فرا تر از همه ننگ و نام

، ابوطالب!

کتیبه ای ست نگاهت

به قدمت انسان

سلام ای جبروت تمام،

ابوطالب !

نداشت کعبه اگر حفظ

حرمتِ تو ، نبود

میان آن همه بت احترام

، ابوطالب !

چه گفت با تو

بُحیرا در آن شب شفاف

چه گفت با تو ؟ کجا ؟

از کدام ؟ ابوطالب... ؟

چه گفت با تو محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به او چه

گفتی تو ؟

که گفته بود سخن از

قیام، ابوطالب !؟

ص: ۱۸۲

پدر بزرگِ مُدارا!

مُرّوتِ خالص!

کهن تر از همه هر چه

مِرام، ابوطالب!

حسین (علیه السلام) خون تو دارد

به رگ که می جوشد

علی (علیه السلام) گرفته به نام تو نام، ابوطالب

!

فقط نبود محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)، که بود

سایه تو

مدام بر سر هر خاص و

عام، ابوطالب!

تو سایه بانِ سَرِ

تشنگانِ توحیدی

به پشت گرمی غیرتِ مدام

، ابوطالب!

سلام ای کلماتِ کهن ...

سلام، سلام

سلام ای ملکوتِ کلام،

ابوطالب!

عموی پیامبر

ابوطالب پناه بی پناهان

امیدی بود بهر ناامیدان

به قحطی همچنان باران

رحمت

به

تاریکی به سان نور رخشان

ز مرگ جانگداز تو ،

جوانمرد

برای خویش احساس خطر

کرد

تو بودی بهترین عم

پیامبر

دلش در سوگ تو گردیده

پر درد

« اشعری قمی »

ص: ۱۸۳

۹- شجاعتش بی مثل / مهدی انصاری

سروده: شاعر و مداح اهل البيت (عليهم السلام)

مهدی انصاری (از همدان)

... شجاعتش بی مثل

قلم ناتوان من حاضر

دم روح القدس مدد بنما

در دفاع از مقام بوطالب

وصف

او را تو بی عدد بنما

بنویسم ز آنکه در عصرش

هر که در دین خود مردد

بود

ابن عبدالمطلب ، آقای

کو در آئین حق مؤید بود

بنویسم ز آنکه در مکه

از بت و بت پرست نفرت

داشت

از کسی که شجاعتش بی

مثل

از همان که غرور و غیرت

داشت

شان او بس فراتر از این

هاست

هم عمو ، هم کنیل

پیغمبر

گر

چه خیلی بزرگتر از وی

بوده

اما دخیل پیغمبر

بوده دینش به دین

ابراهیم

آن

زمانی که بت پرستی بود

دیگران فکر سجده بر بت

ها

کی خبر از خدا پرستی

بود؟

یا ابوطالب ای که در

مکه

شرف خانوادگی داری

پدر و مادرم به قربانت

بر محمد تو یار و

غمخواری

این بُود از زبان پاک

نبی

که به تو همچنان ارادت

داشت

تا تو بودی به شخص

پیغمبر

چه کسی جرأت جسارت داشت

شرف ریشه در پدر دارد

ای به لطف تو ما همه

محتاج

بوده معروف بین اهل

طواف

پدر تو به ساقی حُجاج

ص: ۱۸۴

بین مردم زیانزد از

نیکی

بوده بسیار محترم ، آقا

پدر توست حافر الزمزم

هم ابوالسّاده ،

سیدالبطحا

مثل اصحاب کهف بودی تو

که طریقت خفای ایمان

است

حضرت صادق این چنین

گفته

اجر و پاداش تو دو

چندان است

اجر و مزد خداپرستی تو

صلب پاک تو شد گهر

پرور

پدر شیر بی قرینه تویی

خوش به حالت تویی

ابالحیدر

کعبه بر دست تو زند

بوسه

که خود کعبه مرتضی باشد

کوری چشم هر که دشمن

توست

پسرت ، شاه لافتی باشد

افتخاری دگر خدا به تو

داد

که یقیناً بُود نتیجه

حق

شاملت شد عنایتی که شوی

تو پدر شوهر حبیبه حق

فخرت این بس که ای

ابوطالب

اسوه‌ای همچو مصطفی

داری

حسنین اند و زینبین تو

را

نوه هایی که از خدا

داری

به گیتی جاودان شد نام

زیبای ابوطالب

بود چشم ملک محو تماشای

ابوطالب

ز والائی به گردون

میرسد الحق مقاماتش

نظر کن بر مقام و جاه

والای ابوطالب

« ماهر

اصفهانى »

ص: ۱۸۵

رباعی / علی اصغر انصاریان

سروده: شاعر و مداح اهل البيت (عليهم السلام)

علی اصغر انصاریان

رباعی

بابای

علی هستی و جان قربانت

یاری

رسول کرده ای با جانت

محشر ، تو و خلق را اگر

حق سنجد

بالله

که برتری تو در ایمانت

با

جان و دل ، مدافع شخص پیمبری

در

روز حشر از همه خلق برتری

پورت

علی ، قسیم بهشت و جهنم است

کافر

هر آنکسی است که گوید تو کافری

۱۰- رایتِ دین / دکتر سید امیر محمود انور

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

دکتر سید امیر محمود انور

رایتِ دین

اگر

بوطالب و پورش نبودی

جهان

را کی به آیین برفزودی

که

بوطالب به مکه رایت افراشت

علی

آن را به یثرب نیک برداشت

ز تیغ

ذوالفقار جان شکارش

نکو

گردید این دین کار و بارش

ص: ۱۸۶

۱۱- حضرت ابوطالب (علیه السلام) / حاج امیر ایزدی همدانی (ایزدی)

سروده: شاعر دلسوخته اهل البيت (عليهم السلام)

حاج امیر ایزدی همدانی (ایزدی)

حضرت ابوطالب (علیه السلام)

مدد

جویم ز مولایم ، علی عالی اعلا

که

گردد طوطی طبعم به مدح باب او گویا

همان

کاو بود از نسل خلیل و پیرو دینش

همان

مردی که در هر عصر باشد ، اسوة تقوا

به نام

عبد مناف و کنیه اش بودی ابوطالب

که

باشد شافع جرم و گنه در روز وانفسا

اگر چه

یاد او کم می شود ، ما را قرین با جان

اگر چه

نام او بر لب به ندرت آوریم ، اما

بُود

تابنده همچون مهر گردون ، مهر آن سرور

به دل

های همه آزادگان ، تا محشر کبری

زبان

هایی که اوصاف علی گویند ، در ظاهر

به

باطن وصف او گویند ، با صد کهکشان ایما

تو

کاندر گلشن هستی ، گل روی علی جوئی

ز یمن

باغبان باشد ، اگر باشد گلی زیبا

سفارش

کرده شاه لافتی بر شیعیان خود

به جای

آرند حج ، از بهر آن فرزانه والا

ص: ۱۸۷

دروود

آفرینش بر ابوطالب ، که از حق او

پس از

عبدالطلب شد ، کفیل خواجه اسرا

ز یکسو

بعد عبدالله ، جای او ابوطالب

ز جان

نقش پدر را کرد ، بهر مصطفی ایفا

ز یکسو

زوجه او در نبود آمنه بودی

به

احمد از عطوفت مادری دلسوز در معنا

سلام

خالق اکبر به باب و مادر حیدر

که می

بودند احمد را چو حیدر ، مادر و بابا

سلام

حامد و محمود بر روح ابوطالب

که می دانست احمد ، فرض بر خود حرمت او را

سلام

سورة المؤمنون بر مؤمنی چون او

که

ایمان داشت بر حق پیشتر از بعثت طاها

سلام بوالبشر

بادا به ابناء ابوطالب

عقیل و

جعفر و طالب ، علی عالی اعلا

مپندارند

ابناء ورا چون سایر مردم

که می

بودند فخر آل هاشم هر یک از آنها

عقیل

او نسب دان بود و مردی صاحب عزّت

چنانکه

طالب او بود مردی فاضل و دانا

علی

مولود کعبه ، جعفرش طیار در جنت

که

احمد کرد بهر او نمازی خاص را اهدا

حدیثی

از کتابی چون اصول کافی ات گویم

که از

شیخ کلینی یادگاری مانده بهر ما

کتابی

معتبر آنسان که مهدی کرده تائیدش

چنین

فرموده : کافی هست ، کافی شیعه ما را

چو

شخصی گفت با قرآن ناطق ، جعفر صادق

الا ای

مصطفی پا تا به سر ، حیدر ز سر تا پا

گمان

کفر باشد ، اهل سنت را به بوطالب

بیان

فرما که این پندار می باشد صحیح آیا ؟

به

پاسخ گفت آن مولا ؛ دروغ محض باشد این

چه سان بوده است کافر ، آنکه او همواره می گفتا :

)

نمی دانید ای خیل قریش آیا؟ که ما دانیم

محمد

را نبی آنسان که می بودی نبی موسی (

)

شده در هر کتاب آسمانی قید، نام او

به دل

های همه نیکان بُود ، مهر وی از یکتا (

الا ای

مدعی انصاف ده ، چون کافرش خوانی؟

کسی را کاو گذشت از هستی خود در ، ره طاها

چه سان

باور کنم سر در بر بت خم کند مردی

که جدّ

او بُود معروف بر بشکستن بت ها

چه سان

باور کنم بوده است کافر آن خداجوئی

که از

صُلبش علی بگذاشت پا در عرصه دنیا

ص: ۱۸۹

علی

باب الله و بابش بُود کافر؟! عجب دارم

خدا

کی اینچنین فرزند بر کافر کند إعطا

اگر او

بود کافر از چه رو حامی احمد شد؟

چرا بر

یاری اسلام در هر حال بُد کوشا؟

کسی

کاو را سیادت بود و منزل داشت در مکه

چرا

شعب ابوطالب ورا شد، منزل و مأوا؟

الا ای

منکر اسلام عمّ نامی احمد

چرا مطرح کنی در بین خلق این دعوی بیجا؟

اگر ایمان

او می بود پنهان ، مصلحت بودی

که

راحت تر شود حامی دین سید بطحا

تورا

بغض علی در دل بُود ، ورنه نمی گفتنی

چنین حرفی که از آن خویشان را می کنی رسوا

اگر با

این عقیده از جهان بار سفربندی

یقین

در حشر بر سر می گذاری دست واویلا

بجای

بغض ، حبّ مرتضی امروز حاصل کن

که در

دیدار پیغمبر نباشی شرمگین فردا

چنین

فرمود بهر ما ، رئیس مذهب شیعه

که بر

اسرار ، او دانا بُود از ایزد دانا

سخن از

قصّه اصحاب کهف و مشرکین راندی

سپس از

وضع آن دوران بگفت و حالت آنها

ص: ۱۹۰

که در

ظاهر همی بودند مشرک ، لیک در باطن

بُذندی

معتقد بر کردگار پاک و بی همتا

خدا هم

داد بر آنها دو چندان اجر از رحمت

یکی

بهر تقیه ، و آن دگر ایمان پا برجا

بُود

ایمان بوطالب، چنان اصحاب کُهِف ، آری

تقیه

بود پنهان کاریش در عالم معنا

ابوطالب

یکی از مسلمینِ راستین باشد

که نتوان کس چو او دیگر در این عالم کند پیدا

چنان

از شعرهای او بُود ایمان او روشن

که نتوان در مسلمان بودن او کرد شک ، اصلاً

فضیلت

های او را نیست ممکن در شمار آرم

که

افزونتر بُود از برگ اشجار و شنِ صحرا

سرایم

گر به تشریح مقام او دو صد دیوان

بُود یک قطره ناچیز از آن بیکران دریا

حدیثی

خاطرم آمد که باید گفت با یاران

الا ای

طالب حقّ و حقیقت ، گوش دل بگشا

نبی را

فرض شد تا از خدیجه ، همسر پاکش

چهل شب

دور باشد ز أمر ذات ربّی الاعلا

در این

مدّت شود در گوشه ای گرم عبادت او

که حق

بر او ببخشد دختری چون زهره زهرا

ص: ۱۹۱

کجا

آورد احمد رو، به کوه نور یا کعبه؟

و یا

بهر عبادت کرد جا در سینۀ سینا؟

و یا بگذشت از فرش و به سوی عرش راهی شد؟

نیایش

کرد این ایام را در سایۀ طوبی

نه، بل او چشم خود پوشید از کون و مکان یکسر

سرای

عمّ خود را برگزید آن سید والا

شرافت

بین که در کاشانۀ عبدمناف آن شه

به

خلوت تا چهل شب بود، با خلاق بی همتا

در آن

کاشانه سیبی از جنان جبریل آوردش

که در آن بود پنهان نطفۀ انسیه الحورا

سرایش

مرکز توحید و تنزیل ملائک شد

که

برگردش طواف آرد روانِ مسجد الاقصی

ابوطالب

بُود اُسْطُورَةُ اخلاص در عالم

ابوطالب بُود بحر کرم ، منظومه تقوا

چنان

بُد مهربان با خواجه لولاک از رأفت

تو

گوئی بود احمد نیز فرزندی دگر او را

نبی از

شادی او شاد بود و از غمش ، غمگین

که از

کار محمد بارها او شد گره بگشا

ص: ۱۹۲

ابوطالب

وِرا جانان و او جان ابوطالب

کنار

یکدگر بودند همچون کوه پا برجا

به

دورانی که شد تحریم از کفار بد اختر

تجارت

کردن و تزویج با خیل مسلمانها

در

ایامی که در شعب ابوطالب ، خداجویان

به سختی عمرشان می گشت طی از فتنه اعدا

محمد

دلغمین از وضع و حال پیروانش بود

که

اندر آن حصار تنگ می بودند در ایذا

دگر

باری گران بر دوش ختمی مرتبت آمد

ز داغ

مرگ عمی نامدار و پاک و بی همتا

دو یار

و یاور دیرینه با امر قضای حق

جدا از یکدگر گشتند آخر از بد دنیا

ابوطالب

برفت و مصطفی بنشست در سوگش

چنان شمعی که از فقدان پروانه است در غوغا

به عام

الحزن شد مشهور سال مرگ بوطالب

که از فقدان او گردید محزون سید بطحا

سرشک

از دیده می بارید پیغمبر ز داغ او

چو آن

کودک که او را نیست بر سر سایه بابا

در

اینجا باز یادم از حدیث کربلا آمد

دلم

گردید خون از خاطرات روز عاشورا

ص: ۱۹۳

برادر

زاده‌ای بهر عمو گریید در مکه

ولی در

کربلا برعکس شد این صحنه غمزا

برادر

زاده ای می داد جان در بین خاک و خون

عموی

تشنه کام او کنارش بود در نجوا

تو

گوئی داغ اکبر تازه شد بهر حسین آن دم

که جسم

قاسمش را یافت زیر سم مرکب ها

یتیم

مجتبی را دید در هنگام جان دادن

کشید از

درد ، پای خویشتن بر خاک آن صحرا

تن

غرفه بخونش را به سوی خیمه گه آورد

کنار

جسم اکبر بر زمین بگذاشت جسمش را

میان آن دو تن بنشست و زاری کرد و با حسرت

گهی بودش نظر بر قاسم و گه اکبر رعنا

حسین

بن علی شد پیر از داغ عزیزانش

چه حالی داشت در آن لحظه یارب ، زینب کبری

میان

خیمه نجمه مادر قاسم به نجوا بود

برای قاسم خود ناله سر می کرد ، واویلا

(یکی

ای کاش آنجا بود و لیلا را خبر می کرد)

که

بیند اکبرش گردیده همچون لاله حمرا

ص: ۱۹۴

همه

بگریستند از داغ آنها لیک آنها خود

به خون

خویش غلطیدند و خندیدند بر دنیا

به

ظاهر گر چه جان دادند ، جاویدند تا محشر

کنون

دارند رزق از لطف حق در جنت المأوا

به سوز

سینه آن مادران سوگند ، یا الله

که در

راه تو بگذشتند از فرزند ، بی پروا

جوانان

وطن را پیرو راه ولا گردان

بحقّ

قاسم نجمه ، بحقّ اکبر لیلا

پذیرا باش این اشعار را از « ایزدی » چون

او

ندارد غیر درگاه تو دیگر

مأمن و ملجا

بزرگ مکّه ای ، ای پور

عبدالمطلب ، اما

عروسی مثل زهرا را برای

خود سعادت دان

محمد را به فرزندان خود

ترجیح می دادی

همیشه تکیه گاهش بودی و

چون کوه ، پشتیبان

« قدسی اصفهانی »

ص: ۱۹۵

۱۲- السلام عليك يا ابوالائمہ الطاهرين / سيد محمد حسين شريعت موسوی (برادر)

سرودہ: شاعر خاندان امامت (عليهم السلام)

سيد محمد حسين شريعت موسوی (برادر)

السلام عليك يا ابوالائمہ الطاهرين

مرا گفتي حديثي نغز و

شيرين

يكي ز اهل دل و عشاق

ديرين

حديث ساقی ميخانه عشق

امير چابک و فرزانه عشق

همی فضل علی خواندی و

بابش

همی سُفت از محبت در

نابش

گذر کردی یکی طعنه زن

پست

به مولانا علی و قلب

او خست

بگفت: ای شاه، ای میر

زمانه

به عالم یگه تازی و

یگانه

سبق گیرنده بر هر فوق و

هر دون

اسیر و رام تیغ چرخ

گردون

دریغا ای تو سلطان

مناقب

جمالت سجده گاه نجم

ثاقب

تو بنشسته به تخت و

کرسی اوج

به بابت آتش دوزخ زند

موج!!

بر آشفتش که ای قلب تو

ناشاد

تو ای بر مادرت داغت

فزون باد

زبان‌ت الکن و از نطق

بسته

دهان نحس تو بادا شکسته

خدا را! گر که بایم

روز میعاد

ز کلّ مذنبین و اهل

بیداد

بَرَد دست شفاعت سوی

ایزد

خدا باران رحمش را

بریزد

چنان کز جرم و عصیان

خلاق

ز ناپاکئی و از قید

علاق

شود طومار محشر یکسره

پاک

نباشد هیچکس را از گنه

باک

عیان گردانمت تا فاش

بینی

و تا مالم تو را بر خاک

بینی

اگر باشم قسیم النار

دوزخ

و بایم اندرونش ، وای

آخ

ص: ۱۹۶

ولی ای شاه میزان السعاده

بود باب تو مقبول الشفاعه

منم امروز بر این قول

قائل

ابوطالب مسلمانی است

قابل

هر آن کس غیر این باشد

خطابش

بود با حیدر صفدر حسابش

علی ای اُسوه یکتاپرستی

ز تو و باب تو این شور

و مستی

به حق باب الگو در

دلیری

« برادر » را نما تو دستگیری

رسان بر آستان عزّ و جاهت

که زنده می شود از یک نگاهت

نظیر لیلہ القدری که ناپیدا

بود قدرش

عیان بر خلق نبود قدر

پنهان ابوطالب

به ایثار و خلوص و

عشق و عرفان و جوانمردی

گواهی می دهد اشعار

دیوان ابوطالب

چه توفیقی از این

بهتر که بابای علی باشد؟

بنازم من به این

توفیق شایان ابوطالب

« ملتجی خراسانی »

ص: ۱۹۷

۱۳- سید و سالار اقوام حجاز / سید علی اصغر هاشمی (بقا)

سروده: شاعر دلدادۀ اهل البیت (علیهم السلام)

سید علی اصغر هاشمی (بقا)

سید و سالار اقوام حجاز

مرغ

طبعم باز هم پرواز کرد

با

نوای دل سفر آغاز کرد

در

هوای دوست پر بگشود باز

رفت یک

سر جانب ملک حجاز

یافت

در خلوتگه جانان مُقام

دید آنجا

عاشقی والا مقام

جز

ابوطالب در آن خلوت نبود

آنکه

از صاحب‌دلان دل می‌ربود

بخت

امشب گر مرا یاری کند

بر

زبانم شعر تر جاری کند

شمه

ای آرم ز وصفش بر زبان

آنکه

باشد رفعتش تا آسمان

ای

ابوطالب بیا در شعر من

از

زبانم باز کن قفل سخن

باز کن

این قفل های بسته را

جان

بده گل واژه های خسته را

آتشی

بر پای کن در جان من

تا کنم

امشب ادا حق سخن

این

تویی عبدالمطلب را پسر

این

تویی بر فاتح خیبر پدر

این

کفایت از کجا آورده‌ای

هم

پیمبر هم علی پرورده‌ای

هیبت و

ایمان و عشق و اقتدار

در

بلندای وجودت آشکار

هیچ کس هم سنگ و هم پایت نبود

آسمان

آورده پشت سر فرود

ای تو

پشتیان دین سرمدی

حامی

اسلام ناب احمدی

این

تویی از نسل اسماعیل پاک

چهره

ات از نور ایمان تابناک

ای

کلید کعبه ات را اختیار

ای به

دست پور پاکت ذوالفقار

ای

رهین کوششت دین مبین

بر تو

و برخاندانت آفرین

هر که

شک دارد به ایمانت یقین

هست از

طاغوتیان و ضالین

ص: ۱۹۸

یافت

احمد رشد در دامان تو

گشت

جان او عجین با جان تو

بارها

بنهاد سر بر دوش تو

گرم شد

از گرمیش آغوش تو

گرد

شمع روی او شب تا سحر

می زد

پروانه آسا بال و پر

ای تو

و اجداد تو از دیرباز

سید و

سالار اقوام حجاز

تا

حمایت کردی از دین خدا

گشت

مستظهر رسول مصطفی

از تو

اسلام پیمبر پا گرفت

دین حق

سر تا سر دنیا گرفت

شاعر

بی مثل و مانند عرب

همدم و

یار پیمبر روز و شب

تا

نجاشی دید اشعار تو را

شد به

درد عشق احمد مبتلا

گشت

محو چامه پر آب تو

شد

مسلمان با کلام ناب تو

شیرمرد

بدر و احزاب و احد

وامدار

زور بازوی تو شد

جعفر

آن ضرغام میدان نبرد

از پدر

الحق شجاعت کسب کرد

جان

نثار احمد مختار شد

شد

شهید و جعفر طیار شد

این

همه ایثار در راه خدا

بر نمی

آید ز هر درد آشنا

علم و

ایمان ، ارث اجداد شما است

دین و

تقوا ، رزق اولاد شماست

سال

مرگت سال غم شد بر رسول

شد از

این غم جان پیغمبر ملول

اشک

جاری شد ز چشم مسلمین

شد سرا

پا غم امیرالمؤمنین

ای

ابوطالب به روز واپسین

کن

برون دست شفاعت ز آستین

خود شفاعت کن « بقای » خسته را

این به

اولاد علی دل بسته را

کن قبول این شعر بی مقدار را

شافعی شو این خطا کردار را

ص: ۱۹۹

۱۴- مشک فشان از دم تو / عماد بهرامی

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

عماد بهرامی

... مشک فشان از دم تو

اهل

شر با نظرت اهل نظر خواهد شد

سنگ با مهر شما شمس و قمر خواهد شد

منطق

و فلسفه را معجزه‌ات عاجز کرد

» ها

علی بشر، کیف بشر» خواهد شد

ما

همه طالب قریم و ابوطالب تو

خیر

با قوم تو و غیر تو شر خواهد شد

نفس

باد صبا مشک فشان از دم توست

عالم

تار به یمن تو سحر خواهد شد

ذره

از فیض تو با عرش تفاخر می کرد

سبزه

زیر قدمت مزرع زر خواهد شد

آل

عمران تویی و جان کلام الهی

به دل

عایشه این سوره شرر خواهد شد

مرتضی

(علیه السلام) گفته شما حق شفاعت داری

پس قیامت علناً روز ظفر خواهد شد

ص: ۲۰۰

اگر

ایمان جهان روی ترازو باشد

باز هم کفّه ایمان تو سر خواهد شد

پر جبریل

قشنگ است به هر کس ندهند

جعفرت بهتر از آن صاحبِ پر خواهد شد

خانه‌ات

مهبط وحی است ، حرا داری پس

عمر جبریل سر کوی تو سر خواهد شد

وقت مدح تو ز هو هوی ملائک

غوغاست

آنقدر هست که این قافیه « کر »

خواهد شد

رباعی

نزد

پیمبر ، از همه بالاتری تو

بابای

مولای دو عالم ، حیدری تو

ایمان تو ثابت شده بر

هر مسلمان

کافر

بود هر کس که گوید کافری تو

« پوریا باقری »

ص: ۲۰۱

۱۵- نور وراثت / هادی بیابانی

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

هادی بیابانی (از استان مرکزی)

نور وراثت

از نور وراثت علی مولا

شد

همکفو علی ، انیسه‌ی

حورا شد

تا چشم بشر جمال جانان

بیند!

کوثر بدرخشید و جهان

دریا شد

علی فرزند مهر

چون

بنده‌ی درگاه خداوند توایم

در بند

ره علی و در بند توایم

هرگز

نرود مهر شما از دل ما

ما تا

به ابد اسیر فرزند توایم

فرزند اسرار

فرزند

تو بر کل جهان سردار است

گنجینه ی

مکتوم ترین اسرار است

صدبار

اگر کعبه ترک بردارد

مولود

فقط علی حق کردار است

ص: ۲۰۲

۱۶- اسطورهٔ پاکی / رضا رضائی (بی‌ریا)

سروده: شاعر با اخلاص اهل بیت (علیهم السلام)

آقای رضا رضائی (بی‌ریا)

اسطورهٔ پاکی

ابوطالب

بزرگی لایق و مردی سرافراز

به شهر

مکه بود اسطوره‌ی پاکتی و اعزاز

سرآمد

بود در مکه ابوطالب ز بخشش

ز دست

و پای مردم کرده بی حد قفل غم باز

ندارد

مادر گیتی همانندش در این دهر

که

بوده با حق و با حق پرستی جمله دمساز

به

دنیا از پلیدی‌ها به دور و مرد حق بود

همیشه

با کلام حق سخن می‌کرده آغاز

هماره

دینمدار و خوش مرام و خوش بیان بود

از این

رو بوده او در عصر خود عالی و ممتاز

ابوطالب

یقیناً دینمدار است و مسلمان

ولیکن

این حقیقت را نمی کردست ابراز

تقیه

می نمود از بت پرستان بدانندیش

وگرنه

بوده در دین خلیل آن نکته پرداز

چنین

مردی پدر باشد علی مرتضی را

چه

عنوان و مقامی از خدا کرده ست احراز

شناگوی ابوطالب به دنیا « بی‌ری-ا » شد

از این رو هرکجا خواند سرودش را

به آواز

ص: ۲۰۳

۱۷- ابوطالب عموی بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / پرویز بیابانی (بی قرار)

سروده: شاعر باولایت (علیهم السلام)

آقای پرویز بیابانی (بی قرار)

ابوطالب عموی بزرگوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

بر دیار مکه حاکم جهل

و استبداد بود

رایج آنجا شیوه بی دینی

و الحاد بود

بود عبدالمطلب حق جوئی

از نسل خلیل

عهد

دار کعبه، انسانی سرافزار و جلیل

داشت فرزندی رشید و مؤمن

و با اقتدار

در

طریق یاری از حق همچو کوهی استوار

بود ابوطالب به نام،

آن نیک رای پارسا

رهر

اجداد پاک خود، عموی مصطفی

طبق فرمان پدر یاری به

عمّ خود نمود

حافظ جان محمّد از ره

اخلاص بود

همسر آن مرد حق شد

فاطمه بنت اسد

مادر حیدر، ولیّ خالق

حییّ احد

شد دل بیت الحرام از

امر ربّ العالمین

زادگاه حیدر صفدر

امیر المؤمنین

هر که

دین را چون ابوطالب نکو یاری کند

حق

به او پاداش عالی در دو عالم می دهد

آفرین بر همت والای آن

مرد خدا

آن

مسلمانی که از احمد نشد یکدم جدا

« بیقرارا » حق چو ناظر بود بر اعمال او

مرحمت فرمود و ، او را داد فرزند نکو

چو می گوید زبانم یا

علی ، یاد تو می آیم

میان یا علی های شب هر

شیعه ، جا داری

« قدسی اصفهانی »

ص: ۲۰۴

۱۸- رباعی / محمد علی مجاهدی (پروانه)

سروده : شاعر فرهیخته و نامدار اهل بیت (علیهم السلام)

استاد محمد علی مجاهدی (پروانه)

رباعی

کس نیست که فرزند تو را طالب نیست

او دست خدا و کس بر او غالب نیست

فرزند

که مظهر العجایب باشد

پیداست پدر به جز ابوطالب نیست

بوده

است بسی دامن عیسی پرور

پرورده کجا ذره به دامن ، خورشید

اما

چو ابوطالب مولا پرور

کی دیده کسی قطره دریا پرور

پیوسته

تو را اهل ولا می خوانند

وز فضل و کمال تو سخن می رانند

بر

خویش ببال ز آنکه فرزند تو بود

مردی که گروهیش خدا می خوانند

ص: ۲۰۵

سروده: شاعر خاندان رسالت (عليهم السلام)

آقای نوید پور مرادی

(از قم)

تو با خبر از سزای و ...

وقتی که تو اینقدر صفا

داشته باشی

باید که به چشم همه ،

جا داشته باشی

اینقدر که بخشنده ای و

دست به خیری

حیف است همینقدر گدا

داشته باشی

جدّ پدریِ حسنی‌هایی و

، بد نیست

یک گوشه‌ی چشمی تو به

ما داشته باشی

باید که به ایمان خودش

شک کند آنکه

شک کرده تو ایمان به

خدا داشته باشی

تو فاطمه‌ی بنت اسد

داری و باید

در نسل خودت شیر خدا

داشته باشی

وقتی که علی بر سر دوش

تو نشسته

دیگر چه نیاز است عبا

داشته باشی

داماد

نبی شد پسرت ، چون که خدا خواست

در خانه‌ی خود فاطمه را

داشته باشی

ص: ۲۰۶

باید که ابالفصل شود

از نوه‌هایت

وقتی که تو اینقدر وفا

داشته باشی

با این نسب و قرب و

مقامی که تو داری

باید حرم و صحن و سرا

داشته باشی

با

اینکه خیال است ، قشنگ است که قبری

در گوشه‌ی ایوان طلا

داشته باشی

تو شیعه سر سخت علی

هستی و باید

در زند گیت رنج و بلا

داشته باشی

باید که به رسم همه شعر

و غزل‌ها

یک قافیه کرب و بلا

داشته باشی

تو با خبر از سرّی و در

خلوت شبها

شاید غم شاه شهدا داشته

باشی

یا با دل خود تا دم

دروازهٔ ساعات

شاید

سفری با اسرا داشته باشی

حسین (علیه السلام) خون تو دارد

به رگ که می جوشد

علی

گرفته به نام تو نام ، ابوطالب

« امیری اسفندقه »

ص: ۲۰۷

۱۹- بزرگمرد شعر و ادب / اسدالله دشتگرد اصفهانی (پیروز)

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای اسدالله دشتگرد اصفهانی (پیروز)

بزرگمرد شعر و ادب

خداوند

خاک و خداوند آب

جهان را به شش روز او آفرید

یکی ز آفرینش ابوطالب است

ابوطالب آن مرد با فز و فال

ابوطالب آن مرد شعر و ادب

جهان آفرین تا جهان آفرید

ز فرمان حق او نیچید رو

دمی از خداوند غافل نبود

اگر او در عالم بود بی خدا

خداجوییش در جهان طاق بود

همان بس که فرزند او حیدر است

که در

آفرینش نبودش شتاب

به گیتی به مانند او کس ندید

خداوند خود را ز جان طالب است

که از زهد و تقوی نبودش همال

که غافل نگشتی دمی ز امر رب

نظیرش به تقوی در عالم ندید

مدامش به لب بود او ذکر هو

به راه خطا هیچ مایل نبود

خدا جو کجا یافت باید کجا؟

به دلجویی خلق مشتاق بود

به رتبت ز مردان عالم سر است

چو « پیروز »

هر کس شود طالبش

شود ی-ار-ه-ر دم

اب-وطالبش

ص: ۲۰۸

۲۰- موحدی ز تبار ذبیح و ابراهیم / محسن اسلامی (پویا)

سروده: شاعر دلدادۀ خاندان ولایت (علیهم السلام)

آقای محسن اسلامی (پویا)

از اصفهان

موحدی ز تبار ذبیح و ابراهیم

نشسته

گرم تماشای آسمان حجاز

زده

است رشته ی دل را گره به جان حجاز

بیاد آورد از ظلم مردمانِ حجاز

چه زخم ها که به جان داشت از زبان حجاز

زمان

زمانه ی ارباب و ظلم و ظلمت بود

رواج

بُتگری و عهد جاهلیت بود

بیاد

آورد آن روزهای پیشین را

در

ابتدای رسالت شروع آئین را

نزولِ وحی و حرا و شبِ نخستین را

خدیجه را و علی را دو یار دیرین را

شبی که

مست از الهامِ «قُمْ فَأَنْذِرْ» بود»

و جانش آینه‌ی «أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ» بود»

پای

خواست که راهی خطیر بسپارد

لوای

دین مبین را به دوش بگذارد

و رسمِ کفر و نفاق از میانه بردارد

برای خسته دلان پیکِ مرحمت آرد

ص: ۲۰۹

بیای

خواست و پرواز داد انسان را

چراغ راه بشر ساخت نور قرآن را

بیاد آورد

آن روزها که تنها بود

حکایتش

به بلندای شام یلدا بود

و دست یاریِ مردی که روح بطحا بود

کسی که صاحب اکرام و شأن والا بود

موحدی

ز تبار ذبیح و ابراهیم

بزرگ کعبه و رکن و مقام و حجر و حطیم

کسی که دست و دلی پاک و با سخاوت داشت

به چشم

اهل حجاز اعتبار و عزت داشت

مقام سروری و منصب سقایت داشت

کلید کعبه به دستان با کفایت داشت

کلام

قاطع او بود نافذ و غالب

بزرگ مرد عرب حضرت ابوطالب

کسی که از دل و جان یار دین و قرآن بود

پناه

خسته دلی‌های اهل ایمان بود

به پاسداریِ اسلامِ مردِ میدان بود

بزرگِ مکه به اکرام و عدل و احسان بود

خدا

سپرد به یک دستِ او رسالت را

به دستِ دیگر او والیِ ولایت را

ص: ۲۱۰

به

سینه ای که در آن قلبی از ترحم داشت

همیشه زخم عمیقی ز درد مردم داشت

به باغ چهره شکوفائی تبسم داشت

و مهربانی او هر زمان تداوم داشت

توان

واژه کجا و مدیح گفتن او

(زبان

قناری گنگی است در سرودن او)

توئی

که مهّد رسول خدا سرایت بود

بهار

عاطفه در باغ دستهای بود

سرود چشمه‌ی خورشید در صدایت بود

و دست های علی بهترین عصایت بود

توئی که سینه ات از عشق منجلی شده است

ز فیض تربیت تو، علی، علی شده است

در آن

سه روز که در مکه بی قراری بود

نگاه

کعبه پُر از چشم انتظاری بود

شمیم عاطفه از مستجار جاری بود

هوای حِجر و حَجَر همچنان بهاری بود

تبارک

الله از آن آفتاب و از آن ماه

به کعبه شد متولد (علی ولی الله)

ص: ۲۱۱

خدا

قبول نمود از تو آن ارادت را

به

دودمان تو بخشید این سعادت را

ولادت دُرِ دُرْدانه ی امامت را

و بَرِ دُعای تو زد مُهرِ استجابت را

ز نام

خویش جُدا کرد و ساخت ارزانی

به احترام تو نامِ (علیِّ عمرانی)

بیا به

وادی اُمِّ القُرا سری بزیم

برای

دیدن آن آشنا دری بزیم

در آسمان ارادت بیا پری بزیم

به نقش خاطر خود رنگ باوری بزیم

بین چه عزّت و جاهی چه شأن محترمی

چه جایگاه بلندی چه روحِ محشمی

به عقل

گفتم از او استوارتر ، گفت او

به عشق

گفتم از او بی‌قراتر ، گفت او

به نور گفتم از او آشکارتتر ، گفت او

به سایه گفتم از او خاکسارتتر ، گفت او

چه گویم از که بگویم ؟ چه حرفها زده اند !

به روی اینهمه پاکی همیشه پا زده اند !

ص: ۲۱۲

توئی

که مهر تو آئینه تابِ وادیِ ماست

طلوع

یاد تو خورشید بامدادیِ ماست

امید و رحمت تو روحِ اعتقادیِ ماست

صلایِ عشق تو در گوشِ جانِ منادیِ ماست

کنون که شیعه دلش فرس آستانه‌ی توست

(کرم نما و فرود آ که خانه خانه‌ی توست)

پس از

وفات تو شد کعبه خانه‌ی اندوه

نشست

بر رُخِ احمد نشانه‌ی اندوه

و شد زمانِ عروجت زمانه‌ی اندوه

پس از تو سر بگذارد به شانه‌ی اندوه

دل

رسول خدا سخت بی قرارت بود

لباس

گریه به تن بر سرِ مزارت بود

هر

آنچه می رود این شعر تا تمام شود

دوباره

خاطره ای مطلع کلام شود

خوش آنکه مستی شعری (علی الدوام) شود

و با نگاه شما شاعر احترام شود

علی الخصوص بر این شیوه و بر این قالب

مُسَمَّطی که شود هدیه بر ابوطالب

ص: ۲۱۳

۲۱- رهبر و سرور و سالار عرب / سیدابوتراب ہاشمی (تراب)

سرودہ: شاعر پرشور اہل البیت (علیہم السلام)

سیدابوتراب ہاشمی (تراب)

رهبر و سرور و سالار عرب

(ها)

علیٰ بشرٌ کیفَ بشرٍ

کہ

ابوطالب اوراست پدر

بر

ابوطالب و آتش صلوات

ہمگی

ہادی ابناء بشر

رهبر

و سرور و سالار عرب

شیخ

بطحا و نبی را یاور

(کرد

شمشیر بہ رزمت بہ نیام(۱)

ہر کجا بود شجاعی اشہر)

بود

ایمان و شجاعت در تو

از

همه خلق جهان افزون تر

دامن

دین ز تو گلزار شده

از تو

شد باغ ولایت پُر بر

چشم

حق بین تو تا روشن شد

نور

چشمان تو شد پیغمبر

آنکه

گوید به تو کافر باید

مُلحدش

خواند و حمائر و بقر

نشود

درّ و گهر فرسوده

گر

شود همسفر خاکستر

آب

دریا نشود رجس و پلید

با دهان سگ و خوک و آهَمَر (۲)

یاور

وحی و نبی بودی تو

حافظ

جان و تن پیغمبر

ص: ۲۱۴

۱- از مرحوم میرزا محمد بصیرت شیرازی است.

۲- یعنی شغال

نقش

انگشتریت بود الله

و

محمد و علی و حیدر

کی

شود نور هدایت خاموش

با

دهان ده و صدها کافر

بُد

وصایای الهی نزدت

به

ودیعت همه چون درّ و گهر

تو چو

شمشیر کشیده ز نیام

شعر دیوان ابوطالب را

شد ز شمشیر کجّت ایمان راست

این همه حقد عدو از مولاست

آنکه مهر عیش نیست به دل

نیست در دل اثر از ایمانش

(ها علیّ بشرٌ کیفَ بشر)

(هو والمبدء شمس و ضياء)

بودی

آماده به رزم کافر

گفت مولا که بخوانید از بر

شد شب ظلم و ستم رو به سحر

آنکه آمد به بشر فوق بشر

آنکه بغض عیش هست به سر

هست خود جایگهش قعر سقر

رَبُّهُ فِيهِ تَجَلَّى وَ ظَهَرَ (۱)

هُوَ وَالْوَاجِبُ نُورٌ وَ قَمَرٌ (۲)

بو ترابا به « تراب »

راحت

بنما لحظه ای از لطف نظر

ص: ۲۱۵

۱- . از ملا محمد علی خوئی تبریزی است.

۲- . از ملا محمد علی خوئی تبریزی است.

۲۲- ز شمشیر تو نور ایمان مجسم / سیدابو تراب هاشمی (تراب)

سرودہ : شاعر پر شور اہل البیت (علیہم السلام)

سیدابو تراب ہاشمی (تراب)

ز شمشیر تو نور ایمان مجسم

چہ گویم بہ وصف امیری

دلاور

کہ مدحش نمودہ خدا و

پیمبر

ابوالمرتضی حامی دین

احمد

ابوطالب آن رادمرد

دلاور

چوشیری کہ چون پاگذارد

بہ میدان

گریزند صد روبہ اش از

برابر

ابوطالبا! دست مشکل

گشایت

نمودہ ز قرآن و دین دفع

ہر شر

ز شمشیر تو نور ایمان

مُجَسَّم

جوانمردیت هر کجا سایه

گستر

امیر حجازی و هم شیخ

بطحاً

ز ابناء تو هم علی بود

و جعفر

کسی که تو را گفته

کافر، نشاید

که گویی ورا، اهل راه

پیمبر

تو مظلوم تاریخی و همچو

قرآن

به

مهجوریت نیست کس یار و یاور

« تراب » کف پ-ای تو گر که باشم

بسایم بر افلاک و عرش علا ، سر

از نجف تا جمکران نور

است و منشأ ، صُلبِ اوست

او

که جدّ آن امام حاضرِ غائب شده است

« ناصحی اصفهانی »

ص: ۲۱۶

۲۳- یاور رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) / رمضانعلی جان نثاری (جان نثار)

سرودہ: مدرس حوزہ علمیہ و حافظ کل قرآن

شیخ رمضانعلی جان نثاری (جان نثار)

یاور رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم)

سلام ما بہ ابوطالب نکو

کردار

کہ راضی است از او ذات

ایزد غفار

عموی محترم و یاور

رسول خدا

کہ دفع کرد از او شرّ و

فتنہ کفار

بہ مال و جان و زبان

یاری پیمبر کرد

کہ این حمایت او گشت

بارها تکرار

نگشته منکر ایمان او

مگر آن قوم

کہ اہل کذب و نفاقند و

قلبشان بیمار

نمود از دل و جان یاری

رسول خدا

اگر چه دید در این راه ،

خود بسی آزار

نخست کس که پذیرفت

دین احمد را

به مجلسی که بیان کرد

آیه انذار

کسی نبود به جز باب

آن علیّ ولیّ

چنانکه آمده در داستان

یوم الدار

ص: ۲۱۷

چه کس به غیر

ابوطالب آن پسر آورد

که حق سپرده به او

اختیار جنت و نار

ز صلب پاک ابوطالب آن پسر

آمد

که شد وصی بلافصل احمد

مختار

چه کس به غیر ابوطالب

این لیاقت داشت

که آورد پسری همچو جعفر

طیار

کسی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) عروس او

باشد

ساله اش همه باشند

سرور اختیار

الی الابد به جهان

نام نیک او باقیست

چو هست در همه خیرات از

او به جا آثار

فضائل و ملکات و مناقب

او را

چنانکه هست ندانند جز

اولی الابصار

به ازدواج نبی با

خدیجه (سلام الله علیها) کرد اقدام

که انسجام بگیرد امور

آن سالار

به غیر او چه کسی از

نبی حمایت کرد

در آن زمان که قوی بود

کفر و استکبار

اگر ز شعب ابی طالب

آگهی ای دوست

کنی ز صدق و صفا بر

فضائلش اقرار

ص: ۲۱۸

به غیر اهل نفاق و

معاندان لجوج

کسی فضائل او را نمی

کند انکار

زمان رحلت او بر نبی شد

، عام الحزن

چو رفت از بر او

بهترین مدافع و یار

پی تلافیِ مظلومی

ابوطالب

رواست هر چه سرایند

شاعران اشعار

مقام و منزلت او به

پیشگاه خدا

برای اهل خرد نیست قابل

انکار

تو « جان نثار » مدیحش نمی توانی گفت

دگر خموش که پایان ندارد این گفتار

به گیتی جاودان شد

نام زیبای ابوطالب

بود چشم ملک محو تماشای

ابوطالب

ز والائی به گردون

میرسد الحق مقاماتش

نظر کن بر مقام و جاه

والای ابوطالب

« ماهر اصفهانی »

ص: ۲۱۹

۲۴- کافرِ کفر / مهدی جهاندار (از اصفهان)

سروده: شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای مهدی جهاندار (از اصفهان)

کافرِ کفر

از ابراهیم تا عام الفیل

از اسماعیل تا زمزم

از مکه تا اکنون

سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام برازنده توست

ای سنگِ صبور عدالت!

ای پدرِ مظلومیت!

شعبِ ابی طالب چه زود به گودالِ قلتگاه رسید

تنهایی، داستانِ غریبی است

قال جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب

یعنی

چارده قرن است هیچ محدثی بی نام تو حدیث نخوانده است

ای پدر شیرخدا!

ای پدر هل آتی!

ای باب باب الله!

نمی شود از تو آغاز کرد و به علی نرسید

چه کسی شنیده است که قطره ای دریا بیرون

ای عمران!

ای از تبار طور!

ص: ۲۲۰

موسای تو هارون محمد است

هستی به مصطفی می نازد و مصطفی به عمو

روزِ وانفسا اگر شفاعت تو پیش قدم شود دیوارهای دوزخ فرو خواهد ریخت

ای شجاع شجاعان!

ای سردار پیران مجاهد!

جعفر طیار، بلند پر کشیدن را، و حمزه، جگرداری را از تو

آموخته است

سالی که تو نباشی سال غم است

ای مؤمن آل فرعون!

ای قصه اصحاب کهف!

تو از ابتدا ابوالمرتضی بودی

تقیه نام تو را ابوطالب گذاشت

ای مست مستور!

دینداری مخفیانه تو شریعت خدا را آشکار کرد

ابنُ الخلیل!

ضربه پنهانی تبر بت شکنی که از پدرت ابراهیم به ارث

برده بودی

از سیلی آشکار حمزه به ابوجهل

دندان های پوسیده ابوسفیان را بیشتر به هم فشرد

هیئات که قوم بی علی به حج رفته

از ترس ذوالفقار پسر

ایمان پدر را نشانه رفته اند

ص: ۲۲۱

مگر مولود کعبه فرزند تو نیست ؟

پدر عدالت بودن جرم کمی نیست

فاطمه پرپر شد

چون همسر علی بود

حسن و حسین چون پسرانش

پدر عدالت بودن آری جرم کمی نیست

از مناقب ابن شهر آشوب تا الغدیر امینی

از قاضی نور الله شوشتری تا سلطان الواعظین شیرازی

متواتر از ایمان تو نوشتند

شهادتین را تو به من بیاموز

ای دیوان ایمان!

اگر تو نامسلمانی پس ما که ایم ؟

پسر برادرت از این همه ناسزا خسته است

ای بلاغت مبین! ای چکامه مطمئن!

شعری بخوان قصیده تر از پیش

آی پدران جهل!

آی پدران آتش!

تبت یدا!

بیهوده نگردید

که تا قیام قیامت کافرتر از ابوطالب به کفرتان نخواهید یافت

۲۵- حامی احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید عباس حسینی (حسینی)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

سید عباس حسینی (حسینی)

حامی احمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

دلا با دیده تحقیق بنگر

، بر ابوطالب

که بودی در حقیقت یار

پیغمبر، ابوطالب

ز آدم تا به خاتم می

رسد از عالم بالا

درود و تهنیت تا روز

محشر بر، ابوطالب

به غیر از اینکه خوانی

حضرتش را ز اولیاء الله

مبّرًا

باشد از هر نسبت دیگر، ابوطالب

نه

تنها موجب فخر و مباهات پیغمبر شد

که باشد افتخار ساقی

کوثر، ابوطالب

مناقش را بگو یکدم بین

با دیده انصاف

که

باشد ز اتقیا و از کیا برتر ، ابوطالب

بین آن حامی احمد

به آن قوم ستم گستر

چه نیکو از ره داور دهد

کیفر ، ابوطالب

شود میدان تماشائی ، چو

گیرد تیغ برق آسا

به قصد روبهان مانند

شیر نر ، ابوطالب

ص: ۲۲۳

به جان فرقه گمره به

یاری رسول الله

به هر صورت ، به هر

معنا ، بزد آذر ، ابوطالب

از آن بنمود پنهان

مدتی ایمان والایش

که

بر قلب عدوی دین زند خنجر ، ابوطالب

پس

از عبدالمطلب شد مبرهن بر همه عالم

که شد مسئول حفظ جان

پیغمبر ، ابوطالب

به کوری حسود دون ،

درخشد در دل تاریخ

هماره

تا ابد چون خسرو خاور ، ابوطالب

خداوندا ! بسوزان

ریشه خصم ولایت را

به جاه و قرب باب حیدر

صفدر ، ابوطالب

شود چون پیکر توحید

گلباران ز سنگ کین

بپیچد بر خود از این غم

چو نیلوفر ، ابوطالب

کند در منزل بنت خویلد

خطبه ای ایراد

پس از حمد و ثنای خالق اکبر

، ابوطالب

نمودی اُشتری را نحر ز

اُمّ المؤمنین آن شب

بداد

آن جشن را از هر جهت زیور ، ابوطالب

درون

شعب آن حضرت ، که پیغمبر شدی محصور

چه تهمت‌ها شنید از قوم

بد اختر ، ابوطالب

ص: ۲۲۴

خدا داند ز جور بولهب

خون شد دل احمد

چو

رفت از این جهان آن حامی رهبر ، ابوطالب

دو

یاور بود حضرت را ، که شه بر هر دو تن بگریست

یکی

حمزه دگر آن ماه خوش منظر ، ابوطالب

دگر بگریست در فقدان

آنها شاه دین حیدر

علی ، فرزند پاک مظهر

داور ، ابوطالب

شرر

زد بر دل اهل بصیرت سال « عام الحزن »

که ز این عالم شدی در

عالم دیگر ، ابوطالب

« حسینی » می کن - د اظه - ار این

عرض ارادت را

که گیرد دست او را در

صف محشر ، ابوطالب

ابوطالبا! دست مشکل

گشایت

نموده

ز قرآن و دین دفع هر شر

ز شمشیر تو نور ایمان

مُجَسِّم

جوانمردیت هر کجا سایه

گستر

« سید ابوتراب هاشمی (تراب) »

ص: ۲۲۵

۲۶- پدر شاه ولایت / عزیز الله معافی خراسانی (حقیر)

گزیده ای از سروده طولانی :

شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

عزیز الله معافی خراسانی (حقیر)

پدر شاه ولایت

استعانت

ز خدا خواهم و توفیق بیان

در کمالات یگانه پدر متقیان

حاکم

مکه ابوطالب و اهل بطحا

ز محبت

همه مرهون وی از خرد و کلان

آنچه خدمت که پیمبر بنموده است به دین

حاصل

زحمت بو طالبی استی به جهان

جان

احمد گرو سعی و فداکاری او

همچو جانش بگرفتی به بر از ترس خسان

پرورش

داد نبی را به تقیه و هراس

تا ز کفار قریش آمدی ایمن ز زیان

مهربان تر ز پدر بود

بر صاحب دین

لطف وی

بهر پیمبر بشدی مهد امان

طی سی

سال که بستی کمر خدمت او

مادری فاطمه بنمود به وی بین زنان

فاطمه

بنت اسد مادری حد کمال

کرد

درباره احمد چه نهانی چه عیان

حق بوطالب ایا مقتدر از بهر

« حقیر »

چاره ای ساز ز جایی که و را نیست

گمان

ص: ۲۲۶

سروده: شاعر ادیب خاندان ولایت (علیهم السلام)

آقای عباس شاهزیدی

(خروش اصفهانی)

رشته پیوند نبوت به امامت

ای معترف پاکی تو دوست

و دشمن

وی شأن تو مُستغنی از

اما و ولیکن

ای مگه به ابیات فصیح

تو مُتنتن

یا عَمَّ نَبی ، صَبیح

غزل های تو روشن

چشم فُصحای عرب از شعر تو مات است

دیوان تو آتشکده ای از کلمات است (1)

امشب مدد از حیدر کزّار

گرفتم

تا اذن دخول حرم یار

گرفتم

سر مشقی از آن قبله

ابرار گرفتم

در ساحل مدح پدرش بار

گرفتم

مدح پدری را پسری داد به دستم

حیدر چه مضامین تری داد به دستم

حیدر مددی! چشم امیدم

به درِ توست

واکن که به مقصود

رساندن هنرِ توست

ص: ۲۲۷

۱- دیوان ابی طالب، عمّ النّبی، تنظیم و گردآوری، الدّکتور محمد التّونجی، دارالکتاب العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۹ هـ-

تو تاجِ سرما و پدر ،

تاجِ سرِ توست

خوشبختِ رسولی که عمویش

پدر توست

پس از درِ این خانه مرا ردّ مکن امشب

شرمنده ام از روی محمد مکن امشب

باید بشود این همه

تقصیر تلافی

یا مَنْ هو وافی ... وَ

یا مَنْ هُو کافی

باید بنویسم غزلی عبد

منافی (۱)

اَمَّا چه بگویند به شَأْنِ

تو قوافی

جایی که نشد باز به بُت ها دری از تو

کو در همه مگه موحدتری از تو؟

ای دست مریزاد به این

شَأْن و لیاقت

ای رشته پیوند نبوت به

امامت

هر بار کشیدی تو ز

کُفَّار ملامت

گفتی که سرِ احمد مختار

سلامت

با این همه ایثار و گذشت تو در این راه

مدیون تو شد دین مبین ، آجرک الله

در صُلب تو آئینهٔ سرمد

جریان داشت

در رگِ رگِ تو عشق به

احمد جریان داشت

ص: ۲۲۸

۱- . عبد مناف، یکی از نام های حضرت ابوطالب (علیه السلام) است.

در شعر تو آن میر مؤید

جریان داشت

در خون تو آیات محمد

جریان داشت

هر کس که چنین نور جلی داشته باشد

باید پسری مثل علی داشته باشد

حیدر پسر سید و مولای

جهان است

ما هر چه بگوئیم علی

بهبتر از آن است

او حَى عَلِی

خَيْرِ الْعَمَلِ هَی اذَانِ اسْت

چیزی که عیان است چه

حاجت به بیان است

در کعبه همین که متولد شده حیدر

یعنی احدی نیست از او حصن حصین تر

ایمان تو نوری است که

انکار ندارد

حاجت به بیان کردن و

اظهار ندارد

در طبه‌ات آنی است که

عطار ندارد

مثل تو کسی جعفر طیار

ندارد

سرچشمه این سلسله از نسل خلیل است

طالب ، علی و جعفر و عباس و عقیل است (۱)

گفتند گروهی که چنان

است و چنین نیست

یا عمّ نبی اجر تو

والله که این نیست

ص: ۲۲۹

۱- نام فرزندان حضرت ابوطالب (علیه السلام) است.

مانند شما سلسله ای روی

زمین نیست

آیا همه آیه تطهیر همین

نیست؟

هر کور که اسلام تو را دیر بداند

باید برود آیه تطهیر بخواند

دو بیتی

یگانه آفتاب بیت معمور

که قدرش مانده است از

دیده مستور

پناه خستگی های محمد

ابوطالب أَب الحیدر

أَب النور

ص: ۲۳۰

چو عبدالمطلب / محمدبن حسام خوسفی (از شعرای بزرگ قرن نهم هجری)

سروده : شاعر بزرگ و نامدار خاندان رسالت و امامت (علیهم السلام)

محمدبن حسام خوسفی (از شعرای بزرگ قرن نهم هجری)

ذکر وفات عبدالمطلب و سپردن حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به ابوطالب (علیه السلام)

چو عبدالمطلب

شد سخت بیمار

نشان مرگ او

آمد پدیدار

رسول هاشمی

بُد هشت ساله

که جدش را به

رفتن شد حواله

طلب فرمود

عمران را بر خویش

بدو گفت ای

پسر دارم دل ریش!

نیاکانم همه

در خاک خفتند

ز ابراهیم تا

اکنون برفتند

ز مردن مرد و

زن را ناگزیرست

هم اکنون نوبت

این مرد پیرست

از این کودک

دلی دارم پر اندوه

که او را دشمنان بسیار باشند

یتیم است و پدر ندارد

پدر من بودم و من نیز رفتم

به زنهار تو او را می سپارم

تبار و خاندان ما کریم است

منش پرورده ام چون جان در آغوش

همی کرد این وصیت پیر غمخوار

محمد پیش او محزون نشسته

چه گویم آدمی را خود چنین خوست

نبیره بهتر از فرزند باشد

ابوطالب به آب چشم برخاست

که ای جان پدر ز نهار ز نهار

به زنهار تو او را می پذیرم

چو جان خود گرامی دارم او را

چرا گویی که او را کس نباشد
اگر دشمن شوند او را جهانی
کنم دست زبردستان او زیر
چو عبدالمطلب اینها که می گفت
بدو گفتش که بر من مرگ شد شاد
بدین پیمان چو دادش دست در دست
بماندش دیده بینا ز دیدن
جهانا تا به چند این چاپلوسی
یکی را پروراندی به صد ناز
درختی را که خود سر بر کشیدی
نمی بینم کس از بند تو آزاد
غم تیمار او
بر سینه چون کوه
همه از بهر او در کار باشند
به جز من دیگری غمخور ندارد
میان خاک باشد جای خفتم
مگر تا یاد داری زینهارم
بدو منگر به خواری کو یتیم است
به تیمارش تو داری زین سپس گوش
روان آزرده و دل پر ز تیمار

ز گریه نرگش در خون نشسته
که دارد بچهٔ فرزند را دوست
دل اندر بند آن دل‌بند باشد
به صد زاری به پاسخ لب بیار است
که من هستم بر این خدمت خریدارم
برین زنه‌ار باشم تا بمیرم
به جور بی کسی نگذارم او را
منش کس باشم او را بس نباشد؟
ز تیغ من کجا یابند امانی
جهانی زیر پای آرم به شمشیر
به سر برد و پسر زو در پذیرفت
شدم از قید رنج و غصه آوار
زبان خاموش کرد و دیده در بست
زبان از گفتن و گوش از شنیدن
گهی ماتم کنی گاهی عروسی
به صد رنجش به خاک انداختی باز
به دهره، شاخ و برگش را بریدی
بر آزادان چنین تا چند بیداد؟

از این کودک

دلی دارم پر اندوه

که او را دشمنان بسیار باشند

یتیم است و پدر مادر ندارد

پدر من بودم و من نیز رفتم

به زنهار تو او را می سپارم

تبار و خاندان ما کریم است

منش پرورده ام چون جان در آغوش

همی کرد این وصیت پیر غمخوار

محمد پیش او محزون نشسته

چه گویم آدمی را خود چنین خوست

نبیره بهتر از فرزند باشد

ابوطالب به آب چشم برخاست

که ای جان پدر ز نهار ز نهار

به زنهار تو او را می پذیرم

چو جان خود گرامی دارم او را

چرا گویی که او را کس نباشد

اگر دشمن شوند او را جهانی

کنم دست زبردستان او زیر

چو عبدالمطلب اینها که می گفت

بدو گفتش که بر من مرگ شد شاد
بدین پیمان چو دادش دست در دست
بماندش دیده بینا ز دیدن
جهانا تا به چند این چاپلوسی
یکی را پرورانیدی به صد ناز
درختی را که خود سر بر کشیدی
نمی بینم کس از بند تو آزاد
غم تیمار او
بر سینه چون کوه
همه از بهر او در کار باشند
به جز من دیگری غمخور ندارد
میان خاک باشد جای خفتم
مگر تا یاد داری زینهارم
بدو منگر به خواری کو یتیم است
به تیمارش تو داری زین سپس گوش
روان آزرده و دل پر ز تیمار
ز گریه نرگشش در خون نشسته
که دارد بچه فرزند را دوست
دل اندر بند آن دلیند باشد
به صد زاری به پاسخ لب بیار است

که من هستم بر این خدمت خریدارم

برین زنهار باشم تا بمیرم

به جور بی کسی نگذارم او را

منش کس باشم او را بس نباشد؟

ز تیغ من کجا یابند امانی

جهانی زیر پای آرم به شمشیر

به سر برد و پسر زو در پذیرفت

شدم از قید رنج و غصه آوار

زبان خاموش کرد و دیده در بست

زبان از گفتن و گوش از شنیدن

گهی ماتم کنی گاهی عروسی

به صد رنجش به خاک انداختی باز

به دهره، شاخ و برگش را بریدی

بر آزادان چنین تا چند بیداد؟

جهانا زین آلم ها شرم بادت

ز خود پروردگان آزرم بادت

۲۷- امین و پرده دار کعبه / محسن درویش (از اصفهان)

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

آقای محسن درویش (از اصفهان)

امین و پرده دار کعبه

می نویسم از کسی که دین

حق را یاور است

لطف او پشت و پناه حضرت

پیغمبر است

از ابوطالب که در ایمان

به ختم المرسلین

عزم راسخ دارد و از کوهها

محکم تر است

سید بطحا ، امین و پرده

دار کعبه اوست

در حریم عشق او را

آبرویی دیگر است

خرمن کفار را سوزاند با

اشعار خود

در حمایت از رسول حق ،

کلامش آذر است

آنکه انوار ولایت آشکار

از صلب اوست

دست مهرش جعفر طیار و

حیدر پرور است

آنکه افتاده است مهرش

در دل اهل یقین

آنکه فرزندش شفیع خلق

روز محشر است

همدم و همراه و همدوش

نبی فرزند اوست

شهر علم مصطفی را نور چشم

او در است

ص: ۲۳۳

در اطاعت از ولایت

اشتیاقش بی مثال

جان اگر خواهد رسول

الله ، او فرمانبر است

در مقامش حضرت صادق

چنین فرموده است

از خلاق کفهی ایمان

او سنگین تر است

حامی اسلام و قرآن و نبی با جان و مال

در تمام عمر خود از ابتدا تا آخر است

وفات توست عام الحزن

شخص اول خلقت

ز بس بودی گرامی نزد

پیغمبر ، ابوطالب (علیه السلام)

رسول الله دشمن شاد شد

با رفتنت ، آری

غمت زد بر دل ختم رسل

آذر ، ابوطالب (علیه السلام)

حاج غلامرضا سازگار «

ص: ۲۳۴

۲۸- سپر جان محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) / اَحدِ ده بزرگی (از شیراز)

سرودہ : شاعر اهل بیت (علیہم السلام)

استاد اَحدِ ده بزرگی (از شیراز)

سپر جان محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم)

شعرِ خورشید ستیغِ دل

نورانی توست

ماہِ مہرابیِ شب ، ماتِ

غزلخوانی توست

ہر کجا بزمِ کمال و ادب

و معرفت است

سخن از فضل و جہان بینی

انسانی توست

إمرأ القیس کہ فخرِ شعرای

عرب است

کمترینِ کودکِ رھجوی

دبستانی توست

توئی آن مردِ نبیِ یاور و

حیدرِ پرور

کہ دل بنتِ اسدِ مستِ گل

افشانی توست

ای که از شعب چنان شیر

برون آمده‌ای

نام جانبخش علی نقش به

پیشانی توست

سپرجان محمد همه جا ،

جان تو بود

روح اسلام رهین تو و حق

دانی توست

بت و بتخانه و بت ساز

سیه کار قریش

سرنگون از غضب و غیرت

طوفانی توست

ص: ۲۳۵

حضرت عشق که خوانند ولی

الهش

پسر شیر دل شهره به

عمرانی توست

آیه نور که بر لعل محمد

گل کرد

ریشه اش در دل حق باور

قرآنی توست

از «أحد» تا به قیامت به جمالت صلوات

که جهانی شدن حق ز مسلمانی توست

ابوطالب ای حامی و یار

احمد

دلیر مجاهد ، ادیب

سخنور

به صبح بلاغت تویی مهر

رخشان

به شام جهالت تو ماهی

منور

دعا کرد احمد به حقت ،

دگر من

چه گویم که می باشم از

ذره کمتر؟

« صاعد اصفهانی »

ص: ۲۳۶

۲۹- از صلب ابراهیم (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

... از صلب ابراهیم (علیه السلام)

مرغ طبعم بار دیگر

پر کشید

شاهد مقصود را در

بر کشید

سیر کردم در کلام

عالمان

تا کنم مدح ابوطالب بیان

زاده عبدالمطلب بوده او

راه توحید پدر پیموده

او

نسل او شایسته تکریم

بود

چون ز صلب پاک

ابراهیم بود

هر که شک دارد به

ایمانش، یقین

نیست جزو صالحین و

مؤمنین

ساقی حجاج بیت الله بود

خادمی خالص بر آن

درگاه بود

حامی دین رسول خاتم است

با محمد در رسالت

داده دست

هستیش را صرف دین حق

نمود

حمزه را بر دین حق

ملحق نمود

همسر او فاطمه بنت اسد

مؤمنه چون او به

الله الصمد

نور ایمان چون در او شد

منجلی

حق قرارش داده بابای

علی

او مقام مرتضی را دیده

است

نام فرزند از خدا

پرسیده است

هاتفی داده سؤالش را

جواب

وحی شد نام علی بر آن

جناب

او تجلیگاه حیدر بوده

است

حامی و یار پیمبر

بوده است

این سخن فرموده ای از

مرتضاست

نور او از نور آل

مصطفاست

هرکسی را او شفاعت می

کند

حق تعالی اش اجابت می

کند

ص: ۲۳۷

او موحد بوده بی شک و

گمان

رفته با ایمان کامل

از جهان

بر پیمبر رحلتش جانسوز

بود

ناگوار و سخت و غم

افروز بود

در حقیقت او شده در راه

دین

کشته آزار های مشرکین

روز محشر که علی قاضی شود

دست بر دامان او « راضی » شود

رباعی

مثل نوری که به چشمان

پیمبر می رسد

قلبم از نام ابوطالب به

حیدر می رسد

فاطمه یک گوشه از لطف

خدا بر طایفه است

مزد ایمان ابوطالب ز

کوثر می رسد

« مجتبی رافعی (از کاشان) »

ص: ۲۳۸

۳۰- بنده درگاه ربّ / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

بنده درگاه ربّ

قلم به

دست گرفتم که تا کنم انشاء

به لطف

ایزد منان قصیده ای شیوا

برای

آنکه خدایم به من دهد توفیق

نمود

بلبل طبعم توکلی پیدا

زدم به

دامن احمد که خاتم عشق است

به گفتن صلواتش توسلی گیرا

به بیت عدد اسم یاورش ، یعنی

همان

علی که بود نام نامیش یکتا

برای

گفتن هر بیت کرده ام نیت

نمایم صلوات و درود حق اهدا

کسی

که مدح و ثنائش بود مرا مقصود

وصی

جدّ نبی است و سید بطحا

به شام

کفر، یگانه پرست و حق جویی

که بوده بندهی درگاه ربّ بی همتا

همان که می رسد او را نسب به ابراهیم

همان

که خوانده محمد ز اوصیا او را

ص: ۲۳۹

به نام

حضرت عمران ، عموی پیغمبر

به

کنیه بوده ابوطالب آن شه والا

کسی که

بهر بیان مقام ایمانش

ز

امثال به اصحاب کهف شد ایما

کسی که

جمله امامان نموده اند اجماع

که بوده پیرو دین و ولایت آنها

کسی که بهر پیمبر ز کودکی بوده

ولی و

قیم و دلسوز و همدمی دانا

هم او

به فصل جوانی برای پیغمبر

نموده خواستگاری خدیجه کبری

ز

بعد بعثت پیغمبر خدا بوده

نصیر و

یاور او در مصافِ با اعدا

همان

که هدیه به پیغمبر خدا داده

امانتی ز سلیمان و حضرت موسی

همان که اهل حجاز از دعای بارانش

به

دیده دیده که صحرا همه شده دریا

بزرگ

مرتبہ شاه حجاز ابوطالب

که

تکیه زد به سریر صداقت و تقوا

به شأن

و منقبت آن جناب بس باشد

همین

که بر علیِ عالی است او بابا

ص: ۲۴۰

دریغ و

درد که در اوج غربت احمد

امیر مکه غریبانه رفت از این دنیا

نمود غسل و کفن پیکر پدر ، حیدر

شرار

غم به دلش زین فراق شد برپا

به

سوگ رفتن او چون نشست پیغمبر

بریخت اشک دمام ، ز دیده سیل آسا

ز

سوی حق به رسولش بگفت جبرائیل

دگر ز

مکه برون شو که گشته ای تنها

بخواند

روضه به تشییع پیکرش احمد

نمود وصف جمالش به جنت المأوی

به اهل مکه رسول خدا چنین فرمود

که

دارد او ز من اذن شفاعت عقبا

گرفته

بعد وفات از برای او نائِب

علی که

حج ز برایش بیاورد بر جا

به روز حشر ندارد غمی دگر « راضی »

اگر شف-اعت او را کند شه

بطحا

علی (علیه السلام) فرمود: در

روز جزا چون پادشاهی

ابهت داری و ، سیمای

همچون انبیا داری

« قدسی اصفهانی »

ص: ۲۴۱

۳۱- پدر بزرگ همه / مهدی رحیمی (از شهر دلجان)

سروده: شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

مهدی رحیمی (از شهر دلجان)

پدر بزرگ همه

نه این که سوره ابوطالب است و آیه علیست

چنانکه قبل علی بوده مبتدای علیست

همین

که لب به سخن باز می کند انگار

هجا

هجای نبی و صدا صدای علیست

به استناد حدیث ، او پدر بزرگ همه است

فقط به خاطر اینکه پدر برای علیست

به

استناد به اصلاب شامخه ، انگار

دلیل

پاکی او نیز در ازای علیست

پدر که جای خودش جتتش شده تضمین

به روز حشر هر آنکس که آشنای علیست

بریده

باد زبانش کسی که مُشْرک گفت

آنکه حد پرستیدنش خدای علیست

رضایت

پسرش در رضایت پدر است

رضای حضرت حق هم که در رضای علیست

چنان

که بردن نامش گره گشای همست

دعا به حق پدر هم گره گشای علیست

شب مَبِیت به بستر ، غدیر بر منبر

علی به جای نبی و ، نبی به جای علیست

نگو

بهشت که عرش است زیر نعلینش

به روی دوش نبی

چون که رد پای علیست

ص: ۲۴۲

سروده: شاعر خاندان امامت (عليهم السلام)

آقای داود رحیمی

فضائل ابوطالب (عليه السلام)

مثل پسر علی فضیلت داری

در روز جزا حق شفاعت

داری

تو یار محمدی و بابای

علی

حق پدری گردن امت داری

در یاری مصطفی ز جان

راغب بود

دینداری او بر همگان

غالب بود

حیدر که جهانیان به او

می نازند

پرورده

دستان ابوطالب بود

حیدر که از او دین خدا

کامل شد

قرآن خدا برای او نازل

شد

هر چیز که داشت از

ابوطالب داشت

از فضل پدر فضل پسر

حاصل شد!

گفتند که بابای علی

گمراه است

هیئات! که هر اهل دلی

آگاه است

این حجت ایمان ابوطالب

که،

گفته پسر م علی ولی الله

است

ص: ۲۴۳

۳۲- لب پر قند ابوطالب (علیه السلام) / سید حسن رستگار

سروده: شاعر خاندان ولایت و امامت (علیهم السلام)

آقای سید حسن رستگار (از اصفهان)

لب پر قند ابوطالب (علیه السلام)

شعر من

تشنه ی لبخند ابوطالب شد

بند

بندش همه پابند ابوطالب شد

دل من

طالب می بود و طلب از او کرد

عاقبت

مست خداوند ابوطالب شد

پیر ما

خواست که از چشم بد آسوده شود

و چه

آسوده به اسفند ابوطالب شد

در

أُحد نه ، شده آقای شهیدان حمزه

از

همان لحظه که مانند ابوطالب شد

آن دو

بالی که خدا مزد شهادت می داد

صاحبش

جعفر دلبنده ابوطالب شد

مفتخر

بود که بابای علی بود و علی

فخرش

این بود که فرزند ابوطالب شد

شیعه

گر شهد و نبات از سخنش میریزد

شکرین

از لب پر قند ابوطالب شد

وزن

ایمان همه خلق به قدرش نرسد

ما چه

هستیم اگر بنده ابوطالب شد؟

ص: ۲۴۴

۳۳- کجاست پاک تر از تو ... / خانم روح الهی

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

خانم روح الهی (از خمینی شهر)

کجاست پاک تر از تو ...

برای او پدری کن که

اوست پیغمبر

کجاست پاک تر از تو ،

کجاست آقاتر ؟

به دین یقین تو اسلام و

منصبت حامی

تو در مقابل کفار ساختی

سنگر

زبان شعر تو گویای مدح

یار نبی است

هنر

توسط شعر تو شد خدا باور

بجز علی که خودش از ازل

مسلمان بود

شده است مرد مسلمان

دیگری جعفر

چگونه

منکر دین داری تو می گردند؟

چه غصه ها که ندارد

روایت در بر

پیمبر پروری! زهرا

هواداری! علی سازی

همیشه نام و عنوان تو

زین رو هست جاویدان

عبایت

وسعت یک یا محمد جای می خواهد

که جبریل آمد و وحی آرد

و کامل شود قرآن

« قدسی اصفهانی »

ص: ۲۴۵

۳۴- سلام کبریا بر تو / علی پاکدامن (روضه خوان)

سروده: شاعر و مداح دلسوخته امام رضا (علیه السلام)

آقای علی پاکدامن (روضه خوان)

(از مشهد مقدس)

سلام کبریا بر تو

وفا از تو ، صفا از تو

، کرم از تو ، عطا از تو

ادب از تو ، شرف از تو ،

بزرگی و حیا از تو

سلام کبریا بر تو که

عبد کبریایی تو

و قلبی پر ز ایمان و به

دور از هر ریا از تو

ابوطالب ، ابوالحیدر

یگانه یار پیغمبر

مدد در شعبِ سختی ها

گرفته مصطفی از تو

اصالت، دودمان تو ،

شرافت خاندان تو

تو هستی وارث خوبان ،

تمام خوب ها از تو

هر

آن کس کافرت خوانده ، خودش مشرک ، خودش کافر

بگوید هر چه می خواهد ،

عزیز مصطفی از تو

تو دریایی و آلوده

نگردی با دهان سگ

تو آقایی و آقایی نمی گردد

جدا از تو

بگو با مدعی بنگر که

گم کردی ره حق را

تو هستی رهرو حق و ،

به حق شد راه ما از تو

ص: ۲۴۶

پیمبر گفته مدحت را ،

شده قرآن ثنا گویت

که تایید تو و تمجید

بنموده خدا از تو

عقیل و جعفر تو ، بس که

خصمت را بسوزاند

سرا پا می شود آتش ، چو

گویم مرتضی از تو

علی

مرتضی از تو ، قسیم النار و الجنة

جهنم جای خصم تو ،

بهشت با صفا از تو

تویی مؤمن ، که فرزندات

امیر مؤمنان باشد

که در میزان ایمان

کفه ی سنگین ، شها از تو

عروست حضرت زهرا ،

بنازم یا ابوطالب

حسن از تو ، حسین از

تو ، امامان هدا از تو

دل

طاها ز داغت خون، دو چشم عالمی گریان

که عام الحزن شده ، آه

، آن روزها از تو

بخواهم از خدای خود ، شوم من « روضه خوان » تو

بگیرم سوز قلبم را برای روضه ها ،

از تو

سپهر

جان محمد همه جا ، جان تو بود

روح اسلام رهین تو و حق

دانیِ توست

« احد ده بزرگی »

ص: ۲۴۷

۳۵- حامی روشن ضمیر عشق / علی اصغر رجب زاده (زهیر کاشانی)

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای علی اصغر رجب زاده (زهیر کاشانی)

حامی روشن ضمیر عشق

ای عموی با وفای حضرت

خیرالانام

زاده عبدالمطلب ،

سیدالبطحا سلام

ای بزرگ شهر مکه ، ای

خلیل الله نسب

پیرو راه شریعت ، حضرت

عالی مقام

خوب یادت هست جولان

سپاه ابرهه

گشت

با سجیل های آتشین کارش تمام

خیرخواه و ناصح مردم به

طول عمر خویش

صاحب هوش و بزرگی و

ذکاوت، احترام

ساقی

الحجاج را ارثیه داری از پدر

خادمی بر زائران خسته

بیت الحرام

حامی روشن ضمیر عشق در

بین قریش

ای دفاعت از حریم حضرت

خاتم ، مدام

موسم شعب ابی طالب شد و

با همسرت

ایستادی پای آئین پیمبر

صبح و شام

ص: ۲۴۸

پاسداری از رسالت کردی

و حق در عوض

هدیه بر صُلب تو داده

نطفهٔ اول امام

همسرت ام الاسد شد ، تو

ابالحیدر شدی

یافت دین احمدی با تیغ

فرزندت دوام

شرح

ایمان و فداکاری و ایثار شما

یا ابوطالب فراتر باشد

از حرف و کلام

مرد میدان غزل گشته « زهیر » شعر باز

می کشد بر مدح تو تیغ قلم را از نیام

رباعی

آنکه خدا را به طلب طالب است

در

صف ایمان به همه غالب است

عارف

بر حقّ خداوندگار

باب

علی بن ابی طالب است

نام ابوطالب

نیکو سرشت

گر که شفاعت کند از عاصیان

حامی قدرت

به تجلّی نوشت

دوزخیان را کند اهل بهشت

»

مرحوم محمد حسن فرحبخشیان «

(ژولیده نیشابوری)

ص: ۲۴۹

۳۶- سیمرغ خوش پرواز دین / (سائل)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

(سائل)

سیمرغ خوش پرواز دین

این

مرغ طبع مست من ، خواهد ز نو غوغا کند

تاچند بیتی منقبت از

سید بطحاء کند

باب علی شیرخدا ، هم بر

امامان هدی

از نسل او کوثر ظهور

، از شاخه طوبی کند

فرمود

پیغمبر چنین ، گر جمله ی خلق زمین

از

نسل او بودند شیر از جملگی پروا کند

این

جمله مولای دین در وصف بابایش بین

فرمود امیرالمؤمنین تا

دشمنش رسوا کند

گردد اگر از مذنبین

شافع به روز واپسین

حق

این شفاعتنامه رابا دست خود امضاء کند

در

فضل او این جمله بس ، از بهر هر ناکس و کس

تقسیم خلد و نار را

فرزند این آقا کند

سیمرخ خوش پرواز دین

در غربت و آغاز دین

در نصرت دین و نبی تنها

علم بر پا کند

بعد

از وفاتش چون نبی بی ناصر و یاور شده

فرمان هجرت آمد و ،

باید که او اج-را کند

ص: ۲۵۰

فرمود

در وصفش امام از صد هزاران این کلام

کاین

یک سخن تنها فقط هر کور را بینا کند

ایمان او در یک طرف

ایمان جمله آن طرف

آید به پایین کفه اش آن

کفه را بالا کند

در باغ اعلای جنان داده

خدا او را مکان

هر کس

خلاف این بیان در قلب او جا وا کند

مکتوب

فرموده رضا آن کاتب لوح قضا

کارش

به دوزخ می کشد ، آنجا خودش ماوا کند

هر کس یتیمی را شود ،

کافل نبی فرموده او

همچون

دو انگشت از یدی ، با من به جنت جا کند

کافل

ابوطالب بود ، باشد نبی هم آن یتیم

ابن حدید ستیان آن

را چنین معنا کند

« سائل » ندارد یک عمل دنبال او گرگ اجل

خواهد

به مدحش خویش را در بردگانش جا کند

تو سید بطحایی و ما »

سائل « در گاه تو

از پور مظلومت بخواه او یک نظر بر ما کند

ص: ۲۵۱

۳۷- دست خدا / فضل الله شیرانی (سخا)

سروده: شاعر ادیب و نکته سنج اهل البيت (عليه السلام)

استاد فضل الله شیرانی (سخا)

(از اصفهان)

دست خدا

ابوطالب که پیر عقل

حیران است در کارش

نشان ها بود از ابراهیم

در رفتار و کردارش

محمد هرچه شد آماج تیر

فتنه‌ی دشمن

ابوطالب به هر تدبیر شد

یار و مددکارش

چنان پرورد در آغوش ،

آن دُرّ درخشان را

که چشمی ننگرد گرد

تیمی را به رخسارش

به

غیر از خطبه خوانی های او در وصف آن حضرت

ندای حق پرستی بود در

چه

کس وقت خطر جز او برادر زاده‌ی خود را

دهد ترجیح بر فرزند

دلبنده فداکارش

علی گر بارها جای محمد

خفت در بستر

ابوطالب از اول داد درس

عشق و ایثارش

ص: ۲۵۲

۱- حضرت ابوطالب (علیه السلام) در کمال بلاغت شعر می سرودند.

رسالت با ولایت خورد

پیوند از وجود او

به یمن همت بی انتها و

فکر سرشارش

دل

آگاهی خدا باور ، جوانمردی علی پرور

که فرزندش نمودارست از

ایمان و ایثارش

علی مهر فروزان ولایت ،

حامی قرآن

که در دل ها اثر می کرد

با تأثیر گفتارش

مرامش بود از دنیای

ظاهر چشم پوشیدن

که هر شب با فقیران و

یتیمان بود دیدارش

ز

میدان داری مردانه‌ی او ماند پا برجا

بنای دین که با همت

پیمبر بود معمارش

نمودار شجاعت ، مظهر

ایثار و جانبازی

که دایم بود با ظلم و

فساد و فتنه پیکارش

چنان دست خدا از آستین

او برون می شد

که الحق بود عنوان

یداللهی سزاوارش

« سخا » کی می توانست اینچنین شیوا

سخن گوید

اگ-ر ن-ام ابوطال-ب نمی شد زی-ب

اشع-ارش

ص: ۲۵۳

۳۸- بهار مؤبد / سید علی اصغر موسوی (سعا)

سروده: شاعر دلباخته اهل البیت (علیهم السلام)

استاد سید علی اصغر موسوی (سعا) براساس مکتب شعر امامیه (از قم)

بهار مؤبد

نسیم مهر شهود آذین ،

درخت سبز مُخلد را

شمیم عطر بهشت آیین ،

حریم دولت سرمد را

مسیح شهر ستم باور ، به

حفظ حرمت آیین اش

کلیم کوی وفا منظر ،

ستیغ شهرت « احمد » را

سرود چامه تذهیبش ،

نوید صبح طلاگستر

صعود شهرت ابیاتش ،

رسانده اوج خَم مد را

به

سخت کوشی در ایمان ، به بذل جان و تن و احسان

عیار فطرت اجدادش ،

فروشانده زبر جد را !

انیس غصه پیغمبر ، درون

شعب ابی طالب

امین خلوت حق مضمّر ،

حریم امن محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را

به

قول حضرت یوجعفر (علیه السلام) ،

اگر به کفه میزان ها

کنند سنجش ایمانش ، به

رتبه ، افضل و امجد را

تمام خلق اگر باشند ،

برابری نکند شاهین

به اوج صدق ابی طالب ،

چنین حدیث مؤکد را !

ص: ۲۵۴

که

شأن سید بطحایی ، همان درخت تنومند است

میان عرش و زمین مانا،

بهارهای مؤبد را

ضمیر نام علی با او ،

کنار حق شده روشنگر

پسر بدون پدر ، هرگز ،

نبرده صیغه مفرد را

پدر ، امیر بنی هاشم ،

پسر ، امیر بنی آدم

پدر

، سخی به مثل شهره ، پسر ، صفات مجرد را !

سلام

حضرت مولاجان « سعا » به لطف

قلم با تو

قصیده واره که می بافد

دو گیسوان مجعد را

کنار

یاد ابوالقاسم ، رسول حق بقاگستر

رسان به روح ابوطالب ،

سلام جاری ممتد را

حضرت

عشق که خوانند ولی الهش

پسر شیر دل شهره به عمرانی

توست

آیه نور که بر لعل محمد

گل کرد

ریشه اش در دل حق باور

قرآنی توست

« استاد احد ده بزرگی »

ص: ۲۵۵

۳۹- کان مهر و وفا / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی)

سروده: شاعر خاندان رسالت (علیهم السلام)

مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی)

کان مهر و وفا

پدر مرتضی ابوطالب

کان مهر و وفا ابوطالب

از طفولیتش محمد را

داشت تحت لوا ابوطالب

همه جا بود روز شب یارش

نشد از او جدا ابوطالب

چون پدر می نمود یاری

او

در پی مدعا ابوطالب

سپری بود جان احمد را

بهر

دفع بلا ابوطالب

سایه در پی نداشت احمد

و بود

سایه اش در قفا ابوطالب

داشت ایمان ز روی صدق و

یقین

همه دم بر خدا ابوطالب

همه جا ز ابتدا مؤید

دین

بود تا انتها ابوطالب

داشت امید چون « سعید » کند

دین حق را به پا

ابوطالب

آنکه خدا را به طلب طالب است

در

صف ایمان به همه غالب است

عارف

بر حق خداوندگار

باب

علی بن ابی طالب است

« مرحوم محمد حسن فرحبخشیان »

(ژولیده نیشابوری)

ص: ۲۵۶

۴۰- هواداری حضرت عبدالمطلب و فرزند گرامیش / مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

مرحوم رضا صغیر (سعید اصفهانی)

هواداری حضرت عبدالمطلب و فرزند گرامیش

باز

می خواهم به آهنگ حجاز

تا که

چون بلبل نمایم نغمه ساز

در

گلستانی پر از گل پر کشم

شرح

آن بر صفحه ی دفتر کشم

همچو

طوطی کام خود شیرین کنم

مدحت

از سر حلقه ی یاسین کنم

باز

گویم مختصر شرحی همی

از

نیاکان رسول هاشمی

تا

جهانی را پر از آوا کنم

شرح حال دوده ی طاها کنم

از

کسی گویم که در آن روزگار

بوده

صاحب جاه و با عزّ و وقار

نام

او عبدالمطلب محترم

بود

در مکه نگهبان حرم

چون

محمد گشت در طفلی یتیم

شد

کفیل او به خوبی آن کریم

همچو

جان او را هواداری نمود

در

سرای خود نگهداری نمود

تا پس

از چندی به امر کردگار

خواست

تا گردد به عقبی رهسپار

گفت

با پورش ابوطالب چنین

هستم

از بهر محمد دلغمین

بایدت

از او نگهداری کنی

در

همه حالش ز جان یاری کنی

تا ز

کید دشمنان یابد امان

در

پناه خالق کون و مکان

ص: ۲۵۷

ابوطالب همانند پدر

لحظه ای غافل نبود از حال او

در هواداری او همت گماشت

داشت ایمان بر خداوند کریم

حرمت او اهل ایمان داشتند

با علی فرزند او دشمن شدند

سال فوتش را پیمبر با نوا

داشت

او را روز و شب زیر نظر

سایه آسا بود در دنبال او

دست از یاری زمانی برنداشت

هم به قرآن ، هم بهشت و هم جحیم

ناکسان بیگانه اش پنداشتند

تهمت کافر به او ناحق زدند

گفت عام الحزن باشد بهر ما

این جهان و آن جهان دارد « سعید »

ب-ر-نب-ئی و آل او

چشم امی-د

پاسداری از رسالت کردی

و حق در عوض

هدیه

بر صُلب تو داده نطفهٔ اول امام

همسرت ام الاسد شد ، تو

ابالحیدر شدی

یافت دین احمدی با تیغ

فرزندت دوام

« زهیر کاشانی »

ص: ۲۵۸

۴۱- او مَوْحد بود از روز نخست / فریدون آقالر (سفیر)

سروده: شاعر باولایت

آقای فریدون آقالر (سفیر)

او مَوْحد بود از روز نخست

لطف حق گر طبع

من یاری کند

بر زبانم حرف

حق جاری کند

تا دفاع از حق

مظلومان کنم

زنده راه و

رسم حق جویان کنم

توسن عشقم

هیاهو می کند

یاد بو طالب به

هر کو می کند

مست و مجنون

از سبوی غیرتم

عاشق مردان نیکو سیرتم

پا نهم در

ساحت میدان عشق

رو کنم بر

درگه سلطان عشق

وصف بو طالب به

نیکی بشمرم

بهر مظلومیت

او غم خورم

پور عبدالمطلب

، عبد مناف

صاحب عقل سلیم

و قلب صاف

پرده دار کعبه

، بزم عاشقان

میزبان حاجیان

میهمان

ساقی و

خدمتگزار بیت حق

بهرمند از او

غنی و مستحق

سرپرست مصطفی

بعد از پدر

حافظ جان محمد

از خطر

از برای

سرپرستی بعد باب

خود، محمد کرد

او را انتخاب

بهر پاس جان

احمد شد علم

استوار و راسخ

و ثابت قدم

با کفایت صاحب

خلق عظیم

شد پدر از بهر

آن درّ یتیم

حسن خلقش را

ستایش می کنم

راه و رسمش را

سفارش می کنم

حامی و یار

محمد سال ها

عاشقی محبوب و

نیک و باوفا

ص: ۲۵۹

همره و هم فکر

او بد در سفر

در جوار مصطفی

شد مفتخر

متقی و با

کفایت ، بی ریا

سیدالبطحا شد

از صدق و صفا

او به بطحا شاخصی

برجسته بود

عارف و فرزانه‌ای

وارسته بود

او به محصوران

بسی یاری نمود

شعب بوطالب

فداکاری نمود

یک موحد بود

از روز نخست

راه خود را در

همان آغاز جست

اولین مرد است

او بعد از علی

سوی دشمن چونکه او می شد روان

شاعری سنجیده گو ، فرهیخته

شد به سلک

مصطفی آن منجلی

از نهیش روبهان هر سو دوان

علم و ایمان را به هم آمیخته

همچو فرزندش

علی مرتضی

گشت او مظلوم

تاریخ از جفا

ای بزرگ شهر بطحا ! دستگیر

روز محشر از غلام خود « سفیر »

سلام ، حامی پیک و

پیام ، ابوطالب !

سلام ، ای ملکوت کلام

، ابوطالب !

کتیبه ای ست نگاهت

به قدمت انسان

سلام ای جبروتِ تمام ،

ابوطالب !

« امیری اسفندقه »

ص: ۲۶۰

۴۲- مفخر اولیاء / مرحوم حاج سیدعلی سقایی (سقا)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

مرحوم حاج سیدعلی سقایی (سقا)

مفخر اولیاء

عمّ

خیرالوری ابوطالب

باب

شیرخدا ابوطالب

معدن

فضل و بخشش و احسان

بحر

جود و سخاء ابوطالب

افتخار

قریشیان ز شرف

بود

در هر کجا ابوطالب

بود از

جان فدایی احمد

بس

که دارد وفا ابوطالب

راه

بیگانگان نرفت و بود

با

خدا آشنا ابوطالب

آنی

از حق نشد جدا چون بود

همه

جا با خدا ابوطالب

ز

ابتدا تا به انتها یک دم

نشد

از حق جدا ابوطالب

در

میان قریش و در مکه

بود

صاحب لوا ابوطالب

به

فقیران بی نوا ز کرم

بود

کارش عطا ابوطالب

داشت

از عشق حق به سر هر دم

شور

بی منتها ابوطالب

عین

حق را پدر بُود که بُود

مفخر

اولیاء ابوطالب

داشت

از مهربانی با مردم

چهره

دلگشا ابوطالب

همچو

فرزند خود علی به جهان

هست مشکل

گشا ابوطالب

به

نبی کرد اقتدا و شدی

بر

همه مقتدا ابوطالب

از

ابوجهل و از ابوسفیان

دید

ظلم و جفا ابوطالب

از

کنار نبی دم آخر

شد

به دار بقا ابوطالب

با

ولای علی از این عالم

شد

به پیش خدا ابوطالب

هرچه خ-واهی از او بج-و « سَقَا »

که ب-ود ذوالعطا

اب-وطال-ب

ص: ۲۶۱

۴۳- رازهای بزرگ / علی سلیمیان

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

آقای علی سلیمیان (از زرین شهر)

رازهای بزرگ

کدام

شعر به وصفش سرِ خطر دارد؟

به وصف

او که خودش شعرهای تر دارد!

تمام

شعر جهان یک طرف، مقابل آن

قصیده‌ای

که مدال از پیامبر دارد

بگو به

قوم عرب، مصرعی مشابه آن

بیاورد

، هر کس دعوی هنر دارد

به ارث

برده علی از پدر دلیری را

به وقت

معرکه چون شیر اگر جگر دارد!

فضایلش

همه از فاطمه سؤال کنید

عروس

خانه از این رازها خبر دارد!

کسی که

گفته مسلمان نبود ابوطالب

بیاورد

سند معتبر، اگر دارد

به

مدحت پدری که علی است فرزندش

سزاست

کعبه‌ی شعرم شکاف بردارد!

به حول

محور او واژه واژه‌ی غزلم

قدم

برهنه به رسم طواف بردارد

کسی که

سینه‌ی اشعار کفر را بدرد

اگر که

تیغ بلیغ از غلاف بردارد

به پای

مصراع شعرش نمی رسد ، حتی

جهان

واژه اگر ائتلاف بردارد!

ص: ۲۶۲

۴۴- اسرار عشق / حسن احمدی (شائق اصفهانی)

سروده: شاعر خاندان رسالت (علیهم السلام)

آقای حسن احمدی (شائق اصفهانی)

اسرار عشق

تا

ابوطالب نظر بر چشمه کوثر نمود

دُرّ

دریای ولایت از صدف سر بر گشود

پرده

دار کعبه را تنها توان با عشق گفت

بر

ابوطالب ز ما و شیعیان یکسر درود

تا علی

از کعبه آمد بر سر دست نبی

ساقی

بزم ولادت باده در ساغر نمود

یار و

غمخوار پیمبر آنکه آمد از شرف

پیش محراب رُخش خیل ملائک در سجود

با

پیام مصطفی غیر از ابوطالب که را

از جنان شاهین عزت آمدش بر سر فرود

در بر

خیرالبشر در عرصه میدان عشق

گوی سبقت را به راه دینِ حق، یکسر رُبود

گر که

پیغمبر به او می داد رخصت یک نفس

یک نفر از قوم بی دینان بجا دیگر نبود

ص: ۲۶۳

تا دهد

با بولهب ها جاهلیت را فرار

چار

شیر نر ، بحق ، حامی پیغمبر نمود

گفت

بوطالب اگر دشمن شوندم صد هزار

کی

توانم از برادر زاده ام دل برگشود

هر نفس خون جگر از دست نااهلان چشید

اولین

یار پیمبر در قیام و در قعود

شاعری

را گر هدف روشنگری باشد چو او

میشود

یار پیمبر در فنود(۱)

و در قنود(۲)

تا که

آمد از فضا گل نغمه بلبل بگوش

طبع

شاعر شد شکوفا در سرور و در سرود

در

زمان بت پرستی در کنار مصطفی

جز

ابوطالب چه کس تاج ولا بر سر نمود

شد

ابوطالب به عالم شهره در نام آوری

تا که

اسرار حقیقت را ز پیغمبر شنود

تا ابوطالب نظر بر کشور

ایران کند

« شائق » این

چامه، به عشق حیدر صفدر سرود

ص: ۲۶۴

۱- . کسی که در گفتار و تکلم نمودن و رفتار توقف و تأنی نماید.

۲- . کسی را گویند که در کار و گفتار غره شود و دلیر گردد.

سروده: شاعر و مداح اهل البيت (عليهم السلام)

آقای مرتضی شاهمندی

تقدیم به حضرت ابوطالب (علیه السلام)

اگر که بر عشق علی

راغیم

ما همه مدیون ابوطالیم

کیستی ای سید والا

نَسَب

علی

شده به نام تو مُنتسب

دین خدا را همه جا

یاوری

از دل و جان یاور

پیغمبری

مثل علی بر همگان

سُروری

چون که ابالعشق

أبالحیدری

گفته به وصف تو امام

صادق

دین تو برتر بُود از

خلاق

هر که به توحید تو باور

نداشت

معرفتی به نام حیدر

نداشت

نام تو آویزه‌ی عرش

خداست

چونکه پیمبر ز تو بهتر

نداشت

دین

نبی از تو شرف یافته

با

پسرت به مشرکان تاخته

وقت عروج تو شده سال

حُزن

نشسته

بر دلِ نبی حالِ حُزن

قلبِ نبی ز داغ تو

سوخته

غمّت به دل شعله ای

افروخته

شیرخدا با دلِ پُر از

مَحَن

پیکر پاک تو نموده کفن

آه، ولی حسین شده بی

کفن

جسم مطهرش شده پاره تن

ص: ۲۶۵

۴۵- مفخر شمس و قمر / محمدرضا کاکائی (شفای اصفهانی)

سروده: شاعر با ایمان و ولایت (علیهم السلام)

آقای محمدرضا کاکائی (شفای اصفهانی)

مفخر شمس و قمر

رطب شیرین شود وقتی که

خرما خوش ثمر باشد

پسر حیدر شود وقتی

ابوطالب پدر باشد

خداوند آفرید از صلب عبدالمطلب

نوری

که تا صبح قیامت مفخر

شمس و قمر باشد

همان نوری که حق می خواست

در روز غدیر خم

تجلی در تجلی، جلوه‌ی

خیرالبشر باشد

سرایش خانه خورشید شد

، یعنی ابوطالب

از این پس باید از

آینه ها آینه تر باشد

من از عشق میان عاشق و

معشوق فهمیدم

سپر آنجا شود جانی ، که

جانان در خطر باشد

خیالی نیست حتی عُسرت

شعب ابوطالب

اگر جان عمو بر هجمه

دشمن سپر باشد

برای هر دلی طی طریق

عشق ممکن نیست

مگر آن دل که در آن نور

ایمان بیشتر باشد

ص: ۲۶۶

چه

ایمانی است آن کفری که باید همچو شمشیری

به ظاهر بهر حفظ دین حق

مد نظر باشد

چه دینی می شود دینی که

دور از چشم بدخواهان

برای عشق باید منشأ خیر

و اثر باشد

حدیث لافتی الا علی بر

خلق ثابت کرد

شجاعت فصلی از این دفتر

پر برگ و بر باشد

خدا می خواست او مهمان

بیت الله باشد تا ابوطالب

به رسم پرده داری

میزبان این پسر باشد

به هر بابا در این عالم نبخشند این لیاقت را

که فرزندش برای هر دو عالم تاج سر باشد

توئی آن مرد نبی یاور و

حیدر پرور

که دل بنت اسد مست گل

افشانی توست

ای که از شعب چنان شیر

برون آمده ای

نام جانبخش علی نقش به

پیشانی توست

سپرجان محمد همه جان ،

جان تو بود

روح اسلام رهین تو و حق

دانی توست

« استاد احد ده بزرگی »

ص: ۲۶۷

۴۶- مهر پر فروغ / مصطفی هادوی «شهر اصفهانی»

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

مصطفی هادوی «شهر اصفهانی»

مهر پر فروغ

این

گوهری که خانه دل زان منور است

بوطالب

است آنکه عموی پیمبر است

این

مهر پر فروغ که از آسمان دمید

در

سینه های اهل ولا مهر پرور است

تا

بیکران عالم هستی است نام او

جد

حسین و هم حسن و باب حیدر است

در آسمان مکه درخشید و

گل نمود

آن

جلوه ای که عالمی از او منور است

نسل

خلیل آمد و شد حامی رسول

گلبانگ

نای او همه الله اکبر است

اوّل

کسی که در ره احیای دین حق

کوشش

نمود این پدر پاک گوهر است

این

گوهری است کز صدف بحر معرفت

آمد

پدید و روشنی هفت کشور است

بوطالب

آنکه خلوت دلها سرای اوست

چشم جهانیان

همگی سوی این در است

دارد « شهیر » بر

سر خود تاج افتخار

تا در دلش محبت آن پاک گوهر

است

۴۷- بزرگ عشیره ، کفیل پیمبر / حاج محمد علی صاعد (صاعد)

سروده : شاعر خاندان رسالت و امامت استاد ادیب

آقای حاج محمد علی صاعد (صاعد)

(از اصفهان)

بزرگ عشیره ، کفیل پیمبر

مرا

ریخت ساقی از آن می به ساغر

که وصل

است خمخانه آن به کوثر

می

کوثری نشاه آن بهشتی است

که از

آن شود جوهر جان معطر

از

این باده گردد سر هر کسی سبز

دماغ

هر آن کس از این می شود تر

اگر

خار بن ناز و سنبل برآرد

اگر

بید بن لوز و خرما دهد بر

اگر

معنی آرد بُود شیرۀ جان

اگر

لفظ سازد شود مشک اذفر

محبّت

سرشت این دل من که حق ساخت

به آب

ولایت گلم را مخمّر

مبادا

نشینی حزین و پریشان

مبادا

که عمرت شود طی مکدر

غنیمت

شمر فرصت و لطف ساقی

که

داری می جاودانی به ساغر

که گر

لطف بهتر که باشد دو بالا

که گر

می از این مست بهتر مکرر

ص: ۲۶۹

سخن

سنج ای طبع شیرین تکلم

هما

دولت ای طبع طاووس پیکر

تورا

بخت یار است و اقبال همراه

که

داری زبانی چو قمری نواگر

چو

بلبل به گلشن در آ نغمه پرداز

چو

طوطی به محفل فرو ریز شکر

کلامت

کن از لفظ شیرین مزین

بیانت

کن از نورِ معنی منور

بگو مدحت باب و جدّ امامان

شجاع

شجاعان ، عمومی پیمبر

ابوطالب

آن سرور و شیخ بطحا

که بود

از عرب از نژادی مطهر

هم

او بود در قوم خود فرد و ممتاز

به

عالم قریش از عرب بود اگر سر

نه

چون او کسی در بزرگی سرآمد

نه مانند او کس شجاع و دلاور

ز رتبت

خداوند و سالار مکه

ز دولت

زبانزد چنان سکه بر زر

کلید

حرم از درایت به دستش

سقاییت

بر او از کفایت مقرر

ز

بیمش به چشم عدو خواب هیهات

شمشیر او بود مرگی مصور

ص: ۲۷۰

همین

منزلت بس مر او را که او بود

بزرگ

عشیره ، کفیل پیمبر

زبان

آوری بی قرین چشم بد دور

سخن

آوری فرد ، الله اکبر

ز

مدح محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) کلامش شکر ریز

دلاویز

لفظش چو قند مکرر

نبی

در پناهِش به ترویج دین ، گرم

که او

بود حصنی چو سدّ سکندر

اگر

او نمی کرد شب پاسداری

نمی

خفت راحت پیمبر به بستر

ابوطالب

از صدق ایمان نبی را

بر

افراشت چتر حمایت چو بر سر

پیمبر

توانست با نور تبلیغ

کند

دین خود بر جهان سایه گستر

ابوطالب

از موضع عزّ و جاهش

کمک

کرد بر دین پورِ برادر

به

عونش نبی کرد عرض رسالت

نگر

منزلت را بین شوکت و فر

به یمن

مددهای او شد که احمد

ز

انوارش امّ القری شد منور

به

جز او در آن روزهای رسالت

چه کس

داشت تاب دفاع از پیامبر

ص: ۲۷۱

نکرد او ز احمد مگر سرپرستی

چنین

رتبه جز او که را شد میسر

ز

دیوان او فضل او جستجو کن

ز

اشعار او پی به ایمان او بر

بین

تا چه از خویش بنهاده بر جا

نگر تا

چه بر دین خود کرده محضر

که

هر مصرعش دوست را تنگ شکر

که هر بیت آن خصم را نیش نشتر

بلیغ و

شجاعی چو او می تواند

که

فرزندی آرد همانند حیدر

بنه

دشمنان رسول و وصی اش

به

جانشان ز حقد و حسد اُفتد آذر

گرفتم

که از جهل و غفلت مُعاند

گرفتم

که خصم بد اندیش کافر

نخواهد

که داند ، چه حقّ و چه باطل

نیارد

تمیز خزَف را ز گوهر

ندارد

اگر تاب خورشید خفّاش

چه

باکی است بر شوکت مهر خاور

گریزد

گر از بوی خوش مغز کُنّاس

چه بر

نافه چین ؟ چه بر مشک اذفر ؟

ابوطالب

ای حامی و یار احمد

دلیر

مجاهد ، ادیب سخنور

ص: ۲۷۲

به صبح

بلاغت تویی مهر رخشان

به شام

جهالت تو ماهی منور

دعا

کرد احمد به حَقَّتْ ، دگر من

چه

گویم که می باشم از ذره کمتر؟

غرض

شکر باری تعالی است کو ساخت

گِلِ

ما به آب ولایت مخمّر

هم این

یک مؤبّد به جَنّت مَخْلَد

هم آن

یک به فِی الدَّرَكِ اَسْفَلِ مَقَرَّر

زهی « صاعد » این چامه آن فیض

عظمی

زهی

گر قبول اُفتد از این ثناگر

که ماناد بر دفتر دهر

جاوید

که سازد

مرا سرخ رو روز محشر

رباعی

آنگاه

که جهل و بت پرستی قریش

بر کلّ جزیره العرب غالب بود

آن کس که مدافع حریم

اسلام

می بود

، همان حضرت بوطالب بود

ص: ۲۷۳

۴۸- پرده دار کعبه / قاسم صرافان (از تهران)

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

آقای قاسم صرافان (از تهران)

پرده دار کعبه

آن سرو آزادی که عالم

تاب شد در پناه سایهات ، خورشید

محبوب حقی که حبیب الله

، زیر پر و بالت ، چنین بالید

روحی، که نامت را به

گوشم خواند ، با آن طنین دست مرا لرزاند

لوح

دلَم را سوی تو چرخاند ، جوهر به رقص آمد ، قلم چرخید

انداخت نامت در دلش

شوری ، بنت اسد ، شد عاشق نوری

نور رخ در پرده مستوری

تا در جبین تابناکت دید

ای پرده دار کعبه! ای

مَحرم ! جان تو و این آیت اعظم

عرش و زمین را زد گره

بر هم ، وقتی علی او را علی نامید

ای هم سفر با ماه تا

یثرب! ای شاهد شیدائیت ، راهب

در پیش ایمانت ،

ابوطالب ! ما را مسلمان کی توان نامید ؟

در شعرت ، آیین خاتمی

دارد ، نام محمّد ، عالمی دارد

دینت ، نشان محکمی دارد

، چون خواندن آن میم با تشدید

مثل

خدیجه در دلت دل نیست ، عشق است و بی ایثار کامل نیست

دارایی

دنیا که قابل نیست ، جان را به راه دوست می بخشید

ص: ۲۷۴

سرکش ترین طاغوت ها

رامت ، بعد از تو ، ترسیدند از نامت

از بغض اقیانوس آرامت ،

مدح تو بر لب هایشان خشکید

آن ها که از نام تو

ترسیدند ، تا بعد هجرت ، بت پرستیدند

گردی به روی ماه

پاشیدند ، خندید ماه و بیشتر تایید

بالید زیر سایه ات جعفر

، خواند اولین توحید را حیدر

ای مرد ! بودی کاش ، تا

کوثر ، دست تو را هر بار می بوسید

با مصطفی ، جدّ حسن هستید ، جدّ شهید بی کفن

هستید

چشم امید شعر من هستید ، کم توشه را بسیار می بخشید

تو فاطمه ی بنت اسد

داری و باید

در نسل خودت شیر خدا

داشته باشی

وقتی که علی بر سر دوش

تو نشسته

دیگر

چه نیاز است عبا داشته باشی

« نوید پور مرادی از قم »

ص: ۲۷۵

۴۹- ایمان پنهان / خانم زهرا صرامی

سروده: شاعر خاندان ولایت (علیهم السلام)

خانم زهرا صرامی (از خمینی شهر)

ایمان پنهان

مثل اصحاب کهف ایمانش ،

باید از دیگران نهان باشد

در دلش چیز دیگری غیر

از ، اعتقادی که بر زبان باشد

ترس افتاده بود بین

قریش ، تا پناه پیامبر شده بود

دشمنی که مقابل او بود

، باید این قدر ناتوان باشد

بین اقوال مختلف گاهی ،

از خودم یک سؤال می پرسم

می شود

یک نفر مگر این طور ، شرک و ایمان توامان باشد

پسرش را فدای پیغمبر ،

چشم پوشی کند از اموالش

بگذرد

از تمام هستی خود ، هر چه خواهند بی گمان باشد

پسر او امیر مؤمن هاست

، پسر او ابوتراب شده

پسر

اوست جان خود بر کف ؛ دل به پهنای آسمان باشد

عهد کرده است حامی اش

باشد؛ تکیه گاه و پناه پیغمبر

عهد

کرده است با خودش انگار ، تا زمانی که هست جان باشد

مثل او می تواند این

دین را ، تا همیشه نگاه دارد و بس

جاودان مانده است این

پیمان؛ فارغ از رفتن زمان باشد

ص: ۲۷۶

۵۰- حاجبِ کعبہ و میر نام آور / حسین کاجی (طالع شہر ضائی)

سرودہ : شاعر با ولایت (علیہم السلام)

آقای حسین کاجی (طالع شہر ضائی)

حاجبِ کعبہ و میر نام آور

جان و

جانپوری ابوطالب

عشق را

باوری ابوطالب

نور

بارد ز نام نیکویت

بسکہ

روشنگری ابوطالب

شانہ

آت تکیہ گاہ پیغمبر

تو نبی

پروری ابوطالب

حاجبِ

کعبہ ، افتخارِ عرب

میر

نام آوری ابوطالب

شیر

باید که بچه شیر آرد

پدر

حیدری ابوطالب

فخرت

این بس که در قبیله خویش

عم پیغمبری ابوطالب

بر

هجوم ستمگران عرب

بر نبی یاوری ابوطالب

نه همی

از تبار ابراهیم

جد

اولاد حیدری ابوطالب

ص: ۲۷۷

کشتی

عشق را به بحرِ ولا

ساحل و

لنگری ابوطالب

در

هجومِ عدو به قبلهٔ عشق

کعبه

را سنگری ابوطالب

همچو

یارِ علی تو بهر نبی

مالک

اشتری ابوطالب

هم

مُوحِدِ میان قومِ عرب

هم

مَلکِ لشگری ابوطالب

« طالعَم » خوش

که بر مُجِبِ علی

شافعِ محشری

ابوطالب

رباعی

یکباره

چقدر زندگی جالب شد

عشق

است که بر هوای دل غالب شد

زهرا

که خودش عزیز پیغمبر بود

دل

بسته فرزند ابوطالب شد

« سید حسین طهماسبی »

(از اصفهان)

ص: ۲۷۸

۵۱- تکیه گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) / سید علیرضا طباطبایی اصیل

سروده: شاعر جوان اهل بیت (علیهم السلام)

آقای سید علیرضا طباطبایی اصیل

(از اصفهان)

تکیه گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)

کم نیست تکیه گاه رسول

خدا شدن

هم نیست کم به رتبه

ابالمرتضی شدن

مردی که اقتدار عرب را

زبانزد است

ترسی ندارد از بر

ایمان فدا شدن

وقتی کلیددار حریم خدا

شدی

بیهود گيست کفر تو را يك

صدا شدن

تو اولین غریب مسلمان

شدی و، شعب

چیزی نداشت فاصله تا

کربلا شدن

ای بهترین کفیل برای

رسول حق

ای مفتخر به فضل

ابالمصطفی شدن

رفتگی و مبتلا به غمت

گشت امتی

سالی به حزن رفت ، از

این مبتلا شدن

مثل بقیع، قبر تو مغضوب

خصم شد

حاشا به خصم ، بهر

چنین بی حیا شدن

ص: ۲۷۹

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای محمد علی زمانی علویجه

(طوفان)

بنده خاص خدای ذوالجلال

رشته

اندیشه سر زد از غلاف

تا دهد

شرحی خوش از عبدمناف (۱)

این به

فطرت از تبار انبیاء

حاصل

نوری ز انوار خدا

این

شریف و پاک در خوی و خصال

بنده

خاص خدای ذوالجلال

این

محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را پناه و پشت و یار

در

بسیط عشق دست کردگار

صحبت

از عم رسول آمد به پیش

حامی

والای این آئین و کیش

ابن

عبدالطلب یار رسول

اهل

دین و اهل ایمان و قبول

او

که هرگز پشت بر اعدا نکرد

حامی

دین بود و حق ، در هر نبرد

مثل

سدی پیش بدخواه ایستاد

فرصتی

هرگز به بدخواهان نداد

ص: ۲۸۰

۱- . عبدمناف نام حضرت ابوطالب است.

در

ره سیلِ عدو چون کوه بود

گرچه

یک تن ، لشکری انبوه بود

پیش

عمال قریش کینه خواه

سرور و

سردار بود و هم سپاه

این

بزرگ با صلابت حمزه وار

حامی

دین و نبی بود آشکار

توطئه

بر ضد دین هر جا که دید

نقشه

ای از بهر ابطالش کشید

این

چراغ معرفت پاینده بود

همچو

خورشید فلک تابنده بود

دامنش

دامان ایمان و ولا

پرورشگاه

علی و مصطفی

دامن

ایمان و حکمت بود و عقل

دامن

بخشایش و ایثار و فضل

هم

محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را چو گوهر پرورید

هم علی (علیه السلام) از صلب او

آمد پدید

آری

آری آمد از او در وجود

بهترین

رهپوی خلاق و دود

شکرالله

طبع « طوفان » باز هم

چامه

ای شیرین و شیوا زد رقم

تا

مگر از لطف حی کردگار

این

چکامه ماند از او یادگار

ص: ۲۸۱

سروده: شاعر جوان خاندان نبوت (صلی الله علیه و آله وسلم)

آقای سعید علامه (از اصفهان)

حافظ مسلمانان

اهل ایثار و هم

فداکاری

داده دین را به همّتش

یاری

وقت خوابیدن همه این

مرد

بوده در جستجوی بیداری

از نیش دمی نشد غافل

به ، به این شیوهی

وفاداری

هم قدم بوده با رسول

الله

بین

سختی و غم ، گرفتاری

رنج و سختی راه احمد

را

کرده با جانِ خود

خریداری

بوده او حافظ مسلمانان

با تمام وجود و هشیاری

تا که اسلام و حق شود

پیروز

ذره‌ای هم نکرده کم

کاری

از قریبان خود بلاها

دید

وای از این درد مردم

آزاری

آن کسانی که هر نفس

بودند

همه

در مرکز زیانکاری

با بیان رسا و شیوایش

او سروده نمونه اشعاری

تا به جایی که دشمنانش

را

میبرد زیر بار دشواری

پرچم شیعه تا ابد

بالاست

چونکه دارد چنین

علمداری

یا علی! گفته از پدر

جانت

شاعری که خودت خبر داری

ص: ۲۸۲

۵۳- سرّ پنهان ابوطالب (علیه السلام) / صمدعلیزاده

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای صمدعلیزاده

سرّ پنهان ابوطالب (علیه السلام)

کلید

کعبه باشد بین دستان ابوطالب

چه

معنا می دهد این کار در شان ابوطالب

خدا

یعنی که زایشگاه حیدر را به او داده

چه

میداند کسی از سرّ پنهان ابوطالب

کفیل

خاتم پیغمبران ، عمّ رسول الله

نبی

المصطفی پرورده دامان ابوطالب

جوانمردی که دارد نور حیدر را به صلب خویش

همین

کافیست در اثبات ایمان ابوطالب

اگر

ایمان او سنجند با ایمان مخلوقات

زمین

تا آسمان فرق است به میزان ابوطالب

ابوطالب

اگر شیرخدا را پرورش داده

شجاعت

می شود طفلی به میدان ابوطالب

بود

از صلب ابراهیم و توحید است دین او

چرا

مکه نمیگردد مسلمان ابوطالب

رسول

الله را حامی ، کتاب الله را حامل

علی قرآن ناطق هست و قرآن ابوطالب

حمایت می کند با مال و

جاننش از رسول الله

و این اسلام مدیون است بر جان ابوطالب

ص: ۲۸۳

هزاران لعنت و نفرین بر آن قومی که جای شکر

بنا

کردند کار خود به کفران ابوطالب

قسیم

النار و الجَنَّة ، شفیع ماست در محشر

پسر ما

را به جنت کرده مهمان ابوطالب

به جا

باشد که شعر شاعران در مدح حیدر را

کنند

تألیف با عنوان دیوان ابوطالب

یقین دارم که ایوان نجف پیشش ادب

میکرد

اگر ویران نمی کردند

ایوان ابوطالب

به

استناد حدیث ، او پدر بزرگ همه است

فقط به

خاطر اینکه پدر برای علیست

شب

مَبیت به بستر ، غدیر بر منبر

علی به

جای نبیّ و ، نبی به جای علیست

« مهدی رحیمی از دلجانان »

ص: ۲۸۴

۵۴- یار و غم خوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / مرحوم آیه الله العظمی حاج میر سید علی علامه فانی (ره)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

مرحوم آیه الله العظمی حاج میر سید علی علامه فانی (ره)

یار و غم خوار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

چو

دشمن قصد آزار و ستم کرد

ابوطالب

قد مردی علم کرد

سفارش

های بابش یاد می کرد

برادر

زاده را دلشاد می کرد

به

غمخواری و یاری محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

تحمل

کرد محنت های بی حد

به

یمن همتش اسلام منصور

کتاب

عمر او روشن تر از نور

کسی

را گر زایمانش خبر نیست

از آن

باشد که فرزندش عمر نیست

چه

خوش فرمود آن اصل حقیقت

ندیده

رهبری چون من اذیت

نمی

پرسی در این غوغای طغیان

مددکارش چه کس بود از دل و جان

ابوطالب

عموی با صفایش

علی داماد با مهر و وفایش

ص: ۲۸۵

۵۵- مؤمن آل قریش / مصطفی فروردین

سروده: شاعر خاندان ولایت (علیهم السلام)

آقای مصطفی فروردین (از خمینی شهر)

مؤمن آل قریش

هر قدر

خورشید در چشمان شبنم برتر است

بادهی

توفیق از صهبای زمزم برتر است

ریسمان

پُر گره بی شک سزاوار فناست

روی

باز از چهره‌ی پر خط و پر خم برتر است

مؤمن

آل قریشی و ، به قومت گفته‌ای

پرچم

توحید از هر گونه پرچم برتر است

در

ترازوی عمل بی شک به روز رستخیز

کفه‌ی

ایمانت از ایمان عالم برتر است

آینه

از روی بدنقصی نمی‌بیند به خود

شأن تو

از تهمت کافر ، مسلّم برتر است

هم خودت دارای فضلّی و همین که همسرت

از

زنانی مثل آسیه و مریم برتر است

در

کنار سفرهٔ تو رزق عالم بیمه شد

آب و نان سفره ات از « خوان حاتم » برتر است

معذرت

می خواهم از تعبیر و درک ناقصم

مدح تو خیلی از این‌هایی که گفتم برتر است

ص: ۲۸۶

۵۶- یاری گر احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / حسین شیرانی بید آبادی (فرود اصفهانی)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

حسین شیرانی بید آبادی (فرود اصفهانی)

یاری گر احمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

ای شوکت اسلام ز لطف تو

میسر

خورشید رسالت ز کمال تو

منور

گر همت و گر عزم

دُرست تو نبودی

هرگز نشدی قدرت اسلام

میسر

شد کعبه خجل از تو و

بشکافت گریبان

تا شد ز وفا مهد علی

فاتح خیبر

تحریم شد از قوت

تدبیر تو خنثی

هر توطئه از همت والای

تو ابتر

الطاف خدا زد رقمِ بخت

که گشتی

یاری گر احمد ، پدر

حیدر صفدر

تو عامل یزدانی و تو

حامی دینی

از لطف خداوند شد

اینگونه مقدر

از همت والای تو شد

کعبه معزز

با همت اولاد عزیز تو

مسخر

ص: ۲۸۷

همچون تو موحد نبود

بعد براهیم

دشمن شده از همت و سعی

تو مکدر

آن سعی خطیری که به

اسلام نمودی

کی می رود از خاطر

یاران پیمبر

گفتم که « ابوطالب » و دیدم که « فرودا »

از نام شریفش نفسم گشت معطر

در اُحد نه ، شده

آقای شهیدان حمزه

از همان لحظه که مانند

ابوطالب شد

آن دو بالی که خدا مزد

شهادت می داد

صاحبش جعفر دلبند

ابوطالب شد

« سید حسن رستگار »

(از اصفهان)

ص: ۲۸۸

۵۷- پاسدار قرآن / حاج محمد علی فریور (فریور)

سروده: شاعر دلباخته خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای حاج محمد علی فریور (فریور) از اصفهان

پاسدار قرآن

تو

بر اسلام و قرآن پاسداری ای ابوطالب

تو اّمّت را مدال

افتخاری ای ابوطالب

تو عمّ احمد و باب علی

، جدّ امامانی

سراپا آیت پروردگاری ای

ابوطالب

سلیل

چار امّ و پنج حسّ و هفت آبایی

تو

جدّ امجد هشت و چهاری ای ابوطالب

گل

گلخانه عبدالمطلب نخل توحیدی

خلیل الله را خود

یادگاری ای ابوطالب

تو عمرانی تو ایمانی ز

جان حامی قرآنی

تو

بر پیغمبر اسلام یاری ای ابوطالب

تویی استاد دانشگاه

ایثار و جوانمردی

کلاس عشق را آموزگاری

ای ابوطالب

برای انهدام دشمنان

دین و پیغمبر

تو اهل رزم و مرد

کارزاری ای ابوطالب

ص: ۲۸۹

مشام

اهل ایمان را چنان عطر گلی ، اما

به

چشمِ خصمِ قرآن همچو خاری ای ابوطالب

ز جان مدح تو گر گویم ،

ره عشق تو گر پویم

تو

ممدوح خدای کردگاری ای ابوطالب

شعار بکر را مطلع کتاب

عشق را عنوان

صفای

بیت بیت این شعاری ای ابوطالب

« فریور » را بده رخصت که تا

گوید به هر فرصت

ت-و ب-ر اسلام و ق-رآن پاسداری ای

اب-وطالب

ابوالمرتضی حامی دین

احمد

ابوطالب آن رادمرد

دلاور

چوشیری که چون پاگذار د

به میدان

گریزند صد روبه اش از

برابر

« سید ابوتراب هاشمی »

ص: ۲۹۰

۵۸- هیبت و رأفت ابوطالب (علیه السلام) / محمد علی فریور (فریور)

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

آقای محمد علی فریور (فریور)

هیبت و رأفت ابوطالب (علیه السلام)

بگویم از دل و جان مدحت

ابوطالب

مقام و منزلت حضرت

ابوطالب

سلیل عبدمطلب به شهرت عمران

که داشت جلوه گری هیبت

ابوطالب

شده است باغ نبوت ز

همتش سرسبز

صد آفرین به چنین همت

ابوطالب

به پاسداری روز و شب

رسول خدا

همیشه بوده ز جان عادت

ابوطالب

حمایت علی و لیلہ المیبت بود

به پاس کوشش و جدیت

ابوطالب

به جز خدا و نبی و علی

کسی نشناخت

برای خلق خدا رأفت

ابوطالب

مخالفین همه بودند در

صدد که شود

ز کینه ، محو همه خدمت

ابوطالب

ص: ۲۹۱

هزار شکر که از رحمت و

عنایت حق

نمود جلوه گری عزّت

ابوطالب

نوشته اند بسی شاعران و

اهل قلم

بزرگواری و شخصیت

ابوطالب

فغان که شد دهم بعثت و

به ماه رجب

به روز بیست و ششم رحلت

ابوطالب

ندانم آنکه به پیغمبر و

علی چه گذشت

چه کرد با دلشان محنت

ابوطالب

علی یتیم شد و ناله زد

ز داغ پدر

نبی گریسته در فرقت

ابوطالب

چکامهٔ تو « فریور » قبول حق گردد

به فیض رحمت بی‌مَنّت ابوطالب

پدر که جای خودش جنتش

شده تضمین

به روز حشر هر آنکس که

آشنای علیست

« مهدی رحیمی از دلجان »

ص: ۲۹۲

۵۹- بی کران بحر علم / حاج علی نریمانی (قائمی)

سروده: شاعر با ولایت (علیهم السلام)

حاج علی نریمانی (قائمی)

بی کران بحر علم

به مدح

ابوطالب نیک نام

سخن را

ببخشم قوام و دوام

به

دریا دهم قطره را اتصال

بشویم

ز دلها غبار ملال

بنام

خدای زمین و زمان

قلم را بگیرم بکف بی امان

ز عشق

ابوطالب آن مرد حق

بگیرم

حجاب از جمال فلق

بگویم

ابوطالب آن کانِ جود

جهان

را سرای سعادت نمود

ابوطالب

آن فخر دنیای علم

ابوطالب آن بی کران بحر علم

ابوطالب

آن شاعری پر توان

ابوطالب

آن عارفی مهربان

ابوطالب

آن دین مداری صبور

ابوطالب

از کبر و کینه به دور

ص: ۲۹۳

به

ظالم ستیزی ، امیری کبیر

به

یاریّ مظلوم مردی دلیر

گه

رزم سردار نام آوران

همان

کو بود صفدر صفدران

ابوطالب

آن مظهر عدل و داد

ابوطالب آن فرد فرّخ نهاد

ابوطالب

آن حامی مسلمین

ابوطالب

آن دشمن مشرکین

ابوطالب

آن یار درماندگان

ابوطالب

آن خصم گردنکشان

ابوطالب

آن والد هشت و چار

ابوطالب آن نُخبهٔ روزگار

به

پیغمبر آن قدر خدمت نمود

که

باشد فراتر ز حدّ و حدود

پی

یاری حضرتش سینه را

سپهر

داشت در پیش تیر بلا

مبادا

ز کفارِ شومِ دغا

گزندی

رسد بر رسول خدا

به

برداشت او را همانند جان

ابوطالب

لایق و مهربان

بود «قائمی»

شرمسار شما

اگر حق

مطلب نکرده ادا

ص: ۲۹۴

۶۰- بزرگ بطحا و شریف مکہ / قاسم قادری (قادر)

سرودہ : شاعر ادیب خاندان ولایت (علیہم السلام)

آقای قاسم قادری (قادر)

بزرگ بطحا و شریف مکہ

ابوطالب

ابر مرد یگانہ

کہ

باشد نام نیکش جاودانہ

ابوطالب

دلیر روزگاران

کز او

ہموارہ پشت خصم لرزان

ز نسل

پاک ابراہیم باشد

بہ

فرمان خدا تسلیم باشد

بزرگ

و سید والای بطحا است

شریف مکہ و از آل طاہاست

کفیل

احمد محمود باشد

خدا

از کار او خشنود باشد

ز عام

الفیل و میلاد پیمبر

نبی

را یار بودی تا به آخر

نبی

را سرپرستی چون پدر بود

به

امواج بلا او را سپر بود

دلی

آکنده از عشق خدا داشت

سری

پُر شور همچون مرتضی داشت

ز

اشعاری که از او مانده برجا

بود

ایمان و صدق او هویدا

به

ایمانش نباید کرد تردید

که گویا شد زبان او به توحید

کلید

بیت حق در دست پاکش

صفا و

مروه دائم سینه چاکش

سقاییت

را بنام او رقم زد

خداوند

کریم ذات سرمد

نگر

شعب ابوطالب چهارگرد

تمام

هستی خود را فدا کرد

سیادت

نامه سبز ولایت

ز نسل

پاک او دارد حکایت

ص: ۲۹۵

سلام

ما به اجداد کبارش

پیمبر رحلتش را چونکه بشنید

پدر وقتی مقامش این چنین است

علی فرزند بو طالب که آدم

به

فرزندان صاحب اختیارش

زمان را سال « عام الحزن » نامید

پسر او را امیرالمؤمنین است

بر این فرزند می بالد به عالم

علی فرزند بو طالب که « قادر »

بگوید مدح او تا روز آخر

پدر امتی و ، مظهر عزت

هستی

از مقامات تو هر قدر

نوشتند کم است

عاشقان تو و فرزند

عزیزت حیدر

بیشتر از همه اقوام ،

گروه عجم است

«مهدی قاسمی از اصفهان»

ص: ۲۹۶

۶۱- سیمای ابوطالب (علیه السلام) / قاسم قادری (قادر)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

قاسم قادری (قادر)

سیمای ابوطالب (علیه السلام)

قلم

قاصر به انشای سجایای ابوطالب

خرد

درمانده و حیران و شیدای ابوطالب

علی را

باب خوش منظر، گرمی عم پیغمبر

خدایی

چهره ای بنگر، به سیمای ابوطالب

سخن

سنج و قدر قدرت، عرب را مایه عزت

برازد این چنین خلعت، به بالای ابوطالب

عرب را مرد میدان ها عجم را فخر عنوان ها

درون

قلب انسان ها، بود جای ابوطالب

گل

توحید بوییده، ره حق بس که بوییده

ملک همواره بوسیده ، کف پای ابوطالب

حرم

را خادم و محرم ، نبی را یاور و همدم

به جز حق نشنوی یک دم ، تو از نای ابوطالب

کلید

کعبه در دستش ، صفا و مروه سرمشقش

خدا داده همه هستش ، به ابنای ابوطالب

یقین دارم که در محشر ، ز دست شاه دین حیدر

بنوشم

باده‌ی کوثر ز مینای ابوطالب

منم مداح او « قادر » ز

لطفش حامد و شاکر

کند

شرمن-ده ام آخ-ر ، عطای-ای ابوطالب

ص: ۲۹۷

سروده: شاعر خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

آقای مهدی قاسمی (از اصفهان)

روح بلند ابوطالب (علیه السلام)

همیشه

صالحان گفتند از ایمان ابوطالب

و از

روح بلند و اوج عرفان ابوطالب

میان

مردمان تنگدست و بی نوای شهر

حکایت

ها فراوان بود از احسان ابوطالب

محمد

شد یتیم و سرپناهی امن می خواهد

از این

رو می شود یک عمر مهمان ابوطالب

برای

اینکه پیغمبر نبیند ذره‌ای آسیب

پناهی

امن خواهد بود دامان ابوطالب

تقیه

معنی مظلومیت در صدر اسلام است

تقیه

می شود ایمان پنهان ابوطالب

حمایت

از رسول الله را هر مومنی دیده است

میان

بیت بیت کل دیوان ابوطالب

برای

یاری دین خدا بعد از پدر بودند

انیس و

یار پیغمبر جوانان ابوطالب

پیمبر

از غمش در حزن و اندوه فراوان است

و گشته

سخت گریان و پریشان ابوطالب

برای

شادی قلب رئوف چارده معصوم

خوشا

آنکس که می گردد غزل خوان ابوطالب

۶۲- نام تو چون پسرت / آقای مهدی قاسمی

سروده: شاعر خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

آقای مهدی قاسمی (از اصفهان)

نام تو چون پسرت

نام تو چون پسرت نزد

بشر محترم است

مرقد خاکی تو در دل

شیعه حرم است

حافر زمزمی و ساقی حجاج

توئی

تهمت کفر تو بر دین

محمد ستم است

پدر امتی و ، مظهر عزت

هستی

از مقامات تو هر قدر

نوشتند کم است

عاشقان تو و فرزندان

عزیزت حیدر

بیشتر از همه اقوام ،

گروه عجم است

سال حُزن است همان سال

که رحلت کردی

پر کشیدی و نبود تو ،

پر از درد و غم است

سزد خاک رخت را تو تیای

دیده گردانم

که عمّ المصطفائی و

ابوالحیدر ، ابوطالب (علیه السلام) !

عجب نبود شفاعت گر کشد

ناز تو را فردا

چو آیی با علی در عرصه

محشر ، ابوطالب (علیه السلام) !

« حاج غلامرضا سازگار »

ص: ۲۹۹

۶۳- بزرگ خاندان وحی / محمد قدسی (قدسی)

سروده: شاعر دلباخته اهل البيت (عليهم السلام)

استاد محمد قدسی (قدسی)

از اصفهان

بزرگ خاندان وحی

خدایا عرضه می دارم به

درگاه این شکایت را

که وهابیت از حد برده

میزان جنایت را

چرا بی باک می تازد به

ایمان ابوطالب

چرا افروخته هر سو علیه

شیعه رایت را

نمی فهمد ز رفتارش گواه

صدق ایمانش

چرا نادیده گیرد اینهمه

رمز و کنایت را

نمی بیند که عبدالمطلب

هنگام مرگ خود

برای جانشینی دید در او

این کفایت را

چرا او در حضور خانواده

داد در دستش

کلید

کعبه را و منصب مشک و سقایت را؟

چرا گفتش که ز آن فرزند

من پیغمبر خاتم

مبادا بازگیری لحظه‌ای

بذل عنایت را؟

و تا آخر دمامم یاور او

باش، فرزندم

مگیر از این برادرزاده‌ات

چتر حمایت را

ص: ۳۰۰

اگر نشنیده او آوازه

شعب ابوطالب

سراغ از صفحه تاریخ

گیرد این حکایت را

چه خفاشانه چشم خویش را

بست و نمی بیند

مقام عرشی این آفتاب

بی نهایت را

چه عالی قدر ابوطالب ،

چه والاشان ابوطالب

که حق آورد از صلبش علی

اصل ولایت را

نمی کرد او اگر بیداد در

حق ابوطالب

نمی راند از سر خود فیض

باران هدایت را

چنان پرگشته تاریخ از فضیلت های او « قدسی »

که

دشمن چون خس است این سیل جوشان روایت را

یتیم مکه پیش این عمو آرام می گیرد

پناه از ظلم بوجهلان خون آشام می گیرد

تو مظلومیت از مظلومی

آل عبا داری

به گنج سینه ایمان عمیق

بی صدا داری

میان سینه ات پیچیده

سوز صوت توحیدت

تو چون اصحاب کهف ،

ایمان ثابت در خفا داری

علی (علیه السلام) فرمود: در

روز جزا چون پادشاهانی

ابهت داری و ، سیمای

همچون انبیا داری

ص: ۳۰۱

یتیم مکه را بعد از پدر

حصن حصین بودی

تو در تفسیر ، طعم آیه‌های

والضحی داری

نگاه مهر در چشم

برادرزاده می‌دوزی

توان فهمید از آن ،

قلبی به عشقش مبتلا داری

به زیر بال و پر او را

گرفتی ای هما رفعت

از این رو سایبان بر

سر ، ز نخل هل اتی داری

غریبی در حجاز ، اما دیار

دل ، نظر گاهت

تو هر سو صد هزاران

عاشق نام آشنا داری

چو می‌گوید زبانم یا

علی ، یاد تو می‌آیم

میان یا علی‌های شب

هر شیعه ، جا داری

برای آیه تطهیر حصر است

انما ، اما

تورنگ و بوئی از

شان نزول انما داری

در این گلشن ، درخت از

میوه قیمت می کند پیدا

تو هم اینجا ز

فرزندت علی قدر و بها داری

پسر را وارث فضل پدر

خوانند ، اما تو

ز فیض این پسر ، بر

تارک افلاک جا داری

ز مظلومیت ، دلها

همیشه بر تو می سوزد

تو فرزند شهیدی چون

حسین سر جدا داری

ص: ۳۰۲

علی از آب و نان سفره‌ات تأثیر می‌گیرد
و از صبرت رضامندی به هر تقدیر می‌گیرد

صبور مکه ، استهزاءها

دیدنی ز بوجهلان

ولی خالی نکردی از

برای مشرکان میدان

به صد دفتر اگر مکتوب

گردد شرح این غربت

نباشد هیچ کس را راه

بر آن نقطهٔ پایان

چنان اسلام خود پنهان

به سرّ سینه می‌کردی

که ایمان تو را کس

نیست تا باور کند آسان

بزرگ مکه‌ای ، ای پورِ

عبدالمطلب ، اما

عروسی مثل زهرا را

برای خود سعادت دان

محمد را به فرزندان خود

ترجیح می‌دادی

تکیه گاهش بودی و چون کوه، پشتیبان

تو در بصری بحیرا را

به چشم خویشتن دیدی

چه خوب از مشرکان

کردی بشارتهای او پنهان

به حیرت وقت زایش با

شکاف کعبه سرکردی

و دیدی فاطمه بنت

اسد را طفل در دامان

گرفتی در بغل فرزند و

سیر آسمان کردی

در انوار جمالش

یافتی گنجینه ایمان

پیمبر پروری! زهرا

هواداری! علی سازی

همیشه نام و عنوان تو

زین رو هست جاویدان

ج

عبایت وسعت یک یا محمد

جای می خواهد

که جبریل آمد و وحی آرد

و کامل شود قرآن

کجا مثل تو چشمی می شناسد

پیرمردی را

که با موی سپیدش بر

سیاهی ها کند طغیان

تو گفתי در ازل یار

برادرزاده ات باشی

و

بستی عهد و تا پایان تو پائیدی بر آن پیمان

ز دیدار محمد چشم هایت ن-ور می گیرد

چو موسی جلوه و حیانی از آن طور می گیرد

رباعی

در مدح مقام تو زبان ها

قاصر

ای دشمن تو مانده

پریشان خاطر

کفر تو اگر ساخت علی را

، ای کاش

ایمان ، همه کفر باشد و

ما کافر

« محمد کاظمی نیا »

(از شهر کرد)

ص: ۳۰۴

۶۴- پدر شیر حق / مرحوم محمد حسن قیصر (قیصر)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

مرحوم محمد حسن قیصر (قیصر)

پدر شیر حق

پیر فرزانه بود ابوطالب

شمع کاشانه بود ابوطالب

گرد شمع رخ رسول خدا

همچو پروانه بود

ابوطالب

جان و جانان او محمد

بود

محو جانانه بود ابوطالب

صدف بحر آفرینش را

در یکدانه بود ابوطالب

پدر شیر حق ولی خدا

صاحب

خانه بود ابوطالب

یاری از یار آشنا می

کرد

خصم بیگانه بود ابوطالب

دشمن کافر بد آیین و

بت و بتخانه بود

ابوطالب

عزم از برای بت شکنی

عزم مردانه بود ابوطالب

از جوانمردی و توانایی

یلی افسانه بود ابوطالب

همه کارش ز روی صدق و

صفا

حق پسندانه بود ابوطالب

آفرین بر صفای باطن او

که محبانه بود ابوطالب

التفاتش به احمد مرسل

بس صمیمانه بود ابوطالب

باز گوید ز جان و دل « قیصر »

پیر فرزانه بود ابوطالب

ص: ۳۰۵

۶۵- شجاع حق گرا / کمال مکارم اسفرجانی (کمال)

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای کمال مکارم اسفرجانی (کمال)

شجاع حق گرا

نام حق

بردم ولیکن با وضو

لحظه

ای با کعبه گشتم روبه رو

خواستم

از ساقی کوثر مدد

آن

دلیل راه الله الضمّد

از

ابوطالب سرایم شرح حال

آن شجاع

حق گرای با کمال

آن که

در راه حق از هستی گذشت

گرد

ملعونان بی ایمان نگشت

از دل

و جان مصطفی را یار شد

آن

یتیم خسته را غمخوار شد

گرد غم

از چهره ی احمد زدود

از ره

احسان به او یاری نمود

حافظ

جان رسول الله بود

از

عناد دشمنان آگاه بود

مشرکان

چون کینه از حق داشتند

در ره

باطل قدم برداشتند

ص: ۳۰۶

آب و

نان بستند بر روی نبی

تا

نیاساید در آن وادی شبی (۱)

بر

مسلمانان بشد یاری حرام

تا

بگیرند از محمد انتقام

آرزوی

قتل احمد داشتند

بذر

ظلم جور را می کاشتند

حیله

ها کردند عدوان در غیاب

تا

زندش ضربتی هنگام خواب

شد

ابوطالب خبر زین ماجرا

پس علی

خوابید جای مصطفی

بارها

فرزند بی مثلش علی

آنکه

ذات کبریا را شد ولی

خفت

شبهای جای ختم المرسلین

تا

بماند سالم آن سالار دین

لحظه

ای غافل نبود آن نامدار

از

توجه بر رسول کرد کار

با

عیال خویشتن بنت اسد

می

رساند از لطف بر احمد مدد

بود آن محبوب حی ذوالجلال

بهترین یاور به پیغمبر « کمال »

ص: ۳۰۷

۶۶- عشق تو / محمود شریفی (کمیل کاشانی)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

محمود شریفی (کمیل کاشانی)

عشق تو

شاهد ایمان و مسلمانی توست

و سرشته

به یقین سیرت انسانی توست

افتخار

تو همین بس که علی شیر خدا

از تبار

تو و از تیره ی عمرانی توست

علی از

توست همان گوهر ناب خلقت

چشم‌ها

خیره بر آن لعل بدخشانی توست

سر زد

از مشرق الانوار تو مهر حیدر

تا ابد

خانه ی اسلام چراغانی توست

باغ

توحید اگر سبز و شکوفا شده است

از

زالال نفس و عطر گل افشانی توست

قلب

پاک تو به اسلام شهادت داده است

مهر

تسلیم و رضا خورده به پیشانی توست

"

گوهر پاک بیاید که شود قابل فیض "

دُرَّة التاج

خدا لؤلؤ مرجانی توست

گرچه در

بین عرب مرد سخن بسیار است

در شگفت

از هنر و طرز غزلخوانی توست

آب شد شمع

تو در شعب ابی طالب و سوخت

عامّ الحزن

، هجوم غم طوفانی توست

آسمان دید

که در لحظه ی جان سوز وداع

ابری دیده ی

پیغمبر ، بارانی توست

ص: ۳۰۸

۶۷- حامی اصل دین / بحر العلوم میردامادی (کوچک)

سرودہ : شاعر خاندان امامت (علیہم السلام)

مدرس حوزہ علمیہ حاج سید محمود

بحر العلوم میردامادی (کوچک)

حامی اصل دین

فخر اسلام و دین

ابوطالب

بُد کمالش یقین ابوطالب

مظہر عشق حق بود آری

عارف راستین ابوطالب

بود بہر رسول بازویی

پر توان و امین ابوطالب

مرحبا بر جہاد نیکویش

ناصر مؤمنین ابوطالب

آفرین بر شجاعتش الحق

یاور مسلمین ابوطالب

ہست بہر جلالتش کافی

شیخ ارباب دین ابوطالب

چہ ستم ہا بر او فرود

آمد

اسوۀ صابرين ابوطالب

هادم کفر را پدر باشد

قاتل مشرکين ابوطالب

منتظر را پدر بود آری

ابِ يعسوب دين ابوطالب

صد

سلامی بر آن گرامی یار

ظالمين را کمين ابوطالب

صد

سلامی به زوجه اش فاطم

بُد اسد را قرين

ابوطالب

هشت و چارند پاک و

پاکيزه

پدر طيبين ابوطالب

افتخار جوامع مسلم

حامی اصل دين ابوطالب

« کوچکا »

افتخار دين باشد

هادی متقين ابوطالب

۶۸- هم خود تمام نوری و هم همسر تو نور / مجید گلدار

سروده: شاعر خاندان رسالت (علیهم السلام)

آقای مجید گلدار (از اصفهان)

هم خود تمام نوری و هم همسر تو نور

شاعر

اگر عنان قلم را رها کند

باید

که در ثنای تو محشر به پا کند

باید

زمین دهان بگشاید به مدح تو

شاید

کمی ز دین خودش را ادا کند

در

قلبش آب هیچ تکانی نمی خورد

کوهی

اگر به قامت تو اتکا کند

غیر از

تو کو کسی که برای رسول عشق

این

گونه جان و مال و تنش را فدا کند

حق با

خلیل گفت که بایست کعبه را

در شأن

زادن پسر تو بنا کند

لعنت به

هر که گفت مسلمان نبوده‌ای

تا

اینچنین به ساحت حیدر جفا کند

هم خود

تمام نوری و هم همسر تو نور

خورشید

در حضور تو باید حیا کند

ای کاش

این بضاعت مزجاء بی رمق

مشمول

التفات تو باشد خدا کند

ص: ۳۱۰

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

شیخ محمد حسن مولوی قندهاری (گمنام)

گزیده‌ای از یک مثنوی بلند

در فضیلت حضرت ابوطالب (علیه السلام)

سید

بطحا ابوطالب برای دین حق

از

جمیع هاشمیون برد در عالم سبق

مدت ده

سال غم های جهان بر او رسید

تا که

نور حق پرستی گشت در عالم پدید

ناسزایی

که از بوجهل و بوسفیان شنید

بس

بلیاتی که در شعب ابوطالب بدید

جای

احمد را عوض می کرد هر شب پنج بار

تا

مبادا صدمه بیند آن رسول کردگار

اَوَّل

بعثت الی ده سال احمد در وطن

بود در

ظَلِّ حِمَاءٍ (۱)

و نصر عم خویشتن

چون که

عم مهربانش از جهان آزاد شد

بر

رسول الله از بوجهلیان بیداد شد

ص: ۳۱۱

۱- . نگاهداری کردن ، دفاع کردن از کسی.

تنگ بر

چشمش جهان گردید از فقدان عم

زین

سبب بنهاد اسم سال رحلت ، سال غم

مشرکین

از هر طرف اعلام کین افراشتند

بعد

بوطالب بنی هاشم عدم پنداشتند

دست

بیداد جفاهاشان بر آن شه شد دراز

مکث

نتوانست احمد بین قوم حيله باز

دائماً

یاد از ابوطالب همی کرد آن جناب

تا

برای رفتن یثرب ز حق شد فتح باب

آمدش

جبریل از بهر تسلی ز آسمان

احمدا

بعد از ابوطالب دگر مکه نمان

کافلت

شد رهسپار باغ فردوس و جنان

حق

تعالی امر هجرت کرد بهرت این زمان

روح ایمان

جمع مسلمین بوطالب است

حافظ

پیغمبر و قرآن و دین بوطالب است

سید

بطحا و ساقی حجیج و زمزم است

عم

احمد باب حیدر در جهان مثلش کم است

هست

بوطالب به نزد حق شفیع المذنبین

او

مدافع بود کیش مسلمین را از یقین

ص: ۳۱۲

سرّ

ایمانش که مخفی کرد دین را زنده کرد

احمد و

قرآن و احکام خدا پاینده کرد

از

خفای دین بوطالب شد احمد پایدار

فتح

مکه بت شکستن را نمود او برقرار

من کجا

و مدح مولایم ابوطالب کجا

ذره

کوچکتر بود از مدح خورشید علا

شاعر»

گمنام» باشم هدیه ناچیز من

مسألت

دارم ز حق باشد نجف تجهیز من

دارم از اخوان دینی یک تمنا در

نجف

جلسه بوطالبی را بهر حق سازند

هدف(۱)

۱- اشعار فوق اثر طبع مرحوم شیخ محمد حسن مولوی قندهاری است که عشق و ارادت عجیبی به ساحت مقدس حضرت ابوطالب (علیه السلام) داشته است ، این اشعار در حدود پنجاه سالی در نجف اشرف به صورت کتاب مختصری به نام « جزوه بیست و ششم رجب سروده شاعر گمنام » چاپ شده و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه الزهرا اصفهان موجود می باشد.

۶۹- پایگاه عشق و ایمان / سید رضا مؤید خراسانی (مؤید)

سروده: شاعر با اخلاص و نامدار اهل البيت (عليهم السلام)

استاد سید رضا مؤید خراسانی (مؤید)

پایگاه عشق و ایمان

ای ابوطالب درود ما به

جسم و جان تو

ای که تمجید از فداکاریت

یزدان می کند

گر تو مخفی داشتی ایمان

خود را کردگار

خانه ات را پایگاه عشق

و ایمان می کند

ای ابوطالب تو عمران

و علی موسای توست

آنکه

خدمت بر درش موسی بن عمران می کند

فی

المثل احمد چو موسی و علی هارون اوست

سرپرستی

زین دو را حق بر تو احسان می کند

ای ابوطالب چنان کز حق

حمایت می کنی

این علی یاری از او با

تیغ بران می کند

گر تو در باطن حمایت

از پیمبر می کنی

او به ظاهر یاری از ختم

رسولان می کند

گر تو تا سر حدّ

امکان می کنی یاری ز دین

او طرفداری ز دین ما

فوق امکان می کند

آن بنایی را که با

دست نبی و ز جهد تو

پایه ریزی شد ، علی

تحکیم بنیان می کند

ص: ۳۱۴

این علی بر آرزوهایت

تجسم می دهد

این علی تبلیغ حق ترویج

قرآن می کند

پایه های بت پرستی را

بر اندازد ز بُن

روزگار بت پرستان را

پریشان می کند

پرده های جهل را از هم بدرّد

تار و پود

کاخ های شرک را با خاک یکسان می کند

به غیر از تو که چون

جان ، پرورش دادی محمّد را

نگردد کس در این عالم

علی پرور ، ابوطالب (علیه السلام) !

نه تنها خود ، که شد

یار محمّد چار فرزندات

عقیل و طالب و مولا علی

، جعفر ، ابوطالب (علیه السلام) !

« حاج غلامرضا سازگار »

ص: ۳۱۵

۷۰- سرور و سردار اقوام عرب / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

سروده: شاعر اهل البيت (عليه السلام)

آقای علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

سرور و سردار اقوام عرب

یا

ابوطالب فدای همت والای تو

وی

فروزان نور حق پیوسته از سیمای تو

ای که

از نیروی ایمان عزم راسخ داشتی

تا رسد

بر اوج گردون از سعادت پای تو

در

طریق حق چنان ثابت قدم بودی که نیست

در زمان جاهلیت تا ابد همتای تو

کینه توزیها نشد ره بند عزم راسخت

در طریق حق ز سعی پای ره پیمای تو

تا تو

در راه خدا بگذشتی از آمال خویش

شهره

آفاق شد ای مرد حق تقوای تو

از

شجاعت شهره بودی در میان خاص و عام

و

ز صداقت شد موثر منطق گویای تو

شد

ز فیض محضر پیغمبر رحمت قوی

در

شکست دشمنان دین، دلِ دانای تو

در

حراست از محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) عزم راسخ داشتی

در

مقام این شرافت کس نگیرد جای تو

بودی

از همت چو بازوی رسول هاشمی

حق

مقاوم کرد از راه عنایت پای تو

ص: ۳۱۶

بود

مهد مهر پیغمبر ، ز والائی دلت

منجلی

از نور یزدان سینۀ سینای تو

هستی

خود را پبای مهر احمد ریختی

بر تو

شد این موهبت از خالق یکتای تو

پایداری

بهر حفظ مصطفی کردی ز جان

این

شکیبایی بود محض فروغ رای تو

ذات

حق از صلب تو نور علی را آفرید

افتخار

از این فزاید بر تو و آبای تو

گوهر

ناب بهامندی چو شاه اولیاء

بود از

الطاف حق در بحر گوهر زای تو

شد

مزین کعبه چون از مقدم شیرخدا

از

تفاخر شد بگردون از شرف آوای تو

مقدم

پاک علی ابن ابیطالب گشود

فصل

زرینی بدیوان چنان شیوای تو

ای

گرامی سرور و سردار اقوام عرب

شد ز

همت بر فلک پای فلک پیمای تو

از

تجارت بر سر بازار گرم معرفت

جلوه

گر گردد به محشر سود این سودای تو

از

شفاعت دم زنی گر در صبح رستخیز

حق

گناه مرد و زن بخشد به یک ایمای تو

خامنه « ماهر » رقم

زد چامه ای برنامه ای

تا قبول افتد مگر بر خاطر

والای تو

ص: ۳۱۷

۷۱- سیمای ابوطالب (علیه السلام) / علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

آقای علی غفراللهی (ماهر اصفهانی)

سیمای ابوطالب (علیه السلام)

به گیتی جاودان شد نام

زیبای ابوطالب

بود چشم ملک محو تماشای

ابوطالب

ز روی با صفای او توان

نور خدا دیدن

ز فز دانش و ایمان و

تقوای ابوطالب

ز والائی به گردون

میرسد الحق مقاماتش

نظر کن بر مقام و جاه

والای ابوطالب

نخستین بار اسلام محمد

را بلی گفתי

به استمداد ایمان لعل

گویای ابوطالب

خدا را بنده ای شایسته

بود از پرتو ایمان

که

می شد جلوه گر حق در سرا پای ابوطالب

همه صوم و صلاتش روزها

مقبول قرب حق

رسید الحق به گردون ذکر

شبهای ابوطالب

بحق حق که حق را آشکارا

ساخت از همت

چه پند آموز دنیائست

دنیای ابوطالب

ص: ۳۱۸

شد از شعب ابوطالب چو

حق پیروز بر باطل

برآمد بسکه آوای حق از

نای ابوطالب

شکیب و استقامت پایداری

و مروت بین

که در شعب ابوطالب بود

رای ابوطالب

به فرّ دانش و اندیشه

روشن خدا داند

حقیقت را نگیرد هیچکس

جای ابوطالب

به عمری از خداجوئی و

حق گوئی نوای حق

برآمد از دل بیدار و

دانای ابوطالب

علی آن گوهر والای بی

همتای رخشائی

که ظاهر شد به عون حق ز

دریای ابوطالب

بود بس این پدر بر آن

پسر فخر و مباحاتش

که باشد فخر بر دنیا و

عقبای ابوطالب

امیرالمؤمنین فرزندی

دلبندی که از رفعت

رسد

از وی به گردون در شرف پای ابوطالب

علی آن خانه زاد حق

ولی و حجت بر حق

که از او جاودان شد نام

والای ابوطالب

بنام ساقی کوثر علی شاه

همایون فر

یقین پیوسته رخشانست سیمای

ابوطالب

ص: ۳۱۹

بود امروز نام نامیش

پیوسته جاویدان

کمال رستگاری بین

بفردای ابوطالب

به محشر در صف نیکان حق

باور عیان گردد

درخشان جلوه گر روی دل

آرای ابوطالب

به دیوان جزا الحق،

ببخشد حق محبان را

در آن صحرای وانفسا به

ایمای ابوطالب

ندارد بیمی از هنگامه محشر به لطف حق

رسد گر نامه « ماهر » به امضای ابوطالب

پر جبریل قشنگ است به

هر کس ندهند

جعفرت بهتر از آن صاحب

پر خواهد شد

خانه ات مهبط وحی

است ، حرا داری پس

عمر جبریل سر کوی تو سر

خواهد شد

« عماد بهرامی »

ص: ۳۲۰

سرودۀ : شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای مرتضی محمود پور

موحّد به دین ابراهیم (علیه السلام)

ای بزرگّ قبیلۀ توحید

ای موحّدترین ندای امید

قبل اسلام بوده چون

خورشید

پدر شیرمرد و مرد رشید

تو ابوطالبی ابوالحیدر

تو شدی سرپرست پیغمبر

پرده دار حریم کعبه

تویی

پاسدار عظیم کعبه تویی

عطر بوی نسیم کعبه تویی

بین مکه کریم کعبه تویی

تو علی را پدر شدی آقا

وامدار پسر شدی آقا

تا شدی سرپرست این خانه

غیرحق با همه تو بیگانه

پسرت ساقی و تو پیمانه

ج

پسرت خانه زاد این خانه

پدر کعبه کعبه را دریاب

پسرت کشته بو تراب تراب

تو موحد به دین ابراهیم

تو شدی سرپرست طفل یتیم

حق عطا کرده بر تو قلب

سلیم

دلَم از غربت تو گشته دو

نیم

ای ابر مرد، ای بزرگ

عرب

ای تجلّی نغمه یارب

حرف عزت اگر رسد به

میان

پسرت افتخار عالمیان

وصف او آمده چو در قرآن

حشر و نشرم ز او شود

آسان

خانه زاد خدا امام من

است

یا

که ذکر علی الدوام من است

ص: ۳۲۱

۷۳- یارِ همراه / عبدالرضا مروتی اردکانی

سروده: شاعر خاندان ولایت (علیهم السلام)

آقای عبدالرضا مروتی اردکانی

(از شیراز)

یارِ همراه

خاطرات

تو تکثیر شد در ، دفترِ چشم هر چشمه و رود

حرف ها

داری از روزهای، بی سرانجام و سرد و مه آلود

گام

هایت غریبانه طی کرد ، کوچه زرد زخمِ زبان را

با

بهاری که گل کرد با تو، با دلی غرقِ زخمِ نمکِ سود

در

کنارت نبوغِ نبوت ، ذوب کرد او یخِ جاهلیت

او که

یک آسمان ماه و خورشید ، در نگاهِ تر و آبی اش بود

داده

تاریخِ عمرت گواهی ، حامیِ دینِ سبزِ الهی!

رنج تو

بیشتر بوده بی شک ، از غم و درد اصحاب اُخدود

بر سرش

بود چون سایه ی تو ! ، عشق او بود سرمایه ی تو

می شد

از مرهمِ گنجِ خُلقش ، سوزِ زخمِ ضمیرِ تو بهبود

نقش تو

بی گمان بی بدیل است ، ارث جعفر مرامِ عقیل است

سهم تو

حامیِ عشق ! مثلِ بازوی حضرت مرتضی بود

شعرِ

تو آبخارِ شکوفه ، جاری از چشمِ محرابِ کوفه

عطر

توحیدی آن از اول ، بوده و هست تا روز موعود

این سعادت

نصیبِ شما شد ، تکیه گاهِ حیبِ خدا شد

تا تو

بودی نبودش پیمبر ، غصه ای از هوایی پر از دود

سالها

رفت و بارِ دَ پایش ، جاده ی عرش را رسم کردی

آخرین

لحظات گفت با اشك ، ای عمو! یارِ همراه! بدرود

ص: ۳۲۲

۷۴- شیخ ابطح / شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای شیخ علیرضا محمدی (مسافر)

شیخ ابطح

ابوطالب

آن مرد والا تبار

بزرگ

قریش، از صغار و کبار

علی را

پدر، آن به احمد عمو

به دین

خداوند داد آبرو

عموی

وفادار بهر نبی

جز او

کس ندارد پسر چون علی

بُود

شیخ ابطح ز القاب او

به

گلزار دین داده است رنگ و بو

بنازم

بر آن غیرت و همّتش

بشد

تکیه گاه نبی ، قامتش

ز

غیرت نباشد کسی همچو او

به جز

حمزه آن پر دلِ جنجگو

اگر

در کنار پیمبر نبود

اثر از

نبی یا که حیدر نبود

هم

از دین و قرآن حمایت نمود

هم از

جان احمد حفاظت نمود

ز شرک

و جهالت مبّرّا بُود

که او

بنده حق تعالی بُود

در

آیین او بت پرستی نبود

مرامش

به جز حق پرستی نبود

کلید

حرم دست او داده شد

همانجا

که فرزند او زاده شد

نکرده

است ایمان خود آشکار

که تا

دین احمد شود ماندگار

به

دامان او تربیت شد علی

که شد

یاور و هم وصی نبی

زهی

همت این عزیز خدا

عموی

محمد رسول خدا

سلام »

مسافر « به اجداد او

به

احمد به حیدر به اولاد او

فرستد

به روحش دمام درود

ز حق

شد عنایت که او را ستود

رباعی

دنیا

، ز ستاره ، سبجه گر بردارد

حاشا

که فضائل تو را بشمارد

ایمان

تو را ، ندید دشمن ، زیرا

کافر ،

همه را به کیش خود پندارد

»

مؤمنی نژاد «

۷۵- غرق نور حق / علی اصغر یونسیان (ملتجی)

سروده: شاعر با اخلاص و با ولایت (علیهم السلام)

آقای مهندس علی اصغر یونسیان (ملتجی)

غرق نور حق

شده طوطی طبع من

ثناخوان ابوطالب

تمام هستیم بادا به

قربان ابوطالب

که جز معصوم باید دم

زند از حق عرفانش؟

نه هر کس آشنا باشد به

عرفان ابوطالب

نظیر لیلہ القدری که ناپیدا بود

قدرش

عیان بر خلق نبود قدر

پنهان ابوطالب

به

ایثار و خلوص و عشق و عرفان و جوانمردی

گواهی می دهد اشعار

دیوان ابوطالب

بود لعن خدا بر هر که

او را مشرکش خواند

که غرق نور حق باشد دل

و جان ابوطالب

چه توفیقی از این بهتر

که بابای علی باشد؟

بنازم من به این توفیق

شایان ابوطالب

به میلاد علی لوحی

برای تسمیت آمد

خدا بگذاشت آن را روی

دامان ابوطالب

ص: ۳۲۵

از من که جانان ابوطالب که می‌باشد؟

بود شخص رسول الله

جانان ابوطالب

از آن روز الستی که

برای یاری احمد

تعهد داد، ثابت ماند

پیمان ابوطالب

سبب شد تا نبی آیین خود

را منتشر سازد

تلاش بی امان، سعی

فراوان ابوطالب

چنین فرمود پیغمبر،

که از ایمان خلق الله

وزیتتر هست اندر کفه،

ایمان ابوطالب

یقیناً « ملتجی

» با ذکر این اشعار ناقابل

نگردد ناامید از لطف و احسان ابوطالب

فرزند اسرار

فرزند تو بر کل جهان

سردار است

گنجینه‌ی مکتوم‌ترین

اسرار است

صدبار اگر کعبه ترک

بردارد

مولود فقط علی حق

کردار است

« هادی بیابانی »

(از استان مرکزی)

ص: ۳۲۶

۷۶- حقیقتی دگرگون شده / حشمت الله ممتاز همگینی (ممتاز)

سروده: شاعر خاندان نبوت (علیه السلام)

آقای حشمت الله ممتاز همگینی (ممتاز)

حقیقتی دگرگون شده

جرم

کُفرت ای ابوطالب! علیست

کم

گناهی نیست چون پُورت ولیست

ریشه

اش در جنگ بدر است و حنین

شاهد

من، کربلا هست و حسین

کفر

تو بخلیست دارند از پسر

کان

گرفته ساحتِ نیک پدر

این

شجر روز سقیفه پا گرفت!

ریشه‌ی جُرمت قوام آنجا گرفت!

دست

مولا در ولایت بسته شد

پشت

هم جرم و جنایت دسته شد!

جرم

اول دامن مولا گرفت!

ربیع

قرنی فتنه ها بالا گرفت

وای

من، همراز مولا، چاه شد

قوم

خونریزان، از او خونخواه شد!

اولی

از « ناکثین » اجرا شده

بی

بهانه شورش و غوغا شده

دومی

را « قاسطین » فتنه گر

أهرمن

بودند و از جنس بشر

بی

بصیرت هایی از قوم دو رو

با علی گشتند هر جا رو به رو

فتنه

گر راهی بجز این ره نیافت

«مارقینش»

فرق مولا را شکافت

فتنه

ها در پشت هم آغاز شد

جرم

دین داری از آن احراز شد

نوبتی

در کوزه شد زهر جفا

شد

شهید از جرم خوبی مجتبی

ص: ۳۲۷

نوبتی

دیگر سر سالار دین

از

قفا گشته جدا با تیغ کین

این

گناه نیکی آل عباس

کفر بوطالب شود از این نگاه!

ور نه در قاموس بوطالب کجا؟

ای ابوطالب ادیب خوش کلام

با

نگاه ابن سفیان ها رواست!!

حق و باطل شد دگرگون آه، آه

بوده است این « کافری » او را ، روا!

ای که هستی جدّ و بابای امام

جایگاهت ، هست « ممتاز » و

بلند

ساحت از کفر کی گیرد

گزند؟!*

ابوطالب آن مرد با حرمت

وَقَرَّ

که می‌بود در مکه از

رتبه والا

کلید در خانه‌ی حق به

دستش

که او بود با علم و حلم

و توانا

به نیروی تدبیر ، مردی

سرآمد

به تیغ سخن بود فاتح به

هرجا

« حاج محمد آتشی »

(از اصفهان)

ص: ۳۲۸

۷۷- حاصل عشق خدا / مسعود مهربان

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای مسعود مهربان

حاصل عشق خدا

بوی تو

همرنگ بوی مصطفی

عطر تو

چون عطر یاس مرتضی

پرده

دار شوکت خمخانه‌ای

در

حریم میکده پیمان‌ه‌ای

حامل

عشق خدا و احمدی

حامی

قرآن و وحی سرم‌دی

منتشر

از ساغرت عشق علی

نور

ساقی از جینت منجلی

آینه‌ای

بهر رمز هل اتی

خانه‌ات

هم قبله گاه انبیاء

پایه

ریز رکن عشق و عاشقی

حاجبی

بر جلوه گاه خالق

وارث

ملک و بنای کعبه‌ای

با علی

عزت به جت داده ای

طوبی و

حبل المتین همراه تو

نور

حیدر محتجب در ماه تو

در تو

مخفی آیه هم راکعون

نام تو

سرمطلعی در سابقون

فرّ

ایمانت طلوع مخلصین

از تو

پیدا شد شکوه متّقین

نور

نیترتر ز نور ما سوی

لنگری

در کشتی آل عبا

در صدف

داری تو درّ لافتی

کشور

زهدی علی هم مقتدا

ای

نیام ذوالفقار مرتضی

فاتح

دلها بدون هر غزا

در تو

پنهان شد نوای کربلا

حلقه مژگان

تو دام بلا

رشته

تحکیم دین مصطفی

لوح

تقدیری مدال سینه ها

طعنه

بر گل می زند رخسار تو

هر دل

حقجو بود بیمار تو

باب

تنهای امیرالمؤمنین

پاسبان

شرع ختم المرسلین

خسرو

پیر نگهدار نبی

وصف تو

هرگز ننگجد بر لبی

ای

ابوطالب نگاهی کن به ما

جام ما

پرکن ز عشق مرتضی

۷۸- حامی جان بر کف / غلامرضا سازگار (میثم)

سروده: شاعر نامدار خاندان امامت (علیهم السلام)

استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم)

حامی جان بر کف

ای همه

جا یار رسول خدا

مَحْرَمِ

اسرارِ رسول خدا

کُفْرُ ز

اسلام تو اندر ستوه

کَفْهٗ

ایمان تو سنگین چو کوه

وصل

نبی را همه جا طالبی

حامی

اسلام، ابوطالبی

حامی

جان بر کف پیغمبری

جان به

فدایت، که ابوالحیدری

قلب

مُحِبَّانِ عَلِيٍّ ، مشهَدت

پشتِ نبیِ گرم شد از اَشهَدت

صُلب

تو دریا و ، علی گوهَرش

خواجه

لولاك ، ثناگُسترش

رفتن

تو غُربتِ اسلام شد

روز

محمّد ز غمت ، شام شد

داشت

پیمبر ز غمت حالِ حُزن

سال

وفات تو شدی سال حُزن

روح

خدایی به تن پاک تو

لاله

ایمان دمد از خاک تو

صدق و

خلوص تو قبول خداست

زائر

قبر تو رسول خداست

قلب

نبی سوخت به یاد غمت

اشک

علی ریخته در ماتمت

سلام

مخصوص خداوند تو

بر تو

و بر همسر و فرزند تو

جز تو

که بر خدا ولی پرورد؟

جعفر

طیار و علی پرورد؟

نسل

عقیلت ، شهدای حسین

مُسلمات

اولین فدای حسین

تا که سحر صبح شود ، روز ، شام

برت-و و ابن-اءت-وب-ادا

سلام

ص: ۳۳۰

۷۹- آرامش دل احمد (صلی الله علیه و آله وسلم) / غلامرضا سازگار (میشم)

سروده: شاعر نامدار خاندان امامت (علیهم السلام)

استاد حاج غلامرضا سازگار (میشم)

آرامش دل احمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

ای

سراپا صفا ، ابوطالب

یاور

مصطفی ، ابوطالب

پای تا

سر ، حقیقت ایمان

حامی

دین ، مروج قرآن

بوی

عطر بهشت در نَفَسَت

صلوات

خدا به هر نفست

مصطفی

متکی به ایمانت

جان

خلق جهان به قربانت

ای تو

آرامش دل احمد

همه جا شمع محفل احمد

خط و

مشی ات مرام و ایده ما

خاک پایت ، شفای دیده ما

مصطفی

، یار و یاوَرَت خواند

کافر است ؛ آنکه کافرت خواند

چار

نجل تو ، چار نور جلی ست

جعفر و طالب و عقیل و علیست

تو نبی

را به هر بلا ، سپری

تو تمام ائمه را پدری

افتخارت

به کل خلق خداست

روزها، روز یادواره توست

که عروس تو حضرت زهراست

سالها سر به سر ، هزاره توست

داغ تو

سوخت قلب احمد را

خیز و بین گریه محمد را

ای

سلام همه به جان و تنت

کرد شیر خدا، علی، کفنت

پیکرت

را علی نهاد به خاک

بر پیمبر غم تو مشکل شد

ای تنت همچو روح مؤمن، پاک

خاکت از گریه علی گل شد

رحمت حق به روح پاکت باد

اشک « میثم » نثار خاکت باد

ص: ۳۳۱

سروده: شاعر نامدار خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

استاد غلامرضا سازگار (میثم)

کوه کم از کفّه ایمان توست

ای پدر جانِ محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) سلام

یار و نگهبان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) سلام

تو فلک ستاره ی ثاقبی

پشت محمدی ، ابوطالبی

کوه کم از کفّه ی ایمان

توست

خاتم

انبیاء ثناخوان توست

بنت اسد بهر تو شیر آورد

صلب تو باید که علی

پرورد

تو اولین حامی پیغمبری

ابوالمحمد

و ابوالمحیدری

ختم رُسل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) از کودکی

بعد خدا بوده به تو

متکی

شیوخ

مکه همه پا بست تو

کلید کعبه بوده در دست

تو

تو

بحر توحید و علی (علیه السلام) گوهرت

فاطمه ی

بنت اسد (سلام الله علیها) همسرت

روی

دل آرای علی (علیه السلام) روی تو

خاتم انبیاء ثناگوی تو

تو پدر دوازده امامی

پیش نبی مورد احترامی

تو از ازل محمدی بوده ای

دور ز هر شرک و بدی

بوده ای

تو

یک تنه سپاه احمد شدی

غرق در انوار محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) شدی

بودی با منطق روشنگرت

محمّدی تا نفس آخرت

تو از ولادتت خدا دیده ای

تو لحظه ای بت نپرستیده ای

امام صادق (علیه السلام) که ولیّ

خداست

گفت ابوطالب عبد خداست

داده به روح تو سلام و

درود

گفت که او مظهر توحید

بود

ص: ۳۳۲

بود به احمد ز همه

یارتر

از همه ی صحابه دین

دارتر

قلب تو را صفای توحید

بود

در نَفَسَت ندای توحید

بود

چراغ و چشم دودمان قریش

مؤمن کل مؤمنان قریش

سلام دودمان آدم (علیه السلام) به تو

پشت

محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) شده محکم به

تو

وصف تو را هر چه بگویم کم

است

ذخیره ی آخرت « میثم » است

کس نیست که فرزند تو را طالب نیست

او دست خدا و کس بر او غالب نیست

فرزند

که مظهر العجایب باشد

پیداست پدر به جز ابوطالب نیست

« استاد محمد علی مجاهدی (پروانه) »

ص: ۳۳۳

۸۰- عمّ المصطفی و ابوالحیدر / غلامرضا سازگار (میثم)

سروده: شاعر نامدار خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

استاد غلامرضا سازگار (میثم)

عمّ المصطفی و ابوالحیدر

یگانه

حامی قرآن و پیغمبر، ابوطالب (علیه السلام)!

به

ایمانت سلام از خالق داور، ابوطالب (علیه السلام)!

سلام

الله بر اخلاص و صدق و دین و توحیدت

که

ایمانت بود از کوه سنگین تر، ابوطالب (علیه السلام)

!

تو

آن دریای نور استی که پروردی به دامانت

همانند

امیرالمؤمنین گوهر، ابوطالب (علیه السلام)!

سزد

خاک رهت را تو تیای دیده گردانم

که عمّ

المصطفایی و ابوالحیدر، ابوطالب (علیه السلام)!

عجب

نبود شفاعت گر کشد ناز تو را فردا

چو آیی

با علی در عرصه محشر، ابوطالب (علیه السلام)!

تو در

امواج سختی یار گردیدی محمد را

تو

بودی مصطفی را بهترین یاور، ابوطالب (علیه السلام)!

رسول

الله خُرسندت، ولی الله فرزندت

عروست

حضرت صدیقه اطهر، ابوطالب (علیه السلام)!

ص: ۳۳۴

کی ام

من تا کنم وصف تو را ای حامی احمد (صلی الله علیه و آله وسلم)

تورا

باید خدا گردد ثنا گستر ، ابوطالب (علیه السلام) !

وفات توست

عام الحزنِ شخص اول خلقت

ز بس

بودی گرامی نزد پیغمبر ، ابوطالب (علیه السلام) !

به غیر

از تو که چون جان ، پرورش دادی محمد را

نگردد

کس در این عالم علی پرور ، ابوطالب (علیه السلام) !

سرم

خاک کف پایت که در یاری پیغمبر

ز یاران بودی ای پاکیزه طینت ، سر ، ابوطالب (علیه السلام) !

تواز

قرآن و از اسلام و از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)

حمایت

کرده ای تا لحظه آخر ، ابوطالب (علیه السلام) !

تنها خود ، که شد یار محمّد چار فرزندات

عقیل و

طالب و مولا علی ، جعفر ، ابوطالب (علیه السلام) !

سزد

کافرترم خوانند از هر کافری فردا

نخوانم

دشمنانت را اگر کافر ، ابوطالب (علیه السلام)!

رسول

الله دشمن شاد شد با رفتنت ، آری

غمت زد

بر دلِ ختم رسل آذر ، ابوطالب (علیه السلام) !

تو

تا رفتی علی گرد یتیمی ماند بر رویش

ز جا خیز و بگیر او را چو جان در بر ، ابوطالب (علیه السلام) !

ص: ۳۳۵

تو

گویی جان برون شد از تن اصحاب پیغمبر

که بودی جمله را چون روح در پیکر ، ابوطالب (علیه السلام)!

اگر

چه نیست قبرت را چراغ و قبه و صحنی

مزارت

شهر دل ها راست روشنگر ، ابوطالب (علیه السلام)!

عجب

نی گر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در کنار

تربت پاکت

فشاند

اشک ماتم از دو چشم تر ، ابوطالب (علیه السلام)!

سزد در سوز هجرانت بسوزد آن چنان

« میثم »

که سوزد در عزایت صفحه و دفتر،

ابوطالب

(علیه السلام)!

رباعی

ابوطالب

چو شد زین دار را حل

به

پیغمبر شدی جبریل نازل

بگفتا

چون نداری مکه یاور

برون

شو کن حذر از قوم جاهل

« سید حسن میرحافظ »

ص: ۳۳۶

۸۱- در مدح حضرت ابوطالب (علیه السلام) / غلامرضا سازگار (میثم)

سروده: شاعر نامدار خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم)

در مدح حضرت ابوطالب (علیه السلام)

ای دامن دین از تو ،

گلزار ، ابوطالب

وی در ره قرآنت ، ایثار

، ابوطالب

پیران مجاهد را ، سردار

، ابوطالب

پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) اکرم را ، غمخوار ، ابوطالب

با ختم رسل ز آغاز ، همراهی و همگامی

هم محور توحیدی ، هم یاور اسلامی

از

چشم خدا بینان ، چشم تو خداین تر

وز

روح روان در تن ، اوصاف تو شیرین تر

و ز کفّه ایمانها ،

ایمان تو سنگین تر

در

مذهب ما نبود ، از خصم تو بی دین تر

ای برهمگان مولا ، ای بر همگان سرور

در کُنیه ابوطالب ، در اصل ابوالحیدر

دامان

حجاز آمد ، از صلب تو گلباران

ابناء

تو در هستی ، چون لاله به گلزاران

هم

جان همه جانان ، هم یار همه یاران

غم

نیست اگر گویند ، ذمّ تو ستمکاران

یاقوت به خاک پست ، فرسوده نمی گردد

دری-ا به ده-ان سگ ، آل-وده نمی گردد

گیرم

مدد از حیدر ، تا راه تو را پویم

شویم

دهن از کوثر ، تا مدح تو را گویم

دل را کنم آئینه ، تا

روی تو را جویم

تا

عطر گلاب و گل ، از خاک نجف بویم

بهتر که نشانت را ، از کوی علی (علیه السلام) گیرم

اوصاف تو را گویم ، تابوی علی (علیه السلام) گیرم

ص: ۳۳۷

در

یاری اسلام و ، در یاری پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

از

کوه ، بسی بودی ، ایمان تو محکمتر

کفر

است به دور از تو ، چون رجس که از حیدر

یاری

ز نبی کردی تا آن نفس آخر

احمد که همه خلقت ، بر

مکتب او نازد

با آن شرف و عزت ، بر چون

تو عمو نازد

پیشانیت

از آغاز ، تا بنده چو گوهر بود

پیدا

به مه رویت ، مهر رخ حیدر بود

با

نور علی (علیه السلام) ز

، آغاز روی تو منور بود

در

جمع عرب زین رو ، قدر تو فزون تر بود

یک نور دو قسمت شد ، تابید

چو مهر و ماه

یک نیمه ز صلب تو ، یک

نیمه ز عبدالله

پیوسته سلام از ما ، وز

خالق دادارت

بر پایه ایمانت ، بر

کفّه ایثارت

بر حیدر کرات ، بر

جعفر طیارت

ای

چشم نبی روشن ، پیوسته به دیدارت

حسن ازل-ی داری ،

ان--وار جل-ی داری

آئین رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) ، توحید علی (علیه السلام) داری

از

همسر خود احمد ، چون گشت چهل شب دور

شد

در طلب کوثر ، بر طاعت حق مأمور

تا همچو کلیم الله ، او

باشد و کوه طور

در

بیت تو ساکن شد ، ای بیت تو بیت النور

چون کوه بود محکم ، دیواره توحیدت

بهتر چه دلیل از این ، درباره توحیدت

تو همدم پیغمبر ، تو

حامی قرآنی

تو

دست رسول الله ، تو محور ایمانی

در دیده ما نوری ، در

بیکر ما جانی

دریای

گهر بخشی ، خورشید فروزانی

از کوثر و از زمزم ، « میثم » لب خود شوید

تا وصف تو را خواند ، تا مدح تو را گوید

ص: ۳۳۸

۸۲- خاری به چشم مشرکین / محمد صادق میر صالحیان

سروده: شاعر خاندان ولایت (علیهم السلام)

آقای محمد صادق میر صالحیان

(از اصفهان)

خاری به چشم مشرکین

ایمان او خاری به چشم

مشرکین شد

دستان او یاریگر تبلیغ

دین شد

روزی که موج مورها

تحریم را برد

ایثار با نام ابوطالب

عجین شد

نور دو چشمش مصطفی و

مرتضی بود

چشمان او آینه عین

الیقین شد

موسی بن عمران فخر بر

نام پدر کرد

فرزند عمران تا

امیرالمؤمنین شد

تا روز آخر دست در دست

علی داشت

تا آنکه او سر تا به پا

جبل المتین شد

هر کس به هتک حرمت او

خیز برداشت

از اوج والایّی او نقش

زمین شد

این واژه‌ها هیچند نزد

شاعری که

اشعار او با دست احمد

دست چین شد

ص: ۳۳۹

سروده: شاعر دلباخته اهل البيت (عليهم السلام)

آقای محسن ناصحی (از اصفهان)

کفۀ اسلام سنگین با ابوطالب شده

دین کجا؟ دین کی؟ کدامین روز، بی صاحب شده است؟

مومن

صادق کجا؟ کی کافر کاذب شده است؟

کفر

یعنی بولهب باشی و بوسفیان، ولی

کفۀی

اسلام سنگین با ابوطالب شده است

مزد

اسلام ابوطالب همین کافی است که

حب

فرزندش علی بر انس و جن واجب شده است

شعب

می فهمد چه سروری ایستاد و خم نشد

کوه را

آن هجمه‌ی طوفان کجا غالب شده است

نام

حیدر بر زبان آمد ولی با نام او

علتی

دارد که دلها مان به او راغب شده است

از نجف

تا جمکران نور است و منشأ، صُلب اوست

او که

جدّ آن امام حاضرِ غائب شده است

هم خود

تمام نوری و هم همسر تو نور

خورشید

در حضور تو باید حیا کند

« مجید گلدار »

(از اصفهان)

ص: ۳۴۰

۸۳- اسوه صدق و مروّت / سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

سروده: شاعر دلپسته خاندان امامت (علیهم السلام)

سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

اسوه صدق و مروّت

درود خالق یکتا به جان

عبد مناف

که بود اسوه صدق و

مروّت و انصاف

پی حفاظت جان رسول می

کوشید

نداشت وحشتی از خیل کفر

و اهل خلاف

برای دفع خطر از وجود

پیغمبر

همیشه بود مهیا برای

روز مصاف

به

وصف فاطمه بنت اسد که همسر اوست

شگفت

نیست که گویم خدای شرم و عفاف

برای آنکه شود مادر

ولی خدا

به امر حق دل دیوار

کعبه خورد شکاف

چو گشت خانه حق مولد

علی بایست

فرشتگان همه گرد علی

کنند طواف

تو را چه جای مدیح است بهر او « ناظر »

که شاعران همه تیغ قلم کنند غلاف

ص: ۳۴۱

۸۴- شرح حال حضرت ابوطالب (علیه السلام) / سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

سرودہ : شاعر دلباختہ خاندان امامت (علیہم السلام)

سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

شرح حال حضرت ابوطالب (علیہ السلام)

مردی از

دودمان اسماعیل

پیرو بی ریای

ربّ جلیل

نور چشمان

سید بطحا

مکیان را

مکرم و مولا

چو قدم زد به

عالم امکان

بود پیداز

چهره اش ایمان

پدرش آن بزرگ

اهل عفاف

نام او را

نهاد عبد مناف

گفت این بنده

خدای ودود

حق‌گرایی علیم خواهد

بود

این پسر ساقی

حرم گردد

نزد حجّاج

محترم گردد

فاطمه نام ،

مادر او بود

که زنی پارسا

و نیکو بود

پدر آن عزیز

ارزشمند

گشت دارای

شانزده فرزند

باز می گویم

از ابوطالب

آنکه بر نفس

خویش شد غالب

روزگار جوانی

آن سرور

خادمی بود در

حضور پدر

از پدر

مهرپروری آموخت

گنج ایمان و

معرفت اندوخت

شد مطیع خدای

حی و دود

راه اجداد

خویش را پیمود

چون پدر خیر

خواه مردم شد

یار و پشت و

پناه مردم شد

همسر او چو

گشت بنت اسد

فاطمه آن

مؤید سرمد

هر دو در حفظ

و یاری ایمان

سعی کردند از

دل و از جان

ص: ۳۴۲

ساقی زائران

بیت الله

شده بودند با

دلی آگاه

شد ابوطالب آن

نکو منظر

طبق فرمان حق

مطیع پدر

از دل و جان

ورا حمایت کرد

لطف و اکرام

بی نهایت کرد

سفری سوی شام

برد او را

شادمان کرد آن

خدا جو را

راهبی در مسیر

، او را دید

حال او از

عموی او پرسید

گفت با عمّ او

که این حق جو

هست آینده اش

بسی نیکو

زود او را به

مگه برگردان

تا بماند ز

چشم خصم نهان

باز گویم سخن

ز بنت اسد

فاطمه بنده‌ی

خدای احد

بسکه از عیب‌ها

منزه بود

شده بود از

خواص حیّ ودود

کرد گار مهیمن

سرمد

موقع وضع حمل

بنت اسد

دل دیوار کعبه

را بگشود

رهنمایش در

حرم فرمود

کعبه از امر

قادر ازلی

شد در آن روز

زادگاه علی

علی آنجا چو

آشکارا شد

بت پرستی زبون

و رسوا شد

باز ابوطالب

از ره اخلاص

بر نبی بود

یار و یاور خاص

فاطمه بود

همچو عبد مناف

حامی عدل و

پاسدار عفاف

شد محمد به

رهبری مبعوث

به مقام

پیغمبری مبعوث

که ابوطالب آن

نکو آیین

شد ز جان پیرو

رسول امین

همره زوج خویش

آن سرور

شد پذیرای شرع

پیغمبر

ص: ۳۴۳

خاندانش عقیده

آوردند

بیعت از صدق

با نبی کردند

چون محمد

رسالت خود را

از سوی کردار

کرد افشا

آن حقیقت گرای

خوش فرجام

کرد تبلیغ

سُنّت اسلام

بود آینه ای

برای پدر

صاحب رای نیک

و دانشور

نقشه هایی که

می کشید عدو

بهر آزار آن

حقیقت جو

پی ابطال آن

به هر ترتیب

جهد می کرد در

فراز و نشیب

نسل در نسل

پهلوان بودند

یاور راستی ز

جان بودند

پسرش میر مؤمنان

حیدر

خفت در جای

خواب پیغمبر

امر فرمود حیّ

واقف راز

هجرت از مگّه

را کنند آغاز

چارمین سال

هجرت از آن شهر

چشم پوشید

فاطمه از دهر

گشت آگاه

چونکه پیغمبر

گفت گشتم

دوباره بی مادر

دل حیدر ز داغ

مادر سوخت

غم به جانش

شراره ای افروخت

پیکرش در بقیع

مدفون شد

دل عالم ز

ماتمش خون شد

بود عبدمناف

از احسان

یار و همراه

احمد و قرآن

شعر و اندیشه

ابوطالب

بود بر مکر

دشمنان غالب

باز کردند طرح

نو ترسیم

ساختند اهل

صدق را تحریم

بود در سال

هفتم بعثت

حصار اسلام از

سر نخوت

تا بماند رسول

در تحریم

عاقبت عهد

نامه شد تنظیم

ص: ۳۴۴

دو سه سالی

گذشت و وحی آمد

به رسول خدا

که ای احمد

موریانه جوید

آن نامه

شد دگر ناپدید

آن نامه

کافران این

خبر چو بشنیدند

داغ گشتند و

سخت رنجیدند

آنچه می

خواستند از آن تحریم

ماند از لطف

کردگار عقیم

بند تحریم ها

گسست از هم

شادمان شد

پیمبر خاتم

با فداکاری

ابوطالب

دشمنی بر نبی

نشد غالب

« ناظر » این شرح حال مختصر است

وصفش از این چکامه بیشتر

است

علی از توست همان گوهر ناب

خلقت

چشم ها خیره بر آن لعل بدخشانی

توست

سر زد از مشرق الانوار تو

مهر حیدر

تا ابد خانه‌ی اسلام چراغانی

توست

»

کمیل کاشانی

«

۸۵- سپر جان پیمبر (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) / سید مصطفی مہدوی (نحوی)

سرودہ: شاعر خاندان امامت و ولایت (علیہم السلام)

آقای حاج سید مصطفی مہدوی (نحوی)

سپر جان پیمبر (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم)

ابوطالب

کہ عمران است نامش

بود

واجب در اسلام احترامش

اگر

سنجند ایمانش به میزان

ز عالم

کفہ اوراست رجحان

در آن

عصر و زمان مانند خورشید

به

قلبش بود تابان نور توحید

ابوطالب

به عهد جاهلیت

ز حق

بنمود از خود قابلیت

در آن

دنیای شرک و بت پرستی

که

هرکس بود گرم عیش و مستی

ز

الطاف خدای حی سرمد

جهان روشن شد از نور محمد

ابوطالب

عموی آن پسر بود

بر او در مهربانی چون پدر بود

چه

فرزندان نیکوئی که او داشت

که هر

یک پرچم دین را برافراشت

ص: ۳۴۶

یکی

شان حیدر کرار بودی

یکی

شان جعفر طیار بودی

یکی دیگر

ز اولادش عقیل است

که او

را نزد حق اجری جزیل است

اگر چه

بر ابی طالب پسر بود

همینش

بس که مسلم را پدر بود

شد او

را بهترین فرزند ، حیدر

که

باشد ساقی کوثر به محشر

ابوطالب

پیمبر را سپر بود

که در

هر حال محفوظ از خطر بود

خدا

داند که بنمود آن نکونام

چه

خدمت‌های شایانی به اسلام

کسی

نتوان رقم سازد به دفتر

حمایت

های او را از پیمبر

ولی

چون او برفت از دار دنیا

روان

سوی پیمبر شد خطرها

اجانب

در کمین او نشستند

از او

دندان و پیشانی شکستند

ص: ۳۴۷

چو شد

ده سال طی از روز مبعث

به جنت رفت آن دلسوز مبعث

چو رفت

آن والد طیار و کرار

ز فقدانش پیمبر شد عزادار

پیمبر

در عزایش گریه‌ها کرد

ز سوز

دل برای وی دعا کرد

اگر او

بود و انجام وظیفه

که

جرات داشت باشد در سقیفه؟

به دور

از چشمش اعدا عهد بستند

در بیت

ولایت را شکستند

اگر او

بود رویاروی اعدا

کجا می

زد کسی سیلی به زهرا

برایش «نحویا» این

است کارم

که تا روز قی-امت اش-ک ب-ارم

رباعی

ای

عموی گرام پیغمبر

حافظ

دین خالق اکبر

هم به

یاد تو اشک می ریزیم

هم

به اندوه موسی جعفر

«شاعر: ناشناس»

ص: ۳۴۸

۸۶- اول حامی ختم المرسلین / سید علی مهدوی (والا)

سروده: شاعر خاندان رسالت

آقای سید علی مهدوی (والا)

اول حامی ختم المرسلین

هزاری را که هر دم نغمه

اش شور آفرین باشد

گزیند بوستانی را که از

گل بی قرین باشد

چه گل هایی که هر یک از

یکی زیباتر و خوش تر

به روح افزا گلستانی که

چون خلد برین باشد

صبا آن را نماید از

شمیم عشق عطراگین

چنان عطری که آن بهتر ز

بوی یاسمین باشد

تو گویی ساغر هستی

می جان بخش می ریزد

به جام آنکه مشتاق است

و امیدش برین باشد

سراید مست آن می در

ثنای آن ابر مردی

کز اول حامی یکتای ختم

المرسلین باشد

بود او پورنیکی از

تبار پاک ابراهیم

پدر عبدالمطلب کو

حنیفی بهترین باشد

بود نامش ابوطالب ، جلال

و جاه را صاحب

به هر خصمی بود غالب ،

که عزت آفرین باشد

وصی سید البطحاء ،

به گاه رزم بی همتا

چو خار دیده اعدا ، که

در فتحش یقین باشد

ص: ۳۴۹

به قوم خویش او مهتر ،

ز ارکان عرب برتر

به علم و فقه دانشور ،

که از ارکان دین باشد

ز جان همراه پیغمبر ،

به گردش همچنان کوکب

که

او خورشید رخشان است و بوطالب زمین باشد

چنان عشقی ز سیمای

محمد بر دلش دارد

که تاری از ردای او

برش جبل المتین باشد

برادر زاده را حامی

شود با همتی شایان

حمایت‌های بی‌چونش چنان

حصن حصین باشد

بسی نور دو چشم خود فدا

بنمود در راهش

همان نوری که فرزندش

امیرالمؤمنین باشد

ز اشعارش گذارد نغز

گفتاری نکو برجا

کلامش متقن و زیبا چنان

دُرّ ثمین باشد

چنین گوید علی وصف

پدر را در کلام خود

که نور او بود از ماو ،

آن نور مبین باشد

ابوطالب چو اجدادش

ندارد قبله ای جز حق

که قصد از قبله ، کعبه

، قبله گاه مسلمین باشد

بر این والا گهر ، خصمی

اگر گوید خطایی را

چه داند قدر او را آنکه

خود خصمی لعین باشد

ص: ۳۵۰

به هنگام وداعش گفت با

احمد که بعد از من

مبادا با شما رفتار

مردم سهمگین باشد

(جوانمردی

بین ، غیرت نگر ، همت تماشا کن)

که در آخر نفس هم فکر

ختم المرسلین باشد

درود حق بگو بر آن دلاور زاده

ای « والا »

که بی شک یاد او محبوب رب العالمین باشد

رباعی (حدیث از امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام))

گفته است امیرمؤمنان

با تضمین

در شأن ابوطالب آن حامی

دین

گردد اگر او شافع

خلق عالم

بخشد همه را براو

خداوند مبین(۱)

رباعی (روایت از ابن ابی الحدید معتزلی)

از ابن ابی الحدید

آمد پیغام

در مدح ابوطالب آن

صاحب نام

گر همت او نبود با

صولت او

هرگز اثری نمانده بود

از اسلام (۲)

ص: ۳۵۱

۱- بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۶۹

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۲

۸۷- حراستگر از دین خدا / اصغر وحید دستجردی (وحید)

سروده: شاعر اهل البیت (علیهم السلام)

آقای اصغر وحید دستجردی (وحید)

حراستگر از دین خدا

ابوطالب آن سید ارجمند

که در مکه بودش مقامی

بلند

نسب داشت از نسل پاکان

و بود

بر آئین اجداد خود

پابند

پی یاری دین ختم رسل

در آغاز برداشت گامی

بلند

ز مال و ز جان در ره

دین گذشت

مبادا رسد بر پیمبر

گزند

حراست ز دین خداوند

کرد

توانگر اگر بود یا

مستمند

ز مهرش دل دوستان

شادمان

رخ دشمن دین ز قهرش

نژند

که گفته مسلمان

نبوده است او

که داده چنین نسبت

ناپسند

ص: ۳۵۲

دلم سوخت از این

چنین گفته ها

چو بر آتش افتاده باشد

سپند

اگر خوف داری ز روز

جزا

چنین نسبت زشت بر او

مبند

دعا کرد چون در حقش مصطفی

که باشی که گویی چنان

بود و چند

چو

خواهی سعادت به هر دو سرای

بیا بشنو از من تو ای

دوست ، پند

ز بند هوس نفس خود

کن رها

چو صیدی که گردد رها از

کمند

حذر کن از این گفته

ناصر

مبادا که دشمن زند

نیشخند

بگو در جان روح او

شادباد

نگوید جز این مرد

اندیشمند

امید « وحید » است در روز حشر

ز دیدار رویش شود بهره مند

ص: ۳۵۳

۸۸- کور شد چشمی که تاب / سید پوریا هاشمی

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای سید پوریا هاشمی

کور شد چشمی که تاب

دیدن دلبر نداشت

خار شد هر کس که بر خاک

قدومش سر نداشت

بشکند دستی که حتی خطی

از کفرت نوشت

لال شد آن که به لب مدح

ابوالحیدر نداشت

در صف محشر کف آفسوس بر

هم میزند

هر

کسی گامی در این دنیا برایت بر نداشت

بی

بضاعت بودم اما میل مستی داشتم

دست های خالیم چیزی که

از ساغر نداشت

صفحه صفحه سیر می کردم

غریبی تو را

جلد پشت جلد اصلاً

غُرَبْتِ آخِرِ نداشت

آب و نان سفره ات ،

الحق پیمبر ساز بود

این قبیل اعجازها را

سفره دیگر نداشت

جای

شک و شبهه اصلاً نیست ، از دین خارج است

هر

کسی توحید و اسلام تو را باور نداشت

حُرْمَت

موی سپیدت ، کارسازِ مشکلات

جز عباي تو پیمبر سنگر دیگر

نداشت

ص: ۳۵۴

از حمایت های تو اسلام

عالمگیر شد

این

کبوتر بی ابوطالب یقیناً پر نداشت

نقش بر انگشترت نام رسول

الله بود

هیچکس

در کل شهر این نقش انگشتر نداشت

ایستادی ؛ طعنه

خوردی ؛ سخت استهزا شدی

صبر بسیار تو را ایوبِ

پیغمبر نداشت

تا قیامت نام تو آویزه

عرش خداست

تا

قیامت ، دین احمد از تو مؤمن تر نداشت

طیر جعفر مبدأش دستان

پر مهر تو بود

مطمئناً

بی تو این اوصاف را جعفر نداشت

پناهِ مکه از الطاف تو سامان گرفت

مهربانی های تو دستِ کم

از مادر نداشت

پیرمرد طائفه! روز

وفاتت هیچکس

بیرقی برپا نکرد و چشم

های تر نداشت

حضرت یعقوب مکه یوسف

ارث از تو برد

تازه می فهمم چرا آقای

ما یاور نداشت

در رجب از فیض نام اطهرت تائب شدیم

ما گدای نسل در نسل ابوطالب شدیم

۸۹- حضرت ابوطالب (علیه السلام) / علی هودفر

سروده: شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

آقای علی هودفر (از همدان)

حضرت ابوطالب (علیه السلام)

نشسته ام بنویسم ولی

نمیدانم

چرا شکسته و سرگشته و

پرشانم

سخن به مدح تو کارِ

زبان قاصر نیست

منِ حقیر که امری خطیر

نَتوانم

پسر، علی که شود، پس

بین مقام پدر

فدای

این پسر و این پدر سر و جانم

من و نوشتنِ از حضرت

ابوطالب؟

اگر قبول شود من گدا و

دربانم

خدا کند

که قبولم کنی ردم نکنی

اگر چه غرق گناهم ولی

پشیمانم

أَبوالأئمة عَلِيّ و ،

تویی أَبوالحيدر

همیشه نام تو را بعد

نام او خوانم

دلم هوای نجف کرده یا

ابوطالب

نظر نما به دل زار و

چشم گریانم

ص: ۳۵۶

۹۰- شرر بر جان خصم نبی (صلی الله علیه و آله وسلم) / علی هودفر

سروده: شاعر اهل البيت (عليهم السلام)

آقای علی هودفر (از همدان)

شرر بر جان خصم نبی (صلی الله علیه و آله وسلم)

نوشت

اول دفتر، قلم؛ ابوطالب

خوشم

که نام تو را می برم، ابوطالب

به لطف

دامن پاکی که مادرم دارد

به

خاندان شما نوکرم، ابوطالب

تورا

قسم به نبی و به حیدر و زهرا

نظر نما به دل مضطرم، ابوطالب

هزار

شکر که با مهرتان عجین شده است

دل و

زبان و همه پیکرم، ابوطالب

به پیش هر کس و ناکس نمیرم حاجت

گدای

دائمی این درم ، ابوطالب

سخاوت تو زبانزد ؛ کرامت بی

حد

به روح پاک تو باشد سلام ذات احد

دلی که

با نگهی شد اسیر و دربندت

خدا کند

که بماند همیشه پایبندت

خدا به

طالع هر کس نمیزند این مُهر

که

خانه زادِ حرم ؛ حیدر است فرزندت

ص: ۳۵۷

در آن

زمان که پیمبر غریب و تنها بود

نبود

حامی و یارش کسی همانندت

تو نزد

خالق دادار منزلت داری

روا بود که به وقت دعا بخوانندت

بگیر

دست مرا در کشاکش محشر

برای

امر شفاعت چو مینشانندت

به نقل حضرت صادق تو در جنان

هستی

و همنشین شهیدان و صالحان هستی

به جان

خصم نبی تو چنان شرر بودی

به

آسمان دل مصطفی قمر بودی

بریده

باد زبانی که حرف کفر تو زد

که از

تَلَّأُوْا اِيْمَانَ ، تو پُر ثمر بودی

یکی ز

فضل تو، این بود ای بزرگ قریش

به

خدمت حرم کعبه مفتخر بودی

پیمبرند

و علی دو پدر بر این اُمّت

تو بهر این دو پدر ، از شرف ، پدر بودی

بِضَاعِ

من نالایق است این دو سه خط

من از هر آنچه که گفتم تو خوبتر بودی

اگرچه بر سر قبر تو نیست گلدسته

ولی ارادت ما هست بر تو پیوسته

کلید

داری بیت خدا لیاقتان

نبی

همیشه دلش گرم از حمایتان

ص: ۳۵۸

نبود

غیرِ سعادت که پرورش یابد

یتیم

مکه به دامان پر عطوفتتان

به سوی

بیت الهی نماز می خواندید

نوشته

اند به تاریخ از عبادتتان

قسم

دهم به رسول و به فاطمه شاید

شود نصیب دل غم زده عنایتتان

نظر

کنید به من هم دخیل می بندم

به

آسمان نگاه پُر از کرامتتان

در انتظار ظهور یگانه منجی حق

دعا کنید بمانیم زیر این بیرق

هرآنکه

مُنکِرِ حَقِّ وَلِيِّ دَادَارِ است

به آتش

غضب و خشم حق گرفتار است

تَوَلَّى

است و تَبَرَّى ؛ اساس و پایه‌ی دین

بمیر

فاسق ملعون ؛ که شیعه بیدار است

ز مکر

و حيله و نیرنگ اهل فتنه چه باک ؟

که

پرچم علوی را خدانگهدار است

به حکم

آیه قرآن بدانکه « جاء الحق »

اگر چه میثم تمار بر سر دار است

شعار

فتح و ظفر؛ یا علی و یا زهراست

سپاه

شیعه به پشت سر علمدار است

دمی که صبح ظهور است می شود

معلوم

که راه راست بود راه چهارده معصوم

۹۱- همنشین رسول امین / حاج علی شیرانی بیدآبادی (یتیم)

سروده: شاعر با ایمان

حاج علی شیرانی بیدآبادی (یتیم)

همنشین رسول امین

یار پیغمبری ابوطالب

پدر حیدری ابوطالب

هم نشین رسول پاک امین

خصم هر کافری ابوطالب

گرچه پیرو به دین

اسلامی

بر نبی یاوری ابوطالب

با رسول خدا و شیرخدا

یار

و هم سنگری ابوطالب

در فصاحت ادیب و دانشور

بس نکو شاعری ابوطالب

بسکه پاکی، به روز

رستاخیز

شافع محشری ابوطالب

به «یتیم» شکسته دل مددی

تو بر او سروری ابوطالب

ص: ۳۶۰

بخش یازدهم: مرثیه ها و نوحه ها

۱- شکستن قلب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) / غلامرضا سازگار (میشم)

ص: ۳۶۱

سروده: شاعر دلباخته خاندان امامت و ولایت (علیهم السلام)

استاد حاج غلامرضا سازگار (میثم)

شکستن قلب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

باز غم راه

نفس بر قلب پیغمبر گرفت

باز از دریای ایمان آسمان گوهر گرفت

در میان هاله

غم چهره حیدر گرفت

بهترین یار

محمد را اجل دربر گرفت

باز از سنگ حوادث قلب پیغمبر شکست

بر دل شیر خدا داغ ابوطالب نشست

آه یاران، یار ختم المرسلین از دست رفت

یار قرآن، یار احمد، یار دین، از دست رفت

حافظ اسلام و دین راستین از دست رفت

والد مولا امیرالمؤمنین از دست رفت

ای سپهر نور، دریای کرامت یا علی

در غم بابا سرت بادا سلامت یا علی

او مسلمانی مجاهد رهبری آگاه بود

کوه پیش کفّه ایمان او چون کاه بود

با محمّد همدم

و همسنگر و همراه بود

مثل فرزندش علی یار رسول الله بود

فاش گفتم فاش گویم گگ-ر ابوطالب نب-ود

این چنین ختم رسل بر مشرکین غالب نبود

او چو دریا بود و حیدر گوهر رخشان او

با محمّد از ازل خورده گره پیمان او

شیر حق از

کودکی پرورده دامن او

بود سنگین تر ز خلقت کفّه ایمان او

این سخن بس در جلال و اعتبار و رفعتش

بر محمد گشت عام الحزن سال رحلتش

ص: ۳۶۲

نور ایمان بر فلک می رفت از رخسار او

شاد می شد خواجه لولاک از دیدار او

با ملک پرواز

کرده جعفر طیار او

فاتح احزاب و خیبر حیدر کرار او

پا فشرد و غافل از پیغمبر

اکرم نبود

بر پیمبر داغش از داغ خدیجه

کم نبود

صلب او باید به درّی چون علی گردد صدف

کس ندارد غیر از او در کلّ خلقت این شرف

آری آری این خلف باید ز صلب این سلف

یار احمد آن سلف جان محمد این خلف

بود در موج شدائد چشم

پیغمبر به او

می سزد تا او به حیدر نازد و

حیدر به او

تا که از باغ

و گلستان لاله آید در وجود

تا صیام است و قیام است و رکوع است و سجود

هم ز کلّ خلق

هم از خالق حیّ ودود

بر امیرالمؤمنین و بر ابوطالب درود

نقش لبخند محمّد در لب

خندان او

نخل « میثم » بارور از مدح فرزندان او

ص: ۳۶۳

۲- مرثیه حضرت ابوطالب (علیه السلام) / مرحوم علی هنرور (هنرور)

سروده: شاعر و مداح خاندان امامت (علیهم السلام)

مرحوم علی هنرور (هنرور)

(از مشهد مقدس)

مرثیه حضرت ابوطالب (علیه السلام)

عزای

جانگداز باب شاه لافتی باشد

ابوطالب ز دنیا عازم

دار بقا باشد

نه تنها مرتضی گریان

بود در ماتم بابا

جهان شیعه از این غم به

افغان و نوا باشد

پیمبر

دیده گریان است از این ماتم عظمی

پریشان

زین مصیبت مرتضی و مصطفی باشد

پیمبر

جسم او را غسل دادی و کفن کردی

ولی جسم حسینش بی کفن

در کربلا باشد

نه تنها پیکر شاه

شهیدان بی کفن مانده

که

پا مالِ سم اسبان ز ظلم اشقیا باشد

حسین را کام عطشان

بر لب آب روان کشتند

تنش بر خاک و رأس او به

نوک نیزه ها باشد

« هنرور » تسلیت گوید به

مهدی نوگل زهرا

که او گریان از این ماتم به هر صبح و مسا باشد

ص: ۳۶۴

۳- نوحه / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

سروده : شاعر دلباخته اهل البيت (عليهم السلام)

آقای جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

نوحه

سوز دل پیغمبر

از داغ ابالحیدر

آسمان

بین غربت اشک مصطفی را

تسلیت

بگو عترت پاک هل اتی را

سیدی

ابوطالب (۲)

قامت خدا جویش

آن زبان حق گویش

روز

بی کسی یاور جان مسلمین بود

شمشیر

خدا پشت و پناه اهل دین بود

سیدی

ابوطالب (۲)

آن مقام و این اجلال

دل ز عشق مالا مال

رحلت

عمو داغ خدیجه آن همه غم

سال

حزن و بیتابی پیغمبر خاتم

سیدی

ابوطالب (۲)

تسلیت علی مولا

در مصیبت بابا

گریه

در عزایش به محبت تو بسته

شیعیان

مولا دل مرتضی شکسته

سیدی

ابوطالب (۲)

ص: ۳۶۵

۴- نوحه / جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

سروده: شاعر دلباخته اهل بیت (علیهم السلام)

آقای جعفر رسول زاده (آشفته کاشانی)

نوحه

داغ تو اعظم المصائب

یا سیدی یا ابوطالب

قسم به ایمان تو

جای رسول خدا

به پاکی جان تو

بوده به دامان تو

یا

ناصرالمسلمین

آن سال های غم و غربت

از دین حق کردی حمایت

هر قدمت وفا بود

جان تو مصطفی بود

از مشرکان مکه

با تو سر جفا بود

یا

ناصرالمسلمین

با آن همه مقام و تقوا

داغ تو شعله زد به دلها

محفل غم بپاشد

پیامبرت تنها شد

مرگ تو و خدیجه

سال غم و عزا شد

یا

ناصرالمسلمین

زنده شود پیوسته نامت

سلام بر شأن و مقامت

فرزند تو مرتضی

امیر عشق و وفا

حاجات شیعیانش

خودت بخواه از خدا

یا

ناصرالمسلمین

ص: ۳۶۶

۵- نوحه حضرت ابوطالب (علیه السلام) / محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

سروده: شاعر خاندان امامت (علیهم السلام)

آقای محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)

نوحه ی حضرت ابوطالب (علیه السلام)

ای یاور دین خدا یا ابوطالب

درد آشنای مصطفی یا ابوطالب

عبدخدا

بودی تو در عمر پربارت

احیای دین و سنت انبیا کارت

داری نسب از

اولیا یا ابوطالب

پیغمبر خاتم نشست در ع-زای تو

شد نوحه خوان ماتم غم فزای تو

کرده عزایت را به پا یا ابوطالب

از مکه پیغمبر کند بعد تو

هجرت

بنشسته چون بر قلب او گردی از غربت

شد مک-ه او را غ-م س-را

ی-ا اب-وطالب

غسل و کفن کرده علی پیکر پاکت

بنهاده با احمد تو را در دل

خاکت

ه-ر دو شده ص-احب عزای-اب-وطال-ب

ص: ۳۶۷

گشته علی از رفتنت خسته و مغموم

در نوجوانی گشته او از پدر محروم

خون دیدگاه مرتضی

یا ابوطالب

خدایچه کبری شده در غمت نالان

زهر را به

طفلی گشته از ماتمت گریان

هر دو ز داغت در نوا یا ابوطالب

شان تو می

گردد عیان در صف محشر

اذن شفاعت چون دهد بر تو

پیغمبر

ای شافع روز جزا

یا ابوطالب

ص: ۳۶۸

۶- نوحه در رثاء ابوالائمه حضرت ابوطالب (عليه السلام) / غلامرضا سازگار (میشم)

سروده: شاعر خاندان امامت و ولایت (عليهم السلام)

استاد حاج غلامرضا سازگار (میشم)

نوحه در رثاء ابوالائمه حضرت ابوطالب (عليه السلام)

ای اهل

عالم قلب پیغمبر شکسته

گرد

یتیمی بر رخ حیدر نشسته

رفته ابوطالب ز دار دنیا

سرت سلامت خاتم الاوصیاء

حامی ختم المرسلین چشم از جهان بست

باب امیرالمؤمنین چشم از جهان بست

او که موحد بود و احمدی بود

تا آخرین نفس محمدی بود

آنان

که زهرا را زدند اندر مدینه

تهمت

زدند او را به شرک از راه کینه

او دلش از توحید منجلی بود

این سند مظلومی علی بود

فرموده

است امام صادق

ایمان

بوطالب فزون بود از خلائق

سلام بر حیات و بر

مماش

شد سال حزن مصطفی سال وفاتش

آنان

که با فرزند او پیمان شکستند

آنان

که بازوی عروش را شکستند

جسم عزیزش را به خون کشیدند

حسین او را تشنه سر بریدند

ص: ۳۶۹

- * ابوطالب (عليه السلام) مؤمن قريش ، عبدالله الشيخ علي خنيزي
- * ابوطالب (عليه السلام) يگانه مدافع اسلام
- * اثبات الوصيه ، علي بن الحسين المسعودي ، منشورات الرضى . قم
- * احكام و آداب جلد ۱- آيت الله العظمى آقاى گلپايگانى ۷
- * اسدالغابه ، ابن اثير الجزرى ، دارالحياى التراث العربى لبنان بيروت ۱۳۹۰
- * اسنى المطالب فى نجاه ابيطالب ، سيد احمد زينى و طلان مفتى الشافيه مكه
- * الاصابه فى تمييز الصحابه ، احمد بن علي بن الحجر عسقلانى ، تحقيق شيخ عادل احمد ، دارالكتب البنان ، بيروت
- * اعلام الورى ، ابو جعفر محمد بن الحسن طوسى
- * اعيان الشيعة ، سيد محسن امين ، دارالتعارف بيروت
- * امالى ، محمد بن علي بن الحسين ملقب بالصدوق ، مؤسسه العلمى بيروت ۱۴۰۰
- * انساب الاشراف ، احمد بن يحيى بن جابر بلاذرى ، دارالتعارف بيروت ۱۳۹۴
- * بحار الانوار ، علامه محمد باقر مجلسى ، مكتب الاسلاميه ، تهران ۱۳۶۳
- * بدايه و النهايه ابوفداء اسماعيل بن كثير دمشقى ، احياء التراث بيروت ، ۱۴۰۸
- * البرهان فى تفسير القرآن ، سيد هاشم بحراني
- * بقيق الغرقد ، الشيخ محمد امين الامينى ، نشر مشعر ، ۱۴۲۸ ق
- * تاريخ ابن خلدون المسمى بكتاب العبر ، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون مغربى ، مؤسسه الاعلمى بيروت
- * تاريخ ابن عساكر ، ابوالقاسم على شافعى ، مؤسسه محمودى بيروت ۱۳۸۹
- * تاريخ الخميس ، حسين بن محمد دياربكرى
- * تاريخ المدينه المنوره ، ابوزيد عمرو بن ابى شيبه ، دارالفكر ايران ، قم ۱۳۶۵

* تاريخ طبرى ، ابو جعفر محمد بن جرير طبرى ، دارالكتب الاسلاميه بيروت ١٤٠٦

* تاريخ يعقوبى ، يعقوبى

* تذكره الخواص سبط ابن الجوزى ، مؤسسه اهل البيت (عليهم السلام) ، بيروت ١٤٠١

* تفسير مجمع البيان ، الشيخ ابو على الفضل بن الحسن الطبرسى

* تفسير نورالثقلين الشيخ عبدعلى بن جمعه العروسى الحويزى

* تفسيرالصفى ، ملامحسن فيض كاشانى

* الحججه على الذاهب الى تكفير ابيطالب ، فخار بن معد الموسوى

* الخرائج و الجرائح ، قطب الدين راوندى

* دلائل النبوه البيهقى

* الروض الانف ، ابوالقاسم السهلى

* روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن ، ابوالفتوح رازى

* روضه الواعظين ، محمد بن فتال نيشابورى ، نشر شريف رضى ، قم ١٣٦٨

* سيره ابن اسحاق ، محمد ابن اسحاق

* السيره النبويه ، عبد الملك بن ايوب بن هشام الصمدى ، دارالتراث العربى ، بيروت

* سيره حليبه ، على بن ابراهيم الحلبي

* شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد ، انتشارات علميه قم

* صحيح بخارى ، محمد بن اسماعيل ، دارالفكر ، بيروت ١٤٠١ ق

* طبقات الكبرى محمد ابن سعد ، دار صادر بيروت ، لبنان ١٩٩٦ م

* الطرائف ، سيد بن طاووس

* الغدير ، علامه الشيخ عبدالحسين احمد الامينى ، دارالكتب اسلامى ، ١٣٧٤ ش

*فروغ ابدیت ، آیہ اللہ شیخ جعفر سبحانی

ص: ۳۷۱

*فصول

المهمه على بن محمد بن احمد مالكي ملكي، دارالاضواء، بيروت ١٤٠١

*كافي، ابي جعفر بن يعقوب كليني، دارالكتب الاسلاميه تهران

*كامل ابن اثير

*كفايه الطالب، گنجي شافعي

*كمال الدين، محمد بن علي بن الحسين ملقب بالصدوق، مؤسسه نشر اسلامي قم، ١٤١٩ ق

*مجالس المؤمنين

*المجدي في أنساب الطالبين، نجم الدين علي بن أبي الغنائم، تحقيق دكتور احمد مهدوي، كتابخانه آيه الله مرعشي قم

*مصباح المتهدج، ابو جعفر محمد بن الحسن طوسي، فقه الشيعه، بيروت ١٤١١

*مطالب السؤل، محمد بن طلحه شافعي

*مظهر ولايت

*معاني الاخبار، ابن بابويه ملقب بالصدوق، دارالكتب الاسلاميه تهران ١٣٤١

*ملل و نحل، الشهرستاني

*مناقب آل ابيطالب ابن شهر آشوب، نجف ١٩٦٥

*المناقب خوارزمي

نهج البلاغه، للشريف ابن الحسن محمد الموسوي المعروف بالرضي، ترجمه محمد دشتي، مؤسسه فرهنگي اميرالمؤمنين

(عليه السلام) قم، چاپ نهم، ١٣٨٣

ص: ٣٧٢

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

